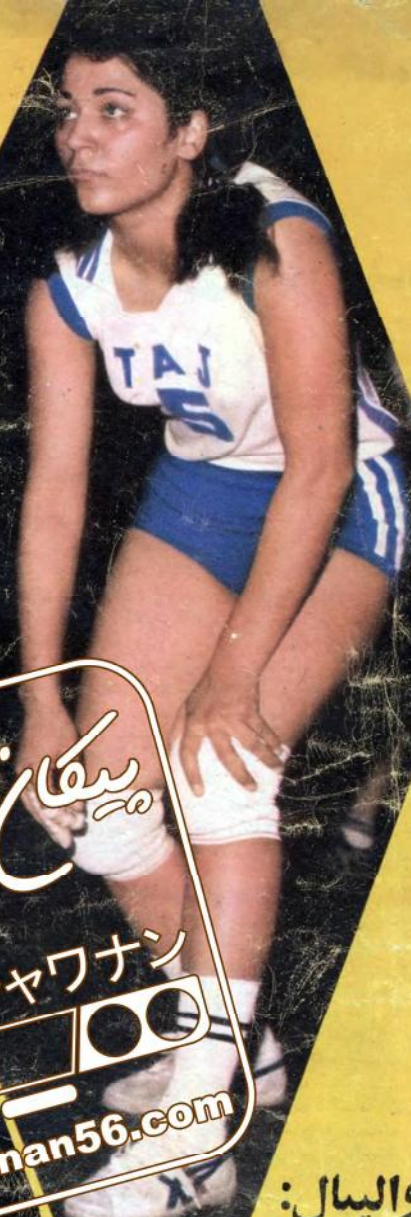




نشریه ورزشی اطلاعات
 قیمت ۱۵ ریال
 شماره ۲۲۸
 شنبه نوزدهم بهمن
 ۱۳۵۳



میگان جوانان ۵۶

ペイカン ジャワナン

www.javanan56.com

برنامه کامل

فوتبال جام تخت جمشید

ذوالفقار نسب - صباحی - طیبی

پرسپولیس - دارائی و راه آهن

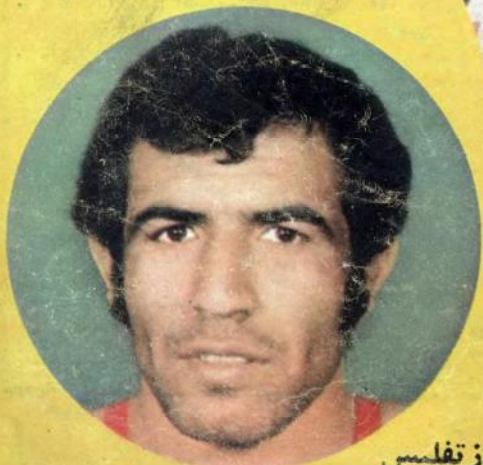
تیم میلان . آ. ث خواستار ایرانپاک شد

والیبال:

دیدارهای اوج دختران

پیوند کلیه دهماری موفقیت بار بود

بسکتبال: بزرگان در تنگنا



۴ مدال و ۶ پیروزی ، ارمغان ۹ کشتی گیر از تفلیس

فرامرز تهرانی رفیع

کمکهای سازنده

در خبرها آمده بود که اداره کل تربیت بدنی آموزش و پرورش در تدارک برنامه های گوناگونی که برای ورزش مدارس انجام میدهد بیش از ۲۰۰ مربی دختر و پسر را از گذراندن دوره های مختلف آموزشی برای انجام برنامه های ورزش مدارس در خدمت گرفته که این گروه به استانه ها و مراکز مختلف سفر کرده اند تا تحولی تازه در ورزش دبستانها بوجود آورند.

طبق یک برنامه پیش بینی شده این اداره سه هزار هنرآموز ورزش و دبیر فارغ التحصیل بختم بخت خواهد گرفت تا کادر لازم را برای بسیج ورزش آموزشی بوجود آورد. اینها همه وسایل برنامه هائی که در دست اجرا است نشانه هائی تازه از بیداری ورزش مدارس ایران است که امید داریم تنها یک آرزو نباشد.

بدریافتن این واقعیت که ورزش مدارس ما طول ده سال گذشته آنچنانکه لازمه سازندگی برای یک جامعه پیشرو و سلامت است در جهت تکامل گام برداشته دستورالینست و مورد تأیید همگان است و در این باره فراوان گفتگو شده است. از این رو اعتقاد داریم در راه سازندگی و بوجود آوردن تحولی تازه گرچه کار سخت دسوار است ولی غیر ممکن نیست.

وزارت آموزش و پرورش با برنامه های تازه و امکانات جدید همانگونه که با انتخاب مدیر کلی جدید در راه این تحول ورزشی قدمی نو برداشته است لازم با بوجود آوردن امکاناتی تازه از لحاظ گسترش این اداره - امکانات مالی و قدرتی تازه به مسئولین آن اجازه خودنمایی و نتیجه گیری و اجرای برنامه های بزرگتر را به ورزش مدارس ارزانی دارد.

اگر در فرهنگ ما آموزش و پرورش همینگونه که در کنار هم وزارتخانه های را تشکیل میدهند در اصل نیز تفکیک ناپذیر باشند باید که امکاناتی هم از لحاظ مادی و معنوی برای رشد آنها در نظر گرفته شود ولی در این مورد تردید فراوان است.

فرهنگ گذشته ما و آموزش و پرورش امروز دین خود را به پرورش ادراک نکرده است و تربیت بدنی مدارس ما طول ۱۵ سال گذشته از خیلی امتیازات حیاتی محروم گردیده، نه معلم ورزش نمونه داشته ایم، نه تلاشی برای بوجود آوردن هیجان در جامعه زمختی که بدون مزد کار فوق برنامه انجام داده صورت گرفته است و نه ارزشهای معنوی و اینکه در تدارک بوجود آوردن تأسیسات لازم برای پشتیبانی گوناگون تهران و شهرستانها بوده ایم نه بودجه ای لازم صرف خرید وسائل لازم برای ورزش کرده ایم در چنین شرایطی چگونه میتوان تحول بوجود آورد؟

تردید نداریم که این برنامه ها سازنده است ۲۰۰ هنرآموز ورزش و تربیت ادراک طول ششده خدمتی ارزنده و چشم گیر است که گوشه ای از دردها را درمان میکند ولی وزارت آموزش و پرورش برای بنیان نسلی استوار تر و سلامت این جامعه و بوجود آوردن هیجان - رغبت و سلامتی و تلاش در جامعه آموزشی کشور باید تربیت بدنی آموزش و پرورش را باور کند و آنرا در مرتبه ای بالا قرار دهد. برنامه ای سه یا ۵ ساله باید داشت که با یک بررسی کلی امکانات انقلاب ورزشی را در آموزشگاهی استوار کرد.

اقدامات تازه اداره کل تربیت بدنی نشانه های بیداری و تحولی تازه در ورزش آموزشگاههاست ولی اعتقاد ما اینست که باید این واحد پر تلاش را به برنامه های تازه که هنوز بدرستی شکل نگرفته و جوان و تازه است چنان کمک کنیم که قدرت داشته باشد عقب ماندگیهای سالهای گذشته را جبران کند.

در این راه اگر بررسی شود، به روشنی مشخص میگردد که درد اصلی نبودن امکانات کافی از لحاظ مالی - وسائل و مکان است گو اینکه به مریمان بیشتری نیاز داریم ولی اساسی ترین مسئله برای بهره گیری از هنر قدرت مریمان موجود این سه اصل است و در این راه گذشته از کمک پدیدری وزارت آموزش و پرورش، اداره تربیت بدنی آموزشگاههای کشور نیاز کلی به پشتیبانی - شهرداریها - اجتماعی خانه و مدرسه - تربیت بدنی کشور - تربیت بدنی ارشد و واحدهای دیگر کشور دارد تا امکانات تازه برای میلیونها دختر و پسر دانش آموز از جهت ورزش و به سازی این نسل بوجود آورد.

در این راه در قدم اول اگر باشگاههای ورزشی - شرایطی بوجود آورند که مدارس از امکانات ورزشی آنها (مکان و وسیله) بهره گیری کنند قدمهای استواری در آغاز شده و در ادامه و تا بوجود آوردن شرایطی تازه این کمکها میتواند سازنده امیدهائی باشد که برای بارور شدن آنها اداره تربیت بدنی آموزش و پرورش تدارکاتی تازه به نشانه های بیداری و تلاشی نو آغاز کرده است و این طنینی است امیدبخش که برای ادامه آن باید تمام سازمانهای مملکتی کمکي بدیع نمایند.

یادداشت های هفته

«آسیا»ی کوچک!

جعفر دهقان

فوتبال جوانان آسیا در تهران بمقام قهرمانی رسیدند. غروری بیش از حد در وجودشان موج میزد. اما حالا فوتبالمان بعدی است که اگر تیم جوانان عنوانش را در مسابقات جوانان آسیا در کویت حفظ نکند، احساس قصور خواهیم کرد. چون این مهم نه تنها برای خود ما بلکه برای صاحب نظران آسیائی و اروپائی بسیاری نیز یک حقیقت پلانک میماند که ایران قدرت برتر فوتبال قاره است. گواه این امر گذشته از مقایسه کیفی کار، نگاه به مسابقات مهم قاره آسیا، جام ملتها، بازیهای آسیائی و جام جوانان است که عنوان قهرمانی این سه مسابقات مهم در سطح قاره از آن توپچیهای ایران است.

برای حفظ این موقعیت و ادامه طبیعی سیر صعودی که فوتبال ما در ده سال گذشته داشته است، برای آنکه در پایان دهه بعدی نیز به فوتبال خود با توجه به شرایط بایلم، باید پهمان شکل که در سال ۱۹۶۴ یله خانگانی را شکافته و به پهنه آسیا گام زدیم، حالا همه پيله آسیائی قلمبه کینه را بشکنیم. از حالا به بعد میارهای آسیائی دیگر نمی توانند و نباید سنگ محک شناخت و مورد مقایسه فوتبالمان باشند.

حالا فوتبال ما بمرحله ای از پیشرفت گام نهاده که برای ادامه راه طبیعی و سیر صعودی خود باید با قدرتهای برتر از فوتبال موجود آسیا عجبین شود. ما اکنون بیش از هر چیز نیاز به باگذاردن به اروپا، تماسهای بیشتر با تیم های اروپائی و در صورت امکان شرکت در تورنمنهای اروپائی داریم. قدر مسلم چنین فرصتهائی بساندگی نصیبمان نخواهد شد. ولی با تکیه بر عناوین آسیائی خویش حداقل بتوانان تنها کشور آسیائی میتوانیم نظر موافق کشورهای اروپائی را جلب کنیم.

هفته پیش از خبر دعوت شدن تیم ملی امید ایران (زیر ۲۳ سال) برای شرکت در بیست و پنجمین دوره مسابقات فوتبال بین المللی کان در فرانسه که فروردینماه برگزار میشود آگاه شدیم، بی اغراق شادی بیشتری به نسبت فتح جام جوانان آسیا در سال پیش در بانکوک به وجود نیجه انداخت. چون دعوت شدن به یک تورنمنت اروپائی که امیدهای یکی دو سال آینده زبده ترین تیم های ملی اروپائی و امریکائی در آن شرکت دارند برعکس برغرورتر از پیروزی بر هند - کره - برمه و دیگر تیم های مدعی در مسابقات جوانان آسیا است. همانطوری که رفت در آسیا دیگر چیزی برای آموختن نداریم، عنوان تازه ای که فتحنی بیش از گذشته سر بلندمان کند نیست. اما در اروپا، کیم فوتبال فوق مدرن امروز دنیا فقط بازی با حریفان اروپائی، آموختنیهای بسیار بیا خواهد داد. بنظر من دعوت شدن تیم امید ایران به این مسابقات بزرگترین پیروزی و بالاتر از تمامی افتخارات جوانان در گذشته است.

اما آفتوسم اینست که رهبران بیدار فدراسیون فوتبال در این یک مورد به اشتباه عمل کرده و از شرکت در این مسابقات عذر خواسته اند! انهم بدلیل درگیری با مسابقات جوانان آسیا که همزمان با مسابقات کان میباشند. در صورتیکه برای مسابقات کان تیم امید یعنی ترکیبی از بازیکنان زیر ۲۳ سال مورد نیاز است که هیچگونه تلاقی تیم جوانان ندارد و دوم اینکه آیا عذر خواستن از شرکت در مسابقات کان، حاکی از دلخوشی مانان به زندگی در همین پيله آسیائی نیست؟! امیدوارم که چنین نباشد. ولی چه بهتر که با توجه به امکان عدم دعوت مجدد از جانب برگزار کنندگان آن مسابقات، همین امسال هم رهبران فدراسیون واقع نگرانه تر اهمیت حضور در این مسابقات را بررسی کرده و در تصمیم خود تجدید نظر نمایند.

از روزی که تیم ملی فوتبال ایران با فتح مسابقات مقدماتی فوتبال المیک سال ۱۹۶۴ توکیو برای اولین بار راهی المیک شد ۱۰ سال تمام میگذرد. در آن سال فوتبال در پيله هفته ما هیچ نام و نشانی در عرصه گسترده دنیای توپ گرد و حتی در آسیا هم نداشت. تنها سابقه گذشته ما در تاریخ فوتبال قاره دوبار شرکت در مسابقات فوتبال ایران طی اینست که تنها در پهنه آسیا قدرتی بکه تاز شده، در مسابقات مقدماتی جام ملتها آسیا در سال ۱۹۵۹ در شهر کراالا در هند بود.

مردان فکری که اولین جواز ورود به بازیهای المیک را کسب کردند در ۳ دیدار خود در بازیهای المیک توکیو جز ۲ شکست و یک تساوی کاری از پیش نبردند. اما حضور آنها در جمع ۱۶ تیم فینالیست مسابقات فوتبال المیک آغاز گر فصلی پر غوغا و پرثمر برای فوتبال این سرزمین بود. حالا ۱۰ سال از آن تاریخ میگذرد. فوتبال ایران طی اینست که تنها در پهنه آسیا قدرتی بکه تاز شده، در دنیای ورزش این سرزمین نیز فوتبال غیر قابل مقایسه با همه ورزشهای دیگر شده است. حتی کشتی با همه سنتهای قدیمی و پهلوانی این تحت التسماع موجودیت و توجه روزافزون به فوتبال قرار گرفته است. به یقین تمامی پیروزیهای گونه گون مردانمان در مسابقات مختلف طی این ۱۰ سال یک به یک عاملی پرثمر در راه اوج گرفتن این ورزش در اینجا بوده اند.

عنوان دوم مسابقات فوتبال بازیهای آسیائی سال ۱۹۶۶، بانکوک، فتح مقام قهرمانی پنجمین دوره مسابقات فوتبال جام ملتها آسیا در سال ۱۹۶۸، تهران، عنوان سوم مسابقات فوتبال جوانان آسیا در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۲ در بانکوک، کسب جام قهرمانی مسابقات باشگاههای آسیا در سال ۱۹۷۰ در تهران، فتح دوباره در ششمین دوره مسابقات فوتبال جام ملتها آسیا در سال ۱۹۷۲، بانکوک، راه یابی مجدد به مسابقات فوتبال المیک ۱۹۷۲، مونته، شرکت در مسابقات فوتبال جام جهانی کویتک در سال ۱۹۷۲ در پریل، فتح جام قهرمانی مسابقات جام کورس بزرگ و جام ایران در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴ در تهران، فتح جام جوانان آسیا در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ در تهران، و بانکوک و بالاخره فتح مدال طلای مسابقات فوتبال بازیهای آسیائی سال ۱۹۷۴، تهران.

شاید اگر طی این ۱۰ ساله، در بازیهای آسیائی ۱۹۷۰ بانکوک خود کرده در همان دور مقدماتی حذف نمی شدیم و هم چنین در آخرین گام مسابقات مقدماتی جام جهانی با کمی تیزهوشی و تدبیر بیشتر شانس رفتن به جام جهانی را با دست خود تقدیم استرالیائیا نمیکردیم، حالا کارنامه ۱۰ سال گذشته فوتبال ما برعکس پر تلاوتی از آنی بود که حالا هست.

اما بنظر من در صورت کسب موفقیت در این دو مورد نیز در اصل ماجرا تغییری حاصل نمی شد. مگر تا اندازه ای شادمانی و فخر بیشتر در زمان مربوط به هر یک از این دو مسابقات.

بهرصورت با همین افتخارات و پیروزیهای که اینجا از آنها یاد شد، ۱۰ سال گذشته بصورت یک دوران طلایی در فوتبال ایران جلوه گر میشود ولی برای اینکه در پایان ۱۰ سال آینده ما همه طلایی دیگری برای فوتبالمان داشته باشیم، آیا تکرار همین پیروزیها و فتح مجدد همین عناوین میتوانان کافی باشند؟ این سؤال پاسخی روشن دارد... خیر!

ما حتی همین امروز، دیگر به پیروزیهای آسیائی قانع نیستیم. شاید دو سال پیش وقتیکه جوانانمان در بازدهمین دوره مسابقات

حسین حساری یک اطلاعیه کافی نیست!

ابوالفضل جلالی مثل رعد

آدم وقتی نقشش از جای گرمی بلند شد، هزار و یک طرح و نقشه میریزد و خلاصه آنچنان کارها رو کلاسه و روبراه جلو میدهد که گویی قادر است زمین و زمان رو بهم بدوزد. بعضی ها در پیله آرامش و زندگی مرفه خود به طرحهای دست میزنند و صحبت از چیزهایی میکنند که گویی این غریبه ها ناگهان میخوانند با معجزات خود اوضاع را دگرگون کرده و بهشت تازه‌ای را بوجود آورند.

از این قماش آدمها تو ورزش و بخصوص در فوتبال هم اغلب سرو کله‌شان پیدا شده، جام تخت جمشید آهن ربائی بود که خیلی از اینها را بسوی خود کشید و هوس نیم و نیم داری را به سر آنها زد، هیاهوی فوتبال و تبلیغات مفت و مجانی آن که کلیه وسائل ارتباط جمعی در این راه از جان مایه گذارده‌اند، از عوامل اصلی و انتهائور، آمدن برخی آدمها و بعضی موسسات ملی و دولتی در فوتبال بوده.

هر روز پیشنهادهای تازه‌ای می شنویم، کاشی «الف» حاضر شده فلاں مبلغ مایه بگذارد و تیمی تدارک ببینند. شکلات سازی «ب» اگر در جام تخت جمشید مکانی بیاید همچون ارسال انگلستان موقعیت برای تیم و فوتبالیستهای خلق میکند، بانک معروف «پ» اگر اجازه شرکت در جام تخت جمشید را بیاید، یک بارو دست فوتبالیستهای میدهد و آنها را داخل گاو صندوق غول پیکر بانک میکند تا هرچه میخوانند بردارند!

فلاں کارخانه مربوط به «گاز» نوید میدهد که اگر من به جام تخت جمشید بیایم، گاز تمام فوتبالیستها که مجانی هست هیچ افراد فامیل و دوستان بازیکنان هم مادام‌العمر از گاز مجانی استفاده میکنند و خلاصه اقدر گار میدهم که آتش براه افتد!

جز اینها گوشهای من چیزهای دیگری را هم از موسسات و افراد خاص نفوذ دیگر شنیده که از حوصله نوشتن همه آنها در این یادداشت کوتاه خارج است.

آنها که قبل از آمدن به هیاهوی فوتبال، صحبت از زمین چمن، استادیوم اختصاصی، مربی خارجی و امکانات طلایی میکنند و با این وعده های شیرین قلب مسئولین فوتبال را تسخیر کرده و برای خود جای پیدا میکنند، با گذشت زمان و آگاهی از مشکلات پی در پی وقتی به پیچ و خمهای فوتبال میرسند آنچنان خود را کنار میکشند و دم از بیوفائی دیگران میزنند که اگر کسی از تب و تاب این موقع آمدن خبر نداشته باشد، کلی دلش کباب میشود و غصه، غمهای تلخبار شده آنها را که در فوتبال به روز سیاه نشسته‌اند میخورد ولی اصل کلی اینست که آقا بساط را جمع میکند و میروند چون از اول خانه اش اینجا نبوده و عوضی آمده یا آورده شده که کسی ضرر می بیند؟ نه فوتبال و فوتبالیست و مربی و دوستدار فوتبال و خلاصه همه کسانی که به وعده های دل خوشکنک برای خود کاخهای رویائی ساخته بودند، جام تخت جمشید در عمر کوتاه خود چنین مواردی را کم ندیده، هنوز انحلال تیم نور بدست موسس آن از یاد نبرده‌ایم، همینطور مانعین سازی را که با هیاهوی فراوان از تیریز ظهور کرد و بدنبال سقوط آتش خاموش شد و حتی خاکسترش را هم یاد برد.

یا اگر به گذشته دورتر بنگریم، پیکان با آنهم امکانات طلایی تنها دوسال عمر کرد، این سوابق لرزان و سست گذشته، چگونه میتواند ما را به شک نیاندازد که برقی شیراز، تراکتور سازی تیریز و ایوبمسل مشهد نیز خدای ناکرده در آینده نزدیک سرنوشتی اینچنین پیدا نمایند، روسیاهی آن برای فوتبال، یادگار از تلاش و زحماتی باشد که در راه ورود این تیمها متحمل شده.

فدراسیونی که همه تلاش و کوشش در بسط و توسعه فوتبال بوده و بارها اعتماد به افراد و موسسات با نفوذ در این راه جستجوگر امکانات ایده‌آل برای فوتبال است باید بیدار باشد آنها که مثل رعد میایند و چون برق میروند چرخ فوتبال را کند میکنند.

بهرحال بازار گرم فوتبال را تیمهای تازه از راه رسیده که سخت عرق کرده‌اند و میگویند تب تند عرق میاورد، به روزی انداخته‌اند که کار و سرمایه گذاری در تورم موجود اگر پایداری نباشد فوتبال ما را یکباره در راسبتی سقوط قرار میدهد. آرزو کنیم که تیمهای نوریسیده پایداری و استقامت بیشتری نشان دهند و قاره‌هایی نباشند که با رعد شگفته شود و با برق بدرد حیات بگویند.

چندی قبل فدراسیون شای کشور طی اطلاعیه‌ای که در اکثر جراید ورزشی پایتخت بچاپ رسید، اعلام داشته بود که نوجوانان و آنها که هنوز سنشان به ۱۲ سالگی نرسیده و علاقمند به یادگیری و آموزش ورزش شنا میباشند، می توانند همه روزه بعدازظهر با پرداخت داشتن شناسنامه خود بدست فدراسیون واقع در استخر امجدیه، جهت نامویشی و اطلاع از روزهایی تمرین مراجعه کنند.

درست بخاطر ندارم که اطلاعیه آگهی مانند فدراسیون شنا، درست یا همین جملات و کلماتی که از نظر گذشت همراه بوده باشد ولی در متن آن اطلاعیه منظور و قصد بالا چشم میخورد. فدراسیون شنا که کم کاریش و کارنامه ناکاکی اش در بازیهایی آسیائی تهران زیر درختش قهرمانان واترپولو فرواش شده بود، با این کار قصد به سازی و بهتر جبران اشتباهات گذشته را داشت و این خود امیدوار کننده و در خور بحث بود. نمیگویم که فدراسیون شنا و مسئولین آن در حالی به صرافت دعوت از جوانان افتادند که مشاهده کردند، فدراسیون ژیمناستیک همسایه دیوار بدیوار آنها در امجدیه تحرک و جنب و جوشی تازه یافته و همه گاه چهری آهی خرسال و نوجوان در سالن ژیمناستیک به آموختن این فن مشغول هستند.

و آنها نیز برای خالی نبودن عریضه و عنوان کردن این مساله که تنها زندگی این فدراسیون در پناه پیروزی واترپولو نیست، همچنانکه گذشت با اعلام یک اطلاعیه از علاقمندان نوجوان شنا دعوت بعمل آوردند. تا بتوانند خلاء موجود را به شکلی پر کنند. ولی یادآور می‌شویم که این مهم تنها با انتشار یک آگهی حل نخواهد شد و محتاج توجه و تفکر فراوان برای ساخته و پرداخته شدن این اندیشه میباشند.

در درجه نخست وجود مژدانی پر حوصله و آشنا به فن شنا که بتوانند بی تجربگی و ضعف فراوان جوانان را تحمل کننلازم بود که با شناخت چهره های مستعد، یک پشوتانه مطمئن برای سالهای بعدی این ورزش بوجود آورند.

بخاطر حرفه مطبوعاتی، دوستان اداری خواستار معرفی فرزندان خود از طریق من و همکارانم بفدراسیون شنا بودند و چون نیت خود در پیش بود و فدراسیون شنا قصد توجه به جوانان را برای خرید هدف قرار داده بود، چند نفری را به فدراسیون معرفی کردم.

چند ماهی گذشت و در همین زمان جست و جویته مطالبی یاس‌آور از دیگر همکارانم که بیشتر با شنا و این فدراسیون در تماس هستند بگویم میخورد که حتی استخر سر پوشیده امجدیه که روزی هدف و آمل بزرگ شناگران ما میبود، اکثرا تحت اختیار دانش‌آموزان دبستان امریکائی هاست یا اینکه در تصرف بچه های امریکائی است، که حالا میگویند در این برنامه تجدید نظر شده.

داریوش شاهرخی این قصه ورزش ما است

سورمه‌ای پوشها صف بسته بودند، مسابقه بسکتبال بود و دو تیم سازمان آب و هوا با پیراهن سرخه در میدان حاضر شده بودند. داروان مسابقه حیران بودند که چطور باید میان دو تیم هورنگ داور و قضاوت کنند؟ اما فدراسیون بسکتبال، بواسطه حادثه‌ای شبیه این که در دوره مقدماتی اتفاق افتاده بود، قبل از آغاز مسابقات نهایی پیش‌بینی لازم را کرده بود و طی بخشنامه‌ای به باشگاه ها اطلاع داده بود که در چه بازی باید از رنگ روشن و در کدام بازی باید از رنگ تیره استفاده کنند. در وهله اول بنظر می رسید که این ابتکار کار را حل کرده باشد. گذشته از این، طبق مقررات، هر باشگاهی که وارد میدان میشود، باید دو رنگ پیراهن داشته باشد تا در صورت ضرورت آنرا عوض کنند، در حقیقت، همانطور که میدانیم، علت اینکه نفرات دو تیم مخالف باید رنگهای کاملاً متفاوت داشته باشند، این است که داور بتواند بخوبی کار کند و تشخیص بدهد چه کسی خطا کرده است که این در حقیقت بفع هر دو تیم نیز هست و تماشاگر نیز آسوده‌تر خواهد بود.

از طرف دیگر هر باشگاهی یک رنگ پیراهن مخصوص بخود دارد و بازیکنان ترجیح میدهند از رنگ مخصوص بخودشان استفاده کنند، که البته بر آن نیز نمیتوان ایرادی وارد کرد. در اروپا، برای اینکه جنبه های ورزشی و اخلاقی در مسابقه حفظ شود باین ترتیب عمل میشود: چنانچه دو باشگاه از لباس هورنگ استفاده می کنند، تیم مهماندار با احترام میهمان از رنگ دیگری بغیر از رنگ معمول خود استفاده می کند و درگیری نیز بوجود نمی آید و میتوان آنرا در عین حال، یک رست ورزشی خوب دانست. گذشته از این رنگ پیراهن هر باشگاهی نیز مشخص است و مثلاً همه میداندت رنگ پیراهن آن باشگاه قرمز و آن دیگری صورتی است و با این شناخت، تماشاگر مرتب سوال نمیکند، این کدام تیم است و آن دیگر، چه تیمی است. در هر صورت هنگام دیدار سازمان آب و هوا دو تیم با پیراهن سورمه‌ای وارد میدان شده بودند و هر کدام عقیده داشتند

ابتدا فکر میکردم که حضور امریکائی ها در ساعات تمرین نوجوانان داوطلب می باشد ولی کم کم این مسئله دستگیر شد که فدراسیون شنا نیز مانند همه کسانی که در ورزش ما هستند و آغاز یک کار را با بوق و کرنا باطلع می‌ریسایند، بخاطر اختلافاتی چند که گریگیرش می باشد، کم کم از آن شور و شوق و صرافت گذشته افتاده است و بالنتیجه تمرین نوجوانان تعطیل و چند خط در میان شده است. بچه هاییکه با شور و علاقه به استخر میرفتند و بهم سن و سالهای خوب فخر میفروختند که در استخر آمجدیه تمرین می کنند، حالا کم کم در حاشیه استخر دیده نمیشوند و تلفتهای مکرر و تماس با والدین همان چند معرفی شده بفدراسیون شنا این حقیقت تلخ را برایم شکل حقیقت بخشید که به بقول معروف آن «همه را لولو برده و حالا بر خلاف همسایه دیوار بدیوار فدراسیون شنا، که روز بروز به تعداد علاقمندان آموزش ژیمناستیک بخاطر توجه فدراسیون زیادتر میشود، سکوت جانشین آن شور و شوق گذشته شده است.

بزمناهای دورتر میروم، زمانی که یک جنوبی بنام شاهرخ زاوش در شای ایران، برای اولین بار ۱۰۰ متر را زیر یکدقیقه شنا کرد و برای تشویق او را به الپیکادرم فرستادند. اعزام او نه بخاطر کسب مدال و عنوان بود، بلکه زاوش را بخاطر پشتکار و علاقمندیش به رم فرستاد تا سرمشقی خوب برای جوانان باشد و آنها که تلاش و کوشش می کنند بدانداجر و پاداش زحمات آنان نادیده گرفته نخواهد شد.

از آن تاریخ که قریب ۱۵ سال سبری شده ورزش شای ایران بعضی صعود نزول نشان داده و در خطه جنوب که مردانش در ورزش شای پایتخت شهره بودند، حالا آن تحرک و علاقمندی نیست. در حالیکه آن زمانها همه افسوس داشتند استخر سرپوشیده را میخورند و در برخورد با هر شاگرگی که می پرسیدی چرا سطح رکوردها این اندازه پایین است، جواب میداد، بابا با سه ماه تمرین که میشود رکوردی جاچا کرد! ولی حالا می بینیم با ۱۲ ماه تمرین نتایج به نیست گذشته می نیست.

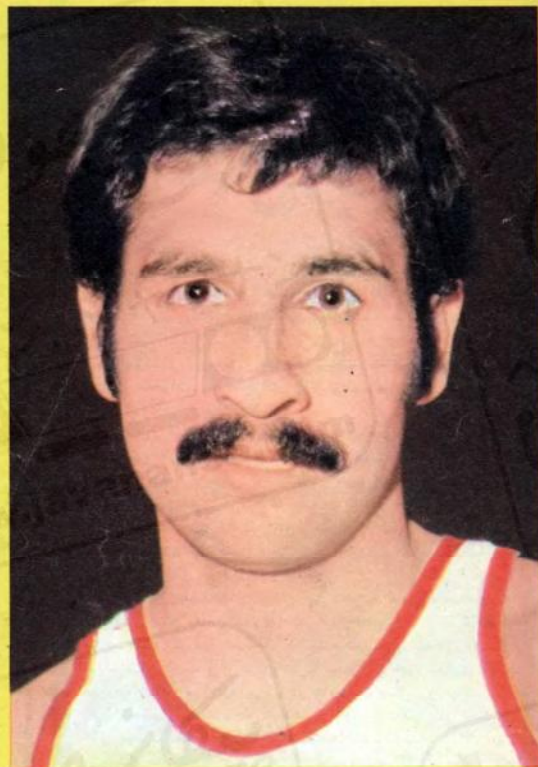
اینها همه نمودار اینست که برای دگرگونیه نیاز به استقامت - مدیریت - پشتکار و عاشق بودن داریم والا اگر کار اداره فدراسیونها، برنامه ریزی و مدیریت آن تنها با یک اطلاعیه حل میشد که ورزش امروز نیاز به آدمهای سازنده - عاشق - خلاق و استوار و مقاوم داشتند.

امید من اینست که این سکوت مقدمه‌ای برای تحولی تازه باشد و برنامه های تدارک شده برای پشتوانه شنا هرچه زودتر آغاز گردد در غیر اینصورت تردید نکنید که چاپ یک اطلاعیه در نشریات قادر نیست دگرگون کننده هیچ سنت کهنه‌ای باشد و پدیدآورنده هیچ تحولی تازه.

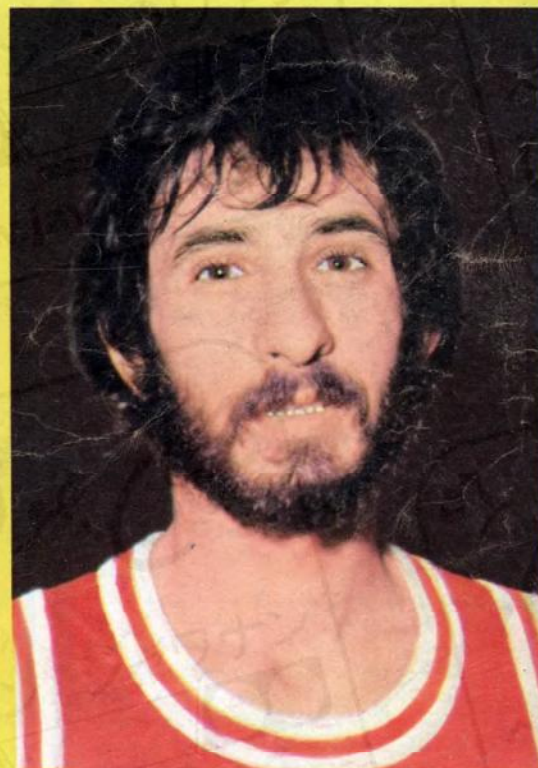
که این رنگ، رنگ باشگاه آنها است و هیچ کدام حاضر نبودند پیراهن خود را عوض کنند. پس از مدتی کشمکش و وقت گزرائی، بالاخره قرعه بنام تیم سازمان آب افتاد که پیراهن خود را عوض کند، در حالیکه این تیم هما بود که طبق برنامه تهیه شده از طرف فدراسیون میبایست از رنگ روشن استفاده کند. تیم هما عقیده داشت که رنگ سورمه‌ای رنگ باشگاه است و نباید تعویض شود، که البته ماجرا بعیل تیم هما خاتمه یافت. در این کشمکش که ظاهری غیر ورزشی دارد و نمایشگر کم گذشتی است، نمیتوان نکته مثبتی پیدا کرد. خیلی زیاتر بود اگر حداقل آن ژست ورزشی روی صحنه می آمد.

ما وقتی میخواهیم از یک در عبور کنیم هزار نوع فرماتیم و خواهش میکنم و تمنی میکنم میگوینم اما همینکه موضوع یک کمی جدی میشود طوری عمل میکنیم که گویی آن آدمهای جلوی در ما نبوده‌ایم. همه چیز را فراموش میکنیم و روی یک موضوع بی اهمیت بیش از اندازه تکیه میکنیم. بخصوص در ورزش که چنانچه جوامرد باشیم، باید آنرا پیش از هر جای دیگر نمایش دهیم.

گذشته از همه این عیوب چطور میتوان از دستور عدول نمود برقرار برگزاند کننده مسابقه، برای جلوگیری از بوجود آمدن این کشمکشها پیش بینی لازم را کرده است و برای هر مسابقه رنگ پیراهن دو تیم را مشخص نموده و بموقع باطلع باشگاه ها رسانیده است، اما تنها کاری است که برگزار کننده میتواندست انجام دهد که البته تحقق یافتن آن بستگی به باشگاه ها دارد. بهرحال بقول معروف ما، همانطور که در زندگی خصوصی خود گاهی از سوراخ سوزن رد می‌شویم و گاهی جلوی دروازه تهران گیر میکنیم، در ورزش نیز همینطور هستیم. هرچه جستجو کردم اسبی با مسمی برای این کار پیدا کنم، موقت نشدم و تنها با خلوت خود گفتم این قصه ورزش ما است. از بالا تا پایین و بقول معروف تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل



مظفر بنی هاشمی «هما»



رسول جوادی
«پرسپولیس»

نادر کاشانی، کاپیتن تیم پاس

نادر کاشانی شماره ۱۲ پاس هنوز آسی برنده در بسکتبال مردان ایران است. اینجا او تویی را با حضور دو مدافع تهران جوانی، زیر حلقه حریف تصاحب کرده است.

کلانی حاکم توپهای هوایی

«کلانی» در نوك حمله متعصب و جنگجو بود، خط دفاعی تیم ارتش ایتالیا از جانب او عذاب فراوان کشید، خداحافظی برای این مهاجم هنوز خیلی زود است



روشن ناجی تیم ارتش ایران

«روشن» بازهم نجات دهنده بود او سرانجام با گل زیبایی که بشمر رساند مانع از شکست تیم ارتش ایران شد، مدافعان بلندقد ایتالیائی از دست این کوچولو به امان آمده بودند



«هما» تیمی که میخواهد

که اگر چه کارشان در حد قدرت واقعی و نهفته آنها نبود ولی «هما» در سایه همین تلاش و صمیمیت یاران در ۲ دیدار برابر تهرانجوان و پرسپولیس نمایشگر والیبال دلیزیر بود.

نشانه افتخار

«هما» از تیمهایی است که این بخت را دارد تا در والیبال پایتخت یک قطب بزرگ باشد ولو اینکه طول دوران چند ساله اش نیز بوده است و در پی یافتن دلایل آن باید به مسئله علاقمندی خاص دست اندرکاران امور ورزش باشگاه «هما» به والیبال اشاره کرد و این نیروی است که میتواند برای تیم والیبال هما یک ستون مستحکم برای استواری باشد.

سال پیش همتاها علیرغم آمادگی اولیه در بازیها حاضر نشدند و علتش نیز مسائل داخلی؛ درگیری بازیکنان با امور شخصی در کنار هم «هما» را غایب ساخت و امسال با تلاشی تازه و سود بردن از مهره هائی تازه «هما» بار دیگر شکل گرفت.

سابقه این تیم سرشناس پایتخت به نزدیک ۷ سال پیش بازمیگردد که با جمع آمدن گروهی چهره های موفق بنگاه «هما» بعنوان قدرتی تازه در والیبال باشگاههای تهران ظاهر شد و از آن پس همواره نام خود را در مقام یک مدعی بزرگ حفظ کرد. این تیم که در رقابتهای باشگاهی یکتای حساس داشته است، اوج درخشش در سال ۱۳۴۶ بود که عنوان قهرمانی مسابقات باشگاههای تهران را فتح کرد.

حریف هما در آن پیکار «دخانیات» بود که بدنبال دیداری هیجانانگیز سرانجام ۳-۱ شکست را پذیرفت و این جام قهرمانی بزرگترین نشانه افتخار برای «هما» است.

پشتوانه

آنچه برای «هما» قابل تعمق است نظیر بسیاری تیمهای دیگر مسئله پشتوانه میباشد؛ که احتیاج دارد یارانی حداقل تا حدودی نزدیک به مهره های بزرگش داشته باشد؛ ولی در کنار این یادآوری مسئلهای که در نزد همتاها حائز اهمیت مینماید اینکه گذشته از چهار بازیگر سرشناس؛ سایرین کم و بیش موجودیتی همدیف دارند و چنین چیزی خود بخود میتواند یک امتیاز باشد ولی بهر صورت باید در بهتر کردن پشتوانه بکوشد.

«پشتوانه» مسئلهای است که تمام تیمهای باشگاهی ما تقریباً در مورد آن دشواری دارند و حتی «تاج» قهرمان باشگاهها نیز با آن دست به گریبان بود و تمام بازیهایش طول مسابقات را با شش چهره ثابت آغاز کرد.

مربی

پست مربیگری «هما» را مجتبی مرتضوی ملی پوش سابق والیبال ایران برعهده دارد ضمن اینکه او مربی تیم دختران نیز هست؛ «مرتضوی» در شمار مربیانی است که پس از کنار گذاردن بازیگری به اینکار روی آورده و نظیر دیگر مربیان ایرانی کلاس و دوره ای را نگذرانده و هرچه در میدان پیاده شود حاصل ذوق و استعداد شخصی او است.

«مرتضوی» در امر مربیگری تجربه و سابقه ای طولانی ندارد و میتوان گفت تا کنون برای همتاها در دو

جمیس پارسیان نامهانی بودند که در کنار یکدیگر «هما» را مدعی بزرگ و سرسخت نمایانند؛ بخصوص اینکه اندک زمانی دورتر «محمود میرفتاحی» نیز در این جمع بود که «میرفتاحی» چندی پیش از آغاز مسابقات باشگاهها در سفر تیم والیبال ارتش ایران به چین در یک حادثه تصادف اتومبیل از ناحیه پا دچار آسیب دیدگی شد و اکنون نیز در پکن بسر میبرد.

بهر تقدیر دیدارها تحت چنین شرایطی آغاز گردید ولی «هما» علیرغم تصویری که نامش بوجود آورده بود در کار تیمی نتوانست آن باشد که انتظار میرفت و در همان دیدارهای نخستین نشان داد تیمی آسیب ناپذیر نیست و هنگامیکه در پیکار با تهرانجوان ۳-۲ شکست خورد؛ تمام تصورات در مورد این تیم صاحب نام پایتخت در هم ریخت.

«هما» در پایان مسابقات با دو شکست در مکان سوم قرار گرفت؛ ضمن اینکه دخانیات نایب قهرمان بازیها و تهرانجوان صاحب عنوان چهارم نیز با همین کیفیت دیدارهایشان را پایان بردند و «هما» ضمن دیدار با تاج و تهرانجوان هیچگاه شانس مقابله با دخانیات را بدست نیاورد؛ در حالیکه با توجه به موجودیت ناهماهنگ دخانیات در ایندوره بازیها؛ برابر این حریف نامدار بی امید نمیتوانست باشد ولی در این گیرودار ضربت کاری و سخت را از تهرانجوان خورده بود؛ زیرا باخت به تهرانجوان در مرحله مقدماتی سبب شد با قرار گرفتن در مکان دوم گروه خود؛ در نیمه نهائی رودروی تاج بایستد و این مرزی غیرقابل عبور برای هما بود.

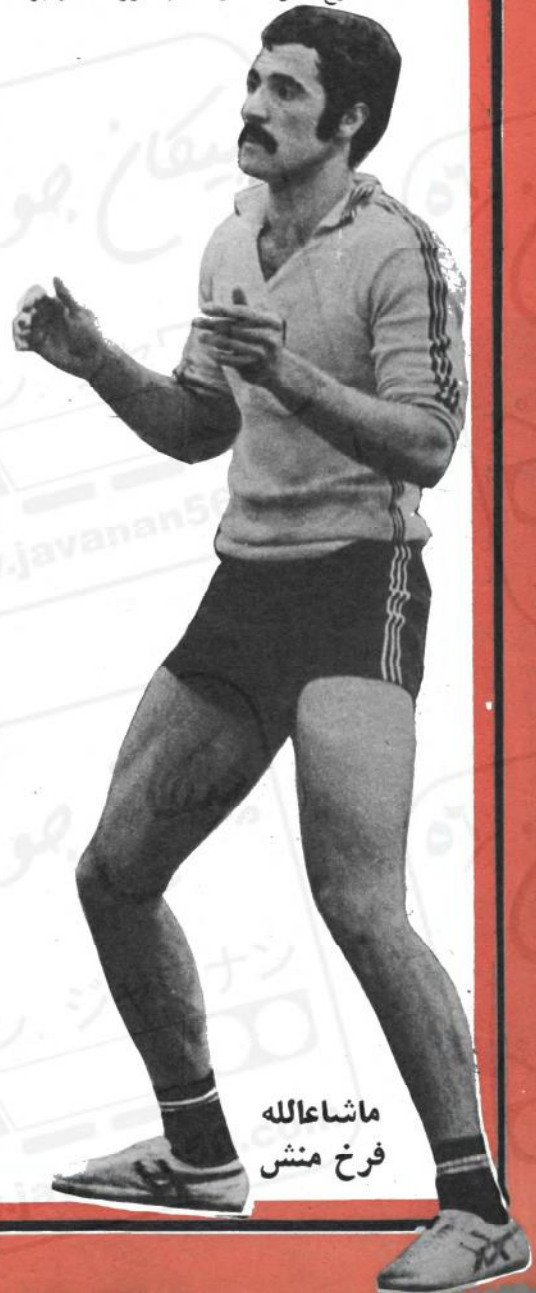
مهره های پرتوان

آنچه هما در بازیهای برگزاری نمایش گذارد اگرچه در حد انتظاری نبود که پیشاپیش در باره اش شکل گرفته بود ولی بهر حال بعنوان نیروی تازه بیازیه آمد که قابل بحث است و باید گفت ضمن اینکه کارش در حد ایده آل از نقطه نظر تیمی و نتیجه گیری موفقیت آمیز نبود ولی نشان داد؛ میتوان به در پیش بودن روزهای بهتری برای آن امید داشت که با همین موجودیت و اراده قدرت واقعی باز هم چون گذشته یک قطب بزرگ در والیبال پایتخت گردد.

«هما» از لحاظ فردی مهره های با ارزشی بخدمت دارد که هر یک در هر تیمی قادر به درخشش میباشد ولی این قدرتها در قالب یک نیروی واحد و درهم آمیخته ارائه نشدند و عدم احساس هماهنگی کامل سبب میگردد تمامی توان واقعی بازیکنان بخدمت تیم درنیاید؛ در حالیکه از سوی دیگر در کار انفرادی موفق میشوند. ماشالله فرخ منشی ملی پوش پرتوان والیبال ایران؛ ارژنگ مهاجر بازیگر بلند قامت و موفق ارتش؛ محمود محب مهره با ارزش رضائیه و جمیس پارسیان چهره درخشان کرمانشاه یاران ثابت هما در بازیها بودند ولی این اجتماع ضمن درخششهایی از جهت کار جمعی در حدی کوبنده نبود.

همانها روزهای بسیاری تمرین نداشتند تا با یکدیگر بحد کافی خو بگیرند در حالیکه بیش از هر تیمی به تمرینات منظم و شدید نیاز داشتند، زیرا علاوه بر اینکه پس از یک فصل کنار ماندن از بازیها دوباره گرد آمده بودند بازیکنان هر کدام از سوئی آمده بودند. ضمن اینکه باید گفت؛ تلاشی بازیکنان بر این پایه بود تا علیرغم این کمبود در میدان یکپارچه ظاهر گردند

بمیان آمدن نام «هما» برای حضور در دیدارهای امسال والیبال قهرمانی باشگاههای تهران «بعد از یکدوره غیبت» سبب گردید پیش از شروع بازیها هیجان تازه ای در مسئله رقابتهای بزرگان برای فتح جام سایه افکند، چرا که با قدم بمیدان گذاردن «هما» و با توجه باینکه با بخدمت گرفتن چند مهره جدید موجودیتی تازه یافته بود، انتظار میرفت فینالیست شدن چند باره دخانیات و تاج نتواند چون گذشته قابل پیش بینی باشد؛ و باین ترتیب با پیوستن «هما» بجمع مدعیان؛ پیشاپیش تصویری دلپذیر از روزهای هیجان انگیزی در رقابتهای اوج در راه دست یافتن بعنوان قهرمانی باشگاهها بوجود آورد و حتی این امید شکل گرفت تا شاید «هما» قادر باشد تزلزل در پایه های حکومت دخانیات و تاج بر والیبال پایتخت پدید آورد و این سنت برتری چند ساله را در هم بشکند. ماشالله فرخ منشی، محمود محب، ارژنگ، مهاجر،



ماشالله
فرخ منش

نتایج دیدارهای هما

مقدماتی: هما - بانک ملی: ۱۵ - ۵ - ۳
 * هما - برق: ۱۶ - ۱۴ - ۷
 * هما - فرحناز پهلوی: ۲ - ۰
 * هما - دهبیم: ۱۱ - ۹ - ۱۵
 ماقبل نیمه نهایی: هما - تهرانجوان: ۱۵ - ۱۱ - ۱۲
 ۱۵ - ۱۱ - ۸ - ۱۵ - ۱۳ تهرانجوان
 * هما - شهپاز: ۱۴ - ۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۱ - ۱۱
 ۱۵ هما
 * هما - پرسپولیس: ۷ - ۱۵ - ۱۲ - ۱۴ - ۱۵
 ۱۶ هما
 نیمه نهایی: هما - تاج: ۱۵ - ۷ - ۱۵ - ۶ - ۸ - تاج
 رده بندی: هما - تهرانجوان: ۴ - ۱۵ - ۷ - ۹ - ۱۵
 هما

تمرین ندارد ولی اندک اندک راه بازگشت به گذشته درخشان را در پیش گرفته و به موجودیت پر فروغ قبل از بازیهای آسیائی اش نزدیک میگردد و نشانه های این بیداری را در بازیهای باشگاهی تهران دیدیم. «فرخ منش» برای هما کاپیتانی است که در گردش کار تیم سنگینی زیادی بر شانه های او تکیه دارد. در پای تور با دید خوب و دقت عمل اسپکهایش پر ثمر است و در جناح پشت زمین با توپگیری خوب موفق مینماید. از ۸ سال پیش والیبال بازی میکند و ۵ سال نیز سابقه ملی دارد. ۲۳ ساله است و در حال حاضر ضمن اینکه لیسانسیه دانشسرایعالی میباشد خدمت وظیفه را میگذراند.

۱/۸۹ متر قد و ۸۴ کیلو وزن خصوصیات جسمانی او میباشد.

جمیس پارسیان

در بخش او در مسابقات سال گذشته قهرمانی ایران که در مشهد انجام گرفت: نظر رهبران تیم ملی را جلب کرد و بهمین خاطر برای شرکت در تمرینات ملی برای بازیهای تهران دعوت شد که البته در تمرینات موجودیتی موفق نشان نداد و شانس برای قرار گرفتن در جمع برگزیدگان سفر تدارکاتی به چین و ژاپن و همچنین نفرت تیم منتخب جهت حضور در بازیهای آسیائی بدست نیاورد.

ولی همین درخشش او را به تهران کشاند و «هما» خواستار او شد که بهر حال میتواند امید روزهای بهتری را داشته باشد.

«پارسیان» اهل کرمانشاه است و به همراه تیم شهرش در مسابقات قهرمانی کشور شرکت کرده بود.

محمود محب

تازه ترین ملی پوش اهل رضائیه و یکی از سه نماینده این شهر در تیم ملی بشمار میآید: که به همراه یدالله کارکر پیشه و عزیز پرتوی نشانه های موجودیت دلپذیر والیبال رضائیه در جمع ملی پوشها میباشد.

محب نیز با درخشش در دیدارهای سال گذشته مسابقات قهرمانی ایران مورد توجه قرار گرفت و پس از دعوت شدن به تهران برای شرکت در تمرینات ملی سپس راهی سفر چین و ژاپن شد و در بازیهای آسیائی تهران نیز در ردیف چهره های منتخب تیم ملی بود.

«محب» با ۲۲ سال سن: ۶ سال است در والیبال فعالیت دارد و از یکسال پیش نیز به جمع ملی پوشها راه یافته که طول اینمدت در ۱۲ دیدار ملی در خدمت تیم بوده است. ۱/۸۵ متر قد و ۸۵ کیلو وزن دارد.

ارژنگ مهاجر

از جهت ترکیب بدنی شرایط قابل توجهی دارد و قد بلند و دستهای کشیده اش این شانس را به او میدهد تا در پای تور چهره ای موفق ارائه نماید و دفاعی استوار و اسپکری پر ثمر باشد.

«مهاجر» ۱/۸۰ متر قد دارد و ۲۴ ساله است. این چهار بازیکن مهره های بزرگ هما بشمار میآیند که در واقع ستونهای تیم میباشد و چهره های دیگری که در دیدارهای قهرمانی باشگاههای تهران در خدمت «هما» بودند: اینها هستند: اسماعیل حبیبی: حسن مراد خانی، ایرج افشار پور، قاسم کرد بچه، اصغر صلاچی، مصطفی ابری.

کروه مردان و زنان تنها مربی بعنوان «راهبر» بوده: زیرا تیم دختران در شرایطی که قهرمان پایتخت بود: سال گذشته به دست او سپرده شد و برای پسران نیز فرصتی در راه سازندگی و خلق روشی خاص نداشت.

دو دیدار از بازیهای «هما» در حدی دلپذیر ارائه شد: در مسابقه اول با تهرانجوان اگر چه ۲-۳ مغلوب حریف گردید ولی جدال ایندو زیباترین و هیجان انگیزترین بازی در جمع مسابقات برگزار شده که سه ساعت بطول انجامید و سرانجام با فتح تهرانجوان پایان گرفت آنهم در حالیکه «هما» گیم سوم را در شرایط مساوی ۱۳-۱۳ با از دست دادن ۲ امتیاز باخت.

دیدار هما - پرسپولیس نیز جالب بود و پیروزی ۳-۱ هما جواز ورود به نیمه نهایی را به این تیم داد و با در نظر گرفتن اینکه مسابقات امسال آن هیجان بازیهای سال گذشته را نداشت و تعداد دیدارهایی که در سطحی دلپذیر ارائه شد فراوان نبود بهر صورت با دو بازی خوب سهم قابل ملاحظه ای در این مورد دارد.

در انتظار روزهای بهتر

شکل کار همانها همپایه روش متداول بین تیمهای باشگاهی ما است: اسپک روی پاسهای بلند. ضمن اینکه به سبب حضور داشتن جمعی از مهره های آن در تمرینات ملی و کار با مربی ژاپنی: گاهی اوقات نمایشاتی جالب در پای تور نشان میدادند.

از امتیازات بزرگی که «هما» از آن برخوردار میباشد: مسئله «قد» بازیکنانش است که در پای تور هنگام اسپک و دفاع موهبتی گرانها محسوب میشود و تنها میماند احساس هماهنگی و آشنائی کامل بین نفرت که با پیش آمدن چنین شرایطی از این امتیاز و خصوصیات برجسته دیگر مهره های تیم نتایج بهتری پدید خواهد آمد.

در کار توپگیری آس «هما» ماشاءالله فرخ منش است که در این مورد تبحری خاص دارد و اگر چه هیچ بازیکنی به تنهایی برای یک تیم کافی نمیتواند باشد ولی بهر صورت نقش حساسی بر عهده او است.

و بالاخره در پایان درباره «هما» باید گفت اگر چه در بازیهای باشگاهی امسال نتوانست سنت شکن والیبال پایتخت در حکومت تاج و دخانیات باشد ولی این بخت را نیز دارد تا بلطف نشانه هائی از قدرت و شایستگی که از آن برخوردار است خیلی زود بار دیگر اوج بگیرد.

گذشت زمان: تمرینات بیشتر و پدید آمدن هماهنگی و احساس آشنائی کاملتر «هما» را در آینده پرتوان تر بیدار خواهد فرستاد.

با این شناخت کلی به دیدار بازیکنان تیم میرویم و از خصوصیات بارز آنها صحبت میکنیم.

ماشاءالله فرخ منش

«فرخ منش» تا پیش از بازیهای آسیائی تهران با آمادگی چشم گیری که از آن برخوردار بود در شمار آسهای بدون تردید تیم ملی محسوب میشد و از مهره های پر فروغ و استوار تیم بود ولی مدتی دور ماندن از تمرینات باعث آسیب دیدگی پا و همچنین درگیری با دوران خدمت مقدس سربازی و دوری از ورزش در کار او نزولی پدید آورد. تا آنجا که مکانش را در جمع نفرت ثابت تیم ملی از دست داد. حالا چندی است اگر چه هنوز هم فرصت کافی برای



ارژنگ مهاجر



نشسته از راست: فرامرز صباچی
حسن ابراهیمی ، اصغر رعنائی ،
محمود اعتمادی و حبیب ذرین نام

ایستاده از راست: ایرج امیدوار ،
بیرنار شندی ، گارنیک شهبندری ،
عباس جواهری ، هنریک
سرکیسیان ، عباس رجبیه فرد .

تیم فوتبال بانک ملی باعنوان هفتم

سرسام در آنسوی اقیانوسها!

(اعم از ورزشی و غیرورزشی) بخاطر کمبود دستمزد دسته‌ای اعتصاب زده‌اند و علیرغم اینکه ساعتی ۸۵ سنت (۶۲ ریال) به حقوق آنها اضافه شده است مع‌الوصف دست‌آزگار کشیده‌اند و معتقدند که ساعت کار معمولی آنها بایستی از ۵۰ به ۴۰ ساعت در هفته تقلیل یابد و برای ساعات اضافی دستمزد‌های اضافی پرداخت شود . این اعتصاب طبیعتاً شامل حال کارگران تأسیسات المپیک نیز می‌شود و این در شرایطی است که همانطور که در سطور قبل آمد کارآبادی بی‌پایه و وجه رضایت‌بخش نیست . کارگران تهدید کرده‌اند که بازها را تحریر میکنند که این خود گرفتاری عجیبی است .

اتحادیه ساختمانی مونترال تصمیمات حادیه اتخاذ کرده و از وزیر کار خواست‌است تا برای ایجاد پرسنل المپیک (!) اقدامات تشدیدیه بعمل آورد .

ولی آیا باید دید که میتوان بزور و جبر کارگری را بر سر کار حاضر کرد یا خیر ؟ بهرحال همانطوری که گفتیم مونترال سرسام گرفته است و با مصائب بیشتری روبروست . ضمن اینکه از سوی دیگر در اجلاس‌های که در روز چهارشنبه ۲۲ ژانویه در پارلمان این شهر برگزار شد آقای « رزمرسو » کمیسر عالی بازیهای مونترال خارج برگزاری این بازیها را حدود ۱۶۴ میلیون دلار برآورد کرد و عایدات آنرا حدود ۴۲۵ میلیون تخمین زد که با این حساب بازیهای سال آینده حدود ۲۱۰ میلیون دلار (نزدیک به ۱٫۵ میلیارد تومان) ضرر خواهد داد !

این برآورد مسلماً باب طبع آقای « درابو » قرارگرفت چراکه وی در یکی از کنفرانس‌های قبلی خود مدعی شده بود که انجام بازیهای ۷۶ برای « کانادا » (بخصوص « کبک » و « کبک »)

مونترال (باسودی سرشار توام خواهد بود !) و شاید بخاطر همین بود که آقای شهردار در این اجلاس به دو ساعت تمام‌بخت‌ترین قرار گرفت و از پروژه‌های گنگ خود دفاع کرد . وی مدعی شد که خرج بازیها از خود بازیها در می‌آید و باصطلاح عواید حاصله (شاتاشور ، توربست ، حق پخش و غیره و لگ) تمام مخارج را مستطک می‌پایند و توضیح داد که سرمایه‌گذاری اولیه (۲۶۰ میلیون دلار) برای برآه انداختن بازیها کافیست .

آقای « درابو » بیشتر از هرکنه روی فروش بلیط های لاتاری و شرب بندی تکیه کرد ولی باتمام این احوال تلویحا به اشتباه‌حسابه های قبلی اعتراف نمود و اینکه « مقدار مصالحی که برای تکمیل استادیومها پیش‌بینی شده بود و با اتمیت اختلاف بسیار داشته است . (بطور مثال مقدار آهنی که بکار گرفته می‌شود بیشتر از ۲ برابر این جزئیست که پیش‌بینی شده بود و با مقدار بتون آرمه ۷۷٪ بیشتر از مقدار حساب شده خواهد بود) .

آقای « درابو » که ظاهراً از طرفداران پروپاقرص سلسله « انجام بازیها در شرایط پرشکوه » است کوشید ثابت کند که هرچه خرج این بازیها شود باصطلاح جای دوری نخواهد رفت و اظهار داشت که این تأسیسات پس از بازیها نیز میتواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد . یکی از استادیومها بطور مثال می‌تواند برای بیسبال و فوتبال (آمریکایی) بکار گرفته شود و دیگری به دانشگاه « کبک » واگذار شود و سومی مرکز « گنگره » باشد... ولی آنچه را که یک خبرنگار خارجی سنی فهمد ایستد که چگونه است که آقای شهردار این‌ها صحبت از حال و مشکلات برگزاری بازیها - گرفتاریهای مربوط به ساختمانهای مجموعه - تأسیسات دهکده که هنوز هیچ‌اسی از آن ساخته شده است نماید .

ایند دور را جلوی چشم خود مجسم می‌کند و پیشگویی‌هایش بعد رآمی نماید ؟ شاید در این کار حکمتی است که به علل یک‌اسایی « خام » نمی‌رسد ؟ ...

مونترال ۲۹ ژانویه ۷۵



المپیک مونترال یک میلیارد و پانصد میلیون تومان ضرر دارد!

مونترال بایستی در دنیا بی‌نظیر باشد و یک سرگردن بالاتر از « همنامی » مونیخی ، توکیو و غیره است در اینجا است که باید اعتراف کرد هیچگاه فلسفه المپیزم چون زمان حال با مقاصد مرحوم پیر و کوپرین مناسبت نداشته است و با فلسفه کنت « هارنی و بیلداتور » فلسفه‌ای که حتی هیتلر نیز در سالهای ۳۶ و المپیک برلین به آن معتقد بود : « بازیهای المپیک نه در برلین ، لوس آنجلس ، نه در آمستردام و نه در هیچ شهر خاص دیگری جریان نمی‌یابد . زمانی که پرچم پنج حلقه به اهتزاز در می‌آید این تمام بشریت و تمام نقاط جهان است که می‌تواند افتخار رقابت در زیر این نوار را داشته باشد ...

اگر مسئله را از این زاویه بررسی کنیم و هر فلسفه‌های فوق منگی باشیم تردید نیست که مونترال هیچ هدفی جز زیب و زینت بخشیدن به بازیها را ندارد و به کلی از هدف اصلی بدور افتاده است ، هدفی که بر مبنای شکل بخشیدن به رقابت جوانان ورزشکاری که از چهارسوی جهان باین محل می‌آیند دور میزند و نه خیرکردن چشمها به خاطر شکوه غیر معقول تأسیسات ، اتحادیه المپیزم کانادا (که مرکز آن در اتاوا پایتخت این کشور است) بجای اینکه بکفر مسائل اساسی باشد ، مشکلات ورزشکاران این سرزمین را در نظر گیرد و در رفاه آن بکوشد و باصطلاح خاله‌ها را پر کند به سالی در سطح « جنس سق » استادیومها برداخته و اینکه آیا جنس آن باید مثلا از فایبرگلاس باشد (چون مونینگ) و یا نه سخن میراند و اظهار نظر هائی نامعقول میکند ...

اعتصاب کارگران

حال می‌پردازیم به بیان یکی از دیگر از مشکلات قبلی پیشرفت کارهای ساختمانی المپیک : به تحقیق شما در هیچ کشور اروپایی آمریکایی روزی نیست که بایک نوع اعتصاب مواجه نشوید و کشور کانادا از این قانون مستثنی نیست . حال (۲۲ ژانویه) حدود یک هفته است که کارگران تأسیسات ساختمانی

تمام دلائل ارائه شده کانادایی‌ها را در اجلاس آمستردام مبنی به برگزاری این بازیها در نهایت سادگی شوخی مسخره‌ای بیش نبوده است . و حالا این سوال مطرح است که آیا بازیهای مونترال در معرض نابودیست ؟

اولتیماتوم اتحادیه

چرا که در فاصله کمتر از یکسال چند ماه به شروع آن ، کار هیچیک از تأسیسات ساختمانی واقع و به شکل جدی شروع نشده است . و از همه ناسف انگیزتر اینکه اتحادیه المپیک کانادا (آی . او . سی) تازه دیروز سر از خواب برداشته و در اولتیماتوم به مسئولان برگزاری بازیها (به تاریخ ۱۳ ژانویه) یک ماه فرصت داده است تا کار تأسیسات خوانندگان ارجمند بیشتر در جریان ماجرا قرار گیرند عین جملات اتحادیه را اینجا می‌آوریم :

« آقایان مسئولان کمیته برگزاری ۳۰ روز فرصت دارند تا ثابت کنند که قادر به انجام بازیهای ۷۶ هستند . »
« بعبارت دیگر اگر قضیه در عرض این ۳۰ روز ثابت نشد منطق حکم میکند که فاتحه المپیک ۷۶ را در مونترال بخوانیم !! »
و در اینجا برای یک نفری‌تر این سوال پیش می‌آید که چگونه اتحادیه‌ای که عنوان « مدافع المپیزم » را در خاک این سرزمین یکدمی کشد این چنین از ماجرا برت است و درحالی که آغاز جنگالها به‌ماه‌اکتبر گذشته و بیانات آقای « درابو » در مورد شکوه و جبروت بازیها بر می‌گردد تازه به صرافت افتاده و بقول معروف دست بیش را گرفته است که بس نیتند ؟ !

و جالب اینجاست که اتحادیه المپیزم کانادا تمام هویت و حواس خود را تنها مصرف‌تحتل بخشیدن به تأسیسات کرده است و تاویحا اشاره کرده است که ساختمانهای کمپلکس

نه اولتیماتوم پریزیدنت جرالدفورد که رویای نشون کتی به خاورمیانه را در سر می‌بروراند و به منابع نفتی اعراب چشودخته است - نه جنگ های خونین ایرلند شمالی ، نه داستان های هواپیماری باصطلاح فلسطینی ها - نه انفجار های مکرر و مرگ آسای مونترال که این شهر را « شیکاگوی کانادا » لقب داده است و نه هیچیک از حوادث مختلفی که هر روز چهارسوی گیتی را ناکان میدهد امروزه در مونترال - شهری که تا ۱۶ ماه دیگر می‌رود تا پرشکوه‌ترین رویداد های ورزشی جهان را برگزار کند - اهمیت حوادث و تدبیر این بازیها را ندارد .

مونترال - ایالت مرز نشین کانادا سرسام گرفته است که چسان خواهد بود سرنوشت این جشنواره پرشکوه ورزشی و این سوال در ذهن مفسران ورزشی این خطه نقش بسته که آیا تأسیسات المپیک که قرار است تا فوریه سال آینده تکمیل شود آیا بوقع مهیا خواهد بود ؟ می‌بینم که مشکلات ساختمانی و آماده ساختن عوامل مورد نیاز المپیک خاص ایران نبوده است و در هر کشوری که می‌توان رویدادی بین‌المللی باشد کم و بیش این مسائل چشم می‌خورد .

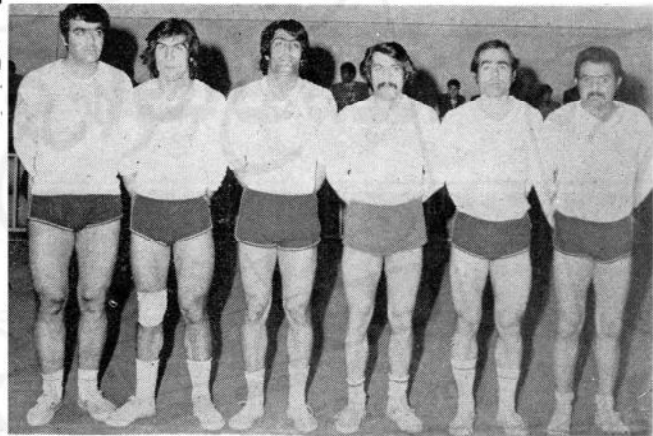
و اما هرچه که باشد نتیجه بحث و تبادل نظر آقای « ژان درابو » شهردار مونترال که ریاست کمیسیون برگزاری المپیک مونترال را بر عهده دارد و هر آنچه که باشد اندیشه های او در یک تکه جای شک و تردید نیست و آن اینکه بازیهای مونترال از هاکتون بصورت گسستی سخت و مهلک برای آقای کبالت رئیس کمیته بین‌المللی المپیک جلوه میکند . و برای اینکه بی به مسائل ببریم بایستی چند سالی به عقب برگردیم .

پیامبر پیر دو تویرتن

المپیک « مونینگ را بخاطر او ریم و آخرین ماههای مختار و زجرآور حکومت « او ریم » برانند ، آمریکایی را در صدر این کمیته پیش روی مجسم کنیم و بعد هم نریاد های شادی قوه‌هایی را انتصاب مرد اولرندی را جشن گرفتند و او را پیامبر پیر دو کوپرین خواندند . و زمانی بهتر با اهمیت قضیه بی‌خواهیم برد که بیاد او ریم گفته های کیلانت را در مورد فلسفه « زیگانیسم » باصطلاح « غول آ » بودن بازیها و ایجاد وسیع پیوندهای که المپیک بخود گرفته است و زرق و برق و جلال و جبروت و وحشتناکی که بر آن حکمفرمایی میکند کیلانت در بدو امر وعده داد که جلوی این زرق و برق را بگیرد و کوشید تا اندکی از خوی « ساده پرستی » خود را به « المپیزم » القا نماید . اشتباه بزرگ و خبیث اصلی او این بود که زودتر از موقع و در شرایطی که هنوز کلیه عوامل مهیا نبود به جنگ مسئله‌ای به نام « زیگانیسم » رفت ، مسئله‌ای که سال های فراوان و بدرجات بیشتر از داستان « آمانوهای قلابی » پیشگوست او را رنج داده و عاقبت نیز او را از پای بردارده بود .

انتصاب کیلانت - این ایرلندی جنجلمن‌مایل - موجی از شفق را در شهر های مختلف خلق کرد و آنگاه زمانی شادی مضاعف شد که رئیس جدید رسماً اعلام داشت که : « المپیک مونترال در نهایت سادگی و دور از هرگونه زرق و برق و تجملات اضافی انجام خواهد شد ... » و این گفته در تاریخ ورزش آن دوران بعنوان سر فصلی جدید در عصر المپیزم تلقی شد که این نیز اشتباهی بزرگ بود و زمان نشان داده که تمام گفته هائی نظیر « بازگشت بازیها به ابعادی معمولی » -

ذوب آهن با پیروزی بردو تیم



تیم والیبال ذوب آهن: از راست فاختی، تنگساز، رنجبر، حقشناس، حسینی و رهنما.

هم از سوی تربیت بدنی، آنچنانکه باید حمایت نمیشوند.

بهر حال محققا روشن نیست، چه سازمانی مقصر اصلی است: تربیت بدنی، هیات والیبال یا خود باشگاهها؟ وابستگی این مشکل را شناخت و حل کرد.

ذوب آهن قهرمان بی فروغ

تالار ورزشی اصفهان شاهد مسابقه های دورهای سه باشگاه باضعف تکنیکی و عدم آمادگی تیم ها بود. تاجاییکه نه تنها انتظار مشتاقان را برآورده نکرد، بلکه تخم پاسرا هم در دل آنها کاشت و نشان داد که بازی ها بهیچوجه در خور نام و شان باشگاه های اصفهان نیست، و والیبال خوش آوازه این شهرستان که صاحب تیم های خوب و قدرتمند و با تکنیک بود و صاحب مکان هایی در تیم ملی، گرفتار خواب عیقی شده است. ارزیابی لازم بین بازیکنان تیم ها وجود ندارد و این صد درصد ناشی از نبود تمرین های کافی و آمادگی بود. تیم والیبال دختانیات که در گذشته نه چندان دور از تیم های برقدرد

یافتند. پیش از گزارش بازی ها، نکات زیر را یادآوری میکنیم:

اصفهان ۱۵ باشگاه ورزشی دارد که عبارتند از: «آزارات، سپاهان، جعفری، تربیت، دختانیات، برق، زاینده رود، آب و فاضلاب، کارگران، هوانیروز، تاج، خانه جوانان، پاس، ذوب آهن آریامهر، سربازها، اما شکفت آور بود که در میان اینهمه باشگاه، تنها سه تیم به دعوت هیات والیبال لیک گفتند، و بقیه علنا قایت کردند، که تحت تاثیر جاذبه های همه گیر فوتبال، قرار گرفته، از رونق بخشیدن به ورزشی چون والیبال غافل مانده اند.

قدر مسلم اینست که این بیخیالی و اهمال، والیبال اصفهان را از فروغ گذشته بیعت دور میکند و به انحلال سوق میدهد. گویا حرص شهرت طلبی و جمع آوری پول و پله از راه توجه به فوتبال در وجود اصفهانی ها بیشتر از دیگر نقاط رخنه کرده است. این سرشته ترین صحنی است که میتوان با مدیران باشگاه های اصفهان کرد ولی احتمال این هم وجود دارد که باشگاهها

اصفهان رایش از هر زمان آشکار و عریان ساخت.

در این رقابت بسیار کوچک، ذوب آهن آریامهر با پیروزی در برابر دو تیم دیگر عنوان قهرمانی را نصیب خود کرد و پاس و دختانیات پرتیب بمکان های دوم و سوم دست

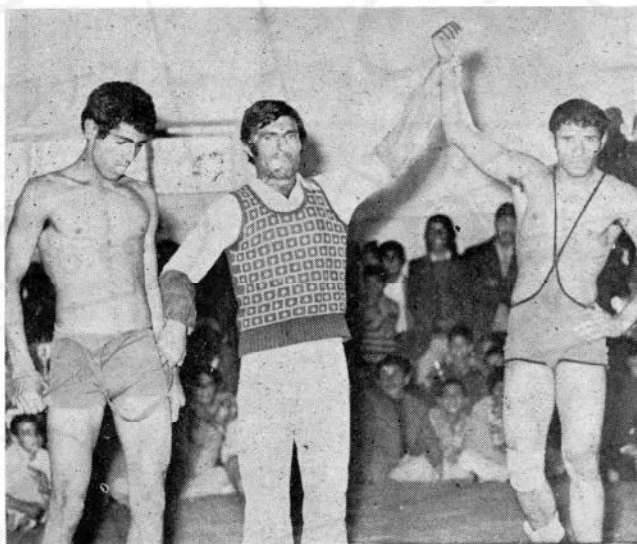
اصفهان - هدایت پهبانی حضور سه تیم ذوب آهن، پاس، دختانیات در مسابقه های انتخابی والیبال باشگاه های اصفهان - که بمنظور شناخت چهره نماینده اصفهان در مسابقه های رفت و برگشت جام باشگاه های ایران ترتیب یافته بود، نزول کمی والیبال

۱۰۰ کیلو بیلا: ۱- منصور ارجمندی (کرمان) ۲- (۲)
● علامت های سؤال (؟) پرسشی است از تیم های شرکت کننده که کشتی گیران سنگین وزن ندارند.

انتخابی جوانان

۴۸ کیلو: ۱- حمید عالمی (کرمان) ۲- رحمت اله خامخوزاده (بافت) ۳- حسین انوری (بم)
۵۲ کیلو: ۱- روح اله غیب الهی (جیرفت) ۲- ملک محمود اسکندرزاده (بافت) ۳- احمد آذرگون (سیرجان)
۵۷ کیلو: ۱- مسعود شیخ الاسلامی (کرمان) ۲- اصغر میرزائی (رفسنجان) ۳- محمود سالاری (جیرفت)
۶۲ کیلو: ۱- محمد حسین سرائی زاده (کرمان) ۲- محمد علی رادفرز (سیرجان) ۳- محمدرضا مومنائی (رفسنجان)
۶۸ کیلو: ۱- مهدی فخرالدینی (کرمان) ۲- جهانگیر گیلانی (جیرفت) ۳- رضاسلطانی (سیرجان)
۷۴ کیلو: ۱- احمد ملک زاده (رفسنجان) ۲- علی اصغر عساری (بم) ۳- محمدحسین فتحعلشاهی (کرمان)
۸۲ کیلو: ۱- رضا جلالی (بم) ۲- حسین بخشی (رفسنجان) ۳- داریوش روشنی (سیرجان)
۹۰ کیلو: ۱- رضا بیت الهی (جیرفت) ۲- ماشاءالله یزدان پناه (کرمان) ۳- (؟)

کشتی گیران بم، کرمان را ناکام کردند



حاج ملک داور مسابقه، دست کشتی گیر پیروز را بالا برده است.

مسابقه های کشتی «آزاد قهرمانی» و «فرنگی انتخابی جوانان استان کرمان در سالن تربیت بدنی شهرستان بم در سه روز پیاپی برگزار شد.

در این مسابقه ها ۱۱۵ کشتی گیر از کرمان، رفسنجان، سیرجان، بافت، بم و جیرفت شرکت کرده بودند و نتایج زیر بدست آمد.

کشتی آزاد
۴۸ کیلو: ۱- مهدی خواجکاووسی (بم) ۲- محمد جواد ابراهیمی (رفسنجان) ۳- محمد حسین سلیمانی (جیرفت).
۵۲ کیلو: ۱- علی اکبر محدث (کرمان) ۲- اکبر خراسانی (بم) ۳- محمود مشایخی (جیرفت).
۵۷ کیلو: ۱- محمود موحد (کرمان) ۲- ملک حسین اسکندرزاده (بافت) ۳- عباس ظلمخانی (بم).
۶۲ کیلو: ۱- محمد سالاری (سیرجان) ۲- مرتضی زاده اکبری (کرمان) ۳- ابراهیم ترک زاده (جیرفت).
۶۸ کیلو: ۱- رضا دهقان (۴۰) ۲- سعید گودرزی (کرمان) ۳- عباس میربائی (رفسنجان) ۴- ۷۴ کیلو: ۱- حجت پروانه (بم) ۲- اسدالله صفوی (کرمان) ۳- جهانگیر برخوری (جیرفت).
۸۲ کیلو: ۱- قاسم صنعتی (بم) ۲- مهدی ناظمی (کرمان) ۳- اکبر گواشیری (رفسنجان) ۴- ۹۰ کیلو: ۱- رضایوسف آبادی (بم) ۲- محمد مختاری (کرمان) ۳- (؟)
۱۰۰ کیلو: ۱- علی محمدعظیمی (کرمان) ۲- غلامحسین مرادی نسب (بم) ۳- (؟)

سه پیروزی پیاپی

پرسپولیسیس به شهر

تیم فوتبال پرسپولیسیس به شهر درسه دیدار برابر تیم های «نساجی شماره ۲»، «شهنه» و «انکاه» شاهی به پیروزی رسید.
نساجی ۲-۱، انکاه ۳-۱ و «شهنه» ۳-۰ مغلوب سرخپوش های به شهر شدند.
تیم پرسپولیسیس به شهر: جعفری، خدادادی، ذکریا زاده، نخستی (کاپیتان)، کوچک زاده، ایرانی، قصابیان، جمالی، قلعه بندی، بیرهادی، روشنی، گلبدی زاده، سیفی، گوهری، ربانی، قهار پور، محمدنژاد، ابراهیمزاده. به شهر - خبرنگار دنیای ورزش

آغاز «جام ولیعهد» ساری

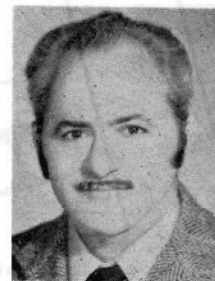
چهارمین دورهمسابقه های فوتبال جوانان، جام ولیعهد را ۱۱ تیم از باشگاه های ساری برگزار میکنند و با آغاز بازی های جام، شور و هیجان در درگ و خون فوتبال ساری دویده است.

در نخستین روز جام، تیم های آرمایش، حزب مردم رویاروی هم قرار گرفتند و آرمایش، با پیروزی ۲-۰ از سد حریف گذر کرد. این بازی ها که با حضور آقای حریری معاون استاندارق مازندران و فرماندار ساری افتتاح شد، تا شناخت قهرمان و دیگر تیم های برتر جام ادامه دارد...

ساری - سید محمد دزاری

رئیس هیات فوتبال

به پیشنهاد تربیت بدنی بندرگز و موافقت تربیت بدنی گرگان، آقای رضایی اهری به سمت رئیس هیات فوتبال بندرگز انتخاب شد. نامبرده از جمله چهره های آشنای ورزش می باشد که سالیان گذشته نیز اکثر اوقات هیات ورزش سپهپوده است. انتصاب وی این امید را بوجود آورده که یک دگرگونی کلی در کار فوتبال بندرگز پدیدار شود.



رضایی اهری

قهرمان ۱۵ باشگاه اصفهان شد



بود ، امسال حرفی برای گفتن نداشت، و خیلی آسان در مقابل ذوب آهن ۳۰ شکست خورد.

با شکست دختانیات ، این امیدواری برای تیم جوان پاس بوجود آمده بود که در صورت پیروز از سد ذوب آهن ، خواهد توانست . دختانیات را هم مغلوب سازد و با قهرمانی هماغوش شود . اما شاید ، این خیال بیشتر بدین جهت نقش بر آب شد ، که هوشنگ حق شناس بازیکن کنار رفته ذوب آهن در بیکار با پاس در خدمت تیم خود بود. پاس در بیکار با ذوب آهن به شکست ۳-۲ تن درداد و این بیشتر معلول «نبود» یکسری گاردان و باتجربه و همچنین کم تجربگی خود بازیکنان بود.

تیم ذوب آهن که جام را صاحب شد ، به عقیده صاحبان کلکسیون از برترین چهره های و ایلیل اصفهان را در اختیار دارد ولی گاهی ، مرور بیجا و گاهی بی‌تفاوتی باعث نزول غیرقابل تصور تیم شده بود .

دختانیات هم با وجود آنکه از چهره های قدیمی و چند جوان تازه کار شکل گرفته بود ، و از یک همبستگی قابل توجه سود می برد تمام افتخارش در این مسابقه ، بیک گیم

پیروزی بر پاس بود . دختانیات هم چوبفقدان یک مربی برجسته را میخورد .

دیدار سر نوشت

ذوب آهن آریامهر ۳- پاس ۲ سرداور حیدر دهقانی . داور محمد نیلی ، تماشاگر حدود یک هزار نفر . ذوب آهن : حق شناس ، حسینی دادگر ، رهنما فاتحی ، نجیرتنگساز ، رسولیوزند ، مربی : مهدی ورد . پاس : جلیل ورد ، جیل آملی ، فراهرزی سجاد ، وفایی ، کلاهدوزان ، بابک باقری اصفهانی ، جلوانی ، عبدالملی ، مربی جلیل ورد .

جدال پاس - ذوب آهن گو آنکه با پیروزی ذوب آهن خاتمه یافت ، ولی گویای این حقیقت بود که اگر پاس تجربه کافی و تدارک و ترین منظر و یک مربی روشن بین داشت در سد ذوب آهن ، گرفتار نمی آمد .

نتایج گیم ها :

گیم اول : ۱۰-۱۵ بفع ذوب آهن ، گیم دوم ۱۴-۱۶ بفع پاس ، گیم سوم : ۷-۱۵ بفع پاس ، گیم چهارم : ۹-۱۵ به نفع ذوب

پاس ، نایب قهرمان اصفهان : در دیدار نهائی برابر ذوب آهن غایبم ناکامی ۲-۳ چهره ارزشمندی بنمایش نهاد .

آهن . گیم پنجم : ۱۰-۱۵ بفع ذوب آهن . بهره گیری از یاران ذخیره ۱۵-۲ شکست همچنین ، پاس برای تصاحب مکان دوم به پیروزی برابر دختانیات می اندیشید که این خواسته را با شکست ۳-۱ حریف عملی کرد . هردو گیم اول و دوم را پاس با پیروزی ۱۵-۲ پشت سر گذاشت ولی در گیم سوم بخاطر

سه «مشهدی» به دیگر روزه برداران خراسان مکان ندادند

دو شب مبارزه و زنه برداران «کازگر» خراسان ، بیش از هر تیمی ، وزنه برداران باشگاه کارگران را در هيجان و شادمانی فرو برده بودند .

تیم وزنه برداری کارگران مشهد به لطف فروغ در خور انتظار جوانمردی ، چهره سرشناس وزنه برداری خطه خراسان از دو تیم همشهری : پاس و آرش مشهد ، و همچنین سه باشگاه شرکت کنند از شهرستانهای سبزوار قوچان و بجنورد بیش افتاد و با کسب دو مدال طلا ، دو نقره و یک برنز روزه برداری خود را تحقّق بخشید .

در جمع این شش تیم ، شهرستان های تابع خراسان مکانی نیافتند ، مگر همین مشهدی ، که قطع نظر از کارگران تیم های

مشهدی - علی کاویانی



جوانمرد بر سکوی اول وزنه برداری کارگران خراسان ... او را همراه صاحب دو مکان دیگر مهندس خالدي رئیس هیئت وزنه برداری خراسان می بینید .



دوندگان تربیت اصفهان همراه مربی و سرپرست خود ...

«تربیت» ها حاکم پر قدرت دوو میدانی اصفهان

دوومیدانی اصفهان ، باید به دوباشگاه «تربیت» بنامد که با کسب دومکان اول و دوم در مسابقه دو صحرانوردی انتخابی اصفهان شایستگی خود را در خدمت به گسترش و تقویت دوو میدانی اثبات کردند . در دو صحرانوردی اصفهان که زیر پر و پاشرکت ۱۰۶ نفر از شهرستانها و بخشهای تابع استان و با حضور دوندگان باشگاههای «تربیت» و «امید تربیت» و ذوب آهن شهرستان اصفهان انجام گرفت ، جلال عسگریان از «تربیت» ، ولی الزمائی فرد از بخش میمه ،

اندوخته کرده بودند و با گل شماری جای خود را شناختند . سرانجام پس از ۵ شب مبارزه و رقابت شدید بین تیم های باشگاهی و دستجات آزاد تیم «ایران» به مسند قهرمانی نشست و خانم جوانان و ویتاشب در مکان های بدی جای گرفتند .

ساری - سید محمد دزازی

ایران فاتح بسکتبال ساری

جام ششم بهمن ، به بسکتبال ساری ، تحرک و رونق درخور لمس بخشید و سالان کوچک بسکتبال این شهرستانها ، به پیوچه پاسخگوی تماشاگران و علاقمندان نبود . رقابت در مسابقه های بعدی نزدیک بود که برای تعیین نایب قهرمان ، هیات برگزارکننده گل شماری کرد ، زیرا تیم های خانه جوانان ، آزمایش ، ویتاشب جلگی امتیازاتی برابر

زادگاه من

مکانی در آفتاب!



یکی از اولین عکسهایی که از فوتبال دارم ، مرا با دوستم «هورستدور» در تیم مدرسه‌مان نشان میدهد (عکس سمت چپ)، من خیلی زود شوت‌زنان از هر وضعی را آموختم و اغلب عوفق هم بودم : (عکس سمت راست): مدافع حریف دیر از راه می‌رسد - توپ را خیلی سریع شوت کرده‌ام - توپ بسوی دروازه حریف در راه است .

شانس را ملاقات کردم

در ۱۶ سالگی شانس را ملاقات کردم. بخاطر دارم، طبق قراردادی که میان باشگاه ما و دوباشگاه دیگر منعقد گردید، قرار شد سه مسابقه انجام دهیم .

در شهر «اینگولشتاد» ۲-۵ بر باشگاه «سودباخ» پیروز شدیم: دو گل بحساب من ثبت شد. روز دوم در شهر «آیشاخ» با تیم اول جوانان باشگاه «هسن» ۱-۱ مساوی شدیم : در این مسابقه بدون گل ماندیم .

درفصل ورزشی ۱۹۶۲-۱۹۶۳ بعنوان کاپیتان تیم جوانان باشگاه «نوردلینگن» انتخاب شدم، اما وضع ما آنقدر خراب بود که از دور مسابقات منطقه‌ای جوانان حذف شدیم و نتوانستیم بدور بعدی راه یابیم، در آخرین دیدار با نتیجه ۲-۵ مغلوب تیم جوانان باشگاه «هسن» شدیم .

اما تیم ما دو سال پشت‌سر هم در گروه خود، قهرمان شد، در طول یک فصل من به تنهایی ۱۸۰ گل از ۳۲۰۴ گل را که تیم زده بود، ساخته بودم، چه دوران پسر گل و خوبی

دوره کارآموزی را تمام کردم و بعنوان یک کارگر متخصص گواهی‌نامه دریافت کردم. درکارهای عملی (دو) و در امتحان شفاهی (۳) گرفتم .

(در آلمان نمره ۲ برابر نمره ۱۶ تا ۱۴ خودمان است).

دو ماه بعد از پایان دوره کارآموزی ، مجبور شدم پیش رئیس بروم و بگویم: «خواهش میکنم، آیا میتوانم فقط در «شیفت» صبح‌ها کارکنم؟» و برای هزارمین بار ، پاسخ «منفی» بود. من فوتبال را دوست داشتم و برای اینکه بتوانم مرتب تمرین کنم، مجبور شدم کارم را عوض کنم. به همین علت بود که بعنوان جوشکار در شرکت «برسمه» در

من روز سوم نوامبر ۱۹۴۵ در شهر «نوردلینگن» در استان «اشواین» (آلمان) متولد شدم . پدرم راننده کامیون بود. مایه‌ی پدر و مادر، برادر «هاینس» ، خواهر ارنه «پائولا» و «امیرگارد» و من، کم‌جوانترین عضو خانواده هستم . در مرکز شهر زندگی میکردیم. اسم مرا «گرهارد» گذاشتند. اما هرگز بخاطر دارم کسی مرا باین اسم صدا کرده باشد . من، اول برای خانواده خود، بعد برای مردم شهر «نوردلینگن»، بعد برای مردم آلمان و بعد از آن برای مردم جهان «گرده» هستم. هم‌مرا «گرمولر» صدا میکنند.

مادر من ، که زن مقدسی است، از دوران کودکی من شکوه‌های فراوان دارد و میگوید:

«گرده بیشتر از همه، بچه‌ام ، برایم دردرس درست کرده است.

اما شکایات مادر من همیشه از دستیک «گرمولر» شیطان است که کودکی بایک دنیا ایده‌آل میباشد. دوران دبستان ، برای من ، چندان هیجان انگیز نبود! حساب بد، تعلیمات دینی خوب، زبان (آلمانی) نه چندان خوب، انشاء خوب، ورزش خیلی خوب . این نمرات درسی من در مدرسه بود.

درهر صورت من دراین دوران موفق نشیدم یکجا آرام بنشینم . بپیمان دوستی میان فوتبال و من خیلی زود بسته شد! واسطه این کاربردارم شد که در تیم دانش‌آموزی «تی-اس-و» ۱۸۶۱ «نوردلینگن» بازی میکرد . او در حقیقت اولین مربی من بود.

بعنوان تنها «کوچولو» بمن اجازه دادند که درتیم بزرگ‌ها (۱۸، ۱۹ ساله‌ها) بازی کنم: اما فقط در مسابقات دوستانه! و تئیکه ۹ ساله شده بودم عضو باشگاه «تی.اس.و» ۱۸۶۱ «نوردلینگن» شدم. در اولین روز چهارشنبه، بعد از عضویت درتیم در باشگاه، تمرین کردم و روز یکشنبه بعد در مسابقه با تیم «اوتینگن» اولین گلهای حقیقی زندگی را بشمار رسانیدم: ما در این مسابقه ۸-۲ پیروز شدیم. چهارتا از گلهای ما ل من بود، گل «حقیقی»!

مهربان‌ها ما در تاسیسات شهری باشگاه «نوردلینگن» انجام میشد که از یک سالن سربوشیده و دو زمین چمن فوتبال تشکیل میگردد . مربی تیم دانش آموزان باشگاه ، یعنی مربی ما «داخل» نام داشت که خودش در آن زمان ، سانس‌فروارده تیم اول باشگاه نیز بود. او مارا مجبور میکرد که باتوب بازی کنیم، تا ازاین طریق تکنیک و کار باتوب را بیاموزیم. مربی ما بهترین برای آماده ساختن بدن، برای بچه‌ها ، زیاد عقیده نداشت و میگفت :

«با سن و سال کمی که دارید، همیشه در حال حرکت هستید!» رئیس نو جوانان باشگاه «هورشموئزینگر» بود که تمام مسئولیت مسائل نو جوانان گلوب را به عهده داشت. از قبل قرار گذاشتن برای، مسابقه با باشگاه‌های دیگر و سرپرستی تیم‌ها، هنگام مسافرت و غیره.

دوست من «پیتز کراوس» و بهترین همراه من، که ما بیکدیگر با بطرز شگفت‌آوری درک میکردیم و میفهمیدیم، یکی از هافبک‌های تیمها بود. او اغلب پاسهایی برای من میفرستاد که من میتوانستم از آنها گل بسازم. من روی پاس‌های او گلهای یک «تی» می‌زدم .

من در خانواده ثروتمندی متولد نشده‌ام. هیچ چیز در خانه ما باندازه کافی نبود. غذای روزانه ما با دعای مادر شروع میشد و با نیمه گرسنگی بیابان می‌رسید! حقوق یک راننده برای خوب سیر کردن شکم یک خانواده آن‌قدری، چندان کافی نبود .

و تئیکه ۱۴ ساله شدم، همه چیز تغییر کرد: دوران مدرسه تمام شد و دوران کارآموزی آغاز گردید. لازم بود هرچه زودتر کاری را یاد بگیرم و مستقل شوم و کار کنم: پدر دیگر برای مقاومت زیر بار خرج خانواده را نداشت. بکارخانه پارچه‌بافی رفت تا در رشته نساجی متخصص شوم: البته کارگر متخصص، پس از یک سال و نیم کارآموزی و کار در قسمت بافندگی مراد «شیفت» بکار گذاشتند. چون کارخانه ما بدون تعطیل، شب و روز کار میکرد و من یک هفته صبح، یک هفته بعد از ظهر و یک هفته شب کار میکردم. هر سه هفته یکبار، و تئیکه در شیفت بعد از ظهر کار میکردم، نمی‌توانستم سر تمرین حاضر شوم. رئیس قسمت ما همیشه بمن میگفت :

«مرخصی اضافی، نه! نمیشود!

در همین زمان بود که از تیم دانش آموزان به تیم اول جوانان منتقل شدم. اما دوستم «کراوس» را بعتم دوم جوانان فرستادند، هم‌اکنون جدید من در تیم اول جوانان ۱۷ و یا ۱۸ ساله بودند، ولی من تازه ۱۵ ساله شده بودم .

مدت استراحت، برای من، فرصتی بود که با خودم جدال کنم. میدانید؟ در میان ما حرفه‌ای‌های فوتبالی، روابط شغلی شکل کاملاً متفاوتی با مشاغل دگر دارد. ممکن است شما کارمند اداره و باکارگر کارخانه‌ای باشید. در این صورت اگر هفته‌ای یک‌دو بار خوب‌بازی نکنید، کسی بشما ایرادی نمی‌گیرد، ولی در کار ما همه چیز فرق میکند: ما کم‌کم کار میکنیم، ولی وقتی کار میکنیم نفعش باید خوب کار کنیم، بلکه باید از چنان خودمان مایه‌بگذاریم و این طاقت‌فرسا است، گذشته از همه اینها ما بیک نفر و یادو نفر که عبارت از رئیس و معاون باشد، طرف‌نویسیم. یکطرف کار ما تماشاگران است، همینه که وارد میدان میشوی هزاران هزار جفت چشم برآمده، باکنجکای مواظب ما هستند. آنها که دوستمان دارند برپایان هورا میکنند و دست می‌زنند، عده‌ای از همین افراد اضافه آنها که دوستمان ندارند، بایک اشتباه، سروصدا می‌پند می‌شود: یکی سوت می‌زند، دیگری «هو» میکند و بقیه ناسزا می‌گویند، طرف دیگر قضیه نویسنده‌ها و ورزشی هستند که قلم‌های نوگمیزی بدست دارند که گاهی قلب را نیز سوراخ میکند، پس از مسابقه این مریی است که آدم را زیر چوب محاکمه میکند و بعد رئیس باشگاه و بعد تمرین سخت‌تر و سنگین‌تر و جان‌گیرتر...

بهرحال غیبت اجباری من از تیم بایرن مونیخ موجب بروز شایعاتی شده بود، در «نوردلیکن»، شهری که در آنجا بزرگ شده فوتبالی را آموخته بودم، همین پشت کرده بودند و در محافل، باشگاه‌ها و دوره‌های خصوصی شایع شده بود:

— اگر «گرمولر» دوباره بتواند در همان باشگاه سابقش «نوردلیکن» بازی کند...

من کم و بیش این شایعات را میشنیدم و درحالی که دستم برگردن آویخته بود، انتظار روز موعود را میکشیدم. بالاخره پس از هفت هفته، مسئولین بایرن مونیخ قرار گذاشتند مرا در تیم «موتاز» کنند، میدانید کی این کار را کردند؟ درست همان روزی که دیدار بین تیم بایرن مونیخ و «تی. اس. و. نوردلیکن» در برنامه قرار داشت: من بشهر خود بازگشتم، درپیراهن بایرن مونیخ، و باید ثابت میکردم که «گرمولر» همیشه همان دوست سابق است.

راز بزرگ

آرتوز، و وقتی که بایرن مونیخ وارد میدان شد، من آخرین نفر بودم. ورود من باستانداری که در آنجا بزرگ شده بودم، با معاف‌افراانی «هو» و جنجال همراه بود، عده‌ای درهای می‌زدند «گرد بخانه برگرد» و عده‌ای دیگر منتظر بودند که من اشتباه کنم و آنها سوت‌های فراوان بکشند که صدایش به عرش هم برسد.

آن زمان که بایرن مونیخ میرفت که بزرگ و بزرگ‌تر شود، و این مسابقه برایش چندان من نبود. ما ۱-۰ پیروز شدیم، یکی از گلها مال من نبود.

وقتی که از استادیوم خارج میشدم، همه سکوت کرده بودند: دیگر حرفی برای گفتن و موضوعی برای سوت زدن وجود نداشت. یک احساسی که از توصیف آن عاجز هستم، در تار و پودم جنگ انداخته بود و از هم خود می‌پرسیدم: «گرمولر» بجا می‌روی؟ یا این همه هنوز در بایرن مونیخ بمن با چشم یک بازیکن رزرو نگاه میکردند و این برایم دردناک بود. آغاز زندگی در باشگاههای بزرگ بسیار خطرناک است: گاهی اتفاق می‌افتد که بازیکن سالها روی نیمکت رزروهایابی میماند: آنها غنچه‌هایی هستند که گل نشده بریر می‌شوند. اما من نمیخواستم باین سرنوشت دچار شوم. در اینجا میخواهم برایم رازی برده بردارم که دانستن آن برای همه آنها بی‌کدام وارد باشگاه بزرگی میشوند، لازم است: برای اینکه بتوان از زیر بار سنگین نام «رزرو» خارج شوی، باید در همان مسابقه که فرصت را بدست آوردی، با تفرخ و خوش باشی، آنقدر توانا باشی که این فرصت را از دست ندهی. یک بازیکن رزرو بندرت از این فرصت با بدست می‌آورد، باید از هر کدام آنها به عنوان یک شانس، یک درگشوده شده و یک فرصت تکرار ناپذیر استفاده کند و اگر چنین شود مکانی در خورشید یافته‌ایم.

ادامه دارد

روز بعد، وقتی که مادرم نزد «دکتر کسلر»، رئیس باشگاه «نوردلیکن» رفت تا برایم رضایت‌نامه بگیرد و بتوانم، رسماً، عضویت باشگاه بایرن مونیخ درآیم. درگیری شروع شد، طبیعی‌است که مسئولین باشگاه «نوردلیکن» سعی کردند مادرم را قانع کنند که رفتن من باین باشگاه یک اشتباه بزرگ است، از طرف دیگر آقایان نمایندگان بایرن مونیخ در همان رستوران نزدیک خانه‌مان نشستند و بودند و انتظار می‌کشیدند، از طرف دیگر مادر من در هر حقیقت قبل از آمدن (مدت کوتاهی از مرگ پدرم میگذشت و فقر پر زندگی ما سایه انداخته بود)، از درگیری‌های جهان حرف‌های خابرنداشت، در میان این دو قطب نیرومند گیر بود و نمیدانست موضوع از چه قرار است، در اتاق آقای «دکتر کسلر» تمام مسئولین باشگاه گرد هم جمع شده بودند و پشت و پشت بحث میکردند، رئیس باشگاه ما پیشنهاد دیگری میداد که بهتر از پیشنهاد باشگاه بایرن مونیخ بود. مادر من که زن ساده‌ای است، نمیدانست چه کند. از طرف دیگر نمایندگان باشگاه بایرن مونیخ نیز قبول کردند که قرارداد را بالاتر بدهند تا جالب توجه‌تر از پیشنهاد باشگاه ما باشد. مادرم درحالی که برآشفته بود و درین کرد و پرسید:

— گرد، تو چقدر می‌زنی؟

و من پاسخ ندادم، ولی یک‌بار از خوب میدانستم، میدانستم چه میخواهم: پیراهن بایرن مونیخ! بالاخره پس از آن کشمکش فراوان، حلمات و گفتگوهای دوباشگاه، در پایان توافق حاصل شد! پیوستن من به باشگاه بایرن مونیخ قطعی شد و این آغاز راهی بود که شادی فراوان بدنبال داشت.

در تابستان سال ۱۹۶۴ بود. با اتفاق مادرم برای امضاء قرارداد تازه به مونیخ سفر کردم. شوهر خواهرم مارزا با تو می‌نشیند همراهی کرد.

اما هنوز چیزی روی قلب من سنگینی میکرد: همان روز که در محل باشگاه بایرن مونیخ مشغول امضاء قرارداد بودم، مسابقه فینال کارخانجات و شرکت‌های شهر «نوردلیکن» انجام میشد. تیم فوتبال شرکتی که در آنجا کار میکردم، یعنی شرکت «برسبی»، مثل سایر تیمی، یکی از دو تیم فینالست بود. عده‌ای از بازیکنان باشگاه ما (نوردلیکن) نیز عضو همین تیم کارگری بودند. جالب این‌که تیم مقابل یعنی تیم کارگران راه آهن، که آنها نیز به فینال رسیده بودند، از طبقه اعضای باشگاه «نوردلیکن» تشکیل میشد: در حقیقت اعضای باشگاه که بدو دسته تقسیم شده بودند، در فینال مسابقات کارگری، در مقابل یکدیگر قرار میگرفتند. برای انجام این مسابقه ساعت ۱۷:۳۰ تعیین شده بود.

دوره بازگشت از مونیخ، شوهر خواهرم هر قدر که توانست سریع و سریعتر بسوی خانه اتومبیل راند. اما، با وجود تمام کوشش‌ها، نیم ساعت پس از آغاز مسابقه بخانه رسیدیم. من قرار نداشتم، چگونه میتوانست بهترین پیراهن را تنه کنم؟ یا در راست از پله‌ها بالا برویم؟ کشایم را برداریم، درست مثل این که بسوی «گل» می‌دویم، بطرف استادیوم برویم. وقتی که به رخت‌کن رسیدیم، نیمه اول بازی ۱-۱ به پایان رسیده بود. همین که وارد شدیم، احساس کردم که بچه‌ها یک بار چه خوشمزه‌ترین کباب مرا دیدند، یک کسلا گفتند:

— از حالا دیگر با ما حرف نزن ...!

آخرین بازی در شهر

این آخرین بازی من در شهر «نوردلیکن» بود. شهر زیبایی که هنوز دوستش دارم با مردمی مهربان و دوست داشتنی. میخواستم خاطره خوبی از این شهر بگذارم. در نیمه دوم، وقتی که باتیم خود وارد میدان شدیم، حرف‌های زیادی برای گفتن داشتم. به گل ابله، سه گل زدیم و تیم ما بازی را با نتیجه ۱-۳ برد، حالا دیگر بچه‌ها با من آشتی کرده بودند، حالا آنها بودند که با من می‌میزدند، از سروکول ما می‌رفتند و می‌گفتند:

— «کره‌جای تو در قلب ما دور زده‌ای! ما دوستت داریم».

مازندگی جای درنگ نیست، با وجود تمام بستنی‌ها، دوستی‌ها و احساسات، هر کس باید راه خودش را دنبال کند: خدا حافظ بسیار سخت‌است.

در بایرن مونیخ از من استقبال غیرمنتظره‌ای بعمل آمد و خیلی زود دریافتم که اینجا از من انتظارات فراوان دارند، یک لحظه دچار تردید شدم و از خود پرسیدم: چقدر نتوانم انتظارات را برآوردم. در هر صورت اولین گام من در بایرن مونیخ باید شانس همراه بود: بدشانسی برای بایرن مونیخ شاید خوش شانس برای من ...!

در اولین تمرین با بایرن مونیخ در «اشتراوبینگ» هنگام یک حمله تمرینی، زمین‌خورد و استخوان دستم شکست و این به معنی ۵ هفته استراحت بود. به عبارت دیگر نمیتوانستم در ۱۰ مسابقه حضور داشته باشم. این

طرفداران سرسخت این باشگاه بودیم. ولی برای رهایی‌افتن به باشگاه بایرن مونیخ علاقه‌ی تنها کافی نیست، بلکه باید از خصوصیات نابی برخوردار بود، در هر صورت ورود به باشگاه های طراز اول، برای ماجوآنان فوتبالیست آلمانی، مانند جنگ استالین‌گراد سخت و طاقت فرسا است و این افتخار نصیب همکس نمیشود.

آرتوز، پس از پایان مسابقه، آقای «کوئر» نماینده بایرن مونیخ به ما آمد، من آمدم، بدون مقدمه و خیلی سریع، بطوریکه برای من کاملاً غیرمنتظره بود، پرسید:

— علاقه‌ای نداری برای باشگاه داف. سی. بایرن مونیخ؟

بازی کنی؟

من که از حیرت سرم گیج رفته بود، پاسخ دادم:

البته که علاقه دارم، اما آیا آنها منتظر من خواهند شد؟ من که باور نمیکم.

در آن زمان حتی تصور بازی کردن در «بایرن مونیخ» برایم غیر ممکن بود، این احتمال از نظرم آنقدر کم بود که کسی بگوید «گرمولر» یک فضا نورد است، اما اگر این موضوع حقیقت بخود میگرفت، درست مثل اینکه صاحب تمام دنیا شده باشم، خوشحال میشدم، اما دو روز بعد، وقتی که دوباشگاه طراز اول مونیخ یعنی «بایرن مونیخ» و «۱۸۶۰ مونیخ» هر دو با هم، برای در اختیار گرفتن من از خود علاقه نشان دادند و پیشنهاد دادند، همه حیرت کردند، بجز خودم.

در یک روز شنبه آتقای حادثه جالبی اتفاق افتاد که باور کردن آن برایم کمی مشکل بود: در حالیکه آقای «فمیک» و آقای «سورگ» نمایندگان باشگاه بایرن مونیخ در اتاق شمشین خانه ما با مادرم مشغول گفتگو و تبادل نظر درباره انتقال من به باشگاه بایرن مونیخ بودند، هیئت نمایندگی باشگاه «۱۸۶۰ مونیخ» راه رسیدند اما، در کمال شرمندگی، مجبور شدیم آقایان نماینده بایرن مونیخ را از در عقب خانه‌مان بیرون بفرستیم تا هیئت نمایندگی باشگاه دیگر وارد شوند. در آن زمان، ستارگان فوتبال آلمان فقط در تیم «۱۸۶۰ مونیخ» بازی میکردند که کوس قهرمانی آلمان را می‌زدند. در فوتبال، به خصوص فوتبال حرفه‌ای، این فقط یک جفت ساق پای سالم نیست که بکار می‌آید، بلکه باید روشن بین بود و حقایق را، بسیار سریع، درک کرد. در آن زمان، با اینکه هنوز بسیار جوان بودم، شروع کردم به سبک و سنگین کردن پیشنهادهای رسیده و انتخاب راه‌ها که صلاح من باشد. خیلی زود دریافتم چنانچه عضو باشگاه «۱۸۶۰ مونیخ» شوم، احتمالاً مدت زیادی پشت خط خواهم ماند. زیرا ستارگان بزرگ فرصتی برای خودنمایی و ظهور بمن نمی‌دادند. در هر صورت وقتی که مجبور شدم به آقای «ماریوبک»، رئیس باشگاه «۱۸۶۰ مونیخ» نامه بگویم و پاسخ منفی بدهم، بسیار متأسف شدم، زیرا او منتها لطف زیادی بمن داشت، پیشنهادش نیز از لحاظ مالی بهتر بود و گذشته از همه اینها، میخواست در مونیخ مرا در خانه شخصی خودش، سکنی دهد.

هیئت نمایندگی این باشگاه وقتی حرف‌ها و دلایل مرا شنید، قبول کرد که حق با من است. اگرچه آنها دست خالی از خانه مرا رفتند ولی هر دو طرف قضیه، دوستی یکدیگر را پذیرفته بودند.

ستاره‌ای روشن

آرتوز ها در خانه ما حوادث جالبی اتفاق می‌افتاد: یکدسته می‌آمدند و دسته دیگری جای آنها را میگرفتند! پس از رفتن هیئت نمایندگی باشگاه «۱۸۶۰ مونیخ»، آقایان عضو هیئت نمایندگی بایرن مونیخ، که در این فاصله در رستوران نزدیک خانه ما اقامت کرده بودند، دوباره برگشتند. و من در تمام این مدت مشغول حساب کردن بودم و از خود می‌پرسیدم در کدام باشگاه تهاست بیشتری دارم. در آن زمان، همانطور که گفتیم، باشگاه «۱۸۶۰ مونیخ» در مسابقات دسته اول باشگاه های آلمان «بوندسلیگا» بازی میکرد و دربی عنوان قهرمانی باشگاه های آلمان و ورود به جام باشگاه های اروپا بود، در مقابل باشگاه بایرن مونیخ، هنوز در دسته دوم توپ می‌زد و در حقیقت یک تیم نیمه آماتور دستنخور بود. باین ترتیب، این باشگاه، نمیتوانست و نمیخواست و نه احتیاج به اختیار گرفتن ستارگان بزرگ فوتبال داشت و طبیعی است که در چنین تیمی، همیشه، برای یک «گرمولر» جای جایی هست و من این فرصت را بدست می‌آوردم که در تیم اول باشگاه بزرگی بازی کنم که ستاره‌ای روشن و آینده‌روشن تر داشت و برای موفقیت های آینده، برنامه ریزی شده بود، باین همه هنوز مشکلات زیادی در پیش بود، من با رفتن به «بایرن مونیخ» موافقت کرده بودم ولی هنوز کار تمام نشده بود.

آقای رئیس

هفته پیش نامه‌ای از اهواز داشتیم که یک دانش آموز ورزشکار کشتی‌گیر آن را بر ستاده بود و مطالبش هم چند صفحه را پر کرده بود. این دانش آموز از شرایط ورزش مدارس در اهواز نوشته بود و همچنین ضمن توضیح وضعیت نامساعد مسابقات کشتی فهرمانی آموزشگاه‌ها و نکته را مطرح کرده بود که جالب بنظر می‌رسید. این دانش آموز نوشته بود:

* من می‌خواهم سؤال کنم اگر در یک سال ورزش چیزی از کسی کم بشود و یا عبارت واضح‌تر دزدیده شود، چه کسی جواشو است؟ چند روز قبل در جسران مسابقات آموزشگاه‌ها هنگامیکه یکی از دوستان من روی تشک کشتی مشغول مبارزه و کسب افتخار برای دبیرستان بود، «دزد» به لباسی سالی دستبرد زد و از جملات دوست بنده به سرقت رفت که دست برقضا چند چیز با ارزش هم در ساک بود و حالا دوست ضرر دیده و ناراحت من مانده از چه کسی و چه جایی آنچه از دست داده باید بخواهد.

من می‌خواهم بگویم اگر سالن مسئولی دارد که نباید این اتفاق بیافتد و اگر نه چنانچه باید هرکس مسئول خودش باشد پس حداقل گفته شود تا وسائل را کنار تشک بیاوریم و حین مسابقه مواظب آن نیز باشیم!

نکته دوم چیزی است که بدون تردید نظریش را شنیده‌اید و بر ایرانیان تازگی دارد، حتماً می‌دانید وقتی ورزشکاری در مسابقات رسمی صاحب عنوانی می‌شود حکمی به او می‌دهند و این حکم عبارت است از یک ورقه کاغذ که روی آن نوشته شده بود ورزشکار در فلان مسابقات چنین عنوانی را بدست آورده و این برای هر ورزشکاری بخصوص تازمکار هم باشد فوق‌العاده ارزش دارد.

و حالا اصل مطلب اینجاست که آیا شنیده‌اید یک ورزشکار خودش دنبال حکم برود و آنرا تهیه کند!!

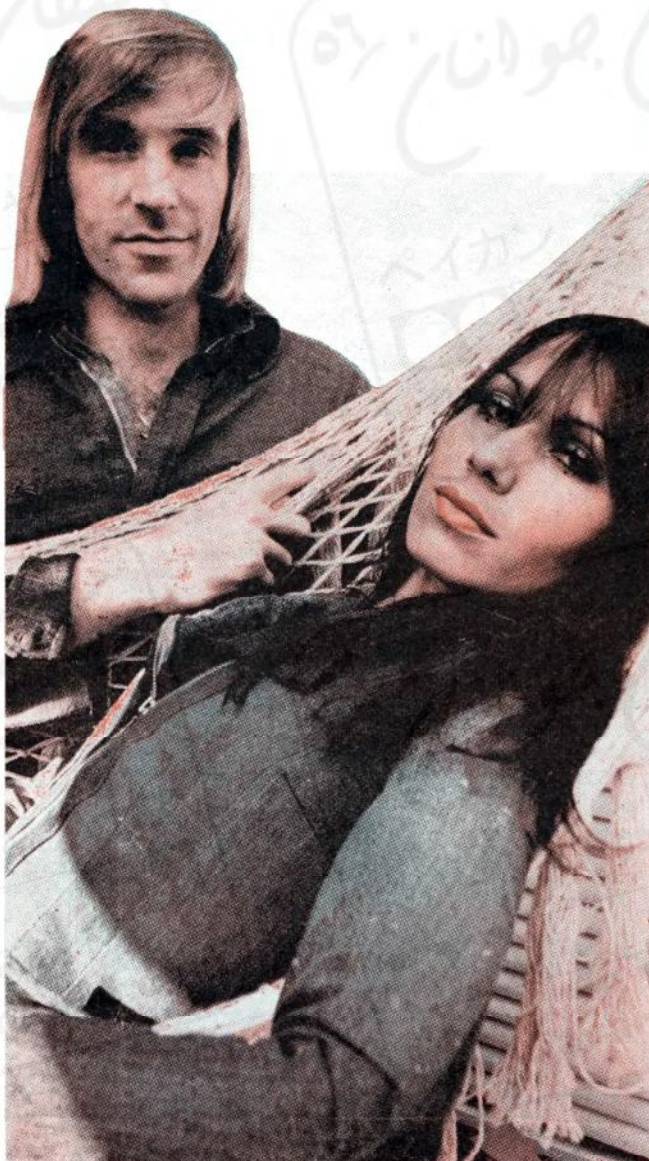
این شبها که سالن شماره ۲ فرح محسن برگزار می‌دهد و والیبال فهرمانی دختران باشگاههای تهران است جماعتی برای تماشا بازمی‌آید در آن گرد هم جمع میشوند و خیلی اوقات بین آدمهایی که به سالن می‌آیند صحبت هائی پیش می‌آید جالب و مورد توجه است. نوبی یکی از این شبها پیش از شروع مسابقه وقتی بازیکنان تیمها در میدان مشغول گرم کردن خود بودند، روی پله‌ها یعنی از والیبال دخترها پیش آمده بود و دوستان تماشاگر هر کدام مطالب و دلایلی دربررسی و موجودیت دختران مطرح میکردند.

یکی میگفت: دختر ایرانی اصلاً تحرک ندارد و در نتیجه این کندی ذاتی نه می‌تواند توپ بگیرد و نه توپ بزنه و یا اینکه بیره به بدنهای نگاه کنید ماشالله هر کدام کلی گردن گشاد هستند!

دومی با عجله جواب داد: ای آقا این حرف یعنی چه؟ دختر ایرانی تحرک ندارد اصلاً نمیتونه معنی داشته باشه، بروید مسابقات بسکتبال را تماشا کنید ببینید دخترها چطور می‌دوند؟

نفر اول: چطور میدون؟ باید دستتون را بگیري تا بتونون بدون سرعشتون همدیگر جای خود داره.

نفر سوم: بنظر من فقط مسئله سازندگی و توجه است و اگر نه چقدری هست بین یک دختر کره‌ای و بازاریابی با یک دختر ایرانی ضمن اینکه ایرانیها با هوش تر هستند.



داستان عشق «نتر» و «لوره»

از سالها پیش یک دختر بلند قامت، سیاه‌موی و سبزه با گونتر نترس توپچی بلند آوازه آلمانی دوستی دارد، دوستی عمیقی که میگویند سرانجام به ازدواج ختم خواهد شد.

این دختر که هرجا نترس باشد او هم هست «لوره» نام دارد، او هیچگاه «نترس» را تنها نمی‌گذارد و همه جا در نزدیکی‌اش می‌باشد، حتی در آلمان که «آلمان غربی» در استادیوم مونیخ جام جهانی ۱۹۷۴ را به شانه حکومت پرفوئیتال جهان دریافت میکرد و توپچیهای آلمان شادمانه پیروزی را در میدان جشن گرفتند و نترس مقصوب بزرگ هلموت شوئن روی پله‌های استادیوم از غم میگريست، تنها دلگرمی او در مقابل سردی چندانش آوری که فوتبال از خود بوجود آورده بود، همین دختر بود.

وقتی از نترس میپرسند: چه زمانی با «لوره» ازدواج خواهی کرد؟ میگوید: ازدواج؟ من نمیتوانم دوهمسر داشته باشم، چون سالهاست با فوتبال ازدواج کرده‌ام، باید از آن جدا شوم تا بتوانم دوباره ازدواج کنم.

«لوره» نیز میگوید: من به فوتبال حسادت میکنم چون گونتر نترس به آن خیلی احساس نزدیکی دارد، بعضی وقتها فکر میکنم چرا باید عاشق یک «حرفه‌ای» فوتبال باشم، من از فوتبال متنفرم!

دوستی لوره با مرد نامدار فوتبال آلمانی و بازیگر کنونی تیم باشگاه «رئال مادرید» اسپانیا داستانی آشناست که همه در اسپانیا آنرا شنیده‌اند و آنهایی که علاقه‌مند به فوتبال دارند می‌خواهند پایان ماجرا را هم بدانند که راه این دو سرانجام به کجا خواهد انجامید؟ ولی جالبتر اینکه یک رمان نویس ایتالیایی می‌خواهد داستان نترس و لوره را بنویسد.

در پشت باند قرمز و آبی

کشتی‌گیر باند آبی ضربه فنی شده بود و با چشمانی اشکبار، غمگین و تنها میان دوستانش که او را تا سالن شمارمیک فرج همراهی کرده بودند، نشسته بود و با وجود این همه دوست، بسیار تنها بود، هیچ کس توجهی به او نشان نمی‌داد، با اینکه همین دوستان قبل از مسابقه و هنگام مسابقه، برای کشتی‌گیر باند آبی فریاد های فراوان کشیده بودند و بفول معروف تشویقش می‌کردند، اما همینکه از حریف خود عقب افتاد از حرارت و گرمی این تشویق ها کاسته شد تا به صفر رسید و این درست وقتی بود که پسر جوان شانه‌هایش بخاک رسیده و تسلیم شده بود!

کمی آنطرفتر، کشتی‌گیر باند قرمز که پیروز شده بود، میان دوستانش، که آنها نیز برای تماشا او را همراهی کرده بودند، محفل گرمی داشت: بوسه از زمین و زمان میبارید، بچه‌ها دورش را گرفته بودند و میخواستند مانند یک امام زاده مقدس او را زیارت کنند و یا دستی بسر و رویش بکشند. در محفل قهرمان پیروز، شادی رنگی دیگر و در محفل قهرمان مغلوب غم رنگی دیگر داشت.

در تمام مدت این مسابقات، هرگز دیده نشد که حتی مربی نیز دستی بشانه مرد شکست خورده بکوبد و تشویقی بعمل آورد، در حالیکه در میان شکست خورده‌ها، بودند کشتی‌گیرانی که خوب کشتی گرفته و مردانه مبارزه کرده بودند.

در هر صورت جوان باند آبی، که شکست خورده بود، پس از مدتی اشک ریختن گوش شنوایی برای گفتن حرفهایش پیدا کرد کرد ما هم، بفول معروف، استراق سمع کردیم. میگفت:

— کارگرم، سه سال تمام است تمرین میکنم. همینکه کار روزانه را تمام میکنم، یک راست وارد باشگاه میشوم و تمرین را شروع میکنم، با همه این حرفها گویا شانس ندارم. زحمتان بدون نتیجه مانده است. باید یک فکر دیگر بکنم. دوستان اوقات بیکاریشان را در یک جای دیگر کار میکنند و از این طریق درآمد خود را افزایش میدهند، ولی من که ورزش میکنم نمیتوانم این کار را انجام دهم. بنظر تو، هوشنگ، من باید چکار کنم؟ آیا باید ورزش را بایسم و بگذارم کنار؟ بروم دنبال نان بیشتر؟

هوشنگ که جوان و کهنه تجربه بود، گفت:

— والا این روزها پول بیشتر میارزد، اگر جای تو بودم معطلش نمی‌کردم، تو که خودت خوب میدانی در کشتی هیچ چیز نمی‌شوی، همه تو را ضربه میکنند مثل همین اشپ، همینکه وقتی روی تشک طرف دست و پا تو گرفت و خوابانید آن وسط. اینک نشاند کشتی، منو ببین، چون میدانم که چیزی نمی‌شوم اصلاً ورزش نمیکم و خیال خودم را راحت کرده‌ام. کشتی‌گیر باند آبی، در حالیکه دهانش از حیرت باز مانده بود، پرسید:

— میخواهی چه بگویی؟ یعنی من...؟ هوشنگ دیگر فرصت نداد حرفش را تمام کند، تو حرفش دودید و گفت:

— ببین برادر، تو یک چیزی پرسیدی منم جوابش را آدم‌حالا ولم کن تا کشتی‌ها را تماشا کنم.

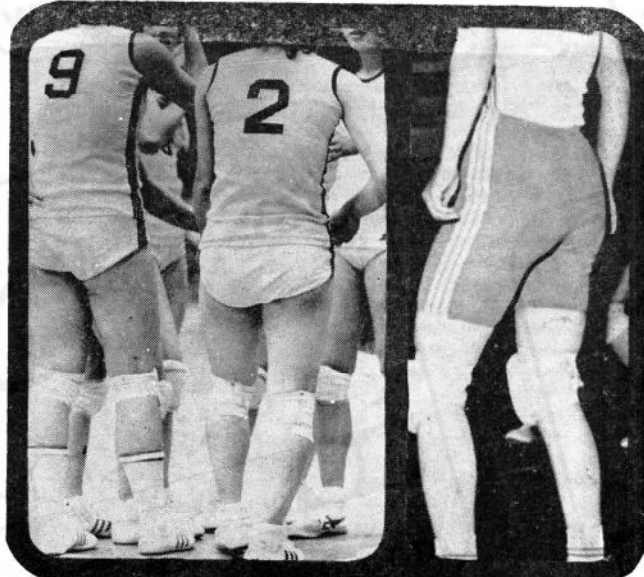
کشتی‌گیر باند آبی در حالیکه بظرف رختکن میرفت، زیر لب:

— اگر دوست نداری پس چرا تماشا میکنی...؟

کجاست؟

● این قسمتی از نامه دانش آموز
 اهوازی است که برای برطرف کردن مشکل
 دنبال راه حل میگرد و با این وضع تنها
 چیزی که میتوانیم دوستانه بپاوی بگویم
 اینست که از این حکم بگذرد و بترکیم
 قهرمانی دیگر و حکم آن باشد و گرنه انطور
 که بیداست این آقای رش با همه ریش ها
 فرق دارد ! چون ما هرکدام از قهرمانان
 آموزشگاهها را می شناسیم هگی حداقل
 کتکهای قهرمانی را از دست آقای رش
 گرفته اند ، حالا شاید رنگ مدال یا
 کاپ را ندیده باشند .

گر ممکن برای مسابقات والیبال!



شورت ایداعی ایرانی

کاشتن و خوردن!

توی سالن شماره ۲ فرح صحبت از تیم والیبال دختران هما و اصفهانی شدنش بود و اینکه چرا تمام والیبالیستهای دختر اصفهانی به تهران آمدند در این تیم جمع شدند. وقتی این نکته مطرح شد، با وجودیکه ایناستیم بیشتر دقت کردیم و دیدیم پلسه اصفهانیها اصلا «هما» را تسخیر کرده‌اند در حال حاضر در مسابقات قهرمانی باشگاههای تهران گذشته از چندتن بقیه بازیکنان تیم «هما» را اصفهانیها تشکیل می‌دهند، میهنی، محبان، شها صفوی، میثا فتحی، فیهیمه فرمان‌آرا، مینو اشتیاق، اشراق، ورنانه فرمان‌آرا ... گروه اصفهانیهای «هما» می‌ایستند که همه چیز را در این تیم قبضه کرده‌اند. قدیمی‌ترین اصفهانی «میثا فتحی» است و پسران آن به‌رور راه برای دیگرهمشهریهایش باز شد و حالا تعداد آنها به حدی رسیده که «هما» را باید شعبه‌ای از تیم اصفهان تهران بحساب آورد و حالا چرا «هما» در این مسیر قرار گرفته و مورد علاقه اصفهانیها شده ؟ سوالی است که باید از خوششان پرسید ولی در هر صورت ضمن اینکه این مسئله پظاهر می‌باشد جالب باشد ولی این سوال را رانیز بی‌پاسخ می‌یابود که چرا علی نیست و لایر استی؟ اگر روزی راه ورود و ورزشکاران شهرستانی به تیمهای تهرانی بسته شود ، آونتو باجاست؟ شنبه‌ها چه خواهند کرد ؟ البته نه تنها در

هم شده‌اند و هرچه سطح والیبال پائین‌تر برود
شورت‌ها هم بلندتر خواهد شد تا به گرمکن برسد؟

حذف ورزش!

متاسفانه محل و امکانات
نداریم

چند روز پیش با دوستی که در یکی از مدارس عالی تحصیل میکند صحبت میکردیم :
میگفت: در مدرسه ما زنگه از اینست که میخواهند
«ورزش» را از برنامه حذف کنند ، یعنی اینکه
ورزش به ورزش !

البته اگر چنین شود و ورزش از برنامه
کنار برود، از جهت واقعیت ماجرا هیچ تغییری
در آنچه هست بوجود نمی‌آید و فقط اسم
ورزش در مدرسه عالی ما از بین می‌رود.

زیرا حالا که ورزش در برنامه هست و نرسی یک واحدی بحساب می آید و ۱۰۰۰ ریال هم بابت آن شهریه میگیرند، چیزهای

بکلاس وقت تلف کردن در هفته و اشغال یک کلاس نیست، در ساعات ورزش میرویم.

پیکند که ورزش برای سلامتی خوب است، سعی داشته باشید هر روز ورزش کنید، با ورزش آشنا باشید و با آن دوست کنید.

وقت می‌گویند جناب استاد (البته استاد ورزش مفهوم واقعی‌تری ندارد ولی خوب اصطلاح است) ماکا و ورزش کنیم، جواب اینست که

با متأسفانه محل و امکانات نداریم تا عملاً
کار کنیم، و بعد یازهم سخن گفتن در باره

آیا فقط صحبت کردن از فواید ورزش
برای سلامت کافی است، ماهنوز از طرف
پدرسه بامادستمان بهیگی تورر نخورده و

ورزش آگاهیم و میدانیم چقدر خوب است!

مسئله راهم دادی ، روسای مدرسه هم حتماً
بیرا فهمیده‌اند که وضعیت از چهار است و
خواهند بود که از برنامه حذف کنند.

«این میان صد تومان هم بنفع شما است .
باحرارت و شتاب جواب داد :چی میگی

دوست من ، طوری حرف میزنی مثل اینکه
اصلاً نمیدانی ورزش چی هست ؟ روسای
مدرسه بجای اینکه «ورزش» را از برنامه

مهم درسها از فیزیک و شیمی تأییدیه ارزش

داره. دانشکده مخصوص داره، تمام دنیا به
پایه سازندگی نسلا به ورزش نگاه
میکنند. آنوقت روسای مدرسه ما کشف

در حالی که باید وضع «ورزش» در مدرسه درست بکنند، زحمت کشیده بشود تا ورزش

رونی بگوید ، هر روز مدارس عالی ساختمان
تارا بالاتر میبرند ولی یک زمین ورزش نمی-
سازند، در حالیکه واجبتر از همه چیز است.

● دوست ما همچنان از مدرسه عالی و

ورزش و اهمیت آن صحبت میکرد و کسی هم نمیتوانست جلودارش باشد و واقعا هم بعضی مسائل و کارها عجیب و غیر قابل قبول به

مظفر میرسد ، حذف ورزش از برنامه یک
مدرسہ عالی را چطور باید تعبیر کرد ؟ در
پوران دبستان و دبیرستان کہ حال و روز

ورزش معلوم است و حالا صحبت از حذف آن در دوره دانشکده است و اگرچه نکته‌بیش آمده جنبه عمومی ندارد و هنوز هم از مرحله

آهنگ نیست؟ یا ساده‌تر بگویم آیا با این‌زمزمه
سازهای تازه‌ای برای ورزش مدارس عالی

اننگاهي «کوک» نمیشود ؟



ناتر مشترک شیراز و اهواز: نظیر این ناتر حتی دسرهای شیرین اجرا نمیشود.

پهلوان پنبه

ناتر «شیراز و اهواز» جایزه اسکار میخواهد

پنبه پهلوان، آتقد چک و چانه زدن تا پهلوان پنبه حاضر شد که به شهر حافظ و سعدی بروید و به تماشای ناتری کندی درام، که نگاه نظیرش، درمهرای شیرین اجرا میشود بازیگران، بترتیب اجرای نقش، عبارت بودند از: دبیری و هویت دوست، روسای هیات های بکس شیراز و اهواز، کریم عباسیان رئیس هیات بکس شیراز، پورشریف بکسور شیرازی، میرزاحسینی بکسور اهوازی، اعضای هیات ژوری مسابقه بکس شیراز - اهواز، سیاهی لشکر از شیراز.

صحنه، با پشت های پورشریف و میرزا حسینی، گرم میشود. آنها همدیگر را زیر رگبار مشت می گیرند. دبیری، دردلداد میزند: پورشریف، از شرافت شیراز دفاع کن، مایندای کرده باحرف می چنگی.

نکند. آبرویان بروید. عباثیان، دردل عباث، می کند: خدایا! بحق مشتهای محمدعلی تازمه مسلمان، نگذار میرزاحسینی تا کندان شود. در این اثناء با یک هوک چپ، میرزاحسینی اهوازی تعادلی را مثل پاندول ساعت از دست می دهد. ... سیالشگرها به پورشریف هشری، ابراز احساسات می کنند. اما کورخوانده اند. همین الان، میرزاحسینی، باضربه های چپ و راست چند امتیاز گرفت.

از اتاق گرم بیرون نروید که ذات الیه میگیرید

طهران کند! اما یادتان نرود، من وقتی در اتاق در بسته و سر بسته می نشینم، مثل یک کبک نیستم، کماز و آنطرفه بی خبر بمانم. ولی اقرار می کنم، کمال هشتن درمن اثر کرده و درس چپیدن نوی اتاق در بسته، و چسبیدن به میز و امرونی کردن را بخوبی «آزیر» شده ام. غلش هم آلیست که میترسم، آفلو انزا، مانظو انزا و مخصوصا ذات الیه مات الیه بکیرم. کی بکیر رفیق، نرخ و بیژیت پزشکان قیامت میکند. مامم کهول پارونی کلیم. راحت، می نشینم نوی اتاق، چهار تا ابلاغ را به باشگاه ها می فرستم. بیچتا دعوت سالیانه را ترتیب می دهم و می نشینم، گزارش فعالیت «ماهانه» را تنظیم می کنم تا برگز فرستم.

صحبت ما گل انداخته بود. ... به پهلوان گفتم، جوک تازه ورزشی میدانی. گفتم: آره شنیده ام، حسن روشن، وروجک تیم ملی فوتبال و ارتش ایران، به مسابقه با ایتالیایی ها، یک گل زد و شد: سرجوخه. ایتالیایی ها، بخاطر میهمان نوازی داور ایرانی، یک کفایت به او هدیه خواهند کرد!

پل تازه ای میان شما و ما

ما و هیات های ورزشی، و حتی تربیت بدنی های آموزش و پرورش، و مربیان ورزشی و آموزشگاه ها، وقتی به مشکل و مسئله ای اساسی و قابل طرح و عنوان در مجله برمیخورند، بی آنکه خدای نکرده، تحت تاثیر غلبه و تعصبات و اغراض شخصی قرار گیرند، آن را برشته تحریر کشیده، جهت تنظیم و چاپ به آدرس تهران، خیابان خیام، موسسه اطلاعات - مجله دنیای ورزش - صفحه شهر فرنگ - ارسال فرمایند. مشترکیم.

همکاران این شماره: منصور سپهری (شیراز)، تقی صومی (رشت)، عبدالله سینگر (بوشهر)، ناصر نیککار (بندر پهلوی).

میان مجله و خواننده اش، پل تازه و محکمی را بنیاد نهاده ایم، و در پهن دست مسائل و موضوعات «روز» ورزشی و در حاشیه رویدادها، راه تازه ای را می بینیم. هدفی هم نداریم، مگر انتشار هرگونه غایب و نظرات و پیشنهادات و انتقادات مثبت و سازنده، در قالب مقاله های متنوع، به این امید که وقتی پیش روی مدیران، رهبران، تصمیم گیرندگان، برنامه ریزان و خلاصه همه درگیران ورزش قرار گرفت، بنوبه و باقتضای مسئولیت و حوزه قدرت خویش، کلیدی را برای حل مشکلات و مسائل مطروحه، ارائه کنند.

انتظار و توقع داریم، ورزشکاران، مربیان و سروستان باشگاه ها، گردانندگان تربیت بدنی

چند قدم «اونور» تهران!

درس اخلاق شهرری تکرار شد

مثال اینکه باید در شهرری جا خوش کرد! این هفته قصد داشتیم، سری به قم و کاشان و اراک ... بزنیم، ولی باز آقای ابوطالب نماینده هیات فوتبال شهرری - برادر همان آقای پرویز ابوطالب مربی راه آهن - مانع شد: «آقای علی ابوطالب، که روز بیست و هفتم دیماه، تیم فوتبال پرسپولیس شهرری را به چند دلیل بظاهر غیر موجه برابر شهنام شهرری ۳-۰ بازنده اعلام کرده بود، این بار سرخوش های شاه عبدالعظیم را بدجوری تنبیه کرد: ضمن طبق آنچه پرویز سلیمانی بازیکن پرسپولیس می گفت، بی آنکه اجازه ورود پرسپولیس را

بمیدان بدهد، پیشاپیش، این تیم را برابر عقاب شهرری ۲-۰ بازنده اعلام کرد و پرسپولیس از صعود بدورنهایی مسابقات فوتبال باشگاه های شهرری محروم شد.

وقتی از او پرسیده شد، چرا چند روز پیش از تاریخ انجام مسابقه، شکست پرسپولیس را اعلام کرده است. او به پرسپولیس ها جواب داد: «چون، آن هفته» برابر شهنام حاضر نشدید، «این هفته» هم بازنده اعلام می شود!

عجب استدلالی، و عجب درس اخلاقی. خدا کند، چنین نباشد.

آفت بدر غرور و گله بوشهر از اصفهان

ثابت خود، برابر «ایران جوان» بوشهر ۲-۰ تن به شکست سپرد، و در دردمندی تیمی، جز مکان سوم جایی نیافت. من به عنوان یک بوشهری که به فوتبال عشق می ورزد، از چنین تیم پراوازه شهرستانی، همچون انتظاری نداشتیم و همچنین، هشری بمانم، که شاهد بودند، که معاون استانداری قصد توزیع جوایز جام را داشت، ولی شاگردان یآوری بی اعتنا و معترضان، میدان را ترک کردند. خواهش می کنم، اسامی بازیکنان سپاهان را در روز دیدار با ایران جوان یادداشت کنید: «بهرام اسکنی» (دروازبان) منوچهر گبریان، اعرابی، بهروز مردانی، اخوان، محسن یزدخواستی، حمید ولیوند، رضا دهقان، بابائی، شامزیدی، حیدری».

آقا! یکبار از انضباط حاکم بر درون بیرون باشگاه سپاهان اصفهان لب به تحسین گشودید و کلی از مقرراتی که تیم فوتبال سپاهان در مورد بازیکنان داخلی و سرکشی اجرا میکند، تعریف کردید، اما گویا، تعریف شما بدجوری تعبیر شده، و در کانون فوتبال سپاهان بدر غرور مفرط، افشاده است! بگذارید، بگویم که انتفاع تیم فوتبال سپاهان از دریافت جوایز جام «استان بوشهر»، ضمن اینکه در شان ورزشکاران اصفهانی نبود، توهمی هم نسبت به میزبان محسوب میشد، که بخاطر حفظ جام در خانه اش مورد هتاک غیر مستقیم و شاید هم مستقیم قرار گرفت.

گویا، برای تیم حاضر در جام تخت جمشید، گران آمده بود. که بابیش از نیمی از ایران



مجلسی از نشست سه ساعته ورزشکاران مدرسه عالی پازرگانی رشت

دیوار به دیوار

رشت ۲۰۰ هزار نفری احساس غرور نمیکنند

هفته پیش، در مازندران بودیم و سخن از کشتی سرزمین سلاطین ویلان بزرگ بود. ولی با وجود اینکه گفتنی‌ها حتی به نصف هم نرسیده بود، بمناسبت برگزاری بازیهای دانشگاهها و مدارس عالی کشور، رامکج کرده، بهگیلان، برادر سرسبز و همیشه خرم مازندران رسیدیم. ششست ساعته بود پس دانشجویان ورزشکار مدرسه عالی پازرگانی رشت، و آنچه می‌آید، عصاره آنست که از زبان ورزشکاران دانشجو جاری گشت:

مسعود قطبی: «رشت، به اندازه کافی، تفریحات سالم ندارد. زمین‌های ورزشکاران جوانان - که مناسبترین مکان ورزشی جوان محسوب میشود - وضع منظمی ندارند: در میدان و ایالیل، تور نیست، در میدان فوتبالی، جوانان با پاکوسفندانشان جولان میدهند و بهین ترتیب میادین دیگر...»
عدم تمایل تلویزیون مرکز گیلان به مسائل و رویدادهای ورزشی هم به صورت مسئله‌ای قابل بحث درآمده و بیاری نیست به گفتن، که بخش خیر و توسعه و یارپرست مسابقه از طریق تلویزیون تاجه حد در رویه ورزشکاران تاثیر می‌گذارد و مورد اقبال تماشاگر قرار می‌دهد. گویا، تلویزیون خبرنگار و مفسر ورزشی و رپرتر ندارد و بهین جهت، اگر خبری هم بخش کند، بدون فیلم می‌باشد.

محمد میری: بسکتبال، رومبو آل می‌رود دو مشکل سه راه ماست. بی‌توجهی بهینمیتن و استخدام مربی خوب، و عدم دعوت از تیم‌های موسسات عالی و دانشگاه‌های دانشگاه تهران، بسکتبال این مدرسه عالی، تمامی با دنیای خارج از رشت ندارد

شکست اینجاست، هرگاه موضوع دعوت از یک تیم را مطرح می‌کنیم، می‌گویند: «ما با فلان موسسه عالی و یادانشکده رابطه خوب نداریم»
محمدرضا: «من بچای ورزش دانشکده‌های مدرسه، از عقب ماندگی رشت، در مقایسه با همسایه کوچکی پندر بهای که به آوازه روزافزون ملوان می‌یابد، حرف دارم. عقیده براین، که اگر تفاهم و همبستگی را جایگزین اختلافات کنونی بنمایند، رشت در دوره آینده جام تخت جمشید، می‌تواند، همتای ملوان راه جام بفرستد. این شهر با ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و امکاناتی برابرت بیشتر از بندر بهای در فوتبال خیلی عقب مانده‌اند. محمد تجاری: «دخلی‌ها، مثل ما به هندبال شوق می‌ورزند و پیشنهاد می‌کنند میان دانشگاهها و مدارس عالی، مسابقه‌های هندبال هم برگزار گردد. اصولا در مدارس

راز و نیاز

صدای زنگار گرفته‌ای درسکوت خاموش میشود

قصه انزواگرانی «سادر ورزش‌ها» به فیلمی تعلیقاتی و تکراری میماند، که آنگذر پیش چشم می‌آید، که خستناش می‌کند. شما، از سکوت و خاموشی و رخت محیط زندگیش، حرف‌ها، قصه‌ها و گاهی مرتبه‌ها شنیده‌اید، از نیازهای مرم و قابل لمس و احساسش، از سستی پایه‌های مادی و معنوی و انسانی‌اش، از حد نصاب‌ها و رکوردهای فقیرانه‌اش، در اغلب رشته‌ها - مگر آن رشته‌ها که هنوز چشم امید رابه بسبکی‌ها و پروازهای پرنده‌گونه نمود غیانی خودنمایند، و به قدرت و مهارت پرناب جلال آقا کشمیری و خلاصه مبار، را روی طناب چند فرزند انگشت نمای سادر ورزش‌ها گذاشته‌ایم...

وقتی طبل شور و هیجان ناشی از بازیهای آسیائی تهران از صدا افتاد، انتظار می‌رفت، که طبل آنچه و عدم رکورد می‌بوند و جست و گریخته گشتی را نوازند گری می‌کرد، صدای زنگار گرفته دوو میدانی، در عین بی‌صدائی رساتر خواهد شد، ولی آفسوس که: «هزار و هده خوبان، یکی وفا نکند...» عزیز کریم‌آبادی قهرمان دو سرعت ایران که پارگی «موربکیا» او را در رقابت با مردان سرعت قاره آسیا ناکام کرد، از حاشیه دریای منالط و خروشان خزر، «راز و نیاز» در مورد خاموشی چراغ خانه‌سادر ورزش‌ها دارد که از نکات مثبت و سازنده و شنیدنی تهنی نیست:

- «مشقت، نمونه خروار» هم مثال زیبایی است. شگفت نیست، که حتی در تهران، باشگاه و سازمانی وجود ندارد که رسماً عملاً - نه نامسا و ظاهراً - در دوو میدانی فعالیت نمیکند؟

اما، نه تنها در تهران، حتی به بخش‌ها هم که می‌توری، قلب‌ها برای فوتبال چاک می‌خورد. فوتبالبست است که چون قارچ می‌رود، و باشگاه و سازمان فوتبال است که تاسیس میشود:

مات‌عاله، هزارمات‌عاله! اما اگر شما بخت گوش خود را دیدید، منم باشگاهی

بدمیتون شمیر از ضرورت شناخت دوج و دوشاب

بیش از دوسال، از تولد و تاسیس فدراسیون بدمیتون در ایران می‌گذرد. اما قرآن نشان میدهد که این فدراسیون، از اجرای برنامه‌های توسعه و تمیم غافل نیست، و گواه مدعا اینکه، باشکلی کلاس‌های مربیگری و داوری برگزار یک دوره مسابقه در سطح کشور، اعزام کوچ و مربی به شهرستان‌های مختلف، گام‌های نسبتاً موفقیت‌آمیز برداشته است. ولی نکته‌ای راه نباید فراموش ساخت که تنها تهیه و تدوین برنامه و سپردن طرح و برنامه به هیات‌های بدمیتون شهرستان‌ها کافی نیست و کمی هم باید بصرافت کنترل اجرای طرح و برنامه، و سنجش میزان عملکرد و کوشش هیات‌ها افتاد و با اعزام نماینده و ناظر و بازرس، دریافت، که فرق دوج و دوشاب چیست، چه کسی صمیمانه و صادقانه برنامه‌ها را اجرا میکند، و چه کسی مراد و مقصود فدراسیون را درک نمی‌کند و در اجرای برنامه‌ها ناتوان می‌نماید. به عنوان نمونه، هیات بدمیتون شیراز را گواه می‌گیریم که وقتی مربی اعزامی فدراسیون آمد، او را در یک باشگاه اختصاصی پذیرا گشتند، و مسابقه‌ای آموزش‌دهنده ترتیب‌دادند، تنها با شرکت اعضای همان باشگاه انجام گرفت و - و نور - جسمی‌ها مکان‌های اتمام و نایب قهرمانی را تسخیر کردند، و آنچه در این رهگذر

گزارش و عکسها از : یونس علیشیر

۴ مدال و ۶ پیروزی، ارمغ

لژراف پدیدار شد . سردی سال ، روحیه نامناسب عوامل اصلی شکست ضربه فنی فتاحی بودند . فتاحی این بارزه را ۱۵-۲ از کف داد .

قربان اوف همان روسی یکی بر راستگو پیروز شده بود ،

در دوره سوم در سد فتاحی مغلوب شد .

در دوره چهارم باثوبیخ کشتیگیر آشنای روسی در دقیقه هفتم زمانیکه امتیازات کافی برای خود انداخته کرده بود فتاحی را ضربه فنی کرد .

در حالیکه ۴ روسی برای رسیدن بهمدال طلا در جدول حاضر بودند که در این میان رفیق کادزیف بر هموطنان خود فتاحی شد و بهمدال طلا رسید .

ستویان ستویانف بلغاری بخاطر دارا بودن نیم نمره منفی کمتر از فتاحی بهمدال نقره و فتاحی صاحب عنوان سوم گردید .

نامهای آشنا در ۵۲ کیلو

۱۱ شرکت کننده در وزن ۵۲ کیلو حضور داشتند که وجود دودارنده مدالهای المپیک آرسن اللوردی اف (نقره) و



جهاندار عالیباقر با دو شکست و تنها یک پیروزی در رده دوم ۶۲ کیلو قرار گرفت : کشتیگیر روسی بازیاف با ۷ پیروزی بهقامت نخست رسید . جیفری امریکائی در سمت دیگر نمایان است .

مونیک و رومان دیمتریوف (قهرمان ۴۸ کیلو) برحسب امتیازات افزوده بود .

حادثه در دوره اول با شکست رومان دیمتریوف مقابل دیمتریوفیلیوف بود که در پایان ۹ دقیقه مبارزه قهرمان روسی مغلوب شد . (فیلیوف همان کشتیگیری است که سال گذشته همراه تیم ارتش بلغارستان به ایران آمده بود و ۳-۶ مغلوب واعقلی گردید) .

دیمتریوف که در جام جهانی نیز ناکام شده بود ، بسا شکست ضربه فنی در دوره دوم مقابل هموطن خود سرگی بلوگازوف از جدول حذف شد .

اسلامی کشتیگیر ایرانی طول دوره های اول و دوم خوب جلوه کرد . ابتدا دان شرمن امریکائی را با امتیاز کافی شکست داد و در برابر آندره سولاک و لیدنه یکی از کشتیگیران خوب و پرتحرک شورویا با ضربه فنی پیروز شد . اسلامی قبل از رسیدن بموفقیت ۵ امتیاز کمتر از حریف داشت ولی در یک غافلگیری با قل قیصر حریف را به شکست مجبور کرد .

سرگی بلاگازوف قهرمان جوانان اروپا و قهرمان جام نظیسی حریف دور بعد قهرمان ایران بود که سبب شکست اسلامی شد .

اسلامی با داشتن رده ۴ امتیاز منفی در دوره چهارم یک روس دیگر را در برابر دید که با غلبه ضربه فنی مقابل او (جنگابیده) بدور پنجم رسید . آرسن اللوردی اف مردیکه در تهران و مونیک مدالهای نقره ۵۴ کیلو را برگردن آویخته بود ، حریف دیگر اسلامی

اسلامی - فتاحی - عبدالباقر که

پیروزیهای ایران را کسب کردند ،

باتفاق جعفر علیجانی ۴ مدال نقره

و بر نواز جام تفلیس بدست آوردند !

مدالهایی که پس از حذف قهرمانان

روسی نصیب آنها گردید

اسلامی دیده میشود ، حبیب فتاحی یکی از دو شرکت کننده ایران در ۴۸ کیلو با کسب ۲ پیروزی و ۲ شکست در جای دوم و جهاندار عبدالباقر بابک پیروزی و دو شکست در رده سوم این ارزشیابی قرار دارند .

در حالیکه سهم ۶ کشتیگیر دیگر ایران چیزی جز دو شکست پیاپی نبود و برادران زرافشانی - طالقانی - گودزی - علیجانی و راستگو در دوره های اول و دوم با دونگامی بی دردی از جدول حذف شدند و تنها علیجانی با بخت فراوان بخاطر حضور ۷ روسی در جدول و دو شکست امتیازی موفق به کسب مدال برنز گردید .

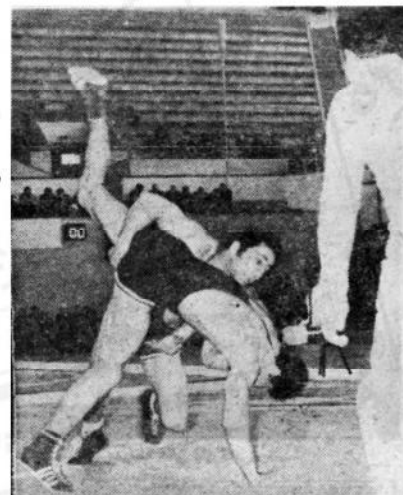
بهمانگونه که مدال برنز علیجانی حقیقی نبود ، مدالهای سه ایرانی دیگر نیز بعد از حذف قهرمانان روسی نصیب آنها شد .

با این خصوصیات آگاهی از رویدادهای جام تفلیس کیفیات مبارزات را بیشتر روشن میکند . شورویها این بار ۷۲ روسی در کنار ۳۹ میهمان به صحنه نبرد اعزام داشته بودند و بطرف کیفیت خوب برجام ، حکومت گذشته را تکرار کردند .

در ۴۸ کیلو رفیق کادزیف در جمع ۱۱ مدعی داخلی و خارجی درخشش فراوان داشت و صاحب مدال طلا گردید . ایران با دو شرکت کننده امید فراوان بهضد ازسکوی افتخار داشت ولی راستگو کشتیگیر مشهدی ابتدا در مقابله با رفیق کادزیف علیرغم آغاز خوب بهت توان کم مغلوب شد . قربان کادزیف کشتیگیر ناشناس روسی دومین ناکامی را نصیب راستگو نمود ، باین ترتیب او از جدول حذف شد . فتاحی که در دوره نخست مقابل شوتا کوتوراشویلی خوب درخشیده بود ، بابرتی فراوان مقابل این روسی پیروز شد . ولی غافلگیری در دور دوم در دیدار با آتاتولی بلوک



سکوی افتخار ۴۸ کیلو . رفیق کادزیف در رده اول نقره جهان بالاتر از همه صاحب مدال طلا شد . ستویان ستویانف کشتیگیر بلغاری که در تهران مغلوب فتاحی شد نفر دوم . فتاحی نفر سوم این وزن هستند .



روح الله گودزی در برابر قهرمان امریکائی قبل از ناکامی خوب جلوه کرد ولی توانائی و قدرت و مهارت بیشتر حریف شکست او را سبب شد . عکس صحنه ای از این مبارزه را نشان میدهد .

۴ مدال نقره و برنز و ۶ پیروزی ارمغان ۹ کشتیگیر ایرانی از دوره چهاردهم جام تفلیس بود . این راه آوردی ضعیف و نوید کننده برای کشتی ایران بشمار میرود . چرا که در گذشته هیچگاه تیمهای ایرانی این چنین بانگامی و شکست از تفلیس باز نگشته بودند .

پیروزی بزرگ شورویها در جام خانگی تفلیس ، گویای واقعیتی انکار ناپذیر از قدرت برتر و چشمگیر کشتیگیران روسی است ، از قدرت و پشتوانه چشمگیر و قابل اندازگیری نیم قهرمان جهان همین بس که در حضور برگزیدگانی از کشور های ایران - بلغارستان - آمریکا - لهستان - مغولستان - آلمان شرقی - رومانی و چکسلواکی ، هر ۱۰ مدال طلای اوزان دهگانه کشتی در تور یهن و گسترده جوانان و نامداران روسی گرفتار شد و در این رهگذر هیچ یک از میهمانان قادر به نفوذ به حرم مردان روسی نشدند و بدینسان بدنبال شورویها ، مردان بلغاری ۴ نقره و ۲ برنز ، ایرانی و آلمانی ۲ نقره و ۲ برنز ، امریکائی یک نقره و سه برنز و چک و لهستانی بیک نقره و یک برنز دست یافتند .

غافلگیری

غافلگیری بزرگ برای تیم ایران در لحظه ورود بهشوروی آگاهی از نوسرگراری ساسپیت با مقررات تازه بود . مقرراتی که علیرغم تصویب شدن و سبوری شدن ۶ ماهه از حیات آن هنوز برای کشتیگیران ایران حکم یک غول شغیر ناپذیر را داشت و همین ترس و ناآشنائی سبب بزرگ سقوط تیم کشتی ایران در جام تفلیس بود !

چرا که همه آگاهی همراهان از مقررات تازه . همان چند برگی بود که فدراسیون کشتی چند ماه قبل اقدام به انتشار آن نموده بود ولی این آگاهی اعلامیه شکل چارصاف نبود ، زیرا در درجه نخست نیاز به تمرین و شناخت ریزمکاری های این مقررات و آگاهی از حد و مرز تشکلهای کشتی ضروری بود که متأسفانه کشتیگیران ایرانی اعزامی آنچنان خود را همرنگ با تغییر و تحولات نکرده بودند .

در حالیکه شورویها برای رفع نواقص موجود موجود بزرگان خود ، آنها را نیز بمیدان نبرد فرستادند تا در این جابهجائی حقیقت را آنچنانکه هست لمس کنند .

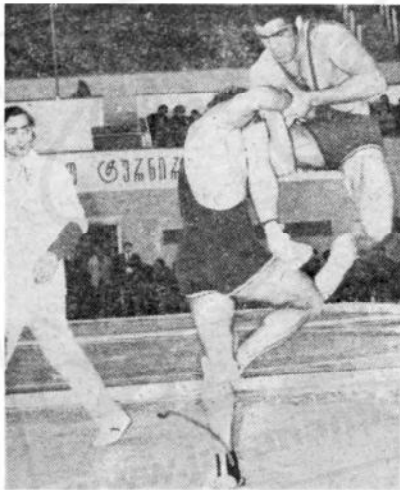
ولادیمیریوین - لوان تیدیشویلی - رفیق کادزیف آرسن اللوردی اف - رومان دیمتریوف - ملی پوشان گذشته و حال شوروی بودند که در این آزمایشگاه نخستین به محک آزمایش کشیده شدند و سواى سه چهره نخست ، سایرین بانگامی صحنه را ترک کردند .

در پیروزی شورویها تردیدی از آغاز باقی نبود ولی فتح هر ۱۰ مدال طلای مسابقات قدری دور از تصور و انتظار بود . ایران ، تیمی که سال گذشته بافتح یک مدال طلا توسط رمضان خدر و ۵ مدال برنز اوزان ۴۸ - ۵۲ - ۶۲ - ۷۸ - ۹۰ کیلو صاحب مقام دوم شده بود ، این بار نمایشی ضعیفو مایوس کننده داشت .

مدالهای غیر حقیقی

کار ارائه شده از سوی قهرمانان ایرانی طول سه روز مبارزه در تفلیس ۱۸ شکست و ۶ پیروزی بود ، که از این میان علی اصغر اسلامی کشتیگیر ۵۲ کیلو با سه پیروزی بهترین شرکت کننده ایران بود ، در حالیکه دو شکست نیز در کارنامه

ن ۹ کشتی گیر از تفلیس



بیژن زرافشانی که در جام آریامهر بهترین ۸۲ کیلوی ایران بود ، این بار میزبانی قابل انتقاد عرضه کرد و با شکست از جدول حذف شد . عکس مربوط به دیدار او با هریف امریکائی است .

و طافانی از ایران شرکت داشتند . هرسه کشتیگیر باندو شکست بیایی از جدول حذف شدند . گودرزی برخلاف تاکامیاش مقابل حریفان روسی و امریکائی خوب مبارزه کرد . رستم آشوری که در مبارزه نخست مقابل گودرزی قرار گرفته بود در مدت ۶۴ دقیقه قهرمان ایرانی را ضربه زنی کرد . گودرزی در این مبارزه دلاوری فراوان نشان داد و حتی یکبار شانه های قهرمان روسی را به تشک رساند که مورد قبول داوران واقع شد .

در دوره دوم «ویدشالانس» امریکائی شکست دیگری نصیب گودرزی کرد و در دقیقه هفتم او را مغلوب نمود . بیژن زرافشانی کشتیگیر ۸۲ کیلوی ایران برخلاف جام آریامهر میزبانی قابل انتقاد داشت و با دوشکست بیایی برابر مارسا کیشویلی روسی و بیل برگ امریکائی با ۷ امتیاز منفی از جدول کنار رفت . سرنوشت طافانی نیز بهتر از او نبود ، بخصوص در دیدار دوم طافانی در مدت ۵۷ ثانیه توسط لاری آمودسون امریکائی ضربه زنی گردید ، با این خصوصیات رده بندی از این قرار است

نتایج ک

۴۸ کیلو : ۱- رفق کادروف شوروی ۲- استویان استویانوف بلغارستان ۳- حبیب فتحی ایران .
۵۲ کیلو : ۱- سرگی بلگاژوف شوروی ۲- علی اصغر اسلامی ایران ۳- دیمترو فیلیوف بلغارستان .
۵۷ کیلو : ۱- اولادیمیر مین شوروی ۲- دیتیر یوفرت آلمان شرقی ۳- جعفر علیجانی ایران .
۶۲ کیلو : ۱- بوریس بازایو شوروی ۲- جهاندار عبدالباقر ایران ۳- جبهیری امریکا .
۶۸ کیلو : ۱- یاولینی گین شوروی ۲- هریستوناجف بلغارستان ۳- گراگید براد آلمان شرقی .
۷۴ کیلو : ۱- تایل روناماشویلی شوروی ۲- دان کارابین چکسلواکی ۳- ویدشالانس امریکا .
۸۲ کیلو : ۱- والری پاتانیکو شوروی ۲- ویلیگ امریکا ۳- اکتل بوریس اوف بلغارستان .
۹۰ کیلو : ۱- لوان تیداشویلی شوروی ۲- شگری احمد اف بلغارستان ۳- لاری آمودسون امریکا .
۱۰۰ کیلو : ۱- اسمان خاسکف شوروی ۲- حالالد بیوتز آلمان شرقی ۳- ادوارد جوموکسی لهستان .
۱۰۰ کیلو به بالا : ۱- بوریس سگاف شوروی ۲- مارین گرجسوف بلغارستان ۳- رولاند گرگی آلمان شرقی .

تسلیمات

بیژن رفیعی عزیز
مارا هم در غم خود شریک بدان .
هیئت فوتبال شیراز - کیوان صدی
استاد محترم جناب آقای بیژن رفیعی
مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت میگویم .
خبر نگار دنیای ورزش شیراز - منصور سپهری

شوروی با پیروزی در همه وزن ها

صاحب ۱۰ مدال طلا شد ،

بلغارستان با ۶ مدال ، ایران -

آلمان شرقی و امریکا با تصاحب

۴ مدال نقره و برنز در رده بندی

مکانهای بعدی را تصاحب کردند

ایرانی این وزن بودند .
زرافشانی به علت کمی تجربه در دو دیدار بر در پی مقابل دو روسی مغلوب گردید .

آلکساندر مینسک شکست اول و بوریس بازایف قهرمان این وزن ناکامی بعدی را برای زرافشانی پدیدار کردند . در سالی که جهاندار عبدالباقر ولادیس کالوس را در مبارزه نخست با امتیاز شکست داد ولی در کنار این پیروزی دودوره های بعدی دو بار مقابل دو روسی شکست خورد . شکست آخرین او برابر بوریس یازایف بود که با برتری فراوان قهرمان روسی همراه بود . عبدالباقر که در دیدار دوم قربانی اشتباه داوری شده بود ، برای مبارزه سوم روحیه ای مساعد نداشت و با اعصاب در هم کوفته بمقابله بهترین کشتیگیر روسی رفت .

در این وزن یازایف با ۷ پیروزی قهرمان شد . شکل کلی مبارزه چونی و نیروی جوانی این نو رسیده می تواند ، غمهای تیم شوروی را در سالیهای بعدی برای پر کردن ۶۲ کیلو از میان ببرد .

پاول پنیگین همان روسی که در جام آریامهر مغلوب حاج احمدی در ۶۸ کیلو شد ، این بار قهرمان جام گردید ، پنیگین که در سال ۱۹۷۳ با شکست برابر غلامی صاحب عنوان سوم شده بود ، سال گذشته نیز بخاطر ناکامی برابر ابراهیم اف از قهرمانی دور ماند و امسال برای نخستین بار صاحب مدال طلا شد .

او امیدوارترین روسی برای جانشینی نصراله اوف در تیم ملی است . ایران در این وزن شرکت کننده ای نداشت .

ناکامی در سنگین وزن

در وزن های ۷۴ - ۸۲ - ۹۰ که گودرزی - زرافشانی



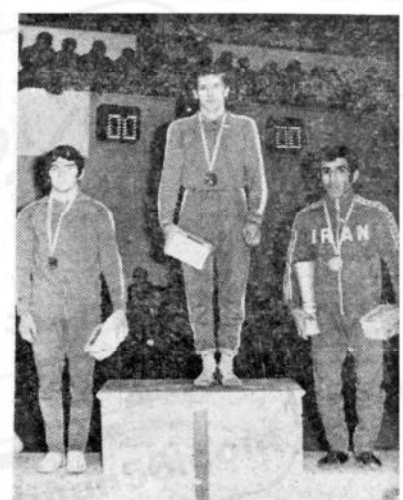
یومین برقدرت ترین کشتیگیر سبک وزن فعلی شوروی سلطان ۵۷ کلو بود که از سده همدان بیروزمانده گذشت . قهرمان آلمانی و جعفر علیجانی نقرات دوم و سوم این وزن بودند ، که زیر دست او قرار دارند .

صفحه ۱۹ دنیای ورزش

بود که با امتیاز اسلامی را شکست داد .
با این ترتیب اسلامی در حالی از جدول حذف شد که تنها سه روسی برای رسیدن بمدال طلا نبرد میکردند . و با این ترتیب عنوان دوم او مسلم بود .
بلاگازوف نو رسیده روسی در آخرین مبارزه با پیروزی بره الله وردیفه بمدال طلا پوسه زد و در نخستین سال شرکت صاحب عنوان قهرمانی گردید .

بزرگان ۵۷ کیلو

۵۷ کیلو این بار هم شاهد رقابت بزرگان روسی بود . حضور ولادیمیر یومین قهرمان جهان ، آنسور عبدالرحمان اوف دارنده عنوان دوم جام آریامهر - لئونید کاتیروف مردیکه در لاس سالماس با فروشی مساوی کرد و دو بر چنگیده کشتی - گیری که خنجر را سال پیش در دوره مقابل نهائی متوقف نمود مدعیان بنام این وزن بودند که بدون بیم از قدرت های دیگر چشم به مقام قهرمانی داشتند .
جعفر علیجانی کشتیگیر ایرانی برخلاف مبارزات خوب تهران ، این بار ضعف فراوان نشان داد .



سرگی بلگاژوف کشتیگیر جوان روسی در میان تاباوری در ۵۲ کیلو بمقام قهرمانی رسید . علی اصغر اسلامی دوم و فیلیوف بلغاری سوم شدند . عکس سه چهره پیروز را در سکوی افتخار نشان میدهد .

دو علیرغم آغاز خوب ، اندوخته های خود را در دقیق پایان از کف میداد و به همین شکل صاحب دو شکست شد . رمضان نورمانف از شوروی در دیدار نخست و دیتیر یوفرت کشتیگیر آلمان شرقی در مبارزه دوم او را مغلوب ساختند . هر دو شکست علیجانی با امتیاز بود و همین شانس او را جهت تصاحب مدال برنز زیاد کرد و بمدال برنز رسید . یومین که آماده تر از همیشه در برابر همه حریفان قدرت خود را نشان داد ، در دوره اول ۳-۱ بر آنور عبدالرحمن پیروز شد ، در حالیکه عبدالرحمن بعد از غلبه بر برگاتیروف ، با ضربه فنی مغلوب «دیمتری زاخاروف» یک نو خاسته تازه روسی شد و از جدول حذف گردید .

دو بر چنگیده که سال گذشته یکی از شاسپای قهرمانی بود در برابر رمضان نورمانف و یک هموطن نا شناس خود مغلوب و حذف شد .

از جمع نامداران ، ناکام ترین کشتیگیر بگاتیروف بود که بعد از شکست از عبدالرحمن اوف برابر یک هموطن نا شناس خود چون «واها احمداف» نیز صاحب شکست تازه ای شد . و با دو شکست جانی در سکوی افتخار نیافت .
در این وزن یومین قهرمان جهان با ۶ پیروزی بمدال طلا دست یافت .

۲ باخت و یک پیروزی عبدالباقر

مبارزات ۶۳ کلو با حضور روسی ، ۱۳ ایرانی ، یکرومانی و یک آلمانی آغاز شد .
جهاندار عبدالباقر و اسفندیار زرافشانی بر سرزیدگان

بزرگان در تنگنا

قهرمان را میتوان شناخت

بر روی کار برد های انفرادی بنا شده است و آنچه هما را بیشتر از هر چیز دیگری رنج میدهد، فقدان مرحوم اوفوسی است که مربی و راهبر بزرگ تیم بود. در هر صورت جای او بسیار خالی است. دخانیات نیز خصوصیات سابق خود را حفظ کرده است ولی از آمادگی بهتری برخوردار است. تیم پاس، با وجود یارانی سرشناس باخاطر نداشتن یک مربی ثابت و کارآموده از نظم کافی برخوردار نیست. ولی سرشناسان پاس میگویند با توانایی های خود بهر شکل نسبی ها را جبران کنند: این تیم روی هم خوب جلو میگیرد.

دیدارها

سرنجام، پس از دو روز وقفه که بر اثر درگیری سالن محمد رضا شاه با رویداد هایی دیگر پیش آمده بود از روز دوشنبه گذشته، مسابقات پدیدار شاه عزیز و شهرتانی دنبال گردید. شاه عزیز با آرس و وارملیان، واروز آوانسیان، سرژیک، شاهروپیان و اکلتیان آغاز کرد، در حالی که شهرتانی با فریدون تربتی، جواد حق بین، علی محمدزاده، جهانگیر پایندهمهر و محمد حجت الاسلامی به میدان آمد.

شهرتانی در نیمه اول، با وجود مقاومت شاه عزیز، از آغاز مسابقه موفق شد بر حریف پیشی گیرد. بطوری که در دقیقه پنجم مسابقه ۳۰ بر جریم برتری داشت. در حقیقت میتوان این دیدار را یک دیدار شانه به شانه دانست زیرا هر دو تیم جوان و پرتالش بودند.

در هر موقع شهرتانی با برتری نسبی که داشت، موفق شد نیمه اول را ۲۵-۲۰ به نفع خود پایان دهد. شاه عزیز از آغاز نیمه دوم، با تغییراتی که درصاف خود بوجود آورد، بازی فراوانی توانست در دقیقه ۱۶ مسابقه میزان امتیازات خود را با حریف مساوی کند. ۴ دقیقه آخر این مسابقه تماشاایی بود، زیرا نفارت هر دو تیم سخت به پیروزی دل بسته بودند. در دقیقه ۲۰ مسابقه دو بالائی نصیب اصلاتیان از شاه عزیز گردید، در این لحظه شهرتانی ۲۷-۲۸ به پیروزی رسید. این یک دیدار تماشاایی و در سطح متوسط بود.

اختلاف سطح قدرت ها، در دیدار آزارات و راه آهن موجب گردید آن گرمی قبلی سالن فروکش کند.

آزارات که با آساطرپیان، سرکسیان، کاوافیان، کلتیان و ووزور سرکسیان وارد میدان شده بود، در مقابل راه آهن که با صالح، ابراهیمیان، منشی، ستوده و ظهیری بصف شده بود، شب آسانی در پیش داشت. آزارات نیمه اول این دیدار را با نتیجه قابل توجه ۱۸-۴۳ تمام کرد و در پایان با نتیجه ۳۹-۷۹ پیروز گردید.

بازهم هیجان

دیدار هما، قهرمان دوره پیشین، با تیم متشکل و پرمهر و سرشناسان، مسابقه ای بود که در آن حوادث فراوانی اتفاق افتاد. گذشته از اختلافات بیرون زمین که میان بعضی از نفارت دو تیم وجود دارد

کنند، حریف جوان امان نمیدهد و امتیازات را بنام خود تغییر میدهد. این تفاوت تیم هائی مانند سازمان آب، صنعت نفت، ورزش و آزارات، ستارگان را مجبور میکند که بیشتر بدوند و بیشتر تلاش کنند و از همین جاست که موضوع بحث های داغ داوری مطرح میشود. علت دیگری نمیتواند داشته باشد. فقط وقتی مسئله داوری پیش کشیده میشود و کاسه، کوزه ها سر داور شکسته میشود که فشار زیاد نباشد. در این صورت است که اشتباهات سهوی داوران، که حقیقتا وجود دارد بزرگتر از آنچه هست جلو میگیرد، بزرگ و بزرگتر میشود.

برای نمونه باید از دیدار هما - سازمان آب یاد کرد. هرچه تعداد امتیازات سازمان آب به هما نزدیکتر میشد، میزان اعتراضات داور هم بیشتر میشد. تا اینکه وقتی امتیازات دو تیم مساوی شد، بحث بر سر داوری باوج خود رسید و جالب اینکه هر دو طرف ماجرا عدم رضایت خود را بیروا نشان میدادند.

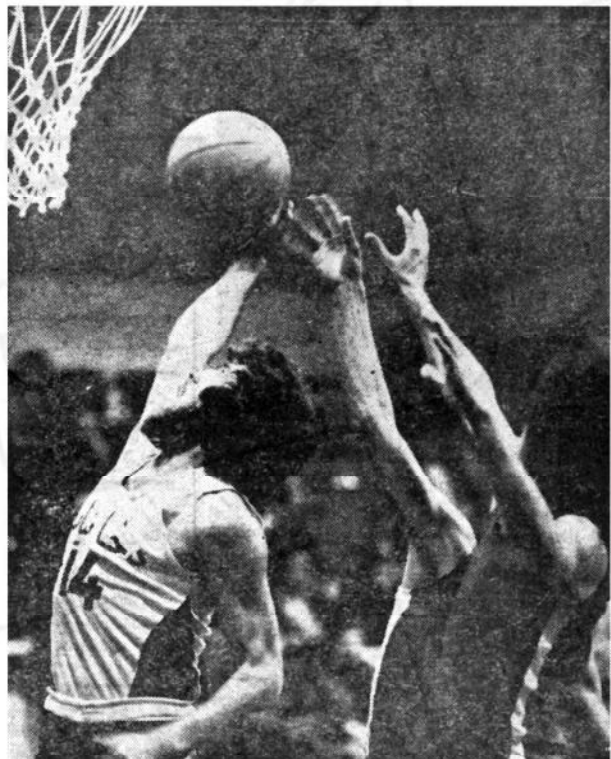
در هر صورت علت اصلی تمام این ماجراها مقاومت جالبی است که بعضی از تیم های نواخته در مقابل بزرگان، از خود نشان میدهند.

در پی شوکت وجاه

تیم های صنعت نفت، ورزش و آزارات و سازمان آب، که میتوان آنها را چهره های غیر منتظره این مسابقات دانست، تیم هایی هستند که در عین آمادگی با تمام وجود میجنگند و از نام های بزرگ، که معلوم نیست این بزرگی را از کجا آورده اند، هراس میخورند. راه نمیدهند و این تلاش آنها است که عصبانیت را گسترش میدهد. صنعت نفت، که اکثر اعضای آن دانشجوی مدرسه عالی ورزش هستند، در مقابل آمریکائی های تهران و تاج تهران نشان داد که از قدرت خوبی برخوردار است و فقط تسلیم نمی خواهد شد که بهتر بازی کند و آماده تر باشد.

ورزشده هم که در نیمه اول، دیدار با دخانیات، پشت مقاومت بود و تیم تابیه قهرمان تهران را پشت آزار داد، تیمی جوان و یک پارچه است که لوفتیت را در سرعت خود جستجو میکند و طبیعی است که این سرعت فراوان خوش آیند بعضی از تیمها نیست.

همانطور که هفته گذشته نیز نوشتیم آزارات با نقشه و تکنیک وارد میدان شد است و در بازی با هما نشان داد، با وجود اینکه امتیازاتش به حساب نمی آید، فقط بکسی خواهد باخت که تلاشش بیشتر باشد. سازمان آب نیز با اینکه امتیازاتش به حساب نمی آید، تیمی است که امان نمیدهد و پشت مقاومت است. این تیم که تیم هما، قهرمان سال پیش را تا مرز شکست پیش برد، با بازی خود نشان داد که هما نیز در وضع فعلیش آسیب پذیر است و اگر بخواد با همین وضع فعلی ادامه دهد، روز های سختی را در پیش دارد. آنچه امروز هما را آزار میدهد عدم آمادگی کانی است و گذشته از این هیچ نوآوری در تیم مشاهده نمیشود و اساس تیم



دیدار تیمهای دخانیات و ورزشده نیز باخاطر فراز و نشیبی که داشت تماشاایی بود. ستوده از دخانیات میگوید زنبیل حریف را فتح کند.

به تشکیل کلاس داوری نمود. در این کلاس عده ای جوان نواخته که بعضی از آنها دانشجوی مدرسه عالی ورزش هستند، شرکت کردند. آنها پس از گذراندن دوره تئوری و کمی ترین همین مسابقات فعلی را اداره میکنند. اگر چه سطح تجربه و توانایی آنها بعد دلخواه ترسیده است، یک چیز مسلم است. حب و بغض و جبهه گیری در کار نیست و این خود یک اصل تعیین کننده است که میتواند خیلی از معایب را بپوشاند. از طرف دیگر بازیکنان عقیده دارند که این داوران، به علت کمی تجربه، اعضای مارا خورد میکنند! و از طرف دیگر مسئولین فدراسیون میگویند که چاره ای نیست، این داوران باید داوری کنند، تجربه بیاموزند و اضافه میکنند، اما حداقل، در تهران، به یکصد داور بسکتبال احتیاج داریم، داور را نمیشود اختراع کرد بلکه باید تربیت نمود و سطح داوری ها طوری نیست که توازن کلی یک دیدار را بهم بزند. در هر صورت با اینکه همین موضوعات باعث بوجود آمدن این بحث های آتشین شده است، علت را باید در جای دیگری جستجو کرد.

تنگنا

هر روزی که از مسابقات میگذرد، جیره تیم ها بهتر نمایان و روشن میگردد. تعداد تیم های نواخته که شهرتی ندارند، ولی بسکتبال را بطور واقعی بازی میکنند، افزایش یافته است. با اینکه تعداد بزرگان کم است، ولی اغلب موفق میشوند بزرگان را تهدید کنند و در تنگنا قرار دهند. شاید این باین علت باشد که تیم های بزرگ، به علت نبود تمیزات، به سطحی نیستند که بتوانند آن اختلاف سطح گذشته را حفظ کنند و همینکه وارد میدان میشوند، خیلی زود احساس میکنند که اینجا نام و شهرت بکار نمی آید، اگر لحظه ای درنگ و تردید

در آغاز، ورزش بسکتبال بازی توپ و زنبیل و قهرمان بود، ولی امروز، در سالن محمد رضا شاه که محل برگزاری این مسابقات است، مدار زیادی حرف هم به آن اضافه شده است. بحث های گرم در حالی جریان دارد که بازیها دنبال میشوند و تیمهای بیروز و شکست خورده میدان را ترک میکنند و جای خود را به تیمهای دیگر میدهند و این سیر، گرمی معمولی خود را علی میکند. موضوع اصلی حرفها و بحث های گرم چیزی جز مسئله داوری نیست که معمولا در بسکتبال نه در نزد ما، بلکه در تمام جهان، همیشه وجود داشته دارد. این خصوصیت بسکتبال است که کار داوری آن درگیری داشته باشد، بهترین نمونه آنرا در مسابقه فینال المپیک ۱۹۷۲ مونیخ دیدیم که چه جنگالی برپا شد. در هر صورت هرجا بسکتبال هست، بحث داوری نیز هست و معلوم نیست بالاخره چه نایبه ای باید پیدا شود که این مسئله را حل کنند. البته اگر کمی گذشت و روحیه ورزشی وجود داشته باشد، موضوع حل است. ولی امروز باید بررسی که آیا گذشت کیمیا شده است؟ کسی چه میداند!

در هر صورت کسانی که موجب بوجود آمدن این بحث گرم شده اند، بازیکنان و سرپرستان و مربیان تیمهای بزرگ مانند دخانیات، هما و غیره هستند که خیلی ساده عقیده دارند سطح داوری مسابقات در سطح «تیم» و در سطح «بازی» آنها نیست.

ماجرای اصلی داوری باین شرح است که عده زیادی از داوران با سابقه و قدیمی بدلیلی که مربوط بخود آنها و فدراسیون بسکتبال است، مدتهاست کار داوری مسابقاتی را که مربوط به فدراسیون بسکتبال میشود، کنار گذاشته اند و حاضر نیستند این مسابقات را داوری کنند.

از طرف دیگر فدراسیون بسکتبال که کمبود کادر داوری و عدم وجود تعداد کافی داوران موجود را درک کرده است، اقدام

و بداخل بازی نیز کشیده شده بود ، و چندان زیبا نیز نبود . میتوان گفت که این دیدار یک اوج کامل بود . این بازی از آغاز با دردرس همراه بود : تیم ها که طبق برنامه پیشبینی شده ، مباحثات با رنگ روشن وارد میدان شود ، سورمه‌ای پوشیده بود و سازمان آب هم که طبق برنامه مباحثات رنگ تیره پوشید ، سورمه‌ای پوشیده بود . بالاخره پس از کشمکش فراوان ، پس از اینکه همه بهیچ‌شکل حاضر نشد رنگ پیراهن خود را عوض کند ، یاران سازمان آب قبول کردند پیراهن سفید بپوشند .

اما سازمان آب در نیمه دوم با سخت کوشی و تاکتیک جالب توجهی موفق شد حریف سرشناس را مهار کند . بهت این کوشش فراوان بود که میان یاران هم و داوران مسابقه ناراضیاتی هایی بروز کرد و هر چه سازمان آب با تکاروری کازرونی ، غمگسارنیا ، قاسمی و دیگران از فاصله امتیازات خود میکاست ، کار این اختلاف بالاتر میگرفت ، از طرف دیگر میان مربی سازمان آب و داوران داخل زمین نیز بحث هایی وجود داشت ؛ در هر صورت ، در

دقایق آخر مسابقه ، سازمان آب نمتها امتیازات خود را با حریف مساوی کرد ، بلکه چند امتیاز نیز جلو افتاد . یاران ها کمخودراشکست ناپذیر میدانند ، درآخرین لحظات سخت تلاش افتادند و با فشار فراوانی که وارد آوردند ، توانستند در پایان نیمه دوم نتیجه بازی را ۷۶ - ۷۶ مساوی کنند . چون در وقت قانونی نتیجه مسابقه مساوی شده بود ، دقیقه بر مدت مسابقه افزوده گردید . و در این مدت بود که سرنوشته تعیین گردید : هما ۹۱-۸۵ برپروزی رسید . در هر صورت با این مسابقه ثابت گردید که هما آسیب پذیر است و یاران ملی پوش این تیم ، چنانچه بهین شکل ادامه دهند ، روز حساب سختی در پیش دارند .

نیمه ششمین

تاج و صنعت نفت ، اولین دیدارکنندگان این شب بودند . صنعت نفت با اسدالله کبیر ، امیدعبدالحسینی ، محمد علی کسان ، هادی آمیخ و مسعود طاعتی زاده در یک طرف میدان مبارزه ایستاد و از طرف دیگر تاج با حمید افراسیابی ، ایرج خوارزمی ، مسعود اساسی ، فرهاد پورکمال و منصور حسینی ، آرایش گرفت .

صنعت نفت با سرعت و کارایی جالب توجهی از همان آغاز مسابقه کوبیده بود و بی در بی امتیاز کسب میکرد ، در حالیکه یاران تاج در بیشتر مواقع تاب مقاومت نمی آوردند و تسلیم میشدند . صنعت نفت نیمه اول را ۱۶-۲۵ بپایان برد و این نتیجه

خودگویای اختلاف سطح قدرت میان اعضای دو تیم است . تاج ، در نیمه دوم توانست با تغییرات تاکتیکی کوچکی ، چهار بهتری از خود نشان بدهد و امتیازات بیشتری کسب کند : دراین نیمه صنعت نفت ۲۷ امتیاز و تاج ۳۲ امتیاز کسب کردند . دریایان ، صنعت نفت با نتیجه ۴۸-۷۲ پیروز گردید و باین پیروزی یک پله از جدول مسابقات بالا رفت . در نیمه صنعت نفت اسدالله کبیر و مسعود طاعتی زاده جالب توجه کردند .

دخانیات و ورزشنده دیدار اوج این شب را در زمین پیاده کردند .

دخانیات با ناصر بیگلری ، رضا اسماعیلی ، جلال شهیرزادی ، مصطفی علی آبادی و حسن ستوده وارد میدان گردید و تیم جوان ورزشنده با محمد رضایی ، انور اوتوا ، معین ، بهبهانی ، محمد حمزه و فرزاد فکرتی بهتک نایب قهرمان آمد .

دخانیات انتظار نداشت که حریف را جوانش این چنین «چفر» باشد و تا این حد مقاومت نشان دهد .

جوانان ورزشنده از آغاز هر امتیاز نایب قهرمان را با امتیازی دیگر پاسخ گفتند و در بعضی مواقع حریف را به شدت تهدید کردند . از یکطرف رضا اسماعیلی با مهارتی شهیرزادی میتاختند و پس از عبور از خط دفاعی ورزشنده امتیاز کسب میکردند و از طرف دیگر بهبهانی و آلوشا بیشتر رشته های نایب قهرمان را پینه میکردند . دریایان نیمه اول دخانیات به لطف تجربه و تکنیک انفرادی یاران خویش ۲۷-۳۱ از حریف جلو بود . ورزشنده کمترین امتیاز را به سرعت خود موفق میشد حریف را در تنگنا قرار دهد ، از آغاز نیمه دوم رفته رفته سرعت خود را از دست داد و همین موجب گردید که یاران دخانیات تسلط خود را بر میدان گسترش داده و مستحکم کنند . بهت اینکه هر دو تیم در نیمه دوم خیلی زود صاحب ده خطا شدند و در این صورت هر خطا با دو پنالتی جبران میشود ، بیشتر وقت دوم با پنالتی انداختن گذشت . ورزشنده در نیمه دوم دیگر آن تیم تهدید کننده نیمه اول نبود . دریایان این مسابقه دخانیات با نتیجه ۵۳-۸۱ پیروز گردید و یک قدم دیگر از جدول بالا رفت .

پرسپولیس تهران جوان ، پاسی از شب گذشته ، آخرین دیدار این شب را بر گزار کردند .

پرسپولیس که در دوره پیشین این مسابقات به مقام سوم دست یافته بود از آغاز برحریف برتری کامل و چشمگیری داشت و در پایان نیمه اول ۲۵-۴۰ بر حریف برتری داشت . پرسپولیس در نیمه دوم تسلط خود را گسترش داد و ۲۵ امتیاز کسب نمود ، در حالیکه جمع امتیازات تهران جوان به ۲۴ رسید . نتیجه کلی این دیدار یک طرف ۴۹-۹۲ بنفع پرسپولیس بود .

چهارشنبه، شب بی رونق

برحسب قرعه ، در این شب ضعیفترین تیم ها با نیرومندترین آنها ، دیدار کردند ، بهین علتش بر رونق نبود و می توان گفت حوصله تماشاچیان سررفت . دراولین دیدار تیم سازمان آب با نتیجه ۳ - ۶۱ بر تیم شهرنایی غلبه کرد . نتیجه نیمه اول این مسابقه ۲۵-۳۵ بنفع سازمان آب بود . هما و راه آهن یک دیدار یک طرفه انجام دادند که در آن هما با نتیجه ۳۳-۷۱ بر حریف خود پیروز گردید . در پایان نیمه اول هما ۱۴-۳۱ از حریف پیشی داشت . آخرین دیدار این شب ، قرار بود ، میان پاس و تیم آمریکائیا انجام شود ولی آمریکائیان با چهاربار در میدان حاضر شدند ، بطوریکه مربی آنها نیز وارد میدان گردید تا پنج نفر تکمیل گردد ، در هر صورت این بازی بشکل یک دیدار تفریحی درآمد ، که انجام شدن و یا نشدن آن هیچ تفاوتی نمی کرد .

پنجشنبه

این پنجشنبه را میتوان یک روز خوب بسکتبال دانست ، زیرا دیدارهایی که انجام شد

هر از رقابت بود و تیمهایی تقریباً هم طراز باهم دیدار کردند و بازیهای جالبی انجام شد . در اولین دیدار آرارات تیم خوب ورزشنده را در مقابل داشت و از آغاز پیدا بود که جدایی برهیجان و تماشایی در پیش است . آرارات در نیمه اول از همان روش دفاعی هرس خود استفاده کرد و چون این روش برای جوانان ورزشنده تازگی داشت ، در نیمه اول ۱۲-۲۵ تسلیم گردید . ولی نیمه دوم این مسابقه سرشار از رقابت بود ، زیرا ورزشنده خود را باز یافت و در مراحل آخر مسابقه موفق شد آرارات را به سختی تهدید کند . با این همه آرارات که مقاوم تر بود ، در پایان با نتیجه ۴۶-۱۵ پیروز گردید . تمام اعضای دو تیم خوب بازی کردند و کوشا بودند . امتیاز این مسابقه بحساب نمی آید .

تهران جوان و شاه عزیز ، که دو تیم با قدرت تقریباً مساوی هستند ، دیدارشان گرم و شانه پشانه بود و باتنیرانی که پیوسته رقم امتیازهای دو تیم بوجود می آمد ، معلوم نبود که چه کسی برنده خواهد شد ، حتی در پایان نیمه اول که شاه عزیز ۱۴-۱۵ یک امتیاز برحریف برتری داشت ، نیشکسرنوشته مسابقه را حس زد . این دو تیم جوان با اینکه امتیاز مسابقات بحساب نمی آید ، مبارزاتی شرافتمندانه داشتند .

بهرحال تهران جوان در نیمه دوم مسابقه موفق شد امتیازات بیشتری کسب کند و در پایان با نتیجه ۳۲ - ۲۷ پیروز گردید . مهدیا پیشرفت در این بیروزی تیم خود ، سه فراوانی داشت .

آخرین دیدار روز بین دخانیات - صنعت نفت ، بهت حساسیتی که داشت ، یکی از دیدارهای پر تماشای بود ، زیرا انتظار میرفت که صنعت نفت در مقابل دخانیات ، این تیم نایب قهرمان تهران ، سرسختی فراوانی بخشد . در اولین دقایق این دیدار معلوم گردید که میان دو تیم رقابتی سخت در گرفته است . دخانیات با تکنیک برضا اسماعیلی ، جلال شهیرزادی و عطیعی ، بی دربی امتیاز کسب میکرد و صنعت نفت با تکیه بر اسدالله کبیر ، مسعود طاعتی زاده و صادق آمیخ با حملات بی دربی موفق میشد عقب ماندگی را جبران کند . اما دخانیات بی امان بود ، میبرد و بیش میرفت ، بطوریکه دریایان نیمه اول ۲۷ - ۴۴ برحریف خود برتری داشت .

صنعت نفت در نیمه دوم نیز موفق نشد خیلی در وضع بازی بوجود آورد ، ولی کوشش فراوانی از خود نشان داد . در این نیمه دخانیات ۴۱ امتیاز و صنعت نفت ۲۸ امتیاز کسب کردند . دخانیات دریایان با نتیجه ۷۵-۸۵ پیروز گردید و یک پله دیگر از جدول مسابقات بالا رفت .

آخرین روز هفته

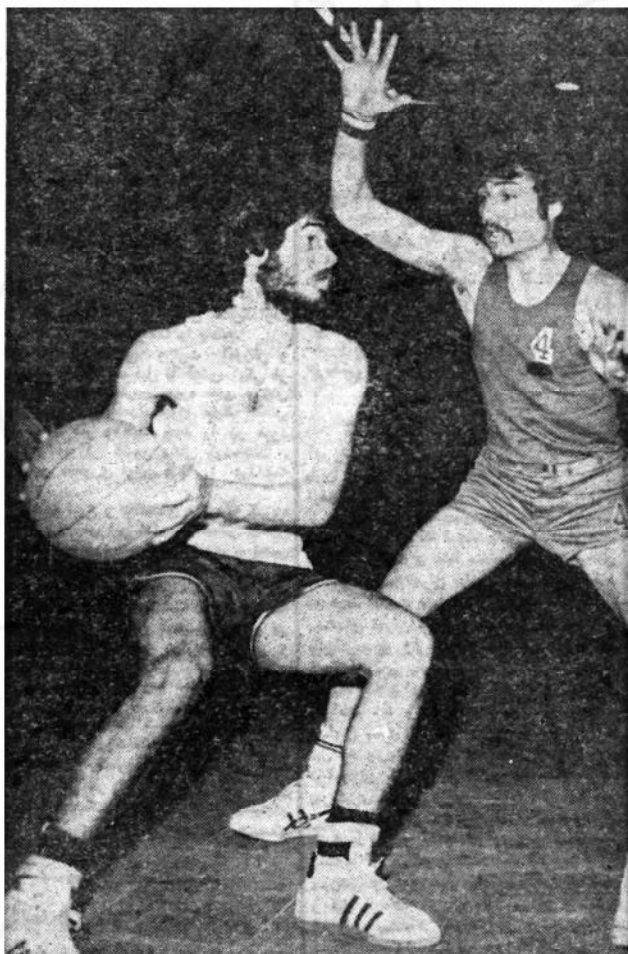
چهار دیدار برای آخرین روز هفته پیش

بینی شده بود :

ورزشنده و راه آهن اولین تیمهایی بودند که وارد میدان شدند . دراین دیدار تیم جوان راه آهن میرفت که خبرساز باشد و یک شکستی کوچک برپا کند - راه آهن بدون پیروزی در جدول مسابقات قرار دارد - در پایان نیمه اول وقتیکه تابلو نتیجه مسابقه را ۱۸-۲۲ بنفع راه آهن نشان میداد ، خبر از یک رویداد غیر متوقع بود . ولی ورزشنده در نیمه دوم موفق شد عقب ماندگی را جبران کند . در پایان این دیدار ورزشنده با نتیجه ۴۳-۵۲ پیروز گردید و راه آهن همچنان بدون پیروزی باقی ماند . دیدار هما - شهرنایی یک دیدار یک طرفه کم هیجان بود که در آن هما ، حاکم مطلق میدان بود و پیوسته امتیاز کسب میکرد . هما این دیدار را با نتیجه ۵۵-۸۱ بپایان برد و با این پیروزی گامی دیگر به پیش برداشت . نتیجه این مسابقه در پایان نیمه اول ۱۸-۳۴ بنفع هما بود .

پرسپولیس و آمریکائیان هفتم تهران نیز یک دیدار جالب داشتند که البته امتیاز آن بحساب نمی آید . نتیجه این مسابقه ۲۸-۶۲ بنفع پرسپولیس بود .

پاس و تاج آخرین دیدار کنندگان این شب بودند .



دیدار سازمان آب و هما یک دیدار جنجالی بود ، در عکس محسن خلخال ازهما میکوشد راه را بر نادر رفعتیان از سازمان آب ببندد .

«کجاوه» تولدی پر شکوه در ورزش آموزشگاهها



دو تیم هندبال پسران در قسمت آخرنخستین برنامه کجاوه یک مسابقه پرهیجان هندبال انجام دادند. تصویر بازیکنان تیم نارنجی فاتح مسابقه را نشان میدهد.

اولین قسمت برنامه «کجاوه» اجرای نمایشنامه‌ای بنام «ترب» بوسیله گروه تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. تصویر صحنه‌ای از این نمایش را نشان میدهد.

ورزش بخش‌های هفدهگانه آموزش و پرورش پایتخت انجام گیرد و در گام‌های بعدی و برای گسترش کار، برگزاری برنامه‌های کجاوه به دیگر شهرهای کشور نیز کشیده شود. در هریک از برنامه‌های کجاوه باجانشنی نمایشنامه‌های تفریحی، برنامه‌های نمایشی و رقص بچه‌ها توسط خود بچه‌ها و همچنین موزیک، هریک یک یا دو رشته ورزش نیز با تلاش برای حتی‌الامکان ارائه مقررات آن در سطح عمومی، هیجانات و لذت‌های ممکن در آن و بالاخره راه و روش درست‌آموزی آن، درمعرض دید حاضران گذارده خواهد شد. و حاضران نیز کسانی جز دانش‌آموزان هریک و پدران و مادرانشان نیستند.

گسترش کار

آقای احمد ادبخواه مدیر کل تربیت‌بدنی آموزش و پرورش که خود نیز از آغاز تا پایان اولین برنامه کجاوه در سالن دبستان فردوسی حضورداشت، درعین خوشحالی از پیادشدن موفقیت‌بار این طرح، اظهار امیدواری میکرد که انجام چنین جشنواره‌های ورزشی و هنری فقط مختص چند بخش بخصوص در تهران نباشد. او تأکید کرد که هدف اینست، برنامه‌های کجاوه به تمامی بخشهای تهران و سراسر کشور کشیده‌شود. باینکارموج ورزش بخانواده‌ها رسوخو خواهد کرد. بودی پدران و مادران خود پشتیبان شماره یک برای ورزش کردن فرزندانشان خواهند شد و آنگاه وظیفه سازمان‌های مسئول بعدی است که از موج بوجودآمده منب به ورزش در طبقه دانش‌آموزان و نوآموزان کشور با راه و طریق درست بهره‌گیری کنند.

تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش خود با تشکیل انجمنهای ورزشی برای اکثر رشتها از هاتگون با تدارک کلاس‌های ورزشی و آموزشی برای پرورش استعداد و میل و علاقه کودکان، نوآموزان و دانش‌آموزان، پشتیبان سریمتر از هر سازمان و دستگاه مسئول دیگری به استقبال این کار رفته است. ولی سازمان تربیت‌بدنی بطورعام و فراسیونهای ورزشی کشور بطور اخص، ایستگاههای بعدی برای تحویل‌گرفتن این‌موج به وجود آمده در ورزش نوجوانان ما هستند. اولین برنامه کجاوه که پنجمین گذشته

وسالم‌ترین جسر را داشته باشد. دراین نکته که باید ذهن مردم بخصوص پدر و مادرها را نسبت به امر ورزش صاف و پاکیزه کرد هیچکس تردید ندارد. اما چگونه؟ برای اینکار چطور باید عمل کرد؟ چه‌سازمانی شایستگی اجرای این برنامه را دارد و چه تشکیلاتی برای انجام این کار باید بوجود آید؟

انقلاب ودگرگونی

عصر پنجشنبه دره‌ها سالن محقر دبستان فردوسی، من و گروه بسیاری از پدران و مادرانیکه اول به‌اصرار بجهان‌پایان پادان سالن‌گذارده بودند، پاسخ بدین سؤالات را یافتیم. اداره کل تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش که از چندماه قبل با آمدن یکی از انشازترین ویر تجربه‌ترین چهره‌های ورزش این سرزمین چون احمد ادبخواه بایک انقلاب ودگرگونی، کار وظیفه خود را در مورد ورزش نوآموزان کشور دنبال کرده‌است، برای چنین منظوری اولین قدم را برداشته است.

بانتقاء به نبوغ و علاقمندی و تجربه گروه کارشناسان ورزشی این اداره، کسانی چون خانم اعظم اسکندری - کاظم رهبری - یحیی سرایی - پرویز یوسفی - جواد جمالی - علی‌اکبر لطفی - حسن لطیفی - عباس یوسفی، ودیگران عصر پنجمین گذشته اولین برنامه کجاوه در سالن دبستان فردوسی تهران در برابر دیدگان حدود دو هزار پدر و مادر و فرزندان نوآموزان آموزشگاهها برگزار شد. کجاوه ترکیبی از حرف نخستین، کیمت جشنواره ورزشی و هنری آموزشگاهها است. برای راعب کردن پدر و مادرها جهت فرستادن فرزندانشان به ورزش و جاب هرچه بیشتر آنها، هدف این است که حتی‌الامکان هر پانزده روز تا یکماه، یکبار یک برنامه جلب‌کننده کجاوه مرکب از فعالیتهای هنری، ورزشی و آموزشی در سالن‌های

عصر پنجشنبه روی یکی از سکوهای محقر سالن دبستان فردوسی کنار پدری که به اصرار فرزند کوچکش برای دیدن برنامه‌ای مخصوص به آنجا آمده بودند، من هم نشسته بودم. سالن که دقیقه به دقیقه با آمدن بچه‌ها و پدر و مادرهای دیگر پرپرپر می شد بسیار نوازیه‌ای الوان، با چراغ‌های پر نور و تزئینات بسیار آریزبندی شده بود. حضور دوربینهای تلوویزیون در دو گوشه سالن، تا پیش از شروع برنامه شک و تردید اکثر پدر و مادرها را به یقین تبدیل کرده بود که آنها برای تماشا می‌آیند. یک برنامه هنری معمول و بطور قطع پیش‌بینی‌شده که بارها و بارها، بسیاری از آنها نظیرش را درجا‌های دیگر هم دیده بودند، دعوت شده‌اند. اما هیچکدام دلیل بر یادداشت و اجرای

چنین برنامه‌ای را بدرستی نمی‌دانستند. تنها نام «کجاوه» بر دیواره شمالی سالن با حروف درشت نوشته شده بود و همچنین کجاوه کوچکی که در گوشه سالن بچشم می‌خورد، بیش از هر چیز توجه حاضرین را جلب کرده بود.

پدری که با فرزندش کنار من نشسته بود، در نهایت بی‌صبرگی از همراه شدن بچه‌ها پرس کوچکی برای آمدن به این برنامه به ظاهر جشن، دهمین اظهار بی‌حساسی میکرد و سرگرفت آمدنش را به پدرش می‌زد. اما پسری که آگاهی بیشتر از کم و کیف برنامه داشت، بالحن کودکانه‌اش از ورزش صحبت میکرد...

- پدر، اون دونداورازه کنار سالن را می‌بینی؟
- خوب مقصود ...؟
- اونجا دروازه هندبال هستند پدر، امشب اینجا یک مسابقه هندبال انجام میشود. حالا خودت می‌بینی که چیماری خوبیه!
- ببینم تو کوچی رفتن ووالیبال، فوئبال کردند کهبود ... حالا منو آوردی اینجا که هندبال اضافه شه؟
- بخدا پدر، اگر خودت هم ورزش میکردی، می‌فهمیدی که ورزش بهترین چیزه‌ست.
- ای بابا، دیگر از من گذشته. کی حالو حوصله ورزش کردن داره. ورزش مال تو و همین بچه‌ها است. اما هی، نکته با اینست ورزش کردنت، آخر سال کارنامه رفوزگات را دستم بده!

عقاید افراطی

بوجود همه عصبانیتیکه این پدر درینو آمدنش به این سالن داشت، اما حالا بادیدن شور و شوق سرخوشی و دیگر بچه‌هایکی بسی صبرانه انتظار شروع برنامه را می‌کشیدند، اندکی نرم شده بود. با حرفهایکی که او به پدرش میگفت، بیاد پدر و مادرهای افراطی تر و سخت‌گیرتری افتادم. بیاد آنها که باخاطر ناآگاهی، خشمگین‌تر و خصمانه‌تر از این پدر به ورزش می‌نگرند. همه ما شایه‌بارها و بارها صدای چنین پدر و مادر هائی را شنیده‌ایم که با خشم مخصوصی می‌گویند:

ما از این فرقی‌بازیها خوشمان نمی‌آید! راستی در چنین حالتی که یکی ورزش را «فرقی‌بازی» و آن دیگری مانع درس و مشق و سوسوی یک کار زائد و بی‌فایده میدانند، بایر برای توسعه امر ورزش و توجه خانواده‌ها پدر و مادرها به ورزش چه کرده‌اند؟ چطور میتوان ورزش را به نوعی وظیفه برای افراد قرارداد؟

دراولین جشنواره ورزشی و هنری آموزشگاهها، مقررات ونه‌ایشمیهائی پرهیجان از دورشته ورزشی ژیمناستیک وهندبال به معرض تماشا می‌آید و بیش از دو هزار پدر، مادر ودانش‌آموز گذارده شد

در سالن دبستان فردوسی بسرپرستی خانم اعظم اسکندر ستاره بزرگ و سابق تیم‌های ملی والیبال و بسکتبال دختران ایران برگزار شد. در کنار برنامه‌های سرگرم‌کننده و هنری جانب توجه خود، ارائه‌گر دو ورزش ژیمناستیک و هندبال بود.

نگاه به ژیمناستیک

خانم اعظم اسکندر در مورد اینکه به چه دلیل در آغاز این برنامه‌های کجاوه این دو ورزش برگزیده شدند، تأکید کرد که هندبال و بسکتبال ناشناخته ماندن آن در سطح کشور و ژیمناستیک جهت آیدگون ورزش مادر برای تمامی

پذیرش شاگرد جدید ندارند، نمره و ناآهنر نمایش‌های دوست‌داشتنی و سرانگیز ژیمناستیک جادوگر ژاپنی و چینی در مسابقات ژیمناستیک بازیهای آسیائی گشتار تهران است، خوشبختانه اداره تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش از چند ماه قبل سرگرم احداث چندین سالن جدید به همین منظور تشکیل کلاسهای آموزشی ژیمناستیک برای نوآموزان است.

هندبال را بشناسید

همه‌ی انجمن ژیمناستیک آموزشگاهها که بانداش مسئولین در اولین برنامه کجاوه



گروه باله ملی پارس مکتب از دوازده رقصنده، رقص زیبایی بنام «پیوند» را اجرا کردند. در عکس گروه رقصندگان در حال رقص دیده می‌شوند.

خضران در سالن دبستان فردوسی، پیش از پیش در مورد این ورزش شناخت پیدا کرده و بدان جلب شدند، انجمن هندبال آموزشگاهها و سبزلان آن آقایان جواد جمالی (رئیس) و علی اکبر طمی (دبیر) نیز به بهترین شکل در ارائه نمایش ساده‌ای از مقررات این ورزش بوسیله دو تیم برگزیده از دختران و همچنین برگزاری یک ساینه پرمیچن و هر حادثه به وسیله دو تیم منتخب از بهترین قهرمانان هندبال آموزشگاههای تهران، موفق شدند. هندبال در ایران اصولاً یک ورزش نوپا است و متأسفانه هنوز سازمان تربیت بدنی اقدام به تشکیل فدراسیونی جهت این رشته نکرده است، در حالیکه مسابقات جهانی ورزش هندبال که اول بار توسط آلمانیا ارائه شد، مسابقات پیش از بیست سال داشته و المپیک گذشته نیز برای اولین بار هندبال نیز در زمره المپیک قرار گرفت که یوگسلاوها فتح مدال طلای آن شدند.

برخلاف سازمان تربیت بدنی، اداره تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش از چندین سال پیش به این رشته توجه خاص نموده و به فراخواندن یک مربی خارجی پند میشل پوتولینی اهل فرانسه که شش سال قبل برای آموزش مربیان به تهران آمد، اکنون پنج سال است که مسابقات هندبال نیز در زمره مواد بازیهای آموزشگاهی قهرمانی ایران قرار دارد، تا حال عناوین قهرمانی ۳ بار نصیب تیم هی تهران و یکبار هم نصیب اصفهان و مشهد شده است.

هر تیم هندبال متشکل از شش بازیکن در میان میدان و یک بازیکن درون دروازه (دروازه بان) میباشد و تقریباً میتوان گفت نوعی بازی فوتبال است که بازیکنان بچی و از دست خود کمک میگیرند، البته زمین هندبال

رشته‌ای دیگر بحساب می‌آید، برگزیده شدند. سرپرستی برنامه‌های ژیمناستیک را پرویز عباس یوسفی و همچنین حسن لطیفی برعهده داشتند. این هر سه از جمله برجسته‌ترین مربیان این رشته در کشور میباشد. در قسمت نخستین ۲۷ تن از نوآموزان خردسال که از روز ۲۲ می‌ماه گشتارصادف با زادروز علی‌احمد حضرتشانی محبوب‌شروع به یادگیری ورزش ژیمناستیک کرده‌اند، در نهایت طرافات و در عین‌کفرزندهای پرازنحصین و لایق‌طاف حاضران در سالن، ابتدائی‌ترین حرکات ممکن در ورزش ژیمناستیک از جمله بالانس، چرخش، پرش از روی ترامپلیت و حرکات را انجام دادند. کار سه تن از این بچه‌های کوچک و خردسال بنامهای محمد بهرامی، محمدحسین حسینیان و محسن حسینیان که بعنوان نمونه پاره‌ای حرکات مشکندر را انجام دادند فوق‌العاده و شگفت‌انگیز بود.

دربی این گروه شش تن از قهرمانان ژیمناستیک کشور بنامهای محمدآذری، حسین محمدقلی، ناصر حیدر نایینی، سیامک شعربانی، حسن محمدقلی و ناصر محمدقلی بسرپرستی حسن لطیفی نمایش حرکات زیبایی و مینی‌ترامپلیتک در حدعالی خودپرداختند. با ابتکار لنت تماشاگران به اوج رسید و به یقین در لحظه‌ایکه این ژیمناستهای ملی‌پوش به زیباترین حرکات ژیمناستیک سرگرم بودند، نبود پدر و مادری که نخواهد دختر و پسر کوچک او نظیر آن خردسالان گروه نخست ژیمناستیک را شروع نکنند و نظیر این بزرگان به حد و درجه عالی این ورزش دست نیابد.

اینجا باید این مهم را هم یادآور شد که برگزاری مسابقات بزرگ و در سطح عالی هر رشته نیز، خود عامل جلب‌کننده تهریب دهنده موثر و غریب‌انگیز است. در مورد همین ژیمناستیک اگر حالا شاهد هستیم که پس از بازیهای آسیائی پدر و مادرها و اصولاً نوده بیشتری از مردم مایل به فرستادن فرزندان خود برای یادگیری این ورزش شده‌اند. به‌حکیم در حال حاضر نیکی دوسان محدود فدراسیون ژیمناستیک بلکه تمامی مراکز آموزش این رشته در سطح آموزشگاهها، باشگاهها و حتی دانشگاهها دیگر مکان خالی برای

محمود ابراهیم زاده، مرتضی طاهری، مستانه غلیزاده و حمیده فرمانی بازیگران آن بودند. داریوش مفتخ پایان مدیر صحنه این نمایش بود. بعد از برنامه تاتر، بازی طناب بین گروهی دانش آموز خردسال بسرپرستی یحیی سرایی انجام گرفت که این نیز در نوع خود جالب و دیدنی بود.

گروه باله ملی پارس نیز عهده‌دار اجرای قسمتی دیگر از برنامه اولین کجاوه بودند. گروه همراه با موزیک رقص زیبایی به نام پیوند را انجام دادند که کفرزندهای معتد تماشاگران حاکم از زیبایی و طرافات فراوان کار اجرا



آقای احمد ادبخواه مدیر کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش و گروهی دیگر از مقامات این اداره در زمره حاضران در نخستین برنامه کجاوه بودند.

حسن، روشنا نحریری، حوری ابراهیمی، ژاله قمری، مرتضی سیحون، اعظم سیحون، سعیده افسری، میروش رحیمی‌نژاد، لیلی هادی‌پور، ژانت گورگیز، شراره احمدی، آسفیک ایرخورداریان، فریده عزیزی، مهناز کدخدائی، برگزیده‌ای از بهترین قهرمانان هندبال دختران پایتخت بودند که مقررات مربوط به این بازی را بنمایش گذارده‌اند. بعد از این گروه دو تیم پسران تحت نامهای مشک و نارنجی بود در روی یکدیگر قرار گرفتند و مسابقه‌ای جالب و پرمیچان را انجام دادند. زمان قانونی مسابقات هندبال دو نیمه ۳۰ دقیقه‌ای است، ولی این دو تیم به جهت راه بنمایش گذارده‌اند. بعد از این گروه دو تیم پسران تحت نامهای مشک و نارنجی بود در روی یکدیگر قرار گرفتند و مسابقه‌ای جالب و پرمیچان را انجام دادند. زمان قانونی مسابقات هندبال دو نیمه ۳۰ دقیقه‌ای است، ولی این دو تیم به جهت راه بنمایش گذارده‌اند. بعد از این گروه دو تیم پسران تحت نامهای مشک و نارنجی بود در روی یکدیگر قرار گرفتند و مسابقه‌ای جالب و پرمیچان را انجام دادند. زمان قانونی مسابقات هندبال دو نیمه ۳۰ دقیقه‌ای است، ولی این دو تیم به جهت راه بنمایش گذارده‌اند.

اولین برنامه کجاوه اداره تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش که ساعت پنج بعد از ظهر پنجشنبه در سالن دبستان فردوسی آغاز شد ۴ ساعت بطول انجامید و نه یقین برخلاف این نخستین برنامه که برگزار کنندگان آن در آغاز از عدم حضور تماشاگر کافر در ترس و وحشت بودند، برای د نامه های بعدی کجاوه، پدران و مادران خود با تلاش بسیار به فکر تهیه کارتهای دعوت برای حضور در برنامه کجاوه خواهند گویید.

بهرحال طرح کجاوه یک طرح موفق و تحسین‌انگیز برای هدفی است که پیش روی مسوولان پرتلاش اداره تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است و امید اینکه بهمان شکل خواسته مدیر کل این اداره، اجرای طرح کجاوه در یک حد محدود و یک اندازه معین مختص تهران و چند بخش پایتخت نباشد.

تشریح عکسهای روی جلد

بالا راست، حبیبه شائسی مهره برونوال والیبال دختران تاج‌جبهه فرمان‌آراء بازیگر موفق‌ها از بهترین چهره‌های دیدارهای مقاماتی بودند. وسط، صحنه‌ای از مسابقات بسکتبال باشگاههای تهران، سازمان آب و هوا، جشد قاسمی میکوشد تاراه ژنیل را پیدا کند اما دستهای بلند ایلیای مانع شده. پایین سمت راست، جهاندار عبدالقادر و سمت چپ اسلامی ابدالهای نقره از مسابقات جام تفتیس.

حسن، روشنا نحریری، حوری ابراهیمی، ژاله قمری، مرتضی سیحون، اعظم سیحون، سعیده افسری، میروش رحیمی‌نژاد، لیلی هادی‌پور، ژانت گورگیز، شراره احمدی، آسفیک ایرخورداریان، فریده عزیزی، مهناز کدخدائی، برگزیده‌ای از بهترین قهرمانان هندبال دختران پایتخت بودند که مقررات مربوط به این بازی را بنمایش گذارده‌اند. بعد از این گروه دو تیم پسران تحت نامهای مشک و نارنجی بود در روی یکدیگر قرار گرفتند و مسابقه‌ای جالب و پرمیچان را انجام دادند. زمان قانونی مسابقات هندبال دو نیمه ۳۰ دقیقه‌ای است، ولی این دو تیم به جهت راه بنمایش گذارده‌اند. بعد از این گروه دو تیم پسران تحت نامهای مشک و نارنجی بود در روی یکدیگر قرار گرفتند و مسابقه‌ای جالب و پرمیچان را انجام دادند. زمان قانونی مسابقات هندبال دو نیمه ۳۰ دقیقه‌ای است، ولی این دو تیم به جهت راه بنمایش گذارده‌اند. بعد از این گروه دو تیم پسران تحت نامهای مشک و نارنجی بود در روی یکدیگر قرار گرفتند و مسابقه‌ای جالب و پرمیچان را انجام دادند. زمان قانونی مسابقات هندبال دو نیمه ۳۰ دقیقه‌ای است، ولی این دو تیم به جهت راه بنمایش گذارده‌اند.

دیر برنامه‌های کجاوه

دیگر برنامه‌های اجرا شده در اولین کجاوه اداره تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش شامل یک نمایشنامه، یک رقص و موسیقی بودند. نمایشنامه را بازیگران گروه تاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا کردند. نمایش بود دیدنی، جالب و در عین حال کوتاه بنام تربه که در سطح دید و فهم بچه‌ها بوسیله مینیمیم، نوشته شده بود و اردلان معیده آنرا کارگردانی کرد. علی‌رغم اوقات

اداره تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش تلاش دارد که حتی الامکان هر پانزده روز تالیکماه یکبار، نظیر چنین جشنواره ورزشی و هنری را در دیگر بخشهای پایتخت برگزار کند.

روح زنده والیبال دختران



شهلا صفوی - در جمع هاشمیان با موجودیتی موفق در برابر پاس ظاهر شد.

با برنامه‌ای واقعی و تمرینات منظم در محیط مناسب تحت تعلیم و تربیت قرار گرفتند قادرند سخت امپدوارکننده باشند. ولی دشواری همینجاست که بسیاری باشگاهها تازه در آستانه هر دوره مسابقات بیاد تیم خود می افتند و بهر صورت شده با کمک جمعی مربی خانم بدوش تیمی راهی بازیها میکنند و این طریقه طبیعتاً نمیتواند امپدوار کننده باشد و از آن انتظار زیادی برای بالا بردن سطح کار داشت.

نمایش دوگانه

مرحله مقدماتی مسابقات که طول آن ۱۵ دیدار انجام گرفت (برنامه بازیها شامل ۱۸ مسابقه بود ولی به علت حاضر نشدن تیم و ایران نوین سه دیدار برگزار نشد) نمایشی دوگانه از والیبال دختران بود. چند برخورد محدود تیمهای صاحب نام کیهیتی امیدبخش تر دربر داشت ولی اغلب بازیها ، در مقیاسی درجه د نیاز مسابقات قهرمانی باشگاههای یک پایتخت نبود ، ضمن اینکه جمعی از چهره های خوب بازیها را نیز شهرستانها تشکیل میدهند ! گروه جوانانی که در حال حاضر در والیبال حضور دارند ، اگر چه کارشان به آن صورت چشمگیر و جلبکننده نیست ولی در تدریج جمعی از آنها اگر در شرایط مساعد قرار گیرند ، روزهای بهتر در انتظارشان هست ولی نکته اینجاست که توجهی وجود ندارد .

مسئله و توجه باشگاهها ، حرفی است که بارها مطرح شده ، ولو اینکه اثرات آنرا در نمونه کار چند باشگاه بزرگ که تلاشی در راه سازندگی دارند ، میتوان مشاهده کرد.

بمنوان مثال « لیون بت ملک » پار جوان تاج که سال پیش نیز در بازیها به همراه افسر حضور داشت و بعد به تاج انتقال یافت : امسال در تیم مدعی قهرمانی یک مهره قابل بحث است : در حالیکه نظایر او در تیمهای کوچک کم نیستند و فقط به زمینه لازم برای بارور شدن نیاز دارند و در جریان مسابقات امسال نیز چنانچه کمی در تیمهای کوچک و تازه وارد جستجو شود : از این امیدها باز هم میتوان یافت . مثلا : مهدی (شماره ۳ پرسپولیس) ، فروزنده ترابی (شماره ۱۰ - تهران جوان) ، طاهره گلشن (شماره ۶ - تهران جوان) و برخی دیگر مهره هایی هستند که نشانه هایی از شایستگی در خود دارند ولی راه آینده اشان معلوم نیست . زیرا تیمهای کوچک بخاطر نبود امکانات و توجه همیشه در معرض گردید از اهمیت بیکی قرار دارند و در این رهگذر نیز امیدها و استعدادها بزرگترین زیانها را می بینند .

دیدارهای مقدماتی

دیدار های مرحله مقدماتی از روز یکشنبه ۲۹

شنبه

سه پیروزی که در این شب بحساب پاس- هما و پرسپولیس گذارده شد، این سه تیم را پیش از برگزاری آخرین دیدارهایشان عملا به

شنبه

هفته گذشته بازیهای مرحله مقدماتی اولین دور مسابقات والیبال مردان باشگاه های ایران با برگزاری دیدارهایی در شهرهای مختلف دنبال گردید . بازیهای مقدماتی از دو هفته پیش با تقسیم ۲۰ تیم شرکتکننده در ۷ گروه آغاز شده است که دیدارها بصورت رفت و برگشت انجام میگردد . نتایج مسابقات برگزاری هفته پیش باین شرح میباشد .

منطقه ۱

رشت - پاس قزوین در دومین دیدار خود در کادر این بازیها تیم پیسی گیلان را در رشت با نتیجه ۳-۰ شکست داد . قزوینها که در بازی اول تیم کورش مازندران را ۳-۲ مغلوب کرده بودند ، در برابر مهیسی، کار آسانی برای دست یافتن به پیروزی داشتند و سه گیم پیاپی ۱۵-۷ ، ۱۵-۸ و ۱۵-۶ تیم میزبان را برانو درآوردند . بازیکنان ۲ تیم :

پاس قزوین : ابو الحسن درخشانی ، عباس سمعدی ، علی موثنی ، ضراغام صادقی ، ابراهیم زواره ، جعفر قوامی ، صادق ملکزاده ، باقر خوشینی ، رضا خمسه ، رضا طلیحانی ،

منطقه ۷

مشهد: تیمهای قهرمان باشکدهی خراسان و سه تن تنها تیمهای حاضر در این گروه میباشدند که خراسانیا موجودیتی برابرت برن از حریف دارند و اولین دیدار این دو که در مشهد انجام شد با پیروزی ۳-۰ خراسان پایان پذیرفته ضمن اینکه میزبان در این بازی از نفرات ذخیره خود سود میبرد ، سه گیم مسابقه ۱۵-۷ ، ۱۵-۴ ، ۱۵-۲ با پیروزی خراسانیا همراه بود . بازیکنان دوتیم . خراسان: حسن شمشیری، مهدی جوشنیر، سمعدقانی آفری، اصغر هنرور، کاظم جلالزاده، بهروز تیموری، فرهاد علیزاده، اصغر جویندهل، حمید شائیکی، باقر سلیمان نژاد، رضا سلطانی، سرپرست : امیر جعفری، مسلمان: میروس وظیفه دان، احسان دلیری، اسماعیل

جمع تیمهای برگزیده برای حضور در مرحله نهایی فرستاد. زیرا اینها به همراه عقاب - تاج و دییم پس از بدست آوردن ۲ پیروزی از دو دیدار، در آخرین بازیهای خود بر سر عنوان های اول و دوم گروهها با یکدیگر بازی داشتند و شکست و پیروزی در صندوقشان بی اثر بود. در دیدار اول صنعت نفت نتوانست حریف سختی برای پاس باشد و براحتی ۲ گیم پیاپی شکست خورد. پاسها در گیم اول ۱۵-۲ به پیروزی رسیدند و در دومین گیم بی آنکه حتی یک امتیاز از دست دهند ۱۵-۰ به پیروزی دست یافتند !

پس از این بازی، هما، صاحب عنوان قهرمانی مسابقات سال گذشته باشگاههای تهران برابر



« تریاگانگانه » در دیدار با هما مهرهای مو حریف را به وحشت می انداخت ؛ عکس : (راست) و فرزانه فر

وال

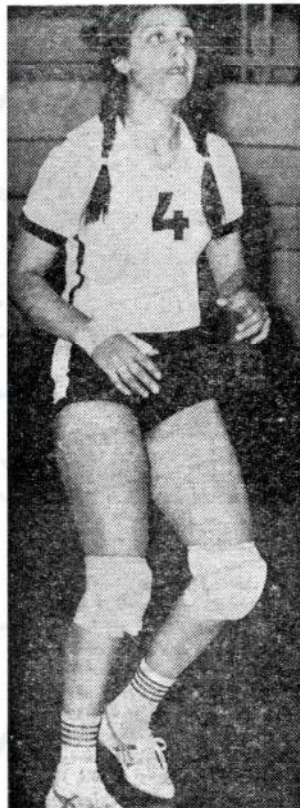
قهر

باش

ای

فرامرز تهرانی رفیع

ادر پیکار هما- پاس دیدیم



«موش کمنی» در دیدار باهما چهاره
برفوغ پاسپا بود.

همین آفت پاس شد که بجای آرامش و حلق
موقعیت خودبا اندیشه شکست حریف، عجلانه
دنبال پیروزی بیافان و این هما را مدد کرد
پیروزی را از آن خود کند.

برتری ۴-۳ پاس بعد از دفاعی به مساوی
۴-۳ تبدیل شد و سپس برتری ۶-۳
دویم در امتیاز ۶ بار دیگر شانه به شانه
قرار گرفتند و پس از امتیازات ۹-۱ و ۱۲-۱۲
سرانجام هما ۱۲-۱۲ پیش افتاد و کیم اولرا
با پیروزی ۱۵-۱۳ به پایان رساند.
شروع کیم دوم با برتری هما همراه بود که
ابتدا ۵-۳ پاس را پشت سر گذارد و سپس
۱۰-۳ پیشی گرفت، اما از این پس تا حساب
۱۰-۱۰ هما در کمند حریف مقهور بود که
بدون کسب حتی یک امتیاز ۷ امتیاز به پاس
داد و جالب اینکه در این شرایط وقتی نتیجه
۱۰-۱۰ شد با گرفتن امتیاز ۱۵-۱۰ با پیروزی
رسید و در مجموع ۳-۳ پاس را مغلوب کرد.

رده بندی

ردمندی تیمها در سه گروه در پایان بازی
های مقدماتی باین صورت میباشد.
گروه اول : ۱- تاج ۲- عقاب ۳- آبادانا
۴- تهرانجوان.
گروه دوم : ۱- دهیم ۲- پرسپولیس ۳-
افسر ۴- ایران نوین.
گروه سوم : ۱- هما ۲- پاس ۳- ایران
امروز ۴- صنعت نفت.
برنامه بازیها
ضمتا بعد از ظهر چهارشنبه در محل سالن
شماره ۲ فرح قرعکشی برای تعیین برنامه
دیدارهای مرحله نهائی انجام شد که برنامه
اولین هفته مسابقات باین ترتیب است.
شنبه (امروز) : ● پاس- دهیم ● پرسپولیس
- عقاب.
دوشنبه : ● عقاب - دهیم ● هما - تاج.
چهارشنبه : ● هما - پاس ● پرسپولیس-
تاج.

سرانجام مسابقه را هما با پیروزی ۳-۲ برد
ولی پاس نیز کیفیت خوب، از کار تیمی و
فردی ارائه کرد و اگر تجربه بیشتر در جمع
تمام یارانش وجود داشت بی تردید باین
صورت شکست را نمی پذیرفت، ولی گذشته از
چند مهره شناخته شده این تیم نظیر تریایگانه،
مهوش کمالی فر و گیتی یگانه سایرین درمینه
کمبود تجربه اسیر بودند ! ، پاتوجه اینکه
همما در سایه تجربه فراوانش بازی را برد.
در اولین بازی شب آخر مسابقات مرحله
مقدماتی ایران امروز با صنعت نفت دیدار
داشت که ۲-۲ کیم پیروزی ۱۵-۷، ۲-۱۵ مکان
سوم گروه سوم را بدست آورد، پس از این
ایران نوین برای دیدار با افسر حاضر نشدند
بالاخره در بازی آخر هما و پاس پسند
یکدیگر رفتند .
همما آسماض ضمن بختمند داشتن ماریت
و فرخنده صالح نسبت به سال گذشته با افزودن
شهاب صفوی ، گیتی محیان ، فرزانه فرمان آرا
و چند چهره جوان دیگر بجمع یاران قدیم،
بازهم صاحب موجودیتی برتوان میباشد و از
سوی دیگر پاس اگر چه مهره صاحب نامی
به آنچه از گذشته داشته ، اضافه نکرده ولی
از جهت کار تیمی نمایشی موفقتر از دوره
پیش بازیها دارد.

دو کیم بازی هما - پاس نزدیک به یک ساعت
بطول انجامید و تلاش و تحرک و همچنین
کیفیتی خوب از و البالای هر آن دیده میشد.
توپ گیریها ، اسپکا و دفاع روی تورشانهائی
از امید داشت ولی افسوس که کمتر میتوانیم
شاهد این چنین بازیهای باشیم، در جمع
بازیکنان ۲ تیم مهوش کمالی فر و تریایگانه از
پاس و شهاب صفوی ، فیهیه فرمان فرما و مینا
فتحی از هما بهترین مهره های حاضر در میدان
بودند و در این میان درخشش مهوش کمالی فر
چشمگیرتر مینمود.

درخشش پاس

«پاس» آتچنان کوبنده در آغاز کار با
حریف روبرو شد که برای دفاعی وحشت
تکست با سنگینی تمام بر اردویی هائیهاسایه
افتاد، زیرا خیلی زود فرستادن ۲ اسپک بیایی
بهاوت توسط مینو اشتیاق بازیکنان هما -
اسپک ترمیشی تریا یگانه مهره خوب پاس و
سرویس کمالی فر حساب امتیازات را ۴-۰
بسود پاس کرد.
پیش آمدن تصور زود هنگام دست یافتن
به پیروزی ، پاسپا را سخت شتابزده کرد و

تیمهای سوم و چهارم گروه اول بود، و پس
از دو کیم نیز با پیروزی آبادانا باهامان گرفت.
بازی ایندو تیم که از ۲ مسابقه گذشته خود
پاناج و عقاب دوشکست داشتند ، در کیم اول
با پیروزی ۱۵-۶ آبادانا خاتمه پذیرفت، در کیم
دوم تهرانجوان با سخت کوشی بیشتر با حریف
مقابل کرد ولی نتیجه بازهم باخت تهرانجوان
بود و آبادانا کیم دوم را ۱۲-۱۵ برد.
در دومین مسابقه عقاب و تاج برابر یکدیگر
قرار گرفتند که تیم پیروز این دیدار عنوان
قهرمانی گروه اول را تصاحب میکرد.
آغاز بازی کیفیت دلپذیر و پرهیجان داشت
ودویم سرسختانه و پر تپ و تاب برای کسب
امتیاز رقابت میکردند و در این میان نمایش
عقابها جالب بود که با جنگندگی و سخت کوشی
فراوان با حریف برتوان خود پیش میامدند.
ولی این شکل کار دوامی طولانی نداشت و
عقاب اندک اندک در رقابت پاناج بازماند و
سرانجام کیم را ۱۵-۵ بحریف واگذار کرد.
در کیم دوم تاج بازی را بهتر آغاز کرد و
بسرعت از عقاب فاصله گرفت و سریع ۳-۰ ،
۳-۱ ، ۳-۲ ، ۳-۴ برتری یافت تا اینکه کیم
را با پیروزی ۱۵-۵ به پایان برد.
در تیم تاج ضمن غیبت «بتول حسین پور»
مهرملی پوش آن ، مریم صدارتی، لیتونیت
ملک و حبیبیه پاشائی چهره های موفق تیم بودند
و در تیم عقاب «معصومه مری» بهترین بود،
«مری» که سرشناسترین و در عین حال
تنها بازیکن ملی عقاب بشمار میاید نقش مهم
در موجودیت این تیم دارد و در برابر تاج
نیز بر تلاش و موفق ظاهر شد.

سومین بازی را دهیم و پرسپولیس برگزار
کردند که پیروزی دهیم ، این تیم را در صدر
گروه دوم جا داد.
پرسپولیس طول ۲ کیم بازی با حریف سنگینی
منقاوت داشت ، زیرا کیم اول را خیلی آسان
۱۵-۲ از دست داد، ولی در کیم دوبجانش
و سخت کوشی بیشتر تا امتیاز ۱۲ پیش آمد
و سرانجام با باخت ۱۲-۱۵ در مجموع ۳-۰
مغلوب شد.

چهارشنبه

آنجکه در بازی هما - پاس دیده شد ، بالاتر
از آن بود که تحت این شرایط از و البالای
دختران انتظار میرفت ، ضمن اینکه اوج
هیجان آن نیز در نخستین کیم شکل گرفته
تا امتیاز ۱۲-۱۲ نیز دو حریف شانه به شانه
قرار داشتند.

طهران امروزه قرار گرفت که این دیدار نیز
در برتری مطلق هما ۲ کیم شکست ایران
امروز خلاصه میشد.
هما در کیم اول با آرامش فراوان با نتیجه
۴-۳ صاحب پیروزی شد و این پیروزی را در
کیم بعد نیز با آسودگی بیشتر بدست آورد و
موفق شد حریف را در امتیاز ۱۵-۱۰ جای گذارد
و این کیم را ۱۵-۱۱ به پایان برد.
آخرین پیروز این شب پرسپولیس، بود که
با حاضر شدن حریفش «ایران نوین» آسانتر از
پاس و هما پیروزی بنامش ثبت شد .

دوشنبه

اولین بازی دوشنبه که بین آبادانا و
تهرانجوان انجام گردید، دیداری برافروختن



رزد به پاسپا بود که هرگاه به پای توره میرسد
و را در کار عبور دادن توپ با دفاع صفوی
را نشان میدهد .

کاظم مجری ، جهانگیر باقری ، محمد حسن آقائی مظاهری،
مری : آرمن .
کرمن : منصور حسنه ، محمد نجفی ، علیرضا ابراهیمی،
مجید رفیع زاده، حسین فروش ، رضا نوسی ، مهدی قاسم زاده،
مسعود شهبیدی، علی کلاتری، رسول فاخر، مریم : فروش .

منطقه ۲

زنجان : شرف زنجان که در خانه خود با پاس رضایشه
دیدار میکرد ، توانست چهارمی موفق ارائه نماید و سه
کیم بهایی ۱۵-۷ ، ۱۵-۴ ، ۱۵-۳ شکست خورد .
پاس رضایشه : یداله کارگریشه (کاپیتان) ، ناصر
منصوری ، محمود آفریدون ، رحیم قارصی ، رسول زاهدی،
افلاطون امیر نظامی ، یحیی بلوری ، کاظم جمشیدی ، احمد
نعمت زاده ، یداله قاسم نژاد ، رسول بنائی ، شامل وظیفه،
مریم : یداله کارگریشه ، سرپرست : سروان رحیم فروزش،
شرف زنجان : خلیل حصار (کاپیتان) ، محمود نظیری،
فرخ عطائی ، رسول کاوندی ، محمد رضا کلاتری ، حبیباله
غریلو ، اسفندیار بیات ، جواد بیگرتی ، اصغر اسلامی
صید کیو دوند ، اصغر محزونی . مریم : مسعود نوروزی،
سرپرست عباس رهبری . محل بازی ، محل بازی ، سالن ۲۵ شهپور .

باقری، جمشید دربیان، مهدی پهلوان، سعید سعیدی عباس
دانائی، جهانگیر مکره ، حسن رضوانی، علی محمد محمود
زاده ، مسعود حبیبی ، هوشنگ دانائی، سرپرست : محمد
آشوری.

منطقه ۴

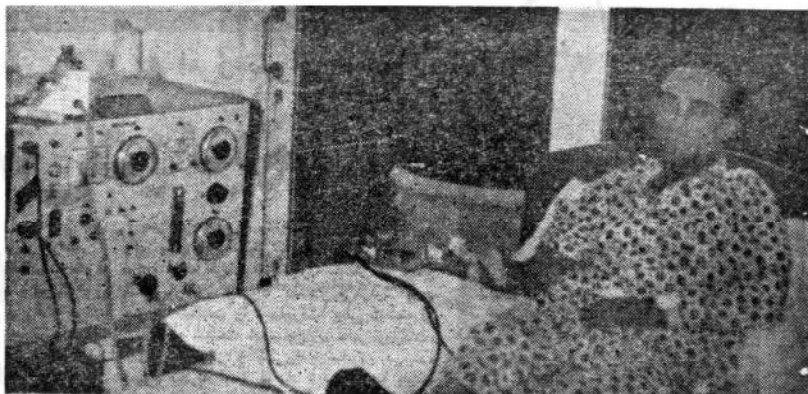
اصفهان: تیم ذوب آهن اصفهان دیشب در سالن ۲۵
شهپور این شهر در برابر ذوب آهن کرمان به پیروزی آسانی
دست یافت.
اصفهانپا اگر چه چهارمی در حد همیشه نداشتند ولی
با اینحال سه کیم بهایی ۱۵-۶ ، ۱۵-۶ ، ۱۵-۱۲ میهمان را
مغلوب کردند. بازیکنان تیم اصفهان: محمد فتحی ، هوشنگ
حق شناس، حسن حسینی، مرتضی تفنگ ساز، حسن رحمان،
احمد رضا دادگر، حسین خرمی، حسین پاکدل، مریم: دولت.
یداله آهن کرمان در دیدار با پاس ۳-۰
صاحب پیروزی شد ، نتایج سه کیم بازی ۱۶-۱۴ ، ۱۵-۱۳،
۱۵-۱۲ بودند .
پاس یزد : ابو الفضل پهلوان نصیر ، حسین محبی الدین
محمود محبی الدین ، حیدر صامعی ، محمد حسن جلالی،
محمد کاظمی ، عباس هادی، حمید محمدی ، محمد قاضی پور،

سال
انی
های
ران

پیوند کلیه دهداری موفقیت بار بود

با انتظار و اضطرابی چهار ماهه ، سرانجام سشنه گذشته پرویز دهداری مرد محبوب فوتبال ایران و کاپیتان و مربی سابق تیم ملی در رویال هاسپیتال لندن تحت عمل جراحی پیوند کلیه قرار گرفت و یکی از دو کلیه برادرش دیدار دهداری موفقیتبار به بدن او پیوند زده شد . دهداری که ۲ ماه گذشته را بعد از دورانی هراس‌آور و خطرناک به‌سبب دستگاه تصفیه خون در لندن بسر برد ، اکنون بار دیگر با داشتن یک کلیه طبیعی در بدن خود ، با آمیدی تازه بزندگی لبخند میزند .

دوستاناران دهداری چهلگی آرزومند سلامتی کامل او و بازگشت هرچه زودترش به خاک و وطن هستند . دهداری ۴۲ سال دارد و دارای همسر و ۲ فرزند بنامهای شاهین و شراره میباشد .



«بگی داودی» خبرنگار دنیای ورزش
از ایتالیا گزارش میدهد

صفر ایرانیایک ویشنهاد بازی در تیم آ. ث. میلان

صفر ایرانیایک مهاجم تیم ملی و پرسپولیس که چندی پیش به ایتالیا سفر کرده بود با خرید یک اتومبیل کورسی لوکس چهارشنبه هفته گذشته وارد تهران شد . ایرانیایک در میلان توسط خبرنگار دنیای ورزش بگی داودی، به مقامات تیم آ. ث. میلان معرفی و موفق میشود تا چند جلسه در تمرینات این تیم شرکت نماید ، که در دومین جلسه تمرین سرپرست تیم آ. ث. میلان پیشنهاد عضویت در تیم ایتالیایی را به مهاجم تیم پرسپولیس میدهد . این امر در یکی از روزنامه های معروف میلان ، «کوریره» درج و نوشته میشود که بزودی یک ایرانی بپراهن تیم آ. ث. میلان را برتن خواهد کرد .

خبرنگار ما از ایتالیا نوشته که از فصل آینده ورود بازیکنان خارجی به تیمهای ایتالیایی بار دیگر آزاد خواهد شد و مسئولین تیم میلان او را برای فصل آینده خواستار شدهاند ، خبرنگار ما همچنین افزوده که سرپرست تیم آ. ث. میلان در حالی که خود من نقش مترجم را داشته در مورد قرارداد و مزایا به ایرانیایک گفت ، با ماهی ۵۰۰ دلار حقوق که این مبلغ تنها پول توجیبی نخواهد بود چرا که خانه ، غذا و ماشین را برایشان مجانی تهیه خواهند دید او را به عضویت تیم در می آوریم و بدینال سه ماه تمرین نیت قراردادش را برای دو سال تعیین خواهیم کرد ، سرپرست تیم ایتالیایی گفت حداقل مبلغ قرارداد ما برای این ایرانی ۱۵ هزار دلار میباشد .

اسکی تشویقی در پیست «خور»

اخیرا یک دوره مسابقات اسکی تشویقی در دو گروه بزرگسالان و جوانان در پیست جدیدالتاسیس «خور» برگزار گردید ، این مسابقات در قسمت مارپیچ بزرگ انجام گرفت و در گروه بزرگسالان که گروهی از چهارمهای خارجی نیز در کنار اسکی‌بازان داخلی در مسابقه حضور داشتند ، سید هادی میرسیدی بعنوان نخست دست یافت و در گروه جوانان نیز سیفعلی کلهر صاحب مقام اول شد . پیست اسکی «خور» درفاصله ۱۵ کیلومتری سدکرج واقع میباشد و علیرغم مدت کوتاهی که از آغاز کار آن میگذرد ، مورد توجه فراوان قرار گرفته است .

نتایج کلی مسابقات

جوانان : ۱- سیف علی کلهر با زمان ۲ دقیقه و ۸۲ ثانیه ۲- بهروز کلهر با ۲ دقیقه و ۸۷ ثانیه ۳- عباس کلهر با ۲ دقیقه و ۹۱ ثانیه ۴- مومن طبری با ۲ دقیقه و ۱۰۰ ثانیه . بزرگسالان : ۱- سید هادی میرسیدی با زمان یک دقیقه و ۵۶ ثانیه ۲- سلیمان بهار با یک دقیقه و ۵۸ ثانیه ۳- سعید مختار سیدیور ، قربان علی سولقانی ۲ دقیقه و ۲۲ ثانیه ۴- بهزاد لاری با ۲ دقیقه و ۲۶ ثانیه .

دو صحرانوردی

فدراسیون دوومیدانی ایران مسابقات دو صحرانوردی تشویقی در دو گروه برای دختران و پسران تهران ترتیب داد که هفته گذشته در اطراف استادیوم آرپامهر انجام گرفت و این نتایج بدست آمد : پسران : ۱- محرابفانیان ۲- محمد سمندری ۳- نجاتی دختران (بزرگسالان) : ۱- ملیحه رجب‌زاده ۲- شهناز کاشانی ۳- شهناز رستوران (نوجوانان) : ۱- فریا وکیل‌عرب ۲- وزا مطهری ۳- فریا ابراهیمیان .

ذوالفقار نسب در پرسپولیس

اینکه برخی میگویند پول حلال مشکلات زیاد هم میبرد نگفتند . پاس هر دوپایش را در یک کفش کرده بود که بهیچ شکل ذوالفقار نسب را از دست نخواهد داد چرا که خودش به این بازیکن نیاز دارد . کمیته قضائی هم نتوانست با تشکیل چند جلسه بی در پی در این مورد کاری انجام دهد ، همانطوریکه پادرمیانی ریش سفیدان فوتبال هم بهیچ شکل موثر واقع نشد .

اما وقتی تمام امیدها به ناامیدی تبدیل شده بود و پاس همچون کله به ذوالفقار نسب چسبیده و بهیچ شکل او را رها نمیکرد سرانجام هزار تومانها این وصلت را به جدائی کشانند ، زنجیر محکم پاس و ذوالفقار نسب با ۱۵ هزار تومان پارشد ، این مبلغی بود که پرسپولیس برای تصاحب ذوالفقار نسب تقدیم پاس‌ها کرد ، آنها چندی قبل خیلی ارزاتر از این قیمت بهترین مدافع خود سیح‌پارا را به ابرسم واگذار کرده بودند .

شایدیم که پرسپولیس بهین مقدار نیز در اختیار ذوالفقار نسب قرار داده تا او قرارداد ۲ ساله با این تیم را امضاء کند که روییم این مدافع ۳۰ هزار تومان برای سرخوشها آب خورده !

قاسم طیبی و برگ آزادی

قاسم طیبی دومین بازیکن پاسی بود که بدینال جدال های فراوان موفق شد برگ رضایت نامه از پاس را دریافت دارد ، پاس‌ها برای واگذاری طیبی تنها ۸ هزار تومان از رآه‌آهن تیم خواستار او دریافت داشتند ، گفته میشود که طیبی برای عضویت دوساله در رآه‌آهن ۱۵ هزار تومان دریافت داشته است .

رآه‌آهن جز طیبی ، مهاجم خوزستانی تیم عقاب غلام کبابور را نیز در اختیار گرفت ، این بازیکن که گفته میشد در «هماه» ظاهر خواهد شد و حتی چند جلسه نیز در تمرینات این تیم دیده شده بود لقمه گوارای رآه‌آهن را به دهان گرفت و با ۲۰ هزار تومان و امضاء یک قرارداد ۲ ساله پیراهن این تیم را پوشید .

صبحی در دارائی

فرامرز صبحی دروازمیان تیم بانک ملی که یکی از مشتریان سچ کمیته قضائی غراسیون بود ، سرانجام چهارشنبه گذشته با توافق سرپرستان تیمهای دارائی و بانک ملی ، مشکلات آسان شد و توانست به تیم مورد علاقه‌اش دارائی نقل مکان نماید ، گرچه هنوز عضویت صبحی در تیم دارائی رسمیت پیدا ننموده ولی واگذاری ناصر نبوی دروازمیانی که مورد تقاضای دو تیم دارائی و بانک ملی بود از جانب دارائی به تیم مورد بحث (بانک ملی) عضویت صبحی را در تیم دارائی مسجل نمود . بطوری که سرپرست بانک ملی میگفت ، دارائی در ازای تصاحب صبحی مبلغ ده هزار تومان میبایستی به صندوق بانکی ها واریز نماید ضمن اینکه «نبوی» هم مجبور است تا جانشین صبحی در بانک ملی گردد .

جناب آقای بیژن رفیعی

درگذشت بدر گرامیان مارا دراندوه عمیقی فرو برد . این مصیبت را صمیمانه تسلیت میگوئیم .

کمیته فوتبال تراکتورسازی تبریز

صمدپور صمدی

جوانان ۱- برق شیراز صفر

تیم ملی فوتبال جوانان ایران که از مدتی قبل در شیراز اردو زده ، برای آمادگی هرچه بیشتر جهت شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان جام بین‌المللی ولیمپد ، بعد از ظهر دیروز در استادیوم تاجگذاری شیراز دیداری دوستانه با تیم برق شیراز میهمان تازه جام تخت جمشید برگزار نمود .

این بازی که با پیروزی ۱-۰ ملی پوشان جوان پایان گرفت با وجود حضور ده‌هزار تماشاگر هیجان و رونق خاصی برخوردار نبود و این بجهت بازی کم فروغی‌بود که از جانب بازیکنان دو تیم ارائه گردید .

جوانان با آغازی سریع و برتوان در دقیقه ۵ دروازه حریف شیرازی را فتح کردند ، این گل روی یک توپ بلند که از جناح راست روی دروازه برق شیراز فرستاده شده بود با شلیک سنگین و سرسری ، حیدری مهاجم نوک جوانان بدست آمد و همین گل تا پایان بازی برای جوانان محفوظ ماند .

تربیت مربی ورزش

اداره کل تربیت بدنی آموزشگاهها با برنامه‌ای تازه برای پیشبرد سطح ورزش در مدارس ، اقدام به تشکیل کلاسهای تربیت مربی و ورزش جهت سرستادن این مربیان به شهرستانهای وابسته به استان مرکز ، کرده است .

این کلاسها از دوشنبه هفته پیش آغاز گردیده و مدت آن نیز ۶۰ ساعت خواهد بود ، شرکت کنندگان در این کلاسها ۲۲۰ دختر و پسر میباشد که باانجام مسابقه ورودی از بین ۷۵۰ داوطلب انتخاب شده‌اند .

مربیان پس از گذراندن دوره تعلیماتی ، شهرستان های تابعه استان مرکز خواهند رفت و تعلیم و ورزش در مدارس را به‌عهده میگیرند .

مکالمه کدخدازاده دبیر ورزش پراسفاه مدارس که خود نیز نقشی در این برنامه دارد ، این‌خبر را بما داد .

مسافران تازه ایتالیا

علی جباری ، حسین کازرانی و ایرج دانائی‌فرد ، سه فوتبالیست سرشناس تیم ارشد که در دیدار رفت مقابل تیم ارشد ایتالیا در تهران بطلی حضور داشتند چندانهای خود را برای سفر به ایتالیا بستنند .

با توجه به نارسائی هانی که در خط دفاعی و میانی تیم ارشد چشم میخورد بدون شک حضور جباری و کازرانی مسائل و دشواریهای این دو جبهه را تا اندازهای از بین خواهد برد ، همچنین دانائی‌فرد که قادر است در خط حمله تحرک نامزای تیم تیم ارشد باشد .

ولی اینکه بازیکنان مورد بحث چرا در تمرینات و مسابقه قبلی غایب بودند و حالا سر و کلشان پیدا شده این خود نوعی اشکال در کار ارنج تیم ارشد محسوب میشود که بدون شک اگر از وجود این سه بازیکن که دو تن آنها «جباری» و کازرانی از هر نوع آسیب دیدگی بری بودند ، دروازه رفت استفاده میشد بعید نبود تا با ترکیبی بهتر نتیجه مطلوبتری عاید تیم ارشد میگردد ، بهرحال بیاد آن مثال معروف که میگوید ماهی را هر وقت از آبگیری تازه است ، آرزوی موفقیت تیم ارشد را در ایتالیا با تمام قوا موجود داریم .

تیم فوتبال ارشد ایران ۲۵ اسفند ماه برای انجام دیدار برگشت به ایتالیا عزیمت خواهد نمود .

خبرهای کوتاه

مرا مسموم کرده بودند!

جوجو فرخ، شش تن معروف آمریکایی و قهرمان سابق بکس دسته سنگین وزن جهان هفته گذشته طی گفتگویی با خبرنگاران ورزشی در نیویورک دلایلی برای شکستش در مبارزه با محمد علی، بیان کرد و جالبتر از همه اینکه گفت: من فکر میکنم با احتمال فراوان بیش از مسابقه تحت تاثیر داروهایی که بمن خورانده بودند، تخدیر شده بودم!

سوخته سرائی به مغولستان می رود

هفته گذشته فدراسیون کشتی ایران «رضا سوخته سرائی» ملی پوش وزن ۱۰۰ کیلو را نیز جمیع کشتی گریان برگزیده برای شرکت در مسابقات بین المللی کشتی آزاد «الانیا» در مغولستان افزود.

قبلا محسن فرخوشی، محمد رضا نوائی و منصور پرزگر برای سفر به مغولستان انتخاب شده بودند که باین ترتیب تعداد مسافران به ۴ رسید.

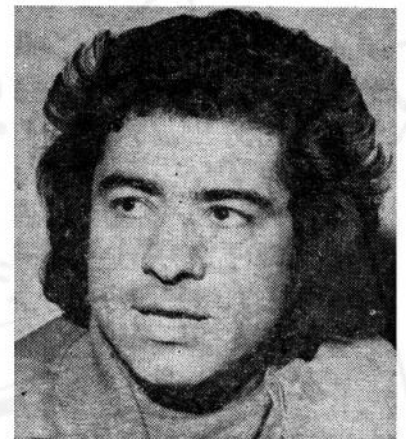
اسکی بازان ارتش آلمان در تهران

امروز نخستین مرحله مسابقات اسکی دوستانه ارتشهای ایران و آلمان غربی برگزار میگردد که این دیدارها سه روز بطول می انجامد.

تیم اسکی ارتش آلمان غربی چهارشنبه هفته گذشته با اکیسی ۱۸ نفره به تهران آمد که طی سموز شنبه (امروز)، دوشنبه و سه شنبه با تیم اسکی ارتش ایران دیدار خواهد کرد.

«حسن کرد» مربی تازه دخانیات

همانطور که انتظار میرفت درحالی که کمتر از یکماه از پایان مسابقات والیبالی قهرمانی مردان باشگاههای تهران میگذرد، تغییر در پست مربیگری تیم «دخانیات» نایب قهرمان بازیهای باشگاهی پایتخت داده شد و محسن کرد، چهره سرشناس والیبالی ایران و کاپیتان سابق تیمهای ملی و دخانیات بعنوان مربی تازه این تیم آغاز بکار کرد. «دخانیات» اگر چه در مسابقات اخیر باشگاهها بمقام دوم دست یافت ولی با کیفیتی دور از انتظار و ناموفق از جهت ارائه موجودیت تیمی، در مسابقات ظاهر گردید و همین مسئله سبب شد تا برای بازگشت به موقعیت پر فروغ گذشته اش تدارکی را آغاز کند و نخستین برنامه نیز سود بردن از حسن کرد، در پست مربیگری تیم میباشد. مربی قبلی تیم دخانیات «داود دارابی» بود که در مسابقات اخیر باشگاههای تهران رهبری این تیم را برعهده داشت.



۲ شکست برای پینک پنگ ایران

سی و سومین دوره مسابقات جهانی پینگ پنگ از بهمن ماه در شهر کتکه واقع در هند آغاز شد. ایران در این دور تنها در گروه پسران شرکت کرده است که با تیمهای استرالیا، سنگاپور، مازنی، لهستان، کانادا و سوئیس همگروه میباشد. تیم مردان ایران در ۲ شب نخست مسابقات ۲ بازی انجام داده که در هر دو باختست مواجه شده است.

دیدار نخست مقابل سنگاپور باختست ۲-۵ مردان ایران تمام شد. در مسابقه دوم استرالیا ۱-۳ بر تیم ایران غلبه کرد.

مردان ایران در دور گذشته مسابقات در سال ۱۹۷۲ در شهر ساراجیوو یوگوسلاوی بمقام بیست و سوم رسیده بود.

مسابقات وزنه برداری جام ششم بهمن

مسابقات وزنه برداری جام ششم بهمن در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۵ و ۱۶ بهمن ماه در شهرستان مسجد سلیمان انجام شد. فدراسیون وزنه برداری که همه ساله با برگزاری یکدوره مسابقه با حضور قهرمانان ارزنده رشته همت میکند، این بار با حضور ملی پوشانی چون نصیری - ملکی - والی - حسینی - شکرالهی سومین دوره مسابقات ششم بهمن را با انجام رساند.

سواى ناکامی محمد نصیری در برداشتن وزنه ۱۵۱٫۵ کیلو که رکورد تازه جهانی برای حرکت دو ضرب میوانست باشد شکست علی والی برابر حافظ حسینی نیز یک رویداد بود که بخاطر عدم آمادگی والی شکل گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از کیفیت ضعیف قهرمانان شرکت کننده بود. در این دوره مسابقات سواى وزنه برداران تیم ملی وزنه برداران تیمهای اصفهان - کرمانشاه - تبریز خوزستان و صنعت نفت نیز در صحنه رقابت حاضر بودند. رده بندی کلی از این قرار است.

مگس وزن: ۱- حسن حکیمیان اصفهان با رکورد ۲۰۲٫۵ کیلو ۲- علی قاسمی کرمانشاه با رکورد ۱۹۲ کیلو ۳- حسن مشرف بهزاد تهران با ۱۷۵ کیلو. خروس وزن: ۱- محمد نصیری تهران با رکورد ۲۴۰ کیلو ۲- فیض الله ناصری تهران با رکورد ۲۱۷ کیلو ۳- حسن نصیری اصفهان با رکورد ۲۱۲ کیلو. برون وزن: ۱- داود ملکی تهران با رکورد ۲۴۰ کیلو ۲- فضل الله دهخدا اصفهان با رکورد ۲۳۵ کیلو ۳- احمد رسنگار رضائی تبریز با رکورد ۲۲۵ کیلو. سیکوروز: ۱- مهدی عطارشرمی تهران با رکورد ۲۸۰ کیلو ۲- امیر درمنگی تهران با رکورد ۲۴۰ کیلو ۳- بهرام حکیمبراده اصفهان با رکورد ۲۳۷ کیلو. میان وزن: ۱- عبدالله فلاحتی از صنعت نفت با رکورد ۲۵۵ کیلو ۲- مسعود قاسمی با رکورد ۲۲۰ کیلو ۳- درویش دهقوی از خوزستان با رکورد ۲۲۰ کیلو. نیم سنگین: ۱- محمد علی عطری خوزستان با رکورد ۲۵۷ کیلو ۲- عبدالرحیم سرشت از صنعت نفت با رکورد ۲۵۵ کیلو ۳- محمدرضا آتینی از کرمانشاه با رکورد ۲۴۵ کیلو. میان سنگین: ۱- ایرج سلمانپور از کرمانشاه با رکورد ۲۳۷ کیلو ۲- حمید رضائی از مسجد سلیمان با رکورد ۱۸۰ کیلو.

سنگین وزن: ۱- حافظ حسینی از صنعت نفت بارکورد ۲۹۲ کیلو ۲- علی والی از صنعت نفت با رکورد ۲۸۵ کیلو ۳- علی شاهرخی از اهواز با رکورد ۲۲۰ کیلو. فوق سنگین: ۱- اکبر شکرالهی بدون رقیب با ۲۹۰ کیلو.

اسکاتلند ۱- اسپانیا ۱

دیدار برگشت تیمهای ملی اسکاتلند و اسپانیا در کادر دیدار های گروه چهارم مرحله مقدماتی مسابقات فوتبال جام ملت های اروپا با مساوی ۱-۱ به پایان رسید. این مسابقه که چهارشنبه شب هفته گذشته در شهر ووالنس اسپانیا برگزار شد در وقت اول ۱-۰ بسود اسکاتلندها بود.

موجو جوردن، بازیکن صاحب نام تیم اسکاتلند فرخستین دقیقه بازی دروازه اسپانیا را گشود و این گل تا دقیقه ۶۶ سبب برتری اسکاتلند بود تا اینکه «مناکیدو» بازیگر اسپانیا نتیجه را ۱-۱ کرد.

خراسان فاتح والیبالی

مسابقات قهرمانی والیبالی «راه آهن» های ایران که چندی پیش با شرکت ۸ تیم در خراسان آغاز گردیده بود. بدنبال ۷ روز مبارزه پنجشنبه هفته گذشته در حضور رؤسای راه آهن و مدیرکل تربیت بدنی استان خراسان با انجام دیدار نهایی بین والیبالیست های تهران و خراسان با پایان گرفت ضمن اینکه خراسان با پیروزی بر تهران به عنوان قهرمانی دست یافت.

چهره های درخشان تیم راه آهن خراسان قهرمان والیبالی راه آهن های ایران عبارت بودند از منوچهر اختین، حسن شمشیری، احمد جهانپیر، که این بازیکنان در عنوان قهرمانی تیم خراسان تلاشهای لایریختنی از خود نشان دادند، تیمهای تهران و تبریز عنوانهای دوم و سوم را بدست آوردند.

شکستکار و نکوئی به سوئد میروند

اسماعیل کسکار و علی نکوئی دوبار یکین ارزنده تیم صنعت نفت، دوشنبه این همه به سوئد عزیمت مینمایند. ایندو از مدتها قبل مقدمات سفر به سوئد را فراهم نموده بودند تا ضمن ادامه تحصیلات در این کشور فوتبال را نیز در صورت امکان دنبال نمایند.

بازیکنان مورد بحث همه هفته گذشته به مشهد رفتند و بدنبال زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام دو روز توقف در تهران به آبادان بازگشتند، شکستکار و نکوئی نخست به کویت میروند و بدشال بگفته توقف در این کشور عازم سوئد خواهند شد.

جای خالی بازیکنان یاد شده در تیم صنعت نفت بخوبی محسوس است و هم آبادانی در غیبت ایندو بدون شک تا اندازه ای دچار مشکلات خواهد شد.



محمد رضاشاه بر تزیده بسکتبال

در مسابقات بسکتبال آموزشگاههای پسران ناحیه ۱۱ تهران تیم دبیرستان محمد رضا شاه موفق به کسب مقام قهرمانی شد و «داویدوش» در مکان دوم قرار گرفت. عکس بازیکنان محمد رضا شاه را همراه دبیران ورزش این دبیرستان نشان میدهد، ایستاده از راست: قاسمی (دبیر ورزش)، یوسف کتنامی، سید مسعود غفوری، داود صانعی نژاد، رضا تهرانی، حیدرزاده (مربی ورزش)، نشسته: مسعود سگری، کاظم شیش آبادی، عباس بلقمره عباس فرخی.

خبر از: سعید مهرآور

فوتبال

پرسپولیس تهران -

تراکتورسازی تبریز

جمعه ۲۵ بهمن ساعت

۴ دراستادیوم امجدیه

دوستان عزیزم مکرمی و احمد مرادی ورود

شما رابه جام سوم تبریک میگویم.

اصفهان - فاطی پروش

(استخدام ستوانیاری خلبان در هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی)

هواپیمای نیروی زمینی شاهنشاهی امکانات تحصیلی شمارا با بهترین وجهی فراهم نموده و از هم اکنون شمارا با داشتن مدارک تحصیلی زیر استخدام مینماید. استخدامیان واجد شرایط پس از طی دوره های تخصصی و کارآموزی در ایران برای دوره های تکمیلی خلبانی بکشور امریکا اعزام میگرددند

الف: شرایط عمومی

- ۱- تابعیت دولت شاهنشاهی ایران
- ۲- متدین بودن به یکی از ادیان (اسلام . مسیحی . کلیمی . زردشتی)
- ۳- دارا بودن گواهی نامه چهارم متوسطه . ریاضی-طبیعی-ادبی-فنی (برق و مکانیک) و معدل کمتر از ۱۳ نباشد
- ۴- سن داوطلبین از ۱۷ تا ۱۴ سال و برای اشخاصیکه برک خاتمه سربازی دارند حد اکثر سن تا ۲۵ سال
- ۵- نداشتن پیشینه بد
- ۶- داشتن صحت مزاج و تناسب اندام طبق گواهی بهداری نیروی زمینی شاهنشاهی
- ۷- سپردن تعهد خدمت در ارتش شاهنشاهی .
- ۸- قد داوطلبین از ۱۶۰ سانتیمتر ببالا .
- ۹- نداشتن عیال تحت تکفل

ب : مدت خدمت در آموزشگاه ستوانیاری خلبانی دو سال و بطور شبانه روزی بوده و کلیه مخارج هنجوینان بعهده ارس شاهنشاهی خواهد بود هنجوینان بمحض ورود به آموزشگاه و پس از شروع اولین پرواز ماهیانه مبلغ ۱۰۲۵۰ ریال و پس از نایل بدرجه ستوان یار سومی خلبانی مبلغ ۲۹۷۷۰ ریال که به مرورافزایش خواهد یافت دریافت خواهند داشت ترفیع اضافیه حقوق و مزایای بعدی آنان برابر مقررات قانون استخدام نیرو های مسلح شاهنشاهی خواهد بود . ضمنا در صورت خدمت در خارج از مرکز ماهیانه مبلغ ۳۸۴۰۰ ریال دریافت خواهند داشت .

ج : فارغ التحصیلان از مزایای بسیاری نظیر پس انداز مسکن تامین آینده بانک سپه که برای دوران خدمت ۳۰ ساله با توجه بمبلغ پس انداز و مبلغ معادل آن که بلاعوضی از بودجه وزارت جنگ اضافه میشود و بهره مربوطه . وام مسکن بانک سپه استفاده از خانه های سازمانی با توجه ببرنامج افزایش سالیانه خانه سازی که برای پرسنل هر سازمان عمومیت خواهد داشت . درمان رایگان خود و خانواده تحت تکفل و خرید ر فروشگاههای ارتش با تخفیف قابل ملاحظه و غیره بهره مند میشوند . دوسومین برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می توانند همروزه باستثنای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل از ساعت ۷ الی ۱۴ در تهران ، پیادگان باغشاه خیابان کاشان دایره استخدام و روانسنجی هوانیروز در شهرستانها به اکیپهای استخدامی دردژبانی و شهرستانهایی که دژبانی ندارند به زاندارمری محل مراجعه نمایند .

هواپیمائی نیروی زمینی شاهنشاهی

شهری در نبردی شانه

به شانه بر شمیران پیروز شد

عکسها از: سلطانی
خبرنگار عکاسی اطلاعات
در «شهری»

تیم کشتی شهرستان ری قهرمان مسابقات کشتی آزاد استان مرکز شد، نفرات پیروز این تیم همراه با رئیس هیات کشتی - مربیان و داوران مربوطه دیده میشوند.



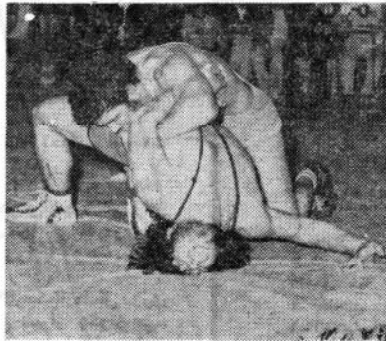
بود.
حسین آراسته - مرتضی مهدی اسماعیل و قاسمعلی بساکی از جمله خوبان ۵۷ کیلو بودند.
غافلگیری بزرگ در ۶۲ کیلو بایپروزی حیدرشخی کشتیگیر خمین بوجود آمد. این خمینی که حتی سارگت کلارک، شرکت کننده آمریکایی تیم شمیران را ضربه فنی کرده، با اندام دلپذیر و قدرت جسمانی خوب می تواند در سایه تمرینات مداوم روزهای درخشانتری را در پیش داشته باشد. مارک کلارک که به مقام دوم رسید ضمن یک شکست با ۴ پیروزی ضربه فنی صاحب مقام دوم شد. از نکات جالب اینکه مدال قهرمانی این آمریکایی در سکوی افتخار توسط پدرش باو داده شد.

عباس خالقی - نصرالله قلیزاده - حسین ملکی نفرات امیدوار ۶۲ کیلو بشمار میرفتند.
دومین پیروزی انفرادی را قاسم عبدالحسینی در ۶۸ کیلو برای «ری» بدست آورد، او در حالیکه وظیفه ای دشوار بدوش گذارده شده بود، برای کسب مقام قهرمانی روبروی حریف شیرانی قرار گرفت و این بار، یکی از میدارهای حساس برای دوتیم مدعی قهرمانی بود که در آغاز درخشش عبدالحسینی نمودار بود و در سه دقیقه سوم محمد تقی کاظمی گوئی از خواب رسته باشد بحریف تاخت و تصاحب ۱۷ امتیاز نشانه حکومت را در سه دقیقه سوم بود ولی با اینحال این برای پیروزی کافی نبود. در وزنهای ۷۴-۸۲-۹۰-۱۰۰-۱۱۰ کیلو بیلا کشتیگیران تفرش، کرج - شهری و شمیران به مقام قهرمانی رسیدند نتایج کلی از این قرار است.

نتایج کلی

۴۸ کیلو: ۱- عباس بیطرفان قم ۲- احمد عوشار شهر ری ۳- رحمان سیاه دهنی قزوین ۴- مرتضی جلیلی شمیران ۵- غلامعلی انصاری محلات ۶- حمید رضا خطیبی دماوند.
۵۲ کیلو: ۱- ذبیح الله مقدم کرج ۲- سید ابوالقاسم ستاوند شهری ۳- علی اکبر صفری اراک ۴- ابوطالب باقری قهوجین خلیلی ورامین مشترکا ۱- عباس حامی محلات.
۵۷ کیلو: ۱- غلامرضا احمدی شهری ۲- حسین آراسته قم ۳- قاسمعلی بساکی اراک ۴- مرتضی مهدی اسماعیل قزوین ۵- محسن فهیم نژاد شمیران ۶- داریوش شهباوی ورامین.
۶۲ کیلو: ۱- حیدر شیخی خمین ۲- مارک کلارک شمیران ۳- عباس خالقی قم ۴- نصرالله قلیزاده شهری ۵- حسین ملکی محلات ۶- اکبر ورهونده ورامین.
۶۸ کیلو: ۱- قاسم عبدالحسینی شهری ۲- محمد تقی کاظمی شمیران ۳- یونس هرمزی قزوین ۴- عزیز صفا (قم) ۵- علی مهدی نژاد کرج ۶- غلامرضا خزانی اراک.
۷۴ کیلو: ۱- ناصر علی طاهری تفرش ۲- علی افغانی شمیران ۳- سیدمنعم الله حسینی قزوین ۴- علی گلایانی شهری ۵- جعفر عرصه وزیری کاشان ۶- اکبر رضائی قمو رضاتراکاشوند کرج مشترکا.
۸۲ کیلو: ۱- علی اکبر طهماسبی کرج ۲- علی اکبرخادم مشکین قزوین ۳- سید محمود جوزی شمیران ۴- هادی طبیبی قم ۵- محسن سبزیلی شهری و حسن فضلی محلات ۶- محمود درمسی.
۹۰ کیلو: ۱- سید اکبر میری روشن اراک ۲- محمود درمسی شمیران ۳- محمود بزرگبرگ کرج ۴- احمد ارونی حصار شهر ری ۵- علی اصغر هادی زاده محلات ۶- عباس گلزار قم.
۱۰۰ کیلو: ۱- مصطفی فرهنگیا شهری ۲- داود فتاحیان شمیران ۳- محسن نوبختی کاشان ۴- احمد غیاثی اراک.
۱۱۰ کیلو بیلا: ۱- جواد کیانزاده شمیران ۲- محمد رضا حسین تامی کرج ۳- اسدالله تاجرگل خطی.
باین ترتیب شهری با ۲۷ امتیاز در اس های گرفت و تیمهای شمیران با ۳۵ قم ۲۵۵ قزوین ۲۲، کرج با ۱۸۵ و اراک با ۱۵۵ امتیاز دوم تا ششم شدند.

نیز در مصاف با مقدم مغلوب گردید.
در این وزن می توان از علی اکبر صفری، ستاوند، نژیاد کرد که نشانه های از جنگندگی را ارائه کردند. مهدی سید عباسی برادر کشتیگیر مشهور و سابق تیم ملی که از تیم شمیران در مسابقات شرکت کرده بود، ضمن یک پیروزی دوشکست داشت ولی علیرغم شکست سخت کوشی فراوانی نشان داد.
غلامرضا احمدی که دیدار سرنوشت ساز ۵۷ کیلو را از بساکی، کشتیگیر اراکی برد، یکی از سه قهرمان شهری بود که به مقام قهرمانی استان مرکز رسید.
۴ پیروزی ضربه فنی و ۲ برد امتیازی حاصل کار او



مصطفی فرهنگیا در ۱۰۰ کیلو با سه پیروزی ضربه فنی مقابل حریفان بدون تهدید به مقام قهرمانی رسید. عکس صحنه مبارزه او و داود فتاحیان از شمیران را نشان میدهد.

قم قهرمان کشتی فرنگی مرکز

مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جوانان استان مرکز که از بهدازظهر دوشنبه در تالار شاهیور علیرضای ری با حضور ۸۸ کشتیگیر از ۱۴ شهرستان آغاز شده بود، چهارشنبه شب بایپروزی جوانان قم پایان رسید. عنوانهای بعدی نصیب ری - قزوین - شمیران - اراک - کرج گردید.

نتایج کلی از این قرار بود.
۴۸ کیلو: ۱- حسین جنتی اراک ۲- علی محمد ابراهیمی مودع ۳- ناصر خواجوی قزوین.
۵۲ کیلو: ۱- عباسعلی چنگ قزوین ۲- حبیب الله ابرقوتی قم ۳- عبدالطی عبداللہی کرج.
۵۷ کیلو: ۱- مرتضی مهدی اسماعیل قزوین ۲- رضا صدزاده قم ۳- منصور قاسم ری.
۶۲ کیلو: ۱- محمد رضا مقدم قزوین ۲- محسن رضانی قم ۳- حیدر شیخی خمین.
۶۸ کیلو: ۱- فتح الله مومن زاده ری ۲- غلامرضا خزانی اراک ۳- فرهاد طهماسبی کرج.
۷۴ کیلو: ۱- علی افغانی شمیران ۲- جعفر عرصه وزیری کاشان ۳- اکبر رضائی قم.
۸۲ کیلو: ۱- علی اکبر خادم مشکین قزوین ۲- عبادالله غزرائی شمیران ۳- محسن سبزیلی ری.
۹۰ کیلو: ۱- اکبر یزد روشن اراک ۲- احمد آرونی شهری ۳- محمود برگر کرج.
۱۰۰ کیلو: ۱- مصطفی فرهنگیا ری ۲- محمود رئیس شمیران ۳- احمد غیاثی اراک.
۱۱۰ کیلو: ۱- جواد کیانزاده شمیران ۲- محمدرضا حسین نامی کرج ۳- اسدالله تاجرگل هتمی ری.

پایان پیکارهای سه روزه کشتی گیران استان مرکز در مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جوانان، بایپروزی تیم جوانان شهرستان «ری» بود که در برابر حریفی چون شمیران تا لحظات پایان بشدت تهدید میشد ولی سرانجام بلف ۲۰ امتیاز برتری جام قهرمانی نصیب کشتیگیران میریان شد.
این دوره مسابقات که با حضور ۹۵ کشتیگیر از شهرستانهای اراک - تفرش - کاشان - خمین - قزوین - ری - شمیران - محلات - قم - دماوند - ورامین - ساوه - کرج و گرمسار از روز جمعه یازدهم بهمن ماه در سالن شاهیور علیرضای ری، آغاز شده بود، یکشنبه شب پس از برگزاری ۱۵۹ کشتی ۶ دوره پایان رسید.

مقررات تازه کشتی که به تصویب فدراسیون جهانی رسیده از این مسابقات مرحله اجرا درآمد و فدراسیون کشتی با بیشترین داوران بین المللی خود، این مهم را بخوبی انجام داد، بطوریکه در کلیه دیدارها هیچ اعتراضی به نحوه داورینا دیده نشد و هیچ سرپرستی از «رای» اعلام شده روئرش نکرد، این موفقیتی است که نصیب داوران فدراسیون کشتی میشود، هرچند که نبودن چهره های بزرگ و رقابت های فشرده کار داور را آسان کرده بود، ولی نکته مهم فاطمیت و اجرای صحیح مقررات در صحنه مبارزه بود.
رویه اگر از مسئله کوچکی تشکلهای کشتی بی تفاوت نگذیریم و آنگاه یک نقص در این آغاز بدانیم، باید مومن باشیم که جوانان شرکت کننده چه زود خود را با مقررات تازه موفق داند و چون گذشته از بازار سه اظهاره شدن خبری نبود، بطوریکه طول ۱۵۹ کشتی تنها در یک مورد یک کشتیگیر بخاطر کیکاری سه اظهاره شد این نتیجه نشانه دگرگونی تازه در مبارزات کشتی این دوره بود.

در جمع تیمهای شرکت کننده سه تیم شهرستان ری - شمیران - کرج باز یکبار کامل پیمان آمده بودند. درحالی که گذشته از کرج که کیفیت آنچنان تهدید کننده نداشت، رقابت دوتیم ری و شمیران با پایان ادامه داشت.

نکته جالب توجه حضور یک آمریکایی در تیم کشتی شمیران بود که اتفاقا علیرغم نداشتن تجربه، مبارزاتی خوب انجام داد و بایک ناگامی و ۴ پیروزی عنوان دوم ۶۲ کیلو را صاحب شد.

سوی دو تیم صدر نشین، جوانان قم جلوه ای نیکو داشتند و درحالی که مقام سوم رسیدند که قزوین و کرج را دنبال خود قرار دادند. سه سال گذشته به مقام پنجم رسیده بود و این صعود نشانه تلاش فراوان کشتیگیران قمی باشد.

درخشش ناشناخته ها

مسابقات قهرمانی استان مرکز سوی این رویدادهای شاد ری راستین برای درخشش کشتیگیران ناشناس استان مرکز بود و بطور کلی اینبار همه عنوانهای افتخار از آن شمیران و ری بود، چرا که حیدر شیخی از خمین، ناصر علی طاهری از تفرش و یک چهره درخشان بنام عباس بیطرفان از قمبا شایستگی و فروغ تحسین انگیزی به مقام قهرمانی رسیدند.
در ۴۸ کیلو عباس بیطرفان برادر کشتیگیر تیم ملی حسین بیطرفان به مقام قهرمانی رسید، برخلاف برادر بزرگ که همیشه احتیاط را در کشتی اختیار میکند، این نوستاره تازه قم باین کشیده و جسارت فراوان میتواند یکی از امیدهای خوب این وزن باشد. بخصوص که استخوانبندی و شریاط جسمانی او بخوبی است که می تواند در این وزن پایدار باشد.

۴ پیروزی ضربه فنی و یک برد امتیازی نشانه حکومت او در این وزن بود. سوی بیطرفان باید مرتضی خلیلی، حمیدرضا خطیبی، احمد عوشار و رحمان سیاه دهنی را چهره های خوب ۴۸ کیلو شمرند.
در ۵۲ کیلو ذبیح الله مقدم از کرج به مقام قهرمانی رسید. چگینی از قزوین، محمد حسین کریمی از خمین، عباس حسامی از محلات نفراتی بودند که با ضربه فنی مقابل مقدم شکست را پذیرا شدند و در دیدار آخرین ابوالقاسم ستاوند

برنامه کامل فوتبال

هفته اول

پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۷۲

۱- پاس خداری	ساعت ۳ بعداز ظهر	تهران
۲- پرسپولیس - راه آهن	ساعت ۵ بعداز ظهر	تهران

جمعه ۱۶ آذر ۱۳۷۲

۳- ابوسلم - بانک ملی	ساعت ۳ بعداز ظهر	تهران
۴- آوارات - ساج	ساعت ۵ بعداز ظهر	تهران
۵- سوزن - غد	ساعت ۴ بعداز ظهر	اصفهان
۶- ملوان - تراکتورسازی	ساعت ۲ بعد ظهر	بندرپهلوی
۷- جنوب آهن - صنعت نفت	ساعت ۳ بعداز ظهر	آبادان
۸- آبپورق - برق شیراز	ساعت ۳ بعداز ظهر	اهواز

دورسوم بازیهای جام تخت جمشید قرعه کشی شد. جز نماینده تیم صنعت نفت آبادان کلیه مسئولین تیمهای شرکت کننده در جام سوم ناظر براین قرعه کشی بودند. فراغار جلال رسولی رئیس کمیته اجرایی مسابقات به نمایندگی از باشگاه ها خوش آمد گفت و آییننامه تازه را به آنان تقدیم داشت. این آییننامه با توجه به پیشنهادات کنگره اول جام تخت جمشید تنظیم گردیده و حاوی اصلاحات و موادی است که علاوه بر رفع برخی مشکلات و نواقص آییننامه قبلی در تعداد سیمهای شرکت کننده در مسابقات های دسته اول باشگاه ها و همچنین طرز اجرای مسابقات دسته دوم باشگاه ها، تغییرات کلی بوجود آورده است.

میزبان و میزبان

با تصمیم فدراسیون فوتبال در بازی های این دوره میهمان و میزبان بودن در اختیار کمیته اجرایی مسابقات است، که با توجه به شرایط جوی و اقلیمی تنظیم و ابلاغ میشود. اینبار سعی خواهد شد که کمیته مجبور نگردد تا بی دربی از خانه خارج و با یک فصل خانه نشین باشد. پس از مطرح شدن مسئله میزبانی و میهمانی، از جانب کمیته اجرایی مسابقات نماینده ابوسلم و تراکتور سازی از این کمیته درخواست نمودند که در هفته های اول و دوم تیمهای شهرستانی رازز خانه خارج نکنند تا آنها بتوانند در نزد همشهریان خود جام را با روحیه بهتری آغاز نمایند.

نماینده شیراز (کارنیک) از مشکل دوری راه و اینکه تیم برق شیراز چگونه میتواند مسافتهای طولانی را با ماشین طی کند از فدراسیون چهارمادیشی کرد، که هوشنگ دیدهبان دبیر فدراسیون پاسخ داد و وقتی که به مسئولین برق شیراز این مشکلات را بازگو می نمودیم آنها هزار و یک دلیل می آوردند که هیچیو میها و اشکالی در بین نیست. حالا پاسخ این سؤال را از روسای تیم خود باید بگیریم، حتی آنها با هوایما تیم رابه خانه حریف می برد.

سرهنگ سرشار نماینده پاس پرسید پس مسئله هوایما و بلیط نیمه بها برای

توضیح تاج وقتی جلال رسولی گفت که قرعه کشی پرمبانی سال گذشته انجام خواهد شد، گوزمگانی نماینده باشگاه نساج به این امر اعتراض کرد و گفت که اگر قرعه کشی است پس باید قرعه تعیین کننده باشد نه حالی که سال گذشته تاج و پرسپولیس بطور قرار دای آخرین دیدار هرا را در هرتیم فصل انجام دادند.

پرساخ اعتراض نماینده تاج، جلال رسولی رو به نمایندگان باشگاه ها نمود و گفت هر طور شما مایل باشید که حاضرین در جلسه خواستار قرعه کشی شدند، ولی نماینده پرسپولیس (امینیان) خطاب به

هفته دوم

پنجشنبه ۲۲ آذر ۱۳۷۲

۱- آبپورق - بانک ملی	ساعت ۳ بعداز ظهر	تهران
۲- آوارات - پرسپولیس	ساعت ۵ بعداز ظهر	تهران

جمعه ۲۳ آذر ۱۳۷۲

۳- پاس - تراکتور سازی	ساعت ۳ بعداز ظهر	تهران
۴- خداری - راه آهن	ساعت ۵ بعداز ظهر	تهران
۵- سوزن - غد	ساعت ۴ بعداز ظهر	اصفهان
۶- سپاهان - برق شیراز	ساعت ۳ بعداز ظهر	شیراز
۷- صنعت نفت - ابوسلم	ساعت ۳ بعداز ظهر	آبادان

یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۲

۸- تاج - ملوان	ساعت ۵ بعداز ظهر	تهران
----------------	------------------	-------

فوتبالیستها چه شد ؟

دیدهبان پاسخ گفت که در اینمورد فدراسیون نهایت تلاش و کوشش را نمود ولی مسئله بودجه یک سازمان به مسائل مختلفی بستگی دارد که هنوز نتوانسته ایم با هوایمائی ملی کنار بیاییم. البته مسئولین هوایمائی ملی نهایت حسن نیت را در این مورد مبذول داشته اند و سعی دارند تا بهر شکل در آسان شدن ایاب و ذهاب تیمها با فدراسیون همکاری نمایند.

گرچه هنوز تصمیم قطعی در اینمورد گرفته نشده ولی بزودی اینکار عملی خواهد شد و تیمها با بلیط ارزاتر برای ایاب و ذهاب بشهرها، مختلف از هوایما استفاده خواهند نمود.

گلپای تازه، امتیاز برتر

همچنین یادآوری شد اگر دو تیم از لحاظ امتیاز مساوی باشند تفاضل گل تیم برتر را مشخص میکند و چنانچه دو تیم در تفاضل گل نیز یکسان بودند تیمی که

هفته سوم

پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۷۲

۱- پاس - ساج	ساعت ۴ بعداز ظهر	تهران
--------------	------------------	-------

جمعه ۲۸ آذر ۱۳۷۲

۲- خداری - تراکتور سازی	ساعت ۳ بعداز ظهر	تهران
۳- آوارات - جنوب آهن	ساعت ۵ بعداز ظهر	تهران
۴- برق - هما	ساعت ۳ بعداز ظهر	شیراز
۵- سپاهان - بانک ملی	ساعت ۳ بعداز ظهر	اصفهان
۶- ابوسلم - راه آهن	ساعت ۳ بعداز ظهر	مشهد
۷- ملوان - پرسپولیس	ساعت ۳ بعداز ظهر	بندرپهلوی
۸- آبپورق - صنعت نفت	ساعت ۳ بعداز ظهر	اهواز

شده، یک سؤال از جانب امیر آصفی نماینده باشگاه آوارات، کمیته اجرایی مسابقات را سخت در فکر فرو برد و بطوریکه برای پاسخ به این سؤال هیچکدام از مسئولین نتوانستند جوابی بدهند (خیلی ساده بود) سؤال نماینده آوارات چنین بود، شما ۲۲ قرار داد بین باشگاه و بازیکن از تیمها خواسته اید اگر تیمی در بین ۲۲ بازیکن خود چند جوان کمتر از ۱۸ سال داشته باشد، که حتما میدانید از نظر قانونی افراد کمتر از ۱۸ سال حق امضاء قرارداد و چک و سفته را ندارند. وضع این گروه بازیکنان چه میشود، هم اکنون آوارات از این نوع بازیکنان چند نفر را در خدمت دارد ؟

برای حل این مشکل قرار شد که در جلسه بعدی صمیمات تازه ای گرفته شود (قانون چنین است که والدین جوان کمتر از ۱۸ ساله یکطرف قرار داد باشند و این درمورد ستارگان فوتبال اروپا و آمریکا بارها عمل شده است، در خاطرات پنه و مولر هم به این مسئله برخورد ایم.

قرعه کشی

در پایان در دودلها و گفتگو های فراوان درمورد مشکلات گذشته و مسائل مهم، گردونه به گردش در آمد و گوی هائی که نمایشگر شماره تیمهای شرکت کننده بودند

دارای گلپای زده بیشتر باشد در درمبندی مکان بالاتر را صاحب خواهد بود و چنانچه گلپای زده و خورده هم مساوی بودند یک مسابقه حافی روشنتر سر نوشت دو تیم خواهد شد.

باین پیشنهاد که در آییننامه قید شده کمیته نمایندگان باشگاهها نظر موافق دادند ولی درمورد پزشک تیمها همه هم از هرسو درگرفت، کمیته اجرایی مسابقات تاکید کرد که هرتیم باید پزشک خود را مشخص و مشخصات او را همراه با ۲ قطعه عکس و صورت اسامی بازیکنان خود به فدراسیون فوتبال ارسال دارد.

در اینمورد نمایندگان باشگاه ها اعتراض نمودند و برخی نیز اظهار داشتند که پزشک آنها قادر نیست سرزمین بیاید و مشکل دیگر اینکه یک پزشک مثل دکتر وزیرزاده مخصوص چند تیم است.

کمیته انضباطی

هوشنگ دیدهبان دبیر فدراسیون فوتبال خطاب به نمایندگان باشگاههای حاضر در جام تخت جمشید گفت، برای دور آینده درکنار کمیته های مختلفی که فدراسیون فوتبال دارد کمیته انضباطی نیز تشکیل خواهد شد. این کمیته وظیفه دارد تا کار داوران، بازیکنان و دیگر دست اندرکاران مسابقات را شدیداً کنترل نماید. و فنی صحبت از داوران شد اکثر

صفحه ۳۱ دنیای ورزش

پاس، تیم دلاوران و...



انعطاف می‌یافتند، این تیم را خیلی زود به مقصود نزدیک کردند و از پاس نیمه‌ساخته شد که قادر بود بیش از ۹۰ دقیقه خستگی ناپذیر بود و با هر نیرو و به‌آسانی جنگد. و در همین اوقات بود که اگر با قوی‌ترین حریفان روبرو میشد هراسی در دل نداشت. و اگر باختار در نیمه نخست امتیازی از دست میداد قادر بود که در نیمه دوم نتیجه را تغییر دهد و در واقع نیمه دوم بازی‌آغاز سخت‌توان پاس بود که هر تیم مقتدری را در خانه خود به دفاع میکشاند. پاس درچنین روزهایی اگر از فقر مهاجمان و زهرناک نمی‌تالید، یکی از درخشانترین تیمهای مسابقات بود، با اینحال همیشه در وقت دوم به شگفتیهای دست میزد که تغییر دهندسرنوشت بودند.

پاس با چنین روحیه‌ای حتی دردیدارهای دوستانه‌ای خارجی هم پندپرواز بود و اوج این بلندپروازی را درمقابل تیم‌نورنبرگ آلمانی دیدیم که با سرفرازی از مقابل تیم ملی ایران دیدار دوستانه با پاس را هم قوی کردیم و سرافکنده از شکست دیدار آخر بدرفتاد. در تمام طول مسابقات باشگاهی کمترتیمی بود که قادر باشد با این نیروی خواسته که رشیدترین بازیکنان و پروتوان‌ترین ساق‌ها را دراختیار داشت، مقابله کند. اگر تاج‌محکم تجربه و تکنیک و پرسپولیس با آن شانه‌های نرم‌سنگی و غیوری دربین به مقابله پاس می‌آمدند، و گهگاه توفیق داشتند، دیگر تیمها هرگز قدرت برابری با چنین تیمی را که نام «دلاوران» براننداش بود، نداشتند.

صفات ممتاز پاس را تنها به مردان‌رشیدش و به نیرومندی ساق‌های‌بازیکنان پروتوان‌نابند خلاصه کرد. در این تیم که گویی معتقد به یک سرت شده است، خط دفاع همیشه بهترین‌ها را دراختیار داشته است و اغلب آنها را کسانی بوده‌اند که برعکس هم ملی بی‌دغدغه و بی‌دلهره، خط دفاع تیم ملی را به پاسها سپرده‌اند. در نیم پاس همیشه کوشش این‌بوده است که جانشینان خوبی برای رنجبر، مهاجرانی و حبیبی داشته‌باشند، چنانکه در جستجوی چنین بازیکنانی، وقتی خلایق آمد، بی‌گزارانی، هوشیاری، طبیعی و یا ذوالفقارنسب، ایشان نیز نشان دلیری را بر سینه‌ی خود داشته‌اند و پاس به لطف همین سنجش‌پرستی و اعتقاد، همیشه و با اغلب لقب بهترین خط دفاع را در سال‌های اخیر به‌خود متعلق ساخته است.

از زمانیکه‌پاس‌با به عرضه وجود گذارد، بجز یکی دو سال اخیر، از یک امتیاز دیگر هم برخوردار بوده است که رهبری درون

بدینگونه می‌بینیم که این تیم هیچگاه دور از سکوهای افتخار نزیسته است و اگر در این فصل، ناگهانی یک پله پائین‌تر می‌افتد و برای اولین‌بار به جای به میگذارد که هرگز تابحال انتظاری را نداشته، باید که درسی دلایلی بود که اسباب این سقوط بوده‌اند. شاید بتوان گفت که درخشش تیم جوانی بنام «مها» و حضور حریفانی سخت‌کوش و غافلگیر کننده چون تیم آبادانی صنعت نفت و تیم شمالی ملوان و نیز جهش تیمهای بانگ ملی و سپاهان یا ذوب‌آهن را هم در این رهگذر نباید نادیده گرفت، اما همه‌ی اینها در بکسو، دلایل دیگری هم وجوددارد که پاس را نیز چون دیگر بزرگان پایتخت از گردن آن امانی نبود که پیوسته درباری این تیم همیشه دلاور خواهیم گفت.

نهضت جدید

از پاس بعنوان تیم «دلاوران» یاد میکنیم زیرا که بهترین صفت همین بود که همیشه دلاور و جنگجو بودند و در تمام مدت‌مسابقه، کمتر تیمی به استحکام و جنگندگی پاس‌ها دیده میشد. خشونت روی توپ، توان‌گانی برای ۹۰ دقیقه دویدن و سرعت شوق‌انگیزی که در بازی خود داشتند عیرفت تا تک‌پاس را با صاحب طرفدارانی تازه سازد که نهضت جنگجویی و رزمندگی شاهین محبوب را دوباره در دلها زنده میکرد.

اینکه شاهین هواخواهانی بسیار داشت و اینکه هنوز پرسپولیس چنین طرفداران پروپا قرصی دارد بیش از آنچه مربوط به صفات اخلاقی و ادب و منانیت بازیکنانش باشد، دلایلش را در روح همیشه مهاجم و جنگنده و بازی هجیان‌انگیز این تیم باید داشت. در زمان خود، بجز شاهین که همیشه‌دیدارهای پر گل داشت و در هر مسابقه، بارها تماشاکر هیجان‌زدان‌های برپا میخاست، تنها صحنه‌های حساس را با تمام وجود ببیند، کمتر تیمی را می‌دیدیم که بتواند ۹۰ دقیقه‌قاوم و مداوم باشد و در یک وقت کامل مسابقه هجیان سرحال و سر زنده بماند. شوهیهای فوتبال فدایی که در جهان مرسوم میشد و از تعداد مهاجمان بی‌دری‌می‌کاست و به خط میانی می‌افزود و از خط میانی تیم کسر میکرد تا جلو دروازه را دیواری بتونی بسازد، کچم که تیمهای ایرانی هم نفوذ میکرد و در بین تیمهای پایتخت بسیار بودند تیمهایی که برای تثبیت مقام و یافتن مکانی بهتر شکست را با مساوی تمویض می‌کردند و پیروزیه نبود که هر سال‌های اخیر اگر به بررسی نتایج بازیها بپردازیم، رکورد دیدارهای مساوی مسابقات گکل یا بدون گل از شمار بیرون است و هر سال رکوردی تازه‌تر از سال پیش بدست میدهد.

در چنین احوالی بود که پاس قدم به‌فوتبال نهاد و از آنجا که رهبری مطلع از فوتبال جهان داشت و بازیکنانی که در تیمهای ملی صاحب تجربه بودند و از دیدارهای بین‌المللی اندوخته‌هایی بر ارزش گردآورده بودند. شیوه‌ی نوینی را در فوتبال ما کشودند و بهتر است بگویم نهضت جنگجویی و رزمندگی را دوباره زنده کردند و از آنجاکه بیشتر بازیکنان پاس از جمله کسانی بودند که در لیاس شهرپانی، کارورزان دانشکده شهرپانی یا از فارغ‌التحصیلان این مدرسه نظامی بودند، پاس بدلیل تعلیمات سخت‌تر و نرمشهای بدن‌ساز، جسمی ورزیده و عضلاتی پر تحمل و قابل

صادقی گل سرسید پاس بود کادر «بان فصل به اوج درخشش خود رسید. خوزستانی صاحب تکنیک اگر بخواد صاحب ارزشهای نهفتی بسیاری است.

در پایان فصل و به آخرین روز جام دوم تخت جمشید بود که پاس به اجبار تن‌به‌نیول مقام چهارم باشگاههای ایران داد و در واقع بدترین نتیجه‌ی سال‌های نه گزافه نه بلند عمر ده ساله خود را بدست آورد.

پاس از جمله تیمهای نادری است که از بدو تولد یکی از بزرگان پایتخت شناخته شد و با ملی‌پوشانی چون رنجبر، حبیبی، مهاجرانی و تنی چند دیگر که دراختیارگرفته بود، از گرد راه نرسیده با بدسته یک‌فهرمانی تهران گذارد هنوز جانفنده‌های قهرمانی پایتخت دسر داشت و سزاورانه همیشه یکی از مدعیان بود.

سند افتخارات پاس

پاس هیچگاه پسادگی‌مطلوب قهرمانان‌زمان خود نشده است و هیچگاه بیش از این کمتر از یکی از سه سکوی قهرمانی را برانزده‌ی خود ندیده بود و اگر هرگز در بین تیمهای تهرانی مقام قهرمانی‌پایتخت را بخوادتصاص نداده است. اما همیشه مشکلترین سد عبور برای قهرمان بوده است و خود بارها نایب قهرمان و یا صاحب عنوان سوم گردیده است. و این سوای افتخارات دیگر است که در خارج از پایتخت بعنوان نماینده‌ی تهران بدست آورده و تقریباً هرگاه که با این امتیاز و با نام تهران، به مسابقات قهرمانی ایران‌پایانده، بهترین عنوانها را از آن خود کرده است: سال ۱۳۴۴ کمپیش از یکی‌دوسای‌اتولداین تیم نیگشت، پاس به ساری، مرکز استان مازندران رفت و بعنوان تیم منتخب استان‌مرکز در مسابقات قهرمانی استانها و فرمانداریه حضور یافت و در روی سکوی قهرمانی‌ایستاد. دو سال بعد، در کرمان، باردیگر پاس به نمایندگی فوتبال پایتخت شرکت داشت که این‌بار نیز تاج قهرمانی برسر تیم تهرانی‌نهاده شد.

در ۱۳۴۷، بازشمالیا در بندر بیلوی شاهد درخشش این تیم بودند که بالاترین قله‌افتخار فوتبال ایران را که هنوز جنبه‌ی مسابقات قهرمانی استانها و فرمانداریه را بر خود داشت، فتح کرد. اینها همه عناوین افتخار آفرینی بودند که پاس را همچنان بزرگ و

کارنامه افتخارات پاس

مسابقات قهرمانی ایران (استانها و فرمانداریه‌های گل): دارنده عنوان قهرمانی سالهای ۱۳۴۴ (ساری) ۱۳۴۶ (کرمان) و ۱۳۴۷ (بندر بیلوی).
قهرمانی باشگاههای تهران: * مقام دوم پس‌ازتاج (۱۳۴۷-۴۸)
* مقام سوم (۱۳۴۸، ۵۰ - ۱۳۴۹، ۵۱-۱۳۵۰).
قهرمانی باشگاههای ایران: * نایب

وهی از مشکلات تازه

میدانش را مردان کاردانی بهمد داشته‌اند که علاوه بر حضورشان در خط دفاع (کمپترین نقطه رهبری درون میدان است) و بجز آنکه پیراهن ملی را نیز بتن داشته‌اند ، بازوبند کاپیتانی تیم ملی نیز بر بازوی آنها زبندراز دیگران بوده است .

ضربه های خردکننده

چرا بااین تغییر روش ، پاس قادر به تصرف مکانهای بالاتر نشد و چرا اینک نیز یک پله پائین‌تر از همیشه قرار گرفته است ، بررسی ما را در احوال یکی دو سال اخیر ، بااین نتیجه میرساند که پاس بی‌دربری چند ضربه‌ای خردکننده را تحمل مکرر .

ابتدا در غیبت بزرگانی چند و مردانی چون رنجبر ، باوری ، شاهرخی و مالکیان ، مدتها در بی جانیشینان برجسته می‌کشت و اندک اندک گازرانی ، هوشنگی ، حلوائی ، علی مناجاتی ، نصیری و صادقی جا می‌افتادند که حلوائی آسیب دید ، علی مناجاتی درگیر با اختلافاتی چند ، نزول کرد و از تیم کناره گرفت ، مردانی مطمئن چون میرزا حسن و مناجاتی بدلیل مسئولیتهای شغلی از تمرینات مرتب دور ماندند و کم و بیش این گرفتاری دامنگیر همتی آن کسانی‌شد که در خدمت نیروی پلیس بودند . همزمان بااین مشکلات حبیبی ، کاپیتن و رهبر واقعی تیم از بازی کناره گرفت و نازمواردانی چون طیبی ، ذوالفقارنسب و دینورزاده در خط دفاعجانشین شدند . آسیب‌پذیری شاهرخی و نصیری ، مصدومیت قفل‌ساز که حدود یک نیمه فصل بطول کشید از مصائب دیگری بود که از پاس دست برسدی‌اند و این بیم دلاور را دائما چهره‌ی تغییر یافته و جدید می‌یاد .

پاسیها در تمرینات خود نیز گرفتاریهاو مشکلاتی داشتند و بدلیل مسئولیتهای شغلی که بران اشاره رفت و تقریبا نیمی از افراد را دربرگیرفت موجبات دیگری هم بود که هیچگاه همتی افسار را یکجا در تمرینات حاضر نمیکرد و پاس را همه موقع درگیر با مشکلاتی نه دلخواه یک تیم بزرگ و مدعی روبرو می‌ساخت . بااین وجود آنچه پاس را دچار سرنوشتی چون عقاب نمیکرد ، روح انضباط و نظام درستی بود که با وجود این تیم درآمیخته است . تاآنجا که با همتی گرفتاریهای دو سال اخیر بازم پاس را در گرگی بزرگان ، همچنان بکبرگر و یک مدعی می‌شناسیم .

برای پاس مصیبت واقعی ، علاوه بر آنچه رفت ، غیبت حسن حبیبی ، مربی این تیم در طول سال گذشته بود که ابتدا به کلاس دتار کرامت رفت و سپس در کنار اوفارل ، عنوان کمک مربی تیم ملی را یافت و از حضور مستقیم در تمرینات تیم خود بازماند . با اینحال همان نظامی که اشاره شد و آن احترامی که بازیکنان به کاپیتن و مربی جدید خود شرفی داشتند ، تیم پاس را از ورطه‌ی سقوطی دردناکتر نجات داد .

دوگانگی

حالا که از دردهای تیم پاس در سالهای



پاس در طول فصل همیشه چهره‌ی دگرگون داشت و در این دگرگونی چهره‌های تازه و جوانی روگرد ، حقیقیان یکی از آنها بود که دارای ویژگیهای منازای است .

علی مناجاتی و میری که هوای رفتن از این تیم و پیوستن به تیمی دیگر را در سراسر اندرند ، بی‌ارتباط به این قضایا شمرند است .

دگرگونی اجباری

با همتی اینها هرگز در تیم پاس ، بویژه در میدان ، این دوگانگی‌ها دیده نمی‌شود و تعصب همراه با جنگندگی ذاتی چهره‌ی بارز این تیم را مشخصتر می‌نماید اما در طول فصل گذشته پاس درگیر با مشکلات تازه‌ی افتاد که پایک جواگرایی اجباری و یا حساب شده توام بود و بااین وجود که آغازی خوش دنبال میشد پیدایی مسائلی تازه ، تیم پاس را به دگرگونی ناگهانی و دوباره مجبور کرد . چنانکه بیشتر چهره‌های نیم فصل نخست ، در پایان فصل جای‌بدیگری داده بودند . در واقع پاس را تنها تیمی‌یاد بدانیم که بیشتر از همه متغیر بود و بیشتر از هر تیم دیگر ناگزیر به استفاده از جوانهای خود شد . به طول فصل گذشته کمیگریم ، علی مناجاتی ، ناصر سلیمی ، قفل‌ساز ، میرزا حسن و هوشنگی را می‌بینیم که از چهره های ثابت تیم فصل بودند و به‌دیدار های نیم فصل دوم که چشم میگردانیم ، یادگوبه ، دینورزاده ، میناسیان و حقیقیان را می‌بینیم که قیافه‌ی دایمی تیم پاس را تا پایان جام دوم میسازند .

این جابجایی‌ها علاوه بر تغییرات کم و بیش دیگر است که نوربخش ، حلوائی ، ذوالفقارنسب ، میری و نصیری را در تیم خود داشته‌اند . در چنین صورتی برزحمت می‌ایم بازیکنی که در این تیم یک فصل تمام را بی تغییر و ثابت همراه تیم بوده باشد . حتی گازرانی ، صادقی ، شرفی و صاحب‌که پابرجاترین هستند ، گاه در کنار زمین‌نظاره‌گر بازی دوستان خود بوده‌اند . که همین میتواند دلیل دیگری بریک پله نزول پاس در فصل پیش باشد .

رساله‌های اخیر

قهرمانی ۱۳۴۹ (پس از تاج) ، ۱۳۵۰-۵۱ (پس از برسیولیس) .
 * مقام سوم ۱۳۵۱-۵۲ (پس از برسیولیس و تاج) .
 * مقام چهارم ۱۳۵۲-۵۳ (پس از تاج ، برسیولیس و هما) .
 جام دوستی : مکان دوم پس از تاج .
 جام اتحاد : نایب قهرمان پس از تاج .

لنگانگ

آقاهاول نده



یکی از مسائلی که داوران فوتبال بطور کلی، موفق به حل کردن آن نشده‌اند، رعایت فاصله قانونی هنگام زدن ضربه آزاد است.

معمولا در این مواقع تیم‌ها یک دیوار «آدمی» جلوی دروازه خود میسازند تا جلوی توپ را بگیرند؛ طبیعی است که هرچه فاصله آنها با توپ کمتر باشد، خطر عبور توپ از میان دیوار نیز کمتر است، به این علت همیشه هنگامی که ضربه آزاد زده می‌شود، میان داور و افرادی که دیوار کشیده‌اند درگیری بروز میکند، باین ترتیب که داور می‌خواهد فاصله ۱۰ متری را حفظ کند و بازیکنان حاضر نیستند تن به این کار بدهند در این وضعیت داوران بطرق مختلف عمل میکنند، عده‌ای آنقدر دقیق هستند (بحق) که فاصله رعایت نشود اجازه نمی‌دهند بازی آغاز شود، این‌گونه داوران حتی اگر شده دیوار را حتی با هول و زور عقب برانند این کار را میکنند، عده‌ای فاصله را چندان جدی نمی‌گیرند و عده‌ای دیگر سعی خود را میکنند ولی چون موفق نمی‌شوند گذشت میکنند.

ولی طبق مقررات فوتبال داور نباید با بازیکنان درگیری بدنی پیدا کند در مقابل این اختیار را دارد که دوبار بازیکنان را زرد به تمام افرادی که دیوار کشیده‌اند و حاضر نیستند فاصله را رعایت کنند، اخراج بعد از بازی را آنقدر متوقف نگامدار تا قانون و مقررات، رعایت شود.

در هر صورت امروز، در میدان‌های فوتبال رعایت نکردن این فاصله بصورت یک عادت از من در آمد است که عاب موجب بدنامی صحنه‌های غیر ورزشی می‌شود، ولی همانطور که ذکر کردیم داور نباید بازو و هول دیوار را به عقب براند، بلکه باید از قدرت قانونی خود استفاده کند، نه از قدرت بازو.

این صحنه‌ای از دیدار تیم‌های ملی آلمان و آلبانی است که در سال ۱۹۷۱ انجام گردید. «تیرلئون لاسوس» داور این مسابقه می‌خواهد با قدرت بازو، بازیکنان تیم آلبانی را مجبور

زمین فوتبال یا کشت و زرع

اینکه می‌گویند در کارهای مالی و آنچه که به حساب و کتاب مربوط می‌شود اصفهانیا بیش از حد زورگ هستند و خیلی خوب میدانند چگونه باید پولشان را خرج کنند زیاد هم بیمورد نیست، چندی پیش که فدراسیون فوتبال به تیمهای سپاهان و عقاب هوشدار داده بود که در صورت تهیه نکردن زمین فوتبال از جام تخت‌جشید خارج خواهند شد، برخلاف عقاب که با سادگی هرچه تمام عنوان کرد بما فرصت بدهید تا زمین تهیه کنیم، اصفهانیا زورگی بخرج دادند و به فوریت سند یک قطعه زمین را به فدراسیون فوتبال فرستادند. این زمین که فاصله زیادی با شهر دارد، بدون شک با قیمت بسیار ناظلی هم تهیه شده، در فدراسیون فوتبال شایعات و صحبت‌های زیادی در مورد زمین فوتبال سپاهان گفته می‌شود، از جمله اینکه گروهی معتقدند این زمین بقدری از شهر دور است که در ۲۰ سال آینده هم امکان استفاده از آن میسر نخواهد بود و بیشتر ببرد کشت و زرع می‌خورد تا نصب تیر دروازه و استفاده برای فوتبال.

برعایت فاصله لازم‌نماید. این کار این‌دور صحیح نیست. در این عکس دیگر داور «کوفنداه» درست عمل می‌کند! بازیکنانی که حاضر نشده‌اند فاصله را رعایت کنند، همه باهم اخطار «کارت زرد» می‌گیرند. در این دیدار، این‌دور با یک کارت به شش نفر از بازیکنان تیم «دویزبورگ» اخطار میدهد.

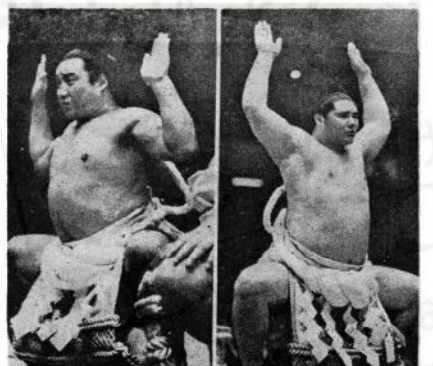


آقایان دستها بالا!

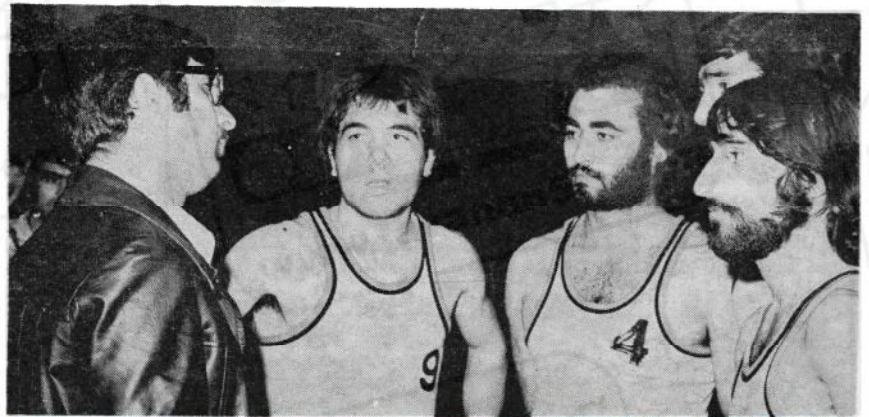
در ژاپن یک نوع کشتی سنتی وجود دارد بنام «سومو» که در آن نیرومند ترین و درعین حال سنگین‌وزن ترین مردان ژاپنی، در جشن سالیانه، شرکت می‌کنند. این کشتی که قدمتش برابر با تاریخ کهنسال کشور آفتاب تابان است، در این کشور علاقمندان فراوانی دارد و امروز شهرت آن دروازه‌های ژاپن را پشت‌سر گذاشته و به سراسر جهان راه یافته است.

امروز، هنگامی که این مسابقات با جشن و رقص های خاص آغاز می‌شود، جریان آن از طریق تلویزیون در سراسر جهان، پخش می‌شود. بعضی از دیدن آن تفریح می‌کنند و بعضی دیگر، بخصوص ژاپنی‌ها، آنرا هیجان‌انگیز میدانند.

ژاپنی‌ها با قهرمانان این کشتی را «یوکوزوما» مینامند و کلفتی طاب‌های سفیدی که به کمرشان می‌بندند نمایشگر قدرت و اعتباری است که در طی سال‌ها بدست آورده‌اند. آنها در مراسم افتتاحی بطور انفرادی روی صحنه ظاهر می‌شوند و به داور و داوران قسم خورده ادای احترام می‌کنند. در این عکس «کاتسویادو» (سمت چپ) و «تایفو» دیده می‌شوند. این قهرمانان، قبل از آغاز کشتی، دست‌هایشان را به علامت تسلیم بنقدیر بالا می‌برند. درحقیقت آقایان، قبل از شروع مسابقه، با دیدن بدن یکدیگر، دست‌هایشان را به علامت تسلیم بالا می‌برند، یعنی ما نیستیم ولی در عمل آنچه اتفاق می‌افتد جز این است.



مربی چه میگوید؟

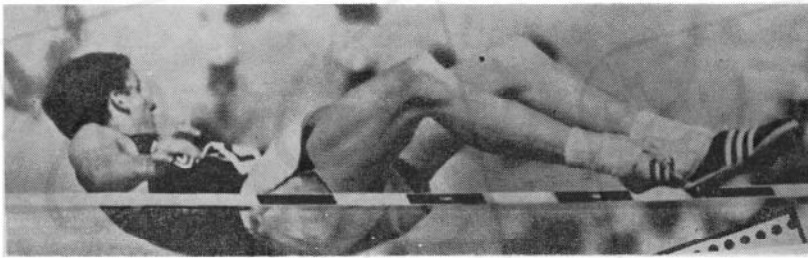


سعی کردیم، در سالن بسکتبال، جواب این سؤال را پیدا کنیم. از هرکس پرسیدیم چیزی نمی‌دانست و اظهار تعجب میکرد که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ گفتیم ممکن است، وقتی دونفر از پنج نفر خطا می‌کنند، ممکن است هریک نفر نیز خطا کنند. در این گریودار بودیم که یکی از قهرمانان سابق بسکتبال از راه رسید و گفت: سگران‌نایشید، چنین وضعی پیش نمی‌آید: داوران میدانند چگونه سوت بزنند.

اوراست میگفت، تیم ایزد فردوسی سه نفره بازی را به پایان برد، اما باخت؛ طبیعی است. جالب ترین صحنه وقتی پیش آمد که چند دقیقه قبل از پایان مسابقه، مربی ایزد فردوسی تایم‌گرفت تا با سه شاگردش درباره بهتر عمل کردن و یا احیاناً پیروزی، تبادل نظر کند ممکن است، وقتی دونفر از پنج نفر خطا می‌کنند، ممکن و آنها را راهنمایی کند. راستی که خیلی خوش‌بینی و امیدواری می‌خواهد، چه باید کرد؟ وقتی از مربی علت را جویا شدیم، معلوم شد که اعضای تیم هفتر نیستند، بلکه ۱۰ نفر هستند که هفترشان غیبت کرده و سر مسابقه حاضر نشده‌اند. عکس تیم ایزد فردوسی را با اتفاق مریشان نشان میدهید.

هفته گذشته، هنگام دیدار تیم های بسکتبال ایزد فردوسی و شاه عزیز حادثه جالبی اتفاق افتاد که کمتر سابقه دارد و شنیدن و یا خواندن آن خالی از تفریح نیست.

تیم ایزد فردوسی، فقط یار دار، در میدان حاضر شده بود و با همین هفتر، مسابقه را آغاز کرد، همانطور که می‌دانید، در بسکتبال، هر بازیکنی که هار خطا کند، باید زمین را ترک کند و جای خود را بیک نفر دیگر بدهد. در اواسط نیمه دوم این دیدار بود که یکی از یاران ایزد فردوسی، بدنیاال خطا، مجبور شد میدان را ترک کند و چون بازیکن زربوی در کار نبود، تیم چهار نفره بمسابقه ادامه داد؛ پس از چند دقیقه، یک یار دیگر ایزد فردوسی نیز، بدنیاال خطا، مجبور شد زمین را ترک کند و تیم سه نفره بیازی ادامه داد و داوران مسابقه نیز مسابقه را دنبال کردند. در اینجا این سؤال پیش آمد، چنانچه قبل از پایان مسابقه هر یار این تیم، بدنیاال خطا، مجبور میشدند بازی را ترک کنند و هنوز وقت قانونی پایان نرسیده بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ آیا باز هم تیم شاه عزیز، این بار پنهانی، بمسابقه ادامه میداد و هر چند گل نمی‌خواست میزد؟ آیا چنین چیزی میشود؟



«فلوپ» یک رسم تغییر ناپذیر

آورده‌اند :
در سال ۱۹۷۲ - یک سال پس از اینکه دوشیزه آلمانی داشت که می‌خواست از مانع ۱٫۶۵ متری عبور کند .
در سال ۱۹۷۳ - یک سال پس از اینکه دوشیزه آلمانی «اولریکه مایفارت» در مسابقات المپیک مونیخ موفق شد باروش «فلوپ» مدال طلای این مسابقات را بدست آورد و به‌عنوان زیباترین دختر «فاسپوری» شهرت یافت . در آلمان غربی ۵۵ دختر جوان برنده وجود داشته‌اند که با استفاده از همین روش بین ۱٫۶۵ تا ۱٫۸۳ متر می‌پریده‌اند .
در سال ۱۹۶۸ هیچ برنده مرد آلمانی مشاهده نشدند که بتواند از مانع ۱٫۶۵ متری عبور کند ، در حالیکه در سال ۱۹۷۴ ۵۳ نفر میان ۲٫۱۴ تا ۱٫۹۵ متر پریده‌اند . و چالب‌ایکه تمام این برنده‌ها از روش «فاسپوری» استفاده می‌کنند .
حالا سؤال این است : در صورتیکه این روش اختراع نشده ، آیا این پیشرفت وجود داشت ؟
بدون تردید پاسخ دادن به این سؤال مشکل است ولی آمار نشان می‌دهد که پیشرفت پرش ارتفاع ، پس از بوجود آمدن سیستم «فلوپ» ، برق آسا بوده است و آخرین رکورد های جهانی نیز با همین روش بدست آمده است .
عکس یک پرش با استفاده از روش «فلوپ» را نشان می‌دهد .

در این رستمان که قهرمانان پرکار دو و میدانی مشغول تمرینات زمستانی هستند ، هنوز نمیتوان لیستی از تمرینات قهرمانان این رشته تهیه دید ، ولی ، در حقیقت ، این اعداد و ارقام هستند که همه چیز را روشن میکنند و بنامش می‌گذارند . ولی باید همین اعداد را نیز خوب ارزیابی کرد و بنیانی جالب توجه‌دست یافت .
قبل از هرچیز باید از «دیکفاسپوری» ، «مردیکه پایه جدیدی برای پرش ارتفاع گذاشت و سیستم «فلوپ» ، یعنی پریدن بیشتر را اختراع کرد سخن گوئیم .
این سیستم ، در آغاز ، وقتی که مطرح گردید با یوزخند و مسخره بعضی از کارشناسان مواجه گردید . پس از اینکه «فاسپوری» در مسابقات المپیک مکزیک با استفاده از همین روش «فلوپ» بیروزی رسید و مدال طلا گرفت ، جهان‌آز روش پرش او به حیرت آمد و او را تشویق کرد . امروز دیگر استفاده از این روش بصورت یک « سنت » درآمده‌است و کمتر برنده‌ای دیده میشود که از این روش استفاده نکند ، حالا میخواهیم با استفاده از آمار و ارقام نتایجی را که این روش انقلابی به ارمغان آورد ، مورد بررسی قرار دهیم که آیا پیشرفتی حاصل شده است ؟
کارشناسان آمار ورزشی ، اثرات روش «فلوپ» را در میان دختران برنده آلمانی بررسی کرده و این نتایج را بدست

درمیان ورزش و سن

کارلوس مونزون ، قهرمان ۳۲ ساله بکس جهان ، در میان وزن ، این روزها زندگی خود را میان رینگ بکسو سایه روشنی‌های تئاتر و سینما می‌گذراند : او مردیست که در دو جهان با دو خصوصیت کاملاً متفاوت زندگی میکند .
«به‌آتریس مونزون» هسر ۳۰ ساله او که دو فرزند

برایش بدینا آورده است ، میگوید :
- کارلوس مرد زندگی و خانواده است ، آنچه در روی پرده سینما از او می‌بینید فقط ابزاری نقش «شایانه» است . در حقیقت جای اصلی ، یعنی آنچه‌ایکه شوهر من به‌آن‌تعلق دارد ، رینگ بکس و جهان ورزش است ، نه جای دیگری .
«کارلوس مونزون» در حقیقت ، بازیگر در فیلم «دختری بنام ماری» بعنوان یک هنرپیشه بجهانیان معرفی گردید ، ولی همین فیلم نشان داد که «مونزون» فقط یک بکسور خوبی‌است که صبریات نیرومندی دارد .

چندی پیش «ال‌دلون» هنرپیشه مشهور سینما یک‌سابقه بکس درباریس میان «مونزون» و مشت‌زن مشهور فرانسوی «بونیه» برپا کرد ، که در آن «مونزون» پیروز گردید ، در هر صورت این مسابقه موجب گردید که میان «ال‌دلون» و «مونزون» یک دوستی مستحکم بوجود آید ، او این‌روزها پاریس را خانه خود قرار داده و در می‌حال که روزانه تمرینات مشت‌زنی خود را دنبال می‌کند ، شبها بعنوان «شومن» روی صحنه یکی از مشهورترین کاباره‌های پاریس ظاهر میشود .



در عکس بالا «مونزون» در میان دوتن از هنرپیشگان این کاباره دیده میشود .

فوتبال و خوانندگی

او در حالی که چند آهنگ را نیمه‌کاره گذاشته و یکی دو آهنگساز را بدنبال خود داشت تهران را ترک نمود و به اهواز ادغام اصلی‌اش بازگشت .
علیرضا چهارمحالی دردمت یکسال اقامت خود در تهران جز دنبال کردن فوتبال و درخشان در تیم عقاب ، به حرفه دیگری هم روی آورد و پایش را به حریم خوانندگی نیز دراز کرد او که در هر محفل و مجلسی سر ضرب خود را به‌بیش می‌گرفت و یکی دو ترانه اجرا میکرد که این کار را جدی گرفت و خود را به آهنگ و آهنگسازان نزدیک کرد ، جدیت و تلاش او در این راه موجب شد تا یکی دوتن از آهنگسازان و ترانه‌سرایان علاقمند به فوتبال او را به بازی گیرند و برایش آهنگسازان حدود ۴ ماه‌است که بازیکن بلند موی عقاب مشغول تمرین ترانه‌ای میباشد ولی هنوز رضایت آهنگسازان را جلب نکرده تا به استودیوی ضبط برود .

محمد علی : من دانشمند بکس هستم



آنطور که آنها میخواهند ، نیستیم ، در هر صورت امروز ، ما سیاه‌پوستان ، موفق‌شده‌ایم نسل مردان سیاه‌پوست را از روی رینگ قدرت براندازیم و این تازه ، آغاز کار است .
محمد علی در جای دیگری که موضوع صحبت درباره‌پول سازی و تجارت است ، میگوید :
- من تاجر نیستم ، من یک قهرمان ، یک هنرمند میان‌رینگ و قبل از هرچیز یک مرد سیاه‌پوست که حدود اختراعات خود را می‌شناسد ، هستم و درباره تکنیک ورزش بکس ، باید بگویم که امروز این ورزش بصورت یک علم درآمده‌است ، و من در این علم آنچنان تجربه و مطالعه کرده‌ام که میتوانم خود را یک دانشمند بدانم ، دروغ که در رشته بکس عنوان « دکتر » نمیدهند ، در غیر این‌صورت تا بحال چندین « دکتر » ذخیره کرده‌و پر فرسود شده بودم .

بهر حال ، من ، قبل از هرچیز یک سیاه‌پوست هستم ، سیاه‌پوستی که بک خود افتخار می‌کند ، من « عمو تام » نوسری خور نیستم ، من از موضع قدرت سیاه حرف می‌زنم .

در طول این سالهای دراز که محمد علی را میشناسیم ، او هزاران هزار ناپولف برای خود انتخاب کرده‌است : از قبیل این که « من سلطان هستم » ، « من بزرگترین هستم » ، « غیره ، اما هرگز نشنیده بودیم که او خود را یک دانشمند بنامد ! ولی ، هفته گذشته ، پس از این که محمد علی به رئیس جمهوری آمریکا گفت که در انتخابات آینده رقیب او خواهد بود ، اعلام کرد که خود را یک دانشمند علم بکس می‌شناسد ، دانشمندی که با استفاده از علم خود ، متواند حتی در ۵۰۰ سالگی هم سابقه بدهد و قهرمان جهان بشود .

هیچکس بدستی نمیداند که بالاخره این جناب محمد علی ناچار زمانی و تاکم خبر ساز و چلبی باقی خواهد ماند .
در مقابل شنیدن عقاید دیگران نیز در باره محمد علی جالب است .

مثلاً « جورج فورمن » آخرین حریف او میگوید :
- من یک بکسور ورزشکار هستم ، ولی محمد علی یک دلقک است که در عین حال یک تبلیغاتچی بسیار ماهر نیز هست که برای خودش تبلیغ می‌کند ،
محمد علی ، در مقابل ، در آخرین مصاحبه خود یکی از خبرنگاران گفته‌است :

- پیروزی من آمریکا را ناراحت می‌کند ، بهمین علت ، قبل از مسابقه با « فورمن » بر سر عنوان قهرمانی سنگین‌وزن بکس جهان ، بمن پیشنهاد کردند که به‌او ، به این‌بیچاره که دوست سفیدپوستان است ، پیام و در مقابل پول کلانی دریافت کنم ، ولی حقیقت این‌است که من هرگز در زندگی « کاوبندی » نکرده و نمی‌کنم ، دیدار با « فورمن » قدرت و حق به‌جانب من بود و با یاری خداوند مسلمانان که مرا دوست دارد ، پیروز شدم .
محمد علی درباره علت اصلی پیروزیهایش میگوید :
- من قبل از این که روی رینگ ظاهر شوم ، همه چیز را با دقت برنامه ریزی میکنم ، پیشاپیش برای من مشخص است که مسابقه را چگونه شروع و چگونه به پایان میرسم ، من آفریقا را انتخاب کردم که در دوره اول به‌آدم‌آدم و خواستگاه خود بازگشته باشم و به سفیدپوستان بفهمانم که ما سیاه پوستان « گلا دیاتوره »

فوتبال جام قهرمانی باشگاههای انگلستان (۷۵-۱۹۷۴)



شنبه پیش وستهام هشتمین پیروزی خانگی خود را در «آپتون پارک» لندن مقابل تیم کارلایل کسب کرد. با گل های جنینگز و هلند در همان ۴۵ دقیقه نخستین، وستهام ۲-۰ بر کارلایل غلبه کرد. تصویر نمایشگر صحنه‌ای از این دیدار است که جولایلا مهاجم تندتوز کارلایل در منگنه دو بازیکن لندنی فرانک لامپارد (۳) و ویلی بوندرگرفتران شده است. جولایلا با همه تیزهوشیهایش هرگز نتوانست به در دفاعی وستهام نفوذ کند.

اقبال «اورتون» هنوز بیدار است

با کوشش پارک رنجرز ۴ بار دروازه‌اش برابر شلیک های مهاجمین حریف درهم کوبیده شد. بالاخره باین شگفتی ها باید شکست منچستر سیتی را نیز اضافه کرد که در میدان دیدار با استوک سیتی، یک ناکام تمام عیار بود و بی‌آنکه مجال خود نمائی داشته باشد، درمانده و زخم خورده نبرد با استوک رابایا پیرود با شکستی ۴-۰ میدان را ترک گفت.

بهر تقدیر میتوان پذیرفت در جمع پیشاهنگان هفته های اخیر «اورتون» بلند اقبال تر از دیگران بوده است و شرایط کثونی جدول و برنلی با ۲ امتیاز اختلاف پیش دید هفته آینده کار به کجا خواهد کشید.

در حال حاضر «اورتون» ضمن یک امتیاز برتری نسبت به نزدیک ترین تعقیب کننده‌اش ویک بازی کمتر در صدر است و دنبال انیسویچ که در مکان نایب صدر نشین قرار دارد، استوک سیتی و برنلی با ۲ امتیاز اختلاف پیش می آیند و پس از اینها گروهی قرار گرفته‌اند که با امتیاز مشترک ۳۱ ممکن پنج را تصاحب کرده‌اند. مکان های انتهای جدول

در بیکار های این هفته اورتون پیشاهنگی بلند اقبال بود که نتوانست با پیروزی حساس و گرانبها برابر توتنهام دومین هفته حکومت در صدر را آغاز کند. آنچه اورتون در جدال با توتنهام بدست آورد در فاصله ۱۰ دقیقه به خاتمه وقت شکل گرفت که شلیکی سنگین از جانب یک مهره ذخیره براضطراب بیش از ۴۰۰۰ تماشاگر رنگ شادی نشاناد و بابلرزه در آمدن پور دروازه توتنهام هیجان و شادمانی در استادیوم «گودیسون پارک» اورتون به اوج رسید.

رقابت مدعیان در جدول آن چنان بی‌رحمانه و سخت است که حتی یک امتیاز قادر به خلق دگرگونی های بسیار میباشد و باین خاطر هنگامی که تا دقیقه ۸۰ دیدار اورتون - توتنهام بدون گل پیش میرفت، نگرانی سایه‌ای سنگین بر تریبون ها داشت و دوستداران اورتون بی‌تابانه در انتظار سقوط سنگر توتنهام بودند و سرانجام لذت پیروزی جانشین این اضطراب شد و مرد موفق میدان «جیمپیرسون» بازیگر تازه وارد اورتون بود.

«پیرسون» که کمتر شانس راه یافتن به میدان طول دیدار های انجام شده فصل جاری را بدست آورده بود این بار از فرصت پیش آمده بنحوی دلپذیر سود برد و با گشودن دروازه توتنهام که پیروزی با ارزش نصب پیشاهنگ کرد، نام خود را بر سر زبان ها کشاند.

اورتون دو هفته پیش (هفته قبل بازی های دور چهارم جام حذفی انجام گردید) با شکست ۳-۰ بیرمنگام جانشین انیسویچ در مکان صدر شد و حالا با بقادر مکان پیشاهنگی در شرایطی حکومت میکند که یک بازی نیز کمتر از رقیبان نزدیکش برگزار کرده است.

شکست بزرگان

اورتون ضمن اینکه خود دیدارش را با پیروزی پشتسر گذارد، این هفته شادمانی دیگری نیز داشت و آنهم ناگامی چند تعقیب کننده سرسختش بود که تا حدودی حاشیه‌امیت بیشتری برای پیشاهنگ پدید آورد و بخصوص در این میان شکست «لیورپول» مدعی بزرگ و پرخطر جام قهرمانی برای اورتون دلپذیر بود، زیرا اگرچه منچستر سیتی، دربی کانتی، میدلزبرو نیز محقور حریفان ماندند و برنلی نیز در بیکار با بیرمنگام به مساوی تن درداد ولی «لیورپول» بخاطر اینکه وحشت انگیز تر از دیگران است، شکستش برای اورتون ارزش بیشتری دارد! لیورپول ایک ۴ امتیاز از پیشاهنگ عقب است و البته یک مسابقه نیز کمتر انجام داده و این مسئله تاحدودی کار را برای لیورپول دشوار میکند اگرچه این هنوز پایان ماجرا نیست!

«لیورپول» که برای مصاف با «تفنگاران» به استادیوم هایپوری لندن رفته بود از آنجا ضربه‌ای مهلک خورد و با ۲ گل در کسبه و شکستی سخت به شهرش بازگشت و ناکام بزرگ دیگر بازی های این هفته «دربی کانتی» بود که در مقابل

آمدند.
«کویین بییتی» ابتدا در دقیقه ۲۳ برتری ۱-۰ را نصیب انیسویچ کرد و چهار دقیقه بعد «کولین ویولن» گلی دیگر در دروازه وولوز نشاناد.

نتایج بازیهای انجام شده

آرسنال ۲- لیورپول صفر
بیرمنگام ۱- برنلی ۱
اورتون ۱- توتنهام صفر
انیسویچ ۲- وولوز صفر
لیدز صفر- کاونتری صفر
لستر سیتی ۱- چلسی ۱
نیوکاسل ۲- میدلزبرو ۱
کوشینز پارک رنجرز ۴- دربی ۱
شفیلد یونایتد ۱- لوتون ۱
استوک سیتی ۴- منچستر سیتی
وستهام ۲- کارلایل صفر
ریدمندی ۱- اورتون ۳۵ امتیاز
۲- انیسویچ ۳۴ امتیاز ۳- استوک سیتی، برنلی ۳۳ امتیاز ۵- لیورپول وستهام، میدلزبرو، دربی کانتی، منچستر سیتی ۳۱ امتیاز ۱۰- لیدز یونایتد ۳۰ امتیاز ۱۱- کوشینز پارک رنجرز، شفیلد یونایتد، نیوکاسل ۲۸ امتیاز ۱۴- کاونتری ۲۶ امتیاز ۱۵- آرسنال، وولوز ۲۵ امتیاز ۱۷- بیرمنگام ۲۴ امتیاز ۱۸- توتنهام، چلسی ۲۳ امتیاز ۲۰- کارلایل ۱۹ امتیاز ۲۱- لستر سیتی ۱۸ امتیاز ۲۲- لوتون ۱۷ امتیاز.

گروه دوم

منچستر یونایتد پیشاهنگ بازی این هفته در بیکار «بريستول سیتی» به شکست تن درداد و علیرغم این ناگامی بخاطر باخت «ساندرلند» صاحب مکان دوم، همچنان برتری خود با ۵ امتیاز در صدر جدول را حفظ کرد.
منچستر تریا ۱۰- مغلوب «بريستول سیتی» شدند و «ساندرلند» نیز طی جدالی پرگش ۲-۲ از بلاکپول شکست خورد.

فاتح سنگر حریف بود.

در دقیقه ۲۹ بازی «آل پال» روی پاس «جورج آرستراک» کشانیده دروازه لیورپول شد و نتیجه ۱-۰ پس از وقت اول تادقیقه ۶۱ نیز همچنان استوار بود تا اینکه بدنبال یک درگیری در داخل محوطه ۱۸ لیورپول، سوت داور به نشانه خطای پالتی بصدا درآمد، این خطا را «آکلیندسی روی» جان ماتویوس بازیکن آرسنال مرتکب شد که با شلیک «آل پال» جای گرفتن توپ در تور دروازه لیورپول کل دوم آرسنال را به ثبت رساند.

آرسنال در دیدار رفت نیز لیورپول را مغلوب کرده بود و باین ترتیب طول سه سال اخیر تنها تیمی بشمار می‌آید که موفق شده در دو بازی رفت و برگشت لیورپول را شکست دهد.

انیسویچ - وولوز

«انیسویچ» با پیروزی مقابل وولوز خود را همچنان در تعقیب سایه به سایه اورتون پیشاهنگ بازبیا نگاهداشت.
پیروزی بر وولوز با ۲ گل برای انیسویچ شکل گرفت و جالب اینکه ایندو گل نیز بفاصله ۴ دقیقه بدست

دراختیار لوتون، لستر سیتی، کارلایل است که در این جمع «لوتون» ناکام تر از دو همسایه دیگر می باشد. لستر سیتی و لوتون در این فصل به همراه میدلزبرو از گروه دوم به جمع تیم های گروه اول آمدند ولی تنها میدلزبرو نتوانست موجودیتی موفق به نمایش بگذارد و درقالبی مدعی برای مکان های بالا ظاهر گردد، درحالی که بنظر میرسد «لوتون» و کارلایل طوری پیش میروند که باید درانتظار بازگشت آنها در پایان این فصل به گروه دوم بود.

طول ۱۱ مسابقه این هفته جمعا ۲۵ بار دروازه‌ها به سقوط کشانیده شد، لیدز یونایتد کاونتری تنها دیدار بدون گل هفته را برگزار کردند و بازی کوشینز پارک رنجرز دربی کانتی با ۵ گل پرگل ترین بیکار هفته بود.

آرسنال - لیورپول

«آل پال» توپچی بزرگخط میانی آرسنال مرد بفرغ میدان بود که در روزی بفرغ پیروزی تحسین- انگیزی برای تیش بامرفغان آورد. طول ۹۰ دقیقه ۲ بار دروازه لیورپول نرم ریخت و هر دو بار «آل پال»

بنیانگذار:

عباس مسعودی



صاحب امتیاز

مصطفی فرزانه

زیر نظر

بیرن رفیعی

نشریه ورزشی اطلاعات - ۴۸ صفحه ۱۵ ریال، سال پنجم
شماره ۱۳۵۲۵۴۵ شماره
۲۲۸۸. نشانی دفتر مجله: تهران
خیابان خیام سوسه اطلاعات
تلفن ۳۱۱۰۷۱-۳۱۲۴۱۲

همکاری فدراسیون والیبال با ناشنوایان

است ، چرا که کمبود چشمگیر در تیمهای ناشنوا نبود تجربه و کمبود مسابقه است که این مهم مورد توجه فدراسیون ناشنوایان واقع گردید و با رفع این مشکل حالا باید در انتظار درخشش بیشتر ناشنوایان بود ، همچنانکه در کشتی این دگرگونی با پیروزی چهره هائی چون ابراهیم ظفر نوائی ، بایرام ایمانوروی پور ، سهراب امیر حسینی و دیگران نمودار شده است .



سرزمین سلاطین سکوت
اینها سرزمین سلاطین سکوت است ، شهری فراق که در آن سکوت و زبان پر از نشانه های سکوت در این شهر برقرار گردیده است . در این شهر سکوت و زبان در یکدیگر آمیخته شده اند . اینها سلاطین سکوت هستند ، در این شهر سکوت و زبان در یکدیگر آمیخته شده اند . اینها سلاطین سکوت هستند ، در این شهر سکوت و زبان در یکدیگر آمیخته شده اند .

معصومه زین العابدین



ستاره های درخشان

در سه رشته ورزشی

یکی دیگر از دختران فعال و مستعدگروه ناشنوایان معصومه زین العابدین میباشد که در رشته های دو و میدانی - بیکنینگ و والیبال مهارت و کارائی فراوان دارد و در حال حاضر بلفظ پیکر کشیده و خصوصیات ویژه یکی از چهره های ارزنده تیم والیبال دختران ناشنوا میباشد .

اول بار موجودیت در خور تحسین این نوستاره در مسابقات قهرمانی ناشنوایان ایران در مشهد نمودار گردید . در مسابقات برش طول علیرغم سابقه کم مقام قهرمانی ارمنان او از این دیدار ها بود .

معصومه زین العابدین که حالا در سن ۲۲ سالگی از جمله امیدهای موفق و بزرگ ناشنوایان بشمار می آید ، بعد از موفقیت در مسابقات مشهد ، گامهای سربلندی را به پیشرفت برداشت و حتی در مسابقات دو و میدانی «اولین باغچه بان» با فراغ بسیار صاحب پیروزی گردید .

تأسیسات گذشته در تبریز بار دیگر خصوصیات خوب خود را عرضه کرد و این بار علاوه بر پیروزی در برش طول در مسابقات سرعت در ماده های ۱۰۰ و ۲۰۰ متر ، مقام دومی کشور رسید . و پس از بازگشت از تبریز تمرینات جدی تر را زیر نظر ژاله سید هادی زاده مربی تیم والیبال ناشنوایان ادامه داد و حالا ضمن توجه به دو و میدانی و بیکنینگ ، اهم فعالیت خود را در والیبال انجام میدهد .

معصومه زین العابدین ۲۲ ساله که تا کلاس ششم دبستان تحصیل کرده در خدمت کارخانه تلویزیون «بلر» میباشد .

مدرسه عالی ریاضیات و اقتصاد کرج ، دانشکده علوم ارتباطات ، دانشکده صنعتی پلی تکنیک ، دانشگاه صنعتی آریامهر و دو تیم آ و ب ناشنوایان ، تیمهای شرکت کننده در مسابقات کشتی هستند .

این تیمها از روز ۲۱ بهمن ماه در سالن ناشنوایان مبارزات خود را برای فتح جام ششم بهمن آغاز میکنند .

در رشته والیبال که بازیهای آن از امروز ۱۹ بهمن ماه در سالن شاهپور علی رضا آغاز میشود ، دانشگاه ملی ، دانشکده علم و صنعت و دانشسرای عالی که از تیمهای خوب دانشگاه های ایران بشمار می آیند اعلام شرکت کردند که در کنار دو تیم آ و ب ناشنوایان ، جمع شرکت کنندگان را تشکیل میدهند .

از این هفته جنب و جوشی تازه در فدراسیون ناشنوایان پدیدار خواهد شد و بخاطر بزرگداشت روز تاریخی ششم بهمن ماه فدراسیون ناشنوایان بروش سالیانه گذشته در رشته های کشتی و والیبال مسابقاتی دورهای با نام جام ششم بهمن برگزار میکند .

با این تفاوت که این مسابقات باشکوه بیشتری نسبت به سالهای پیشین برگزار میگردد و با دعوت از تیمهای مختلف رنگه یکدوره مسابقات با اهمیت بدین بخشیده شده است .

در مسابقات کشتی که بصورت ۱۲ جانبه برگزار میشود ، تیم کشتی آزاد زنجان که همواره در رده بهترین های استان مرکز قرار دارد بصفت شرکت کنندگان علاوه شده است .

تیمهای کانون دانشجویان - زنجان ، مدرسه عالی بازرگانی ، مدرسه عالی بازرگانی ،

مسابقات کشتی

و والیبال جام

ششم بهمن

تحر کی تازه در فوتبال ناشنوایان

ناشنوا به مرحله استفاده قرارداد و سخت معتقد به پیروزی بچه های خود در دیدارهای دوره مقدماتی است

رویدین ماه آینده موقعیت تیم ایران در بازیهای مقدماتی مشخص خواهد شد و ایران که یکی از ۳۶ تیم شرکت کننده میباشد ، بازیهای مقدماتی را برای راه یافتن به دوره نهائی از تابستان آغاز میکند . این فرصتی است که میتوان با تکیه بر آن شاهد درخشش بیشتر فوتبالستها بود .

سوی ترینات مرتب ، مدد نوعی از برگزاری مسابقات متعدد غافل نیست ، بطوری که در هفته گذشته دو تیم آ و ب فوتبال ناشنوایان در یکدوره مسابقه دورهای در کنار تیمهای کارگر و جوانان در زمین راه آهن شرکت کردند .

تیم با ناشنوایان با شکست مقابل جوانان برای دیدار ردمندی رویاروی کارگر قرار گرفت و شکامی در این مسابقه عنوان چهارم را نصیب آنها کرد ، در حالی که تیم «آ» بعد از پیروزی مقابل کارگر و تیم «ب» خانواده خود در دیدار دور نهائی مقابل جوانان قرار گرفت .

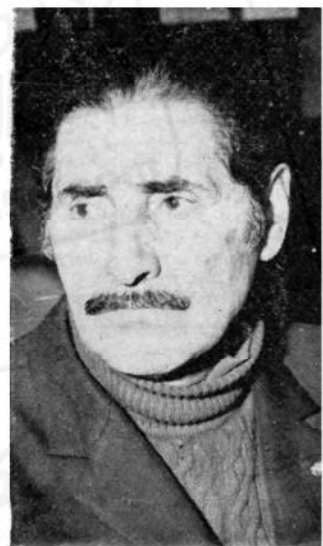
تیم فوتبال ناشنوایان با تکیه بر چهره هائی چون حمید غنایت ، تقی صادقی ، حمید نظری مرندي - مرتضی پیروزی ، عباس رنجداران ، حمید امیری ، رویبک بفوسیان - اردشیر مجاوریان - ناصر کیمیائی ، مجید رضاخانی ، اصغر تقییک ، احمد هاشمی ، محمد رضا نجمی - عباس آقاخانی - محمد شگرائی - شهرام رضاخانی - نادر حبیبی - فرخ زنجانی ، اصغر مقدم در دور نهائی نیز با پیروزی ملاقات کرد و عنوان قهرمانی این مسابقه چهار جانبه را بدست آورد

ناشنوا به مرحله استفاده قرارداد و سخت معتقد به پیروزی بچه های خود در دیدارهای دوره مقدماتی است

ریشه فوتبال در جامعه ورزشی ناشنوایان آنچنان قدیمی و پر سابقه نیست و در حقیقت شالوده فوتبال در سال ۱۳۵۱ ریخته شد ، دکتر توکل رئیس فدراسیون ناشنوایان با بصیرت و بینائی فراوان ضمن تکیه بر ورزش های انفرادی ، از ورزشهای جمعی غافل نبود و با توجهی که در مسابقات المپیک ۱۹۶۹ با برآورد به ورزشهای دیگر برگزیدگان ملل مختلف داشت این اندیشه در فدراسیون جان گرفت که میتوان در ورزشهای دیگر نظیر والیبال - فوتبال - بسکتبال نیز گامهای موفقیت آمیزی برداشت و به همین خاطر در بازگشت از یوگوسلاوی ابتدا مردانی شناخته شده را برای تعلیم ناشنوایان بخدمت گرفت . «محمد درانی» برای والیبال - رسول مدد نوعی برای فوتبال - سوی والیبال که خیلی زود بخاطر استعداد فراوان علاقمندان ، توجه فدراسیون و تلاش «درانی» راه اوج پیش گرفت و در المپیک ۱۹۷۳ مالو درخشید ، فوتبال بخاطر کمبود بازیکن و نبودن تجربه کافی و از همه مهمتر غیبت در مرحله نخست مسابقات شانس حضور در بازیهای ۱۹۷۳ را از کف داد ولی در عوض این امید به فوتبالستها داده شد که در المپاد بعدی چنانچه بتوانند شایستگی و موجودیت خود را بروز دهند شانس شرکت نصیبشان خواهد شد

هرچند که فاصله بعد زمانی فراوان بود ولی مدد نوعی با چهره های خستگی ناپذیر و تلاش فراوان گامهای ابتدائی را برداشت و کمکم با ازدیاد نفرت ، تیم فوتبال چهره های دیگر یافت . تاجائی که در مسابقات مشهد ، تیم تهران صاحب موفقیت جالبی شد و بمقام قهرمانی رسید .

تکرار پیروزی در تبریز نشانه تولدی



رسول مدد نوعی مربی فوتبال ناشنوایان

بر اساس تصمیمی که فدراسیون ناشنوایان برای شرکت تیم فوتبال در مسابقات مقدماتی فوتبال المپیک ۱۹۷۷ رومانی اتخاذ کرده ، فعالیت تازه های در چهار چوب تمرینات فوتبالست های ناشنوایان پدیدار شده که این دگرگونی نمودار علاقمندی این جوانان محروم برای رادایابی به میدان بزرگ المپیک است .

رسول مدد نوعی مربی پرسابقه فوتبال که زحماتش برای ورزش فوتبال در سال های گذشته غیر قابل انکار بوده ، حالا تجربیات گذشته را در خدمت فوتبالست های عضو تیم

سپاهان نماینده اصفهان در جام تخت جمشید، در مکان سوم جام بوشهر



اولین گل ایران جوان در دروازه سپاهان : «تاسف سپاهان ، و تیریکبازیکتان بوشهر بهم !»

دروازه سپاهان درهم فرو ریخت ، لحظه‌ای بسیار قیمتی وارزشمند بود . سپاهان بعد از این گل ، هواره به رای داور اعتراض داشت. در وقت دوم ، سپاهان حریف را زیر شکنجه فشار قرارداد و تا دقیقه ۲۵ هواره سنگربوشهر را بلرزه درآورد.

دقیقه ۲۶ ، ثادر اقدام و فرهاد امینی با همکاری دلیزیری عنان اختیار نیمه میدان را از سلطه محسن یزدخواستی و یارانش گرفتند و بازهمین ثادر اقدام هافبک خوب بوشهری بود که روی پاس پیوقع فرهاد امینی و باغبور از توبل دو مدافع میانی سپاهان ، دومین گل ایران جوان را پشتر رسانید ، ۹۰ دقیقه جدال دومین ، همراه با همین نتیجه (۲-۰) تمام شد.

رده‌بندی : ۱- ایران جوان ۲- تاج ۳- سپاهان ۴- تابان ناگفته نماند که جام استان بوشهر را عباس شریفیان کاپیتان ایران جوان از آقای نیکومعاون استاندار بوشهر دریافت کرد.

ایران جوان بوشهر : رنجبر (دروازه‌بان)، قدسی ، شریفیان (کاپیتان) ، هاشمی ، حسینی ، گوتی ، اقدام ، میناسیان ، امینی ، حدیری ، سورانی ، جامه‌دان ، اخلاقی ، ناخدا خسرویان ، سینا ، جای‌بخش ، یژند، مربی مجید جای‌بخش ، سرپرست درویشی.

سپاهان اصفهان: بهرام اسنگی (دروازه‌بان)، منوچهر کبیریان ، اعرابی ، بهروز مردانی ، اخوان ، محسن یزدخواستی ، حیدرولی‌وند ، رضا دهقان ، بابائی ، شاه زیدی ، حدیری ، مربی و سرپرست : سروان محمودی‌پوری .

بندربوشهر - عبدالله سینگر
سپاهان ، با اشک و اندوه جام استان بوشهر راوداع کرد . هرگز تصور نمی‌کرد در برابر تیمی چون ایران جوان نن به شکست دهد و از روی همین ناثر ، حتی در توزیع جوایز جام شرکت نکرد ، بعکس ، « ایران جوان » شادمانه جام را دراغوش کشید و در خانه نگذاشت .

شاید ، این نقطه عطفی در فوتبال بوشهر به حساب آید که برابر یک تیم « پراوازه » شهرستانی « در دوره جام تخت جمشید ، عرض وجود کرد . نکته اینچا بود که یاور، عربی سپاهان ، بابارانی چون بهرام اسنگی ، منوچهر کبیریان ، اعرابی ، بهروز مردانی ، اخوان ، محسن یزدخواستی ، حیدرولی‌وند ، رضا دهقان و حدیری کام به جام نهادیم . شاید هم ناگامی سپاهان از اینجا ریشه می‌گرفت و برخی از یارانش ، سودای ترک تیرا در فصل نال و انتقال در سر می‌پروراندند و دل به ادامه زندگی در سپاهان نبسته بودند، و شاید هم علل دیگری در میان بود ، و شاید هم برخلاف آنچه سپاهان می‌پنداشت ، حریف برفقدت و نیرومند بود ...

جام استان بوشهر ، به ابتکار اداره کل تربیت بدنی بوشهر و با شرکت سه تیم تاج ، در اولین روز دیدار های دورنهایی ، سپاهان سپاهی از ناگامی را برابر تاج بوشهر . روی سرش احساس کرد و در حضور سه هزار تماشاگر بوشهری ، میدان را با مساوی «۰-۰» ترک کرد . حیدر استانیان ، بگمک حیدر فقیرو صدی این مسابقات را قضاوت نمود . سپاهان در دیدار بعدی در حضور پنج هزار تماشاگر، تابان بوشهر را ۲-۱ مغلوب کرد و امیدی تازه برای فتح جام یافت . مسابقه خشونت‌آمیز این دو تیم را راستیان بگمک

تایان و ایران جوان بوشهر و سپاهان اصفهان ترتیب یافته بود . در دور مقدماتی ، سه تیم بوشهر به جدال خانگی دست زدند : تاج و ایران جوان دیدار کنندگان نخستین روز بودند که به هم دیگر باج دادند و صفر - صفر مساوی شدند . در روز دوم ، ایران جوان - تابان هم یکدیگر را ستوقف کردند . حاصل دو تیم ۱-۱ مساوی بود . تاج- تابان ، پیکارگران روز سوم بودند. که آنها هم به تساوی ۱-۱ رضایت دادند و حالا سه تیم بوشهری هر کدام با جمع‌آوری دو امتیاز از دودیدار به جدال با سپاهان مسی اندیشیدند که از آغاز امید شماره یک فتح‌جام



تیم « ایران جوان » فاتح جام استان بوشهر.

محمدی و تهرانی قضاوت کردند .

اولین گل‌بازی را بوشهر در دقیقه پنجمین نخست ، روی پاس رضا ماهینی و شلیک غریبی (گوش چپ) خود کسب کرد و سپاهان را برای تلاش و جنگی بزرگتر ناگزیر ساخت. ۱۵ دقیقه بعد ، گل تلافی روی اشتباه مدافع و دروازه‌بان بوشهر بنفع سپاهان بدست بازی رنگی حسن بخود گرفت. تا دقیقه بعد دومین گل سپاهان روی یک شوت غافلگیرانه بدست آمد و مسابقه با همین نتیجه بسود اصفهانی‌ها پایان گرفت .

شکست «۰-۲» سپاهان!

بازندگی بوشهر ، زمین فوتبال امامزاده (۸ کیلومتری بوشهر) را منازگاه سومین و آخرین دیدار جام تعیین کرده بود : درواقع این فینال و دیدار سرنوشت‌سازی بود که فاتح جام را تعیین می‌کرد . سپاهان با کسب سه امتیاز ، جدال با « ایران جوان » دوامتیز را در شرایطی شروع کرد که حریف در حضور بیش از ۴ هزار تماشاگر جز اندیشه پیروزی ، سودای دیگری در سرنی پروراند. تماشاگران بعد از ساعتی معطلی خود را بزمین رسانده بودند و مضطربانه چشم به ساق همنشینان از تشویق باز نمی‌ایستادند . ایران جوان با استفاده از چند یار جوان و دربی نادرکی چند روزه ، بی‌دری به صخره دفاعی سپاهان سی گوت ، ویاروی ، پشت دروازه « اسنگی » ، شاگردانش را درمیدان رهبری میکرد : دقیقه بیست، برای « ایران جوان » که با پاس خوب میناسیان به علی جامه‌دان و لقمه‌لیدی اوبه علی سورانی و شلیک این یکی

چهره‌های برتر و زنه برداری و دوچرخه سواری یزد



قهرمانان و زنه‌برداری جام ششم بهمن یزد

دریوز ، بمناسبت بزرگداشت خاطره انقلاب ششم بهمن ، چند مسابقه ترتیب یافت . در دوچرخه‌سواری، ۱۵ نفر از باشگاهها و دستجات آزاد شرکت داشتند که میرزا احمد نبافتی‌زاده، ولی قادری ، ناصر هردی ، غلامرضا علی‌وند، اصغر نبافتی بمقام های اول تا پنجم این مسابقه دست یافتند .

در بسکتبال تیمهای راه‌آهن ، پاس ، جوانان خرشاه، پاس بر حریفان خود پیروز شدند و چشم‌همه به دیدارهای نهائی دوخته شده است .

دروازه‌برداری ، که در سالن « شیک‌داد ، یزد انجام گرفت ، قهرمانان وزن‌های چهارگانه شرح زیر اعلام شدند :

خروس‌وزن : محمدرضا جندی با ۱۳۰ کیلوگرم ، برون : جلیل‌ارکان با ۱۰۰ کیلوگرم ، علی‌قادری با ۱۷۰ ، میان‌وزن : غلامرضا صابری با ۲۱۰ کیلو .

یزد - نیکروان

آغاز جام ولیعهد ساری

مسابقه ژیمناستیک جام ششم بهمن رشت را ۱۷ ورزشکار در سالن چهارم ایان انجام دادند و نتایج آن بشرح زیر اعلام شد:

۱- فرخ‌بابازاده با ۱۶٫۲ امتیاز ۲- سمیلا ابراهیم با ۱۵٫۸ امتیاز ۳- سروش نوشا با ۱۲٫۳ امتیاز ۴- آمنه پالیزی با ۱۲٫۱ امتیاز ۵- ماریا امیابا ۱۱٫۹ امتیاز ۶- فرشته‌مژگادی با ۱۱٫۸ امتیاز .

شطر نچ در بندرگز

در مسابقه شطرنج جام ششم بهمن دبیرستان شاهپور بندرگز ۲۶ نفر شرکت داشتند و مدت ۱۴ روز تمام جدال‌اندیشه بین شرکت کنندگان حکمفرما بود . حسینی‌علی مسعودی ، مهدی رجبی و رستم‌علی نظری مقام اول تا سوم این جام را تصاحب کردند .

همچنین ، در مسابقه شطرنج جام ششم بهمن دستجات آزاد بندرگز که بمدت دهمشب طول کشید ، محمدهخدا ، محمدرحمن گلریز و حسینی‌علی مسعودی اول تا سوم شدند . بندرگز- صدرائی

فردمشت زنان اهواز و شیراز



(شیراز) منبیری و نهنسای و نه شکست!! معلوم نشد که بالاخره چه کسی برتر بود: آنچه آشکار بود، رای تلافی چوپانه دوداور کنار اهوازی بوده داور وسط شیرازی بود. ولی اکثریت داوران کنار را اهوازیها سنگین میدادند.

با آغاز جدال، پورشریف کوبنده و مهاجم ظاهر شد و از حریف پیش افتاد و در حالیکه تصور همگان بر محور شکست حسینی (اهواز) می چرخید، داوران اهوازی پهلانی رای شیرازیها در مسابقه قبلی، پورشریف را مغلوب اعلام کردند.

در این موقع، هیات ژوری که رای داوران کنار را غیر عادلانه میداشت، به بحث و جدل نشست. زیرا اعلام نتیجه بی هیچ شک و با انفجار و خشم تماشاگران همراه می گشت. کنار میز هیات ژوری، مریکه بود.

دبیری رئیس هیات بکس فارس اصرار داشت که پورشریف را پیروز اعلام کنند و سماجت و یکدنگی هویت دوست رئیس هیات بکس اهواز این بود که رای داوران قابل احترام میباشند، و هر چه هست باید اعلام گردد.

در این وقت آقای عباسی رئیس اداره کل تربیت بدنی برای حفظ حرمت و حیثیت ورزش، تقاضای تجدید نظر در رای صادره کرد. اما علیرغم یک ساعت وقفه و کنجبار رفتنهای بسیار، سرنوشت مسابقه آشکار و اعلام شد و بقیه مسابقهها ادامه یافت.

خشم داوران اهوازی

۶۳۰ کیلو: مجید عبائیان (شیراز) - صفاریان (اهواز) برنده عبائیان با ضرببختی. این پیروزی، تاحدی عطف و انتظار تماشاگران مضطرب و بدشاس را فرو نشاند. ۶۷ کیلو: شفیع پور (اهواز) - کروتسی (شیراز) در روند اول، هیچیک امتیازی از دست نداد، در روند دوم، شفیع پور با جند هوک چپ، جند امتیاز اندوخت، در روند سوم، شفیع پور بر حملاتش افزود و کروتسی دفاع مطلق را برگزید؛ اما داور سومین اخطار

۵۱ کیلو: پوریانی (کرمان) - عمیدی (شیراز) برنده عمیدی با امتیاز. ۵۴ کیلو: مرادی (کرمان) - امیرآبادی (شیراز) برنده امیرآبادی با امتیاز.

۵۷ کیلو: محمد شاهرخ (کرمان) - انتشاری (شیراز) برنده انتشاری با ضرببختی. ۶۰ کیلو: مهدی شاهرخ (کرمان) - پورشریف (شیراز) برنده پورشریف با امتیاز.

۶۳۰ کیلو: کمالی (کرمان) - عبائیان (شیراز) برنده عبائیان با ضرببختی. ۷۱ کیلو: پربیت (کرمان) - کروتسی (شیراز) برنده کروتسی با ضرببختی.

۷۵ کیلو: باقری (کرمان) - هنروران (شیراز) برنده هنروران با ضرببختی. سرپرستی مسابقات را کریم عبائیان و داوری آن را خیری، ایزدی، دبیری، غازیان و انهار، عهدهدار بودند.

۷۱ کیلو: پربیت (کرمان) - کروتسی (شیراز) برنده کروتسی با ضرببختی. ۷۵ کیلو: باقری (کرمان) - هنروران (شیراز) برنده هنروران با ضرببختی.

سرپرستی مسابقات را کریم عبائیان و داوری آن را خیری، ایزدی، دبیری، غازیان و انهار، عهدهدار بودند.

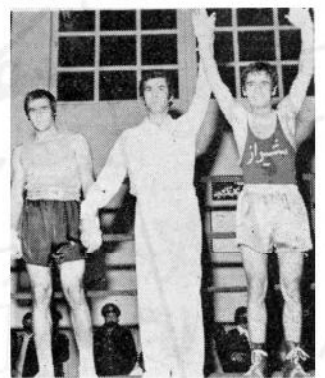
دبیر جنجالی اهواز - کرمان ۴۸ کیلو: بدون شرکت کننده! ۵۱ کیلو: قانندی (اهواز) - عمیدی (شیراز) برنده قانندی با ضرببختی.

عمیدی سریعتر و پرفرودتر از حریف آغاز کرده بود، ولی گرفتگی پا، او را مغلوب حریف کرد.

۵۴ کیلو: یوسفی (اهواز) - امیرآبادی (شیراز) برنده یوسفی با ضرببختی. یوسفی کار حریف را در روند نخست تمام کرد.

۵۷ کیلو: سلماسی (اهواز) - انتشاری (شیراز) برنده انتشاری با امتیاز. جدال دوشمستن، آغاز ماجراها و اختلاف ها بود: هر دو تا روند دوم دوشادوش، پیش می رفتند و در روند سوم در حالیکه شستن اهوازی کاملاً برتر و مسلط تر بر حریف نشان می داد، در میان شگفتی همگان، دو داور شیرازی کنار، انتشاری را پیروز اعلام کردند!

اعلام شکست شستن اهوازی، با آغاز جنگ داوران همراه بود. ۶۰ کیلو: حسینی (اهواز) - پورشریف



سلماسی از اهواز با وجود آنکه بر انتشاری از هر حیث چیره بود، مغلوب اعلام شد...

ابعد جامهای بزرگداشت ششم بهمین، بسیار گستردهتر و بزرگتر از آن بود که تصورش می رفت و با برگزاری بازیهای این جامها، شهرستانها بازگشت به حرکت درآمدند و در چندین رشته ورزشی، بیکارهای رسمی و دوستانه ای صورت گرفت که در این صفحه خبر آن را ملاحظه میکنید.

مشت زنان شیراز و پیروزی بر کرمان و شکست از اهواز

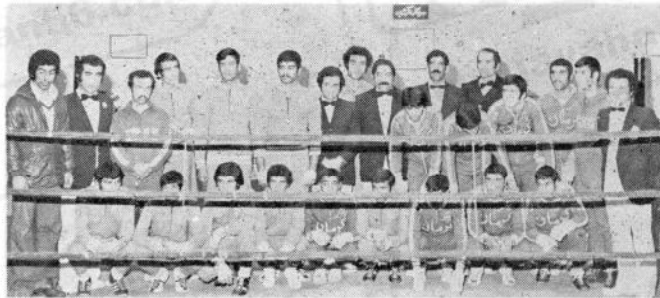
شیراز - منصور سپهری اگر هیات بکس استان فارس میتوانست، بیکار دوستانه مشت زنان کرمان - شیراز و اهواز - شیراز را با حضور نماینده - یا نمایندگان اعزامی فدراسیون برگزار کننده از چند نقطه نظر برگزاری مسابقات بزرگداشت ششم بهمین بین تیمهای سه شهر، جالب و رضایتبخش مینمود ولی نامتادل بودن داوری ها، هم اعصاب تماشاگر را درهم کوبید و خرد کرد، و هم اعصاب شستن زنان، و حتی خود داوران و برگزار کنندگان را. بویژه اینکه این موضوع ناگوار بیشتر در مسابقه شیراز - اهواز پدیدار گشت. مثالی آوریم: حاصل جدال حسینی از اهواز - پورشریف از شیراز در ۶۰ کیلو، بخاطر ترس از تماشاگر معلوم نگشت و معلوم نشد، بازنده کیست و برنده هم.

در چند مورد دیگر، تماشاگران در کمال شگفتی دیدند که هیات ژوری یک مشت زن پیروز را مغلوب اعلام کرد.

کاش فدراسیونها برای العین شاهد خبری حق کشیهای علنی و کینه توزی داوران - چه شیرازی و چه اهوازی - بودند و می دیدند که با آبروی هیاتها و فدراسیونها چگونه بازی میشود.

بهر حال، پیروزی توام با هفت ضرببختی شیراز بر کرمان، آقای دبیری رئیس هیات بکس استان فارس را خوب برقص آورده بود.

۴۸ کیلو: ابوالحسنی (کرمان) - ده زنگی (شیراز) برنده ابوالحسنی با ضرببختی.



مشت زنان کرمان و شیراز با اتفاق داوران و مسئولان مسابقه و دبیری رئیس هیات بکس استان فارس ...

داوران بازی ها: رضائی، سپهری، توانی، راستی، بیجا قیان، معرفت، صدرنشینان و ایلیل

تیم های دختران مهدخت و پسران حاجقوام نیز مسابقات والیبال آموزشگاههای ناحیه شیراز را فتح کردند. مسابقه ها بر سرپرستی آقای کرم دهداری و طبق یک جدول دوجوئی انجام گرفت، ولی چون تعداد دبیرستانهای ناحیه یک کمتر از ناحیه ۲ میباشد و نیز مبادین ورزشی کافی و با استاندارد های ملی ندارد، خالی از رقابت های چشمگیر و هیجان دلپذیر بود.

تیم مهدخت: حمزوی، اوچی، ایمانی، پیروانی، محمودی، پایدار، اسلامی، دومان، محمدی نژاد، مربی خانم ناهید مستوری، تیم حاجقوام: غلام پور، رستم نژاد، حجازی، فرومان، نجفی، عاملی، شامسوندی، عطری، مری، طالمی، نصیرزاده، مری: سلیمان. شیراز - منصور سپهری

نیز، در گروه پسران، دبیرستان دارپوش کبیر برای نخستین بار روی سکوی نخست قرار گرفت و دبیرستانهای شاهپور و هنرستان نمازی در ردیف های دوم و سوم جای یافتند، روی پهرفته، مسابقه ها امسال از هیجان درخورد بحث برخوردار بود.

چهره های خوب این بازی ها، زهره پایدار و قرح باشتی از رضا شاه کبیر، میترا خسرویان از نافیه، بهمین، بیژن فخر از دارپوش، حسن زارئی و حسام تقدیر از شاهپور، شکراله نگهداری از هنرستان حرفه ای نمازی بودند.

تیم رضاشاه کبیر: زهره و شهیدخت پایدار، فریددو فخر باشتی، مهدزاده، اورنگ، نجفی زاده، اسماعیلی، کوثر، زارئی، مری: خانم امین نژاد تیم دارپوش: بهمین، کیانی، جمالی، فخر، سلیم پور، رضائی، نصر، بردبار، سلیمان پور، آتشی، مری: میروند.

شناخت تیمهای پرفروغ نواحی دوگانه شیراز

مسابقه های بسکتبال قهرمانی آموزشگاههای ناحیه ۲ شیراز که با شرکت ۹ تیم دختران و ۱۴ تیم پسران آغاز شده بود، همراه با شور و هیجان ویژه ای به خط پایان رسید.

خانم شاه گلداری و آقای رضائی سرپرستی بازیهای دختران و پسران را که در سالن ورزشی والاحضرت علیرضا پهلوی انجام میگرفت، عهده دار بودند.

در گروه دختران، دبیرستان رضا شاه کبیر برای چندمین سال بمسند قهرمانی تکیه زد و دبیرستان های فاطمیه و مهر آیین در مکان های دوم و سوم ایستادند.



نامنویسی برای دوره جدید :

کلاس یوگا

موثرترین وسیله برای تقویت روح و اراده، تمرکز فکر، آرامش اعصاب و تناسب اندام برای ثبت نام هر روز صبح و عصر به دبیرخانه انجمن بهارشمالی شماره ۲۵۶ تلفن ۸۲۳۷۳۷ و ۸۲۴۸۳۱ مراجعه فرمائید.

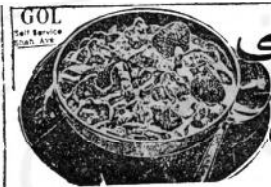
افتتاحیه

باکمال مسرت باطلاع عموم علاقمندان ورزش میسرساند
فروشگاه ورزشی

باتا اسپورت

مجهز بکلیه وسایل ورزشی از قبیل انواع : بوتین - گرمکن - انواع بوب ها- لباس های مخصوص و غیره از تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۲۵ افتتاح و در خدمت ورزشکاران عزیز میباشد .
ضمناً هر ده عدد اجناس یکعدد بطور رایگان و کفش فوتبال با ضمانت ۶ ماهه در اختیار مشتریان محترم قرار می دهد .
جهت خرید ها یا سفارشات کلی توسط سرپرستان محترم باشگاهها تخفیف مخصوص منظور خواهد شد .
هدف ما خدمت به ورزش کشور است .
بهارستان اول شاه آباد پاساژ جابری زاده ، طبقه هم کف شماره ۱۱

تلفن ۳۰۳۰۷۶



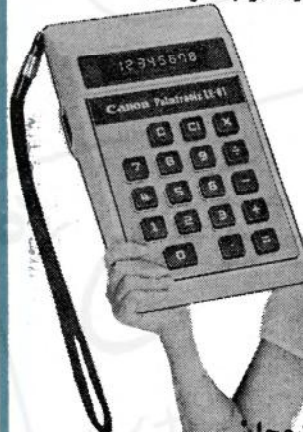
اردور محانی

و بیست نوع غذای خوب
که همه روزه میپزد با هر غذا ، پیش از دو نوبت اردور محانی هم استفاده کنید
پارکینگ بزرگ و دو طبقه مقابل محل افتتاح شد
تهران شاه نادر شاه آرمیتور به تلفن ۶۲۳۲۵

Canon

ماشین حساب حالت
باقیمت مخصوص و
باقساط ۶ ماهه
فقط برای دانشجویان و
فرهنگیان سراسر کشور

لطفاً با در دست داشتن کارت دانشجویی یا معرفی نامه یکی از نمایندگان رسمی کانن در سراسر ایران مراجعه فرمائید .



کانن باده سال تضمین سرویس و تعمیرات مجانی

نماینده انحصاری در ایران سازمان کانولا خیابان نادر شاه نبش خیابان کامکار تلفن ۸۲۳۲۷۷-۸



مکالمه انگلیسی با معلم امریکائی

در این کلاس ، درمندی کوتاه در مکالمه زبان انگلیسی تسلط کامل پیدا میکنند و میتوانند انگلیسی را بطور خصوصی با این معلم یاد بگیرند :

علاوه بر این، برای دوره جدید این کلاسها نامنویسی میشود.

زبان انگلیسی، خیاطی، آشپزی، آرایش و زیبائی ، ماشین نویسی ، منشیگری ، یوگا و فارسی ...

برای نامنویسی بدبیرخانه انجمن دوشیزگان وبانوان (خیابان بهارشمالی نبش نامجو-تلفن ۸۲۴۸۳۲ و ۸۲۳۷۳۷) مراجعه فرمائید .



حیف شد!

چاره مشکل شما قیچی نیست راهی خیلی بهتر وجود دارد



درست است که شوره - موخوره - چربی و خشکی بیش از حد زیبایی موها را از بین میبرد و به برآزندگی و جذابیت شما لطمه میزند ولی چاره اینکار قیچی نیست راهی خیلی بهتر وجود دارد.

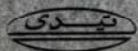
اگر موها بیش از حد چرب شود، شوره چرب در موها نمایان گردد، موهاست و بیحالت شود و یا موها شروع به ریزش کند از ویتامین هارکور استفاده کنید.

اگر موها خشک، وز کرده شود، شوره خشک در مو ظاهر گردد، موخوره پیدا شود، موها کدر و تیره گردد و یا در اثر دکلره و رنگ مکرر ضعیف شده باشد از بوناوِل استفاده کنید.

ویتامین هارکور برای تقویت و بهداشت موهای چرب - بوناوِل برای تقویت و بهداشت موهای خشک.

مشکلات بهداشتی موی سر شما با بکاربردن ویتامین هارکور و بوناوِل با آسانی برطرف میشود.

ویتامین هارکور و بوناوِل هم برای خانمها، هم برای آقایان



Schwarzkopf

مسابقات فوتبال جام باشگاههای کشورهای اروپا

فاینورد قهرمان هلند در بیستمین روز بازیها بدون گل در سد اوترخت تن به مساوی داد. ویم وان هانگم در میان دو مدافع حریف حسرت توپس را میخورد که در مقابل دروازه یان اوترخت از دست داده است.



اوترخت
گواهد
لاهای
فاینورد
پی.اس.و.
واگنینگن

رده بندی: ۱ - پی.اس.و. آیندهون ۲۲ امتیاز
۲ - فاینورد، ازاکس ۲۱ امتیاز ۴ - تونت ۲۶
امتیاز ۵ - آزد ۲۵ امتیاز ۶ - اسپارتاروتردام
۲۴ امتیاز ۷ - رودا، لاهای ۲۱ امتیاز ۹ -
اوترخت ۱۸ امتیاز ۱۰ - تسلاست ۱۷ امتیاز ۱۱ -
گرافشاپ، اکسلسیور، اف.سی. آمستردام ۱۶
امتیاز ۱۴ - گواهد ۱۵ امتیاز ۱۵ - ام.و.و ۱۲
امتیاز ۱۶ - ان.ا.ث ۱۳ امتیاز ۱۷ - هارلم ۱۲
امتیاز ۱۸ - واگنینگن ۹ امتیاز.
گلزنه: واندرکویین (ایندهون) ۲۰ گل.
کروز (فاینورد) ۱۵ گل، کیلر (ازاکس) ۱۵ گل.

هلند

هفته پیش پی.اس.و. روزهای شومی را پشت سر گذاشت. یکشنبه پیش این تیم برای ششمین بار طول فصل تن به مساوی داد و غم اولین شکست که چهارشنبه قبل پشت این تیم را بلرزه انداخته بود، مضاعف شد! دفاعاصل چهارشنبه که روز دیدار عقب افتاده با تونت آنشد بود تا یکشنبه که گواهد با بدون گل آیندهون را متوقف کرد، تیم صدرنشین باشگاههای هلند پنج روز شومی را سپری کرد. تازه اگر بخت با این تیم یار نمی شد و یکشنبه گذشته در بازی های بیستمین روز فاینورد و ازاکس دو تعقیب کننده نزدیک فاینورد مقابل حریفان خود تن به مساوی نمیدادند. بهین سرعت به پشتتازی این تیم نیز پایان داده می شد.

اولین نشانه های زنگ خطر برای دفاع مستحکم و دژ تسخیرناپذیر آیندهون در نبرد روز نوزدهم مقابل اسپارتاروتردام بصدا درآمد. دوتیم نبرد خود را مقابل بیست هزار تماشاگر برگزار کردند. اسپارتا گرچه در خانه حریف بازی میکرد، ولی هرگز تحت تاثیر پی.اس.و. قرار نگرفت. رالف ادستروم و واندرکویین زوج طلایی تیم میزبان برخلاف همیشه در بند قدرت مدافعان اسپارتا اسیر شده بودند. تا دقیقه ۸۸ همه چیز حاکی از یک نتیجه مساوی در پایان این دیدار بود. اما در این ۲ دقیقه آخر پی.اس.و. با همه وجود برای گل کوشید و بالاخره در دقیقه ۸۹ معجزه اتفاق افتاد و «لوسه» گل پیروزی بخش تیم صدرنشین را وارد دروازه اسپارتا نمود.

پیروزی بزرگان

ازاکس و فاینورد دو بزرگ دیگر باشگاههای هلند خلاف تساوی های هفته بیستم خود هر دو در روز نوزدهم با ۲ گل اختلاف حریفانشان را مغلوب کردند. فاینورد با حضور ۲۶ هزار تماشاگر در روتردام در دقیقه دوم با شلیک عالی هافبک ملی پوش خود ویم وان هانگم صاحب اولین گل شد. وارتاس مدافع تیم گواهد با اشتباه گل دوم

پنج روز شوم برای آیندهون

نتایج روز بیستم

اسپارتا - ام.و.و	۳ - ۱
ازاکس - گرافشاپ	۱ - ۱
آزد - هارلم	۲ - ۴
اکسلسیور - ان.ا.ث	۱ - ۱
تسلاست - تونت	۱ - ۱
آمستردام - رودا	۰ - ۲

فاینورد را بشمر رسانید. در وقت دوم باز هم وان هانگم با نفوذی تحسین انگیز دفاع گواهد را برهم ریخت و پاس او را کروز بشمر رسانید. وان مارکویک تنها گل حریف را بعد از ۳ کل فاینورد بدست آورد.
ازاکس در دیدار با واگنینگن یک پیروزی آسان بدست آورد. گلهای ازاکس را بروکامپ و کیلر در دقیق ۵۸ و ۷۴ بدست آوردند.

رنجرز و بازگشت به صدر

مساوی شد. ایردین در خانه خود مقابل هرس با این نتیجه توقف کرد و ایر با وجود شکست ۱-۰ ۲۵ دقیقه اول در پایان از خانه تنیم با تریک با تساوی ۲-۲ خارج شد.
هفته آینده (فردا) در بیست و سومین روز مسابقات سلتیک بدیدار ایرپروت خواهد رفت و رنجرز میزبان دو نفر ملان میباشد.

نتایج روز بیست و دوم

ایردین - داندی یونایتد	۲ - ۲
ایردی - کلاید	۱ - ۱
دوفرملاین - هیرینان	۱ - ۲
کلمارک - سنت جاستون	۱ - ۱
رنجرز - مادروول	۱ - ۳
ایرپروت - ایر	۲ - ۲

رده بندی: ۱ - رنجرز ۳۷ امتیاز ۲ - سلتیک ۳۶ امتیاز ۳ - هیرینان ۳۳ امتیاز ۴ - داندی یونایتد ۲۶ امتیاز ۵ - هرس ۲۴ امتیاز ۶ - دوفرملاین، مادروول ۲۰ امتیاز ۷ - بانسریک ۱۹ امتیاز ۱۲ - سنت جاستون، ایردای ۱۸ امتیاز ۱۴ - کلمارک، مورون ۱۷ امتیاز ۱۶ - کلاید ۱۶ امتیاز ۱۷ - دیومارون ۱۳ امتیاز ۱۸ - ایرپروت ۱۲ امتیاز

اسکاتلند

گلی را که «قایم» هافبک رنجرز در وقت دوم دیدار با مورون بشمر رسانید نه تنها تیم براوازه یانخت اسکاتلند را از دومین شکست خارج از خانه در این فصل رها نید، بلکه موجب بازگشت این تیم به صدر جدول مسابقات گروه اول باشگاههای اسکاتلند گردید. در ۲۵ دقیقه اول دیدار رنجرز - مورون، تیم میزبان با ضربه عالی هازل ۱-۰ پیش افتاد و حتی تا دقیقه ۷۱ به تکیه بر این گل در رویای پیروزی بسر میبرد.
در حالیکه رنجرز دیدار خود را بدین ترتیب با تساوی ۱-۱ پشت سر گذارد، سلتیک قهرمان اسکاتلند بجهت بدی شرایط جوی قادر به انجام دیدارش با دیومارون نشد و همین یک بازی انجام نشده موجب یک امتیاز برتری رنجرز و بازگشت این تیم به صدر جدول گردید.

در بیست و دومین روز مسابقات باشگاهی اسکاتلند اتفاقا ۲۲ گل در مجموع زده شد که بیشترین سهم از آن مادروول بود. این تیم میانه جدول بعد از برتری ۲-۰ وقت اول در پایان ۳-۱ ایرپروت جیره شد. «هیلاره» یک گل و «بی گریو» ۲ گل بشمر رساندند. رابد تنها گل حریف را که در خانه مادروول مسابقه میداد بشمر رسانید.
نظیر این دیدار، در ۲ مسابقه دیگر ۴ گل بدست آمد. اما هرودی این دیدارها با حساب ۲-۲

مدعیان تازه جام

در پایان با فتح ۳-۲ میدان را ترک کوید. یران کایتین دومازوس نیز در هفته میجدهم با شکست ۲-۱ آریس به هفتمین برد خود طول فصل دست یافتند. اما با وجود این برد پانائینیکوس هنوز مکانی بالاتر از رده پنجم بدست نیاورده است.

نتایج هفدهمین هفته

لیسیاکوس - باناهایکی	۲ - ۱
هراکلیس - الیپیاکوس	۴ - ۰
پانینا - اتینیکوس	۰ - ۰
پانائینیکوس - ا.ا.ک	۱ - ۱
پانائینیکوس - آریس	۲ - ۱
لاریسا - پانینوس	۱ - ۱
اکاتو - کاستوریا	۲ - ۲

رده بندی: ۱ - الیپیاکوس پیروس ۲۸ امتیاز ۲ - اتینیکوس ۲۷ امتیاز ۳ - ا.ا.ک ۲۶ امتیاز ۴ - پاتوک ۲۳ امتیاز ۵ - پانائینیکوس ۲۰ امتیاز ۶ - کاستوریا ۱۸ امتیاز ۷ - پاناهایکی، آریس، هراکلیس ۱۷ امتیاز ۱۰ - پانینا ۱۶ امتیاز ۱۱ - اترومیتوس ۱۵ امتیاز ۱۲ - پانینوس، بانسرایکوس ۱۴ امتیاز ۱۴ - وولوس ۱۲ امتیاز ۱۵ - لاریسا ۱۱ امتیاز ۱۶ - کالاماتا، اکاتو ۱۰ امتیاز ۱۸ - کالادا ۱۹ امتیاز.
گلزنه: کالکاتسرا (اتینیکوس) ۱۴ گل، اصلانیدیس (پاتوک) ۱۲ گل، واگز (ا.ا.ک) ۹ گل.

یونان

دیگر تردید نیست که عنوان قهرمانی فصل جاری مسابقات فوتبال باشگاههای یونان خارج از دست سه تیم الیپیاکوس، اتینیکوس و ا.ا.ک نخواهد بود. اما مسئول مهم اینست که آیا الیپیاکوس قهرمان فصل پیش یونان خواهد توانست در این جدول سه گانه بار دیگر فاتح باشد؟ در شانزدهمین روز امتیازی که تیم باتراس از قهرمان گرفت، شانس صدرنشینی مجدد را به «اتینیکوس» داد. اما یکشنبه پیش حوادث عین به عین تکرار شد. اما این بار اتینیکوس در سد پانینا بدون گل متوقف شد و الیپیاکوس در یک دیدار نزدیک ۲-۱ بر پاناهایکی غلبه کرد.

بدین ترتیب شرایط بار دیگر همانی شد که تا هفته بازدهم برقرار بود. حالا باز هم الیپیاکوس با یک امتیاز برتری بر اتینیکوس تنها صدرنشین جدول مسابقات است و اتینیکوس هم با یک امتیاز برتری بر ا.ا.ک به تنهایی نایب پیشاهنگ میباشد.
اتینیکوس اگر در روز هفدهم مقابل پانینا تلاشی به نتیجه داشت و به تساوی بدون گل رسید هفته قبل مقابل کاستوریا نبردی پردلهره را پشت سر گذاشت. وقت اول این تیم روی حملات سنگین تر کاستوریا بالاآباز تن به شکست ۲-۰ داد. اما در وقت دوم اتینیکوس نوحانه نواست بار سنگین شکست را از شانه اش بریزر بگذارد و حتی

آتش بازی میلانیا

لازیو نظیر تیم صدرنشین، جونتوس و دینار این هفته خود را با تساوی بدون گل بیابان رسانید. رمها در خانه جزنا مجبور به مساوی شدند و جونتوس در تورین برابر بولون توقف کرد.

در هفته ای که بیش از ۱۲ گل بدست نیامد و ۶ گل از این تعداد از آن یک دیدار بود، حساس ترین نبرد روز در استادیوم المپیک رم انجام گرفت. برای ا.ت.رم این دیدار اهمیت بسیار داشت. چون این تیم که ۹ هفته بی شکست مانده بود میخواست برابر تورینو هم قانون شکست ناپذیری خود را دیکته کند. برای تماشای این دیدار ۷۰ هزار تماشاگر در یک کشتیهای آفتابی و دلچسب رم استادیوم رفته بودند تا دقیقه ۳۲ بازی میزبانان رمی سالمانه بر حریف می تاختند تا اینکه در این لحظه تورینو با یک نفوذ سریع و غافلگیر کننده از چپه چپ، در دفاعی رم را شکافت و کلودیوسلا گل برتری تورینو را زد. همین گل بالاخره طلسم سه ماه شکست ناپذیری ا.ت.رم را شکست.

نتایج روز شانزدهم

۱	نابل	۱	آسکولی
۰	لازیو	۰	جزنا
۰	وارز	۱	اترمیلان
۰	بولون	۰	جونتوس
۱	تورینو	۰	ا.ت.رم
۲	میلان	۲	سامپودریا
۰	ترنانا	۲	فیورنتینا
۰	وینچنزا	۰	کالیاری

رده بندی: ۱ - جونتوس ۲۲ امتیاز - ۲ - لازیو ۲۱ امتیاز - ۳ - میلان، تورینو ۲۰ امتیاز - ۵ - نابل، اتر، رم ۱۹ امتیاز - ۸ - بولون ۱۸ امتیاز - ۹ - فیورنتینا ۱۷ امتیاز - ۱۰ - جزنا ۱۴ امتیاز - ۱۱ - سامپودریا، کالیاری ۱۲ امتیاز - ۱۳ - وینچنزا ۱۱ امتیاز - ۱۴ - ترنانا، وارز، آسکولی ۱۰ امتیاز - ۱۵ - گلزنه: ساوولی (بولون) ۱۰ گل، بولیسی (تورینو) ۷ گل، گوری (کالیاری) ۷ گل.

ایتالیا

میلان در نزد سامپودریا یک آتش بازی پرگل برپا ساخت. طول ۴۵ دقیقه نخستین جنگ بیرحمانه توجیهیهای دو تیم که داور را هتس بار مجبور به اظهار دامن کرد، تماشاگران حاضر در میدان شاهد پنج گل بودند. میلانیا خیلی زود دروازه خود را روی هجومهای سنگین حریف در آغاز بازی از دست دادند. ماریومارانی درست در دقیقه هفتم مسابقه نیم سامپودریا را با یک گل پیش انداخت. لحظات نزدیک بعد از گل میلانیا تا حدی آهنگ خوب و اعتمادبخش خود را در این بازی از دست دادند. تا اینکه در دقیقه ۱۴ کاپیتان میهمانان جیانی ریورا کل مساوی را به یارانش هدیه داد. با این گل میلان همه چیز را بازیافت. دقیقه ۲۵ مدافعان سامپودریا روی نفوذ خطرساز جیاریوگی چاره ای جز خطای پناستی ندیدند. اگیو کالونی یار تازه نام گرفته میلان که از این گداده اسم، او این پناستی گل دوم ا.ت. میلان را بنمر رسانید. گویی، عدد هفت سرنوشت ساز بزرگ در این دیدار بود. چون هفت دقیقه بعد از گل دوم میلان، سامپودریا نیز با یک ضربه پناستی که ناتالیوفوسانی آترا بنمر رسانید به گل مساوی دست یافت.

نتیجه ۲-۲ میزفت که پایان قدرت نمایی دو تیم در نیمه نخست باشند. اما فاصله ۲ دقیقه به پایان وقت دونتوگورین با گل دیگری میلان را مجدداً پیش انداخت. در وقت بعد دفاع مستحکم ا.ت. میلان حتی برای یکبار هم فرصت ایجاد خطر به حریف نداد و سادی میهمانان در تثبیت بیروزشان وقتی به اوج رسید که در دقیقه ۸۸ لوسیانو جیاریوگی کل چهارم میلان را هم بدست آورد. با این پیروزی تحسین انگیز میلان ا.ت. یک گام به لازیو نایب پشاهنگ مسابقات نزدیک شد.

بازگشت پورتو از گرداب

پر تغال

در بازگشت نشان داد که بی جهت او را بهترین سانتر فوروارد فوتبال پرتغال نمی نامند. او مقابل لیکسوز شخصاً گلی نزد. ولی نه نه زنده ۲ گل از ۳ کل تیم (دقیقاً ۷ و ۲۴) هر دو موقعیت گل را مدیون اورتور جورج بود. باروس مدافع میانی تیم نیز در حفاصل این دقیق کل دوم بنفیکا را بنمر رسانید. لیکسوز که با وجود این شکست ۳-۰ از بنفیکا در مکان هفتم جدول جای داشت در روز بیستم شکست سنگین و دیگری را متحمل شد. فاتح این هفته این تیم هواویستا بود که در پورتو ۴ بار دروازه لیکسوز را به آتش کشید.

نتایج روز بیستم

۴	لیکسوز	۰	هواویستا
۱	فارس	۰	اسپینهو
۱	تومار	۱	سی.یو.اف
۰	آلتیکو	۲	اورینتال
۱	ستوبال	۰	اسپورتینگ
۱	گیماز	۱	بلناس
۲	اولهانتس	۰	پورتو
۰	بنفیکا	۰	آکادمیکو

رده بندی: ۱ - بنفیکا ۳۲ امتیاز - ۲ - اف.سی. پورتو ۳۰ امتیاز - ۳ - اسپورتینگ ۲۹ امتیاز - ۴ - گیماز ۲۶ امتیاز - ۵ - هواویستا ۲۵ امتیاز - ۶ - فارس ۲۲ امتیاز - ۷ - بلناس ۲۱ امتیاز - ۸ - لیکسوز ۱۹ امتیاز - ۹ - سی.یو.اف، تومار ۱۶ امتیاز - ۱۱ - ستوبال، آلتیکو ۱۵ امتیاز - ۱۲ - اورینتال ۱۴ امتیاز - ۱۴ - اولهانتس، آکادمیکو، اسپینهو ۱۳ امتیاز - ۱۵ - گلزنه: یازالده (اسپورتینگ) ۱۹ گل، کیور (گیماز) ۱۱ گل، جرمیاس (گیماز) ۱۱ گل.

پورتو پس از دو هفته سقوط در گرداب و تحمل دو شکست عجیب و پیاپی، توانست در روز بیستم با پیروزی ۲-۱ بر اولهانتس، درهائی ایندست خود را اقیانام بخشد. این پیروزی پورتو را در فاصله ۲ امتیازی بنفیکا نگهداشت. چه صدرنشینان در کوامبارا مجبور به قبول تساوی بدون گل با آکادمیکو گردیدند. پورتو که تا هفته هیجدهم در صدر حکومت میکرد، با شکست مقابل اسپورتینگ (۲-۱) موقعیتش را پس از هفته ها اسودگی در خطر دید! اما سرگیجه پیشهنگان هفته پیش با شکست ۴-۰ در خانه خویش و برابر بلناس به اوج رسید در حقیقت وحشت این باخت سرگیجه آور در همان ۴۵ دقیقه اول دامتگیر پورتو شد.

گولزاز گلزن تازه نام گرفته بلناس دقیقه ۵ گل اول را زد دقیقه ۲۴ سنجو و در دقیقه ۴۱ پیترا گلهای دوم و سوم را بنمر رساند! گل چهارم هم سهم افردو در نیمه بعد بود. در همان هفته ای که پورتو اینطور محکوم به سقوط شد، اسپورتینگ با وجود دو باره بقدرت رسیدن یا زالده گلزن بزرگ خود در نزد گیماز بدون گل متوقف شد و از جمع ۳ بزرگ کنونی باشگاههای پرتغال، تنها بنفیکا بود که توانست لیکسوز را ۳-۰ مغلوب کند. برای بنفیکا و خاصه چهره صاحب نام این تیم اورتور جورج این بازی اهمیت فوق العاده داشت چون اورتور جورج که بدینال یک آسیب دیدگی شدید زانو دوسال تمام از صحنه بازیها بدور مانده بود، بالاخره جواز بازگشت به میدان را از این بازی بدست آورد. او در همین نخستین بازی اش

رکورد هابرای راسینگ

بلژیک

هفت روز سیزده هفته تا پایان مسابقات این فصل باقیست. با این وجود بدین ترین افراد هم از همین حالا به قهرمانی راسینگ وایت معروف هستند و این چیزی است که سابقه و نادر در فوتبال باشگاهی بلژیک! راسینگ وایت با شش امتیاز برتری نسبت به قهرمان فصل قبل اندرلخت که نزدیکترین تعقیب کننده است، آسوده بال و هفته به هفته مقتدرتر بسوی جام نزدیکتر میشود. بنظر میرسد راسینگ وایت این فصل با شکستن تمامی رکوردها در اندیشه عنوان قهرمانی است. بالاتر از همه بی شکست ماندن و این مهم را این تیم تاکنون با شایستگی حفظ کرده است. پانزده برد و ۸ مساوی و بدون شکست رکورد حیرت انگیز دیگر رقم سرسام آور گلهای زده تیم است. مهاجمان این تیم طول ۲۳ هفته گذشته بازیها، تاکنون ۵۴ گل بدست آورده اند که تقریباً رقم ۲ گل برای هربازی میگردد.

راسینگ وایت روز بیست و سوم در خانه میشان فتح ۴-۰ خود را جشن گرفت و هفته قبل در مولن بیگ و نزد تماشاگراش وینترزلاگ را بخاک شکست ۵-۰ انداخت! حالا راسینگ وایت بیست و هفت مسابقه را بدون شکست سپری کرده است. رکورد غرورآفرین دیگر برای تیم پیشاهنگ، حضور توام ۲ گلزن برتر این تیم کوتس و تفگلز در صدر جدول گلزنان مسابقات باشگاهها است. با وجودیکه سیمونسن سترفوروارد اوستند با ایندو رقابتی پاپیا و نزدیک دارد، اما به احتمال زیاد تاج سلطان کل بر سر یکی از ایندو خواهد نشست. در هفته بیست و سوم، اندرلخت قهرمان بلژیک نیز فتحی شیرین داشت. این تیم که به

خط دفاع استوار خود میبازد و انهم بدلیل کمترین تعداد گلی است که درجمع تمام گروه مدافعان، خط دفاعی این تیم از دست داده است، در نبرد با المپیک مونتس نیز پیروزی خوب و جالب توجهی کسب کرد. یاران کاپیتان وان هیست در مقابل یک گلی که حریف صاحب شد، ۴ گل دروازه مونتس نیز وارد کردند.

نتایج روز بیست و سوم

۲	مونتس نیز	۰	اندرلخت
۱	لیرز	۰	سرکل بروکسل
۲	اف.سی. بروکسل	۰	وینترزلاگ
۲	راسینگ وایت	۰	اف.سی. میشلن
۲	برجم	۰	چارلری
۰	بیرون	۰	بیرشوت
۰	استاندارد	۰	دیت
۱	برینگن	۲	اف.سی. لیژ
۱	اوستند	۲	لوکرن
۰	انتورپ	۱	وارکم

رده بندی: ۱ - راسینگ وایت ۲۸ امتیاز - ۲ - اندرلخت ۲۵ امتیاز - ۳ - استاندارد ۲۰ امتیاز - ۴ - آنتورپ، اف.سی. بروکسل ۱۹ امتیاز - ۶ - بیرشوت ۱۸ امتیاز - ۷ - لوکرن ۲۵ امتیاز - ۸ - لیژ ۲۴ امتیاز - ۹ - سرکل بروکسل، برجم ۲۲ امتیاز - ۱۱ - بیرون ۲۱ امتیاز - ۱۲ - برینگن، مالینز، اوستند ۲۰ امتیاز - ۱۵ - میشلن، چارلری، وارکم ۱۹ امتیاز - ۱۸ - اف.سی. لیژ ۱۸ امتیاز - ۱۹ - دیت ۱۵ امتیاز - ۲۰ - وینترزلاگ ۱۰ امتیاز. گلزنه: کوتس (راسینگ وایت) ۱۵ گل، سیمونسن (اوستند) ۱۵ گل، تفگلز (راسینگ وایت) ۱۵ گل.

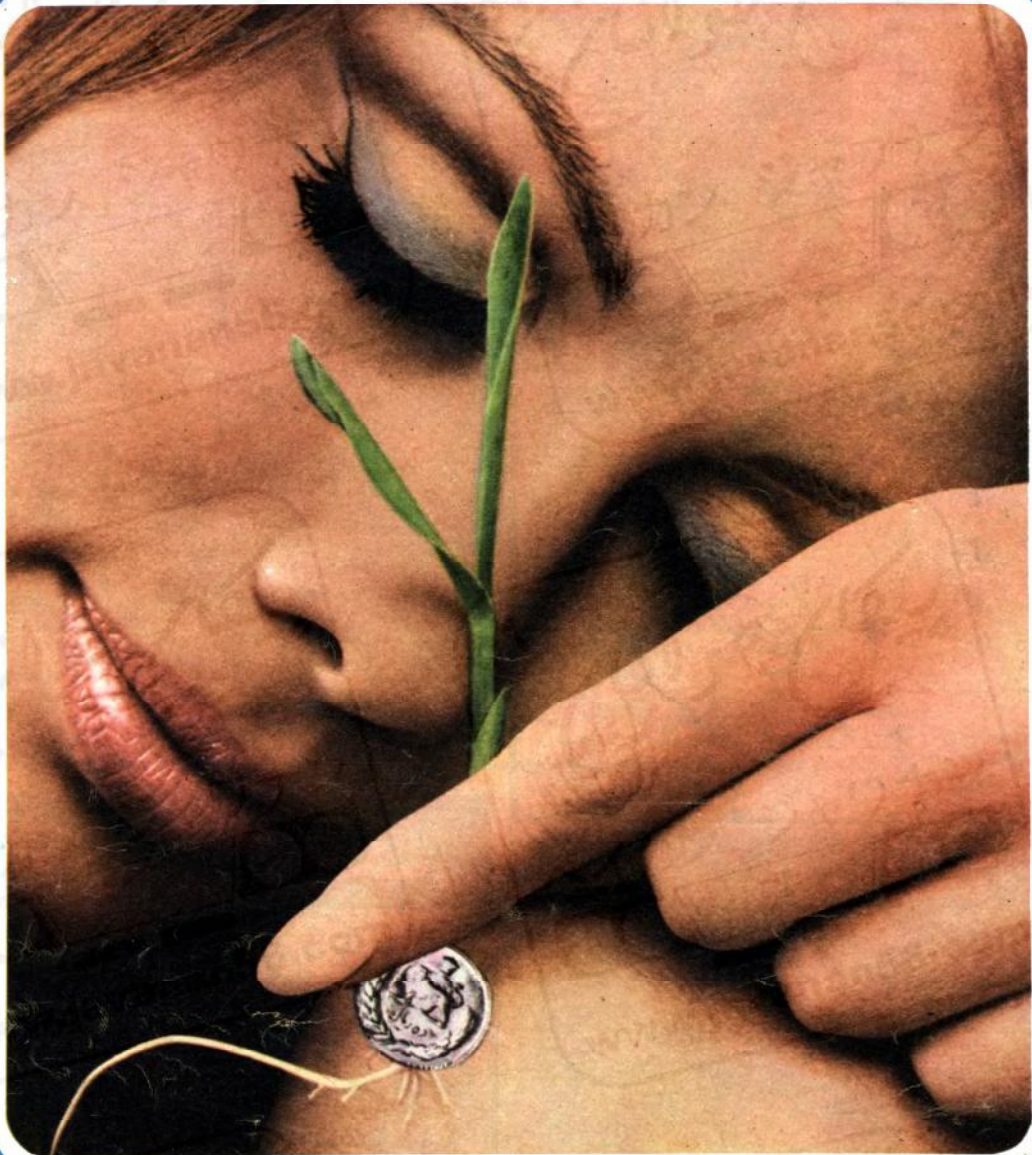
شامپو پروتئین دیوا

• فتا برای شستن مونیست



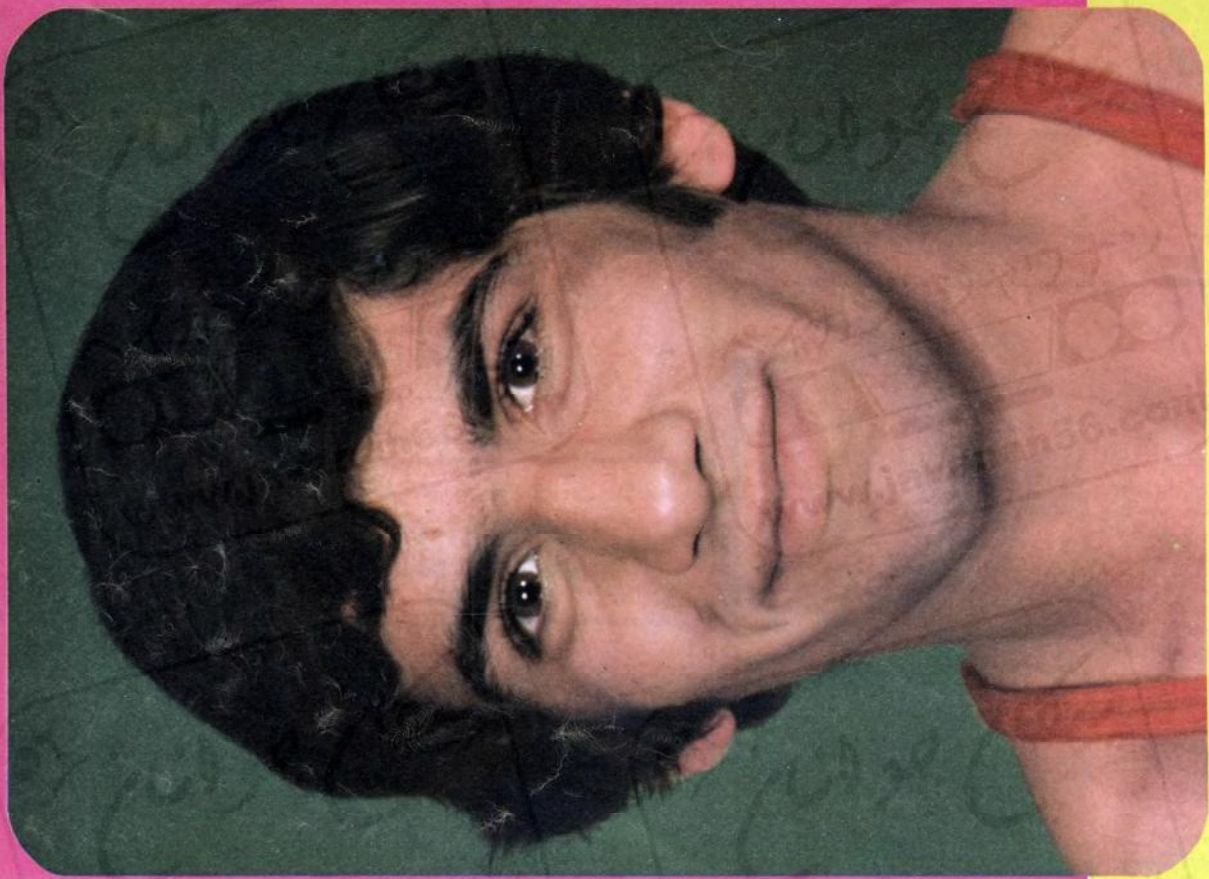
شامپو پروتئین دیوا
به موی شما
زندگی دوباره میدهد

آخرین شامپوی انحصاری شامپو پروتئین دیوا



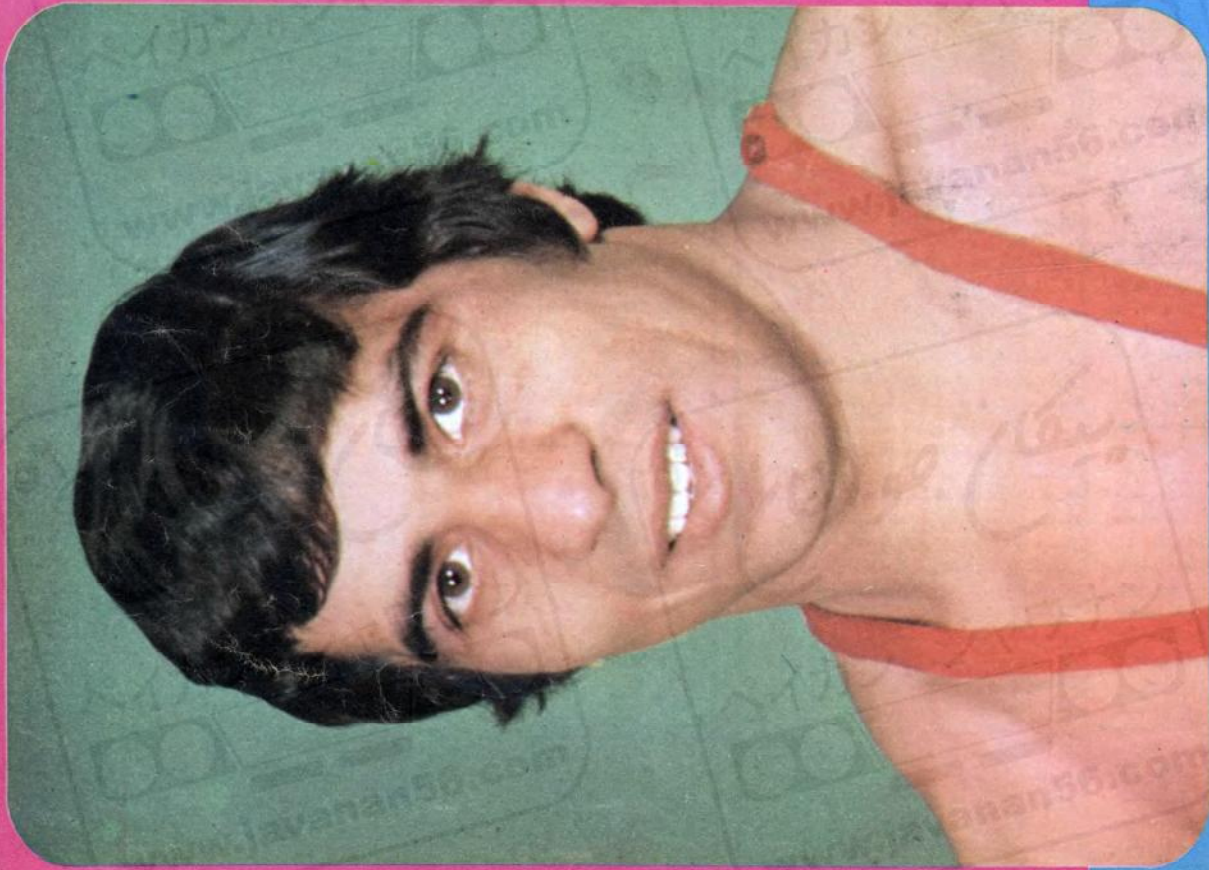
صندوق پس انداز بانک ملی ایران

کهنساله امروز می‌پسندد
بر پرثمره توفیق دلبهر



احمد رضا محمدی

چهره موفق کشتی فرنگی در جام روزه کولن



غلامرضا قصاب

دارنده مدال برنز ۶۲ کیلو از جام روزه کولن

خاطرهای که هرگز از یاد نخواهیم برد

بقلم قهرمانان محبوب شما

برای قهرمانان، تمام سالهای، کدور دنیای ورزش سپری می‌گردد با همه بدبها و خوبیهای، سالهای پرخاطره و دوستداشتنی زندگی است. سالهایی که در آنها بی‌وزنیا و شکستهای بسیار نقش بسته است وجه شکستها و بی‌وزنیهایی که باشادی و غم خود در همه عمر از فکر و ذکر این معبودین ورزش هرگز خارج نخواهند شد.

اما برآستی پرخاطرهترین رویداد برای قهرمانان کدام است و یک یک آنها کدام خاطره را هرگز از یاد نخواهند برد؟

این سؤال تازه‌ای است که هربار در برابر چند چهره برگزیده ورزش خود قرار خواهیم داد تا با قلم خودشان تحریر شود. ببینید قهرمانان بایاری گرفتن از کلمات، هر کدام چه مسابقه و چه خاطره‌ای در یاد شما زنده خواهند کرد.

عبدالله حاج احمدی

پیروزی خاطرهانگیز

با وزن بدن حدود ۶۰ کیلو زیر نظر منوچهر درجی تمرینات را شروع کردم، و به پیشنهاد او بود که یکبار از ۵۷ کیلو به ۶۲ کیلو روی آوردم.

در آن زمان هنوز مردانی چون سیف‌پور - فلج خانی - خادم - سرداری - بهشتیان - غلامی - سیدعیسی - حاج کاظمی برای پوشیدن پیراهن تیم ملی در ۶۲ کیلو در کورس بودند و سیالی به جوانها نمیدادند و در این شرایط رسیدن به «حده» آنها سخت دشوار بود ولی همانها الگوهای خوبی برای چهره های جوان بشمار میرفتند. کم کم با گذشت زمان، ضمن اینکه بزرگان پرمز بازنشستگی می‌رسیدند دوران شکوفائی جوانانی چون من آغاز میشد. بخصوص که بدون بیم از شکست در همه مسابقات حاضر میشدم، همین حضور مداوم سبب شناسایی بیشتر من شده بود.

سال ۱۳۲۸ سرانجام فرصتی بود که من هم به مسابقات انتخابی جام دانکوف در پیش بود و چهره های چون ابوطالب طالعی - محمد رضا ثنائی - درره امیدها بودند و همینطور من که مطمئن شانس کمتر نسبت بدو یاد شده برایم پیش بینی میکردند.

با پشت سرگذاشتن مراحل مقدماتی من - توانی - طالعی بر حریفان پیروز شدیم ولی فکر مبارزه با ابوطالب طالعی مردیکه صاحب ۴ مدال برنز جهانی و المپیک بود، لحظه ای مرا آسوده نمیکشاد و در خواب و بیداری اندیشه این مبارزه مثل خوره بجان من افتاده بود، اینکه نتیجه چه خواهد شد، باخت یا ضربه فنی؟ با امتیازا؟ آیا ممکن است با او مساوی کنم چطور میشه اگر برنده بشم یعنی ممکنه؟ و همینطور تکرار این سئوالها سرانجام لحظه ای که داور دست ما را در دست هم گذاشت رسید.

ابوطالب طالعی در آن دوران در بهترین فرم بدنی خود بود، شاید در سبک خود یکی از استثنای کشتی بود، جوانمردانه میجنگید، شرافتمندانه مبارزه را ختم میکرد و من نیز مانند او چهره ای نهادهای داشتیم، کشتی را با حمله شروع میکردم و با حمله پایان میرساندم.

کشتی سراپا حمله و طوفانی ما شروع شد که ردبول شدن فنون و امتیازات هیجان فراوانی در حاشیه تشنیه ها خلق کرده بود، من و جسونان را جویای نام هر لحظه از مسابقه را سیری میکردم و سرانجام زنگ پایان بصدا در آمد و تصور غیر منتظره من شکل حقیقت بخود گرفت و دست من مقابل ابوطالب طالعی مردیکه ۴ سال بیای صاحب پیراهن تیم ملی و مدال برنز جهانی و المپیک بود بالا رفت، با اعلام این پیروزی سرایان بی‌توانم، مست از باده پیروزی خستگی از تنم رفته بود، این پیروزی هیچگاه از نظر محو نمیشود و در ذهنم همیشه بعنوان بهترین خاطره ورزشم باقی خواهد ماند.



من نیز «هماند» هزاران نوجوان دیگر که بازی و ورزش را دوست میدارند و سرانجام این دوست داشتنها به انتخاب رشته ای منتهی میشود، در همان سالهای آخر دبستان کشتی را برگزیدم.

آن زمان در این مرزوبوم، مرز پهلوانان افسانه ای گذشته چون رستم و اسفندیار و مرز پهلوانان جادوانه ای نظیر پوریای ولی بود نام کشتی بزرگترین مفهوم از ورزش را داشت، هر کس ورزش را می‌شناخت کشتی را نیز باور داشت و همینطور بکس.

عبدالله حاج احمدی نخواست تازگی کشتی ایران، مردیکه در جام آریا مهر در ۶۸ کیلو در حضور دو روسی نام‌آور صاحب مدال نقره شد از لحظه جادوانه ورزشی خود اینطور سخن میگوید من در خانواده ای بزرگ میشدم که جمعا ۷ برادر بودیم و یک خواهر و این برادرها همگی عاشقانه ورزش را دوست میداشتند، سوازی یکی همه برادرها از من بزرگتر بودند، باین ترتیب من یکی از کوچکترین های خانواده ام بودم، یکی از برادرانم که سالهای کشتی میکردم و در زمان خود در بین هم وزنه‌ای خود جانی داشت ولی بخاطر مسئولیتهای بیشتر نتوانست همه چیز (کار، فعالیت و آینده) را چون دیگران فدای کشتی کند و بهمین جهت هیچگاه نتوانست در سطح بالا بدرخشد و چنین شد که با کشتی «زود» «اخته» شدم و زدکی برای نمائندای کشتی به باشگاهم، که محل تمرین برادریم بود می‌رفتم و همیشه با عکس العمل شدید او و دیگر اعضای خانواده مواجه میشدم، ولی سرانجام این جنگ و گریز جلب رضایت آنها بود و تاریخ این جلب اعتماد سال ۱۳۴۶ بود.

حسین کازرانی

وقتی که پا، تو کفش ما کردند

تا آنجا خود را بالا کشیده که یکی از ستاره های همیشگی تیم پاس و ملی است، چندی قبل در دیدار تیمهای ملی ایران و چکسلواکی مرد اول خط دفاعی و یکی از بهترین بازیکنان میدان بود.

با این مختصر آشنائی، پای صحبتش می‌نشینم و به خاطره اش گوش میدهم.

این خاطره واقعا شیرین است، آنقدر که هر وقت فرصتی دست میدهد و با چند بازیکن همشهری اجتماع میکنم، اول چیزی که مطرح میشود این خاطره و سپس قهقهه های بلند خنده البته آنهایی که با شنیدن این خاطره با صدای بلند می‌خندند خود شاهد قضیه بوده و یا اینکه از دوستان نزدیک وصف آنرا شنیده‌اند.

من بخوبی قادر نیستم آنرا توصیف و تعریف و نمایم و به اینجهت شاید نتوانم واقعه را آنچنان که اتفاق افتاده بیان کنم، موضوع از اینقرار بود که، در مسابقات قهرمانی شهرهای خوزستان که حدود هفت سال پیش انجام گردید تیم ما (اندیشک) و تیم دشت میشان در یک سالن زندگی اردویی را میگزیداندند، بازیکنان دو تیم خیلی زود با هم رفیق شدند و اردو بی نهایت خودمانی شد.

این رفافت بیش از حد موجب شد تا دوستان دست میسانی ها سوء استفاده کنند و در غیبت ما برای انجام مسابقه کفتهای فوتبال بچه های اندیشکی را بیا کرده و روانه استادبوم کردند، آنها در غیبت ما به بطور دستجمعی به گردن رفته بودیم اینسکار را کرده بودند، چون کفش بچه های اندیشک مخصوص بازی در چمن بود و آنها فاقد کفتهای فوتبال مخصوص چمن بودند.

ما وقتی به اردو آمدیم بکساعت وقت باقی بود تا مسابقه ای که با خرمشهرها دانشیم آغاز کنیم بعد از سخنان مربی تیم اردو شد اما وقتی بچه ها سراغ ساکهای خود رفتند که لباسهای فوتبال را برداشته و بیرونند متوجه شدند که کفتهای آنها در داخل ساک نیست. حدود نسیاعت دنبال کفشها زیر تخت و خلاصه هرجاتیکه ممکن بود در اردو گشتیم ولی آثاری از کفتهای نبود.

سریست ما موضوع را به اطلاع رئیس هیئت فوتبال، رساند و کم شمن کفتهای ما تعجب و حیرت مواجه گشت، ما کم کم شورت و پیراهن و جوراب پوشیده بدون کفش به کنار زمین آمدیم قرار شد که از بچه های دشت میشان و اغاچارچی که قبل از ما مسابقه میدادند کفش قرض نمائیم.

کنار زمین منتظر بودیم که یکی از بچه های ما ناگهان متوجه شد کفتهای فوتبال را در دفاع راست تیم دشت میشان بیا دارد، او اول تردید داشت ولی وقتی بازیکن نزدیکتر شد فریاد زد کفتهای من پیدا شد و کم کم معلوم گردید که تمام بازیکنان دشت میشان کفتهای فوتبال بچه های اندیشک را پوشیده‌اند.

جالب اینکه ما صبر نکردیم تا بازی تمام شود و به رختخواب و زمین و هر کس بقیه یکی را گرفته بود و با مساحت کفتهایشان را طلب میکرد، این موضوع آنچنان وضع بازی را مفلوس کرده بود که تماشاگران از خنده روده پر شده و بازی را فراموش کرده بودند.

سرانجام با پا در میانی گروهی از سرپرستان و مربیان میدان آرام گرفت و در حالیکه چند بازیکن «دشت میشانی» با پایهای برهنه بازی را دنبال میکردند و بچه های ما پشت زمین گوش به سوت پایان نیز کرده بودند تا کفتهای خود را پس گیرند. پس از آن رویداد دوستی نزدیک ما با فوتبالیستهای دشت میشانی تبدیل به کدورت و دشمنی شد و هر شب با هم جنگ و دعوا داشتیم این جالب خاطره من در دورانی که فوتبال بازی می‌کنم بوده است که اشنائه مورد قبول خواننده های عزیز دنیای ورزش قرار خواهد گرفت.



وقتی او در خط دفاعی قرار دارد کمتر مهاجمی قادر است از راه هوا چاره ساز باشد، بهمین جهت بین فوتبالیستها این مدافع به مرد آسمانها معروف است و اغلب بچه ها به سوخی میگویند رفیق اون بالاها چه خبر وضع هوا چطور؟

بی ادعا و خالی از تکبر است بطوریکه وقتی در جمعی قرار میگردد هرگز خود را بعنوان یک فوتبالست شاخص نمی‌نماید. لوطی نشن و فوق العاده مهمان تراز است او همیشه چند خوزستانی را در خانه خود میهمان دارد، این خوزستانی هماغذره که در زندگی خصوصی دارای صفات برجسته و نمایان است در میدان نیز همیشه یک ورزشکار جوانمرد نشان داده.

این بازیکن که پاس و خوزستانیها به او افتخار میکنند مردی از شهر کوچک اندیشک است کازرانی در اندیشک زادگاهش با فوتبال آشنا شد و با توپ آشن گرفت، زودتر از آنچه که تصور میرفت پله های ترقی را پیمود و تازه در سال اول دبیرستان بود که در تیم منتخب آموزشگاههای اندیشک برای خود جانی پیدا کرد، ۱۷ ساله بود که مورد توجه مسئولین فوتبال خوزستان قرار گرفت و هرانگاه که تیم منتخب خوزستانی تشکیل میشد او نیز نماینده ای بود از شهرستان اندیشک. تازه در خوزستان بعنوان یک مدافع جسون و مستحکم شهره شده بود که در تور صیادان تهرانی اسیر گشت و با تمام علاقه و عشقی که به شهرش داشت، راهائی از این تور برایش ممکن نشد، او که طالب مرزهای وسیعتری بود و بدنبال مکانهای رفیعتر، شهر کوچک و آرام اندیشک را بسوی تهرانی برپاهای ترک نمود.

کازرانی بعلت علاقه ای که به پلیس ها داشت بسوی پاسپها کشیده شد و لباس آبی دانشجویان پلیس را برتن کرد او اگر حال با یک ستاره در شهرهایی درجه ستواندومی را دارد اما در فوتبالش



کاری را خراب میکرد میگفتند: این «آناناس» سده! ما هم از این میترسیدیم که به گوش ستر رایکوف برسد که البته بالاخره نرسید ولی «آناناس» همه چیز را تحت تاثیر قرار داده بود و حتی آن بانثی را که بروین در بازی با کره جنوبی به اوت زد میگفتند از اثرات آناناس بوده است!

طول این روزها ما با «آناناسهایمان» دنبانی داشتیم که قابل وصف و مجسم کردن نیست ولی هر چه بود خاطره انگیز و جالب بود و حالا هم هر وقت در مسابقه‌ای بازیکنی خراب کند: اگر بچه های آن تیم نزدیکهای هم باشند: بلافاصله با خنده میگویند: اینهم «آناناسیه» و یا هر وقت خودمان بد بازی کنیم میگویند هنوز از اثرات آناناسه و خلاصه این «آناناس» برایمان یک نام فراموش نشدنی و خاطره انگیز شده است!

ولخرجی کرده‌ایم و اینجا آناناس خیلی ارزان است.

بهر حال وقتی این وضع را دیدیم: بوحشت افتادیم: چون اولاً نمی توانستیم تمام آن را بخوریم و اگر هم ستر رایکوف می فهمید خیلی بد میشد و بدور هم که نمیشد بریزیم.

بالاخره باید یک کاری میکردیم: توی اتاق هو جا که امکان داشت: آناناس پنهان کردیم حتی روی چوب لباسیهای برای آناناس اویزان کردیم.

هرچه میخوردیم تمام نمیشد و به بچه ها هم آنقدر خورانده بودیم که میترسیدند به اتاق بیایند چون بزور با آناناس از آنها پذیرائی میکردیم و خلاصه وضع بصورتی در آمده بود که ما هم اتاقی «آناناس» زده شده بودیم. در اولین مسابقه عبداللهی روی بیشتر از ۱۰ پرتاب اوت خطا کرد و بچه ها میگفتند «آناناس» او را گرفته و خلاصه تا هر کس

سال ۱۳۴۸ بود و همراه تیم جوانان برای شرکت در مسابقات جوانان آسیا به مانیلا (پایتخت فیلیپین) رفته بودیم و محل اقامتمان هم هتلی بود که یک طبقه آنرا در اختیار داشتیم: من، حجازی، بروین و عبداللهی هم اتاق بودیم و کارهایمان را مشترکاً انجام میدادیم. ما قبلاً او «آناناس» های فیلیپین خیلی تعریف شنیده بودیم و بهمین خاطره خیلی زود: «چند ساعت بعد از رسیدن به هتل» بفکر افتادیم امتحان کنیم ببینیم چی هست که آنقدر ازش تعریف میکنند.

خببتکار هتل را صدا کردیم: مختصر بولی به او. دادیم تا برایمان «آناناس» بخرد: رفت و مدتی بعد عرق ریزان با یک گونی روی دوشش آمد! تا گفتیم: پس آناناس کو؟ گونی را گذاشت وسط اتاق و کوهی آناناس ریخت روی زمین فهمیدیم

در سالهایی که چندان دور از ستارگان فوتبال ایران در گروه مهاجمین بود و بعنوان گوش چپی پر فروغ در جمع ملی پوشها درخشش داشت: ولی بناگاه یک حادثه او را از صحنه فوتبال دور کرد: آنهم در شرایطی که روز بروز موقعیتی موفقتر و دلپذیرتر در فوتبال ایران بدست میآورد.

در یک دیدار دوستانه ملی با حرفی از شوروی که بازی نیز در مسجدیه برگزار میشد دوگرودار جدال برای تصاحب توپ فوروک پای چپش: زیر فشار استوکه‌های مدافع روس شکست و این شروع دودانی سخت برای این بازیگر کوچک اندام و پرتوان بود و همچنین آغازی برسرگردانی چند ساله.

آسیب دیدگی با تا مدتها او را از فوتبال بدور نگاهداشت و وقتی بمیدان بازگشت دیگر آن «حاج محمد» نبود که تا چندی پیش پرفروغ در میدان خودنمایی میکرد: و باید گفت اگر این حادثه برایش پیش نیامد بدون تردید سالها در فوتبال ایران درخشان باقی میماند ولی باین ترتیب یک آسیب دیدگی در روزهای موفقت و قدرت او را از اوج به زیر کشاند.

فوتبال را با جوانان دیهم آغاز کرد و بعد بجمع تاجیها پیوست و با تاج به اوج رسید: اولین افتخار را همراه تیم ملی جوانان بدست آورد که در سال ۱۳۴۸ در مسابقات فوتبال قهرمانی جوانان آسیا «فیلیپین» بعنوان سوم دست یافت و مدتی بعد در دیدارهای جام عمران منطقه‌ای در تهران بران تیم ملی را نیز پوشید.

در دوران او جشن پیکان با رقمی که در آنزمان قابل ملاحظه و کم نظیر بود خواستار او شد ولی نتوانست از باشگاهی رضایت نامه بگیرد و در تاج باقی ماند: و روز بروز درخشانش میشد تا اینکه آن حادثه برایش پیش آمد.

بعد از مدتها دوری از میدان با ترک تاج به تیم عقاب رفت ولی نتوانست مکانی برای خودنمایی بدست آورد و فصل گذشته به تیم تازه شکل گرفته دارائی پیوست.

بهر تقدیر باید پذیرفت او قربانی یک آسیب دیدگی است که باید شانس اسیر حادثه شد و حالا ور میخواید باز هم چون گذشته‌اش درخشان و بی شک هنوز قدرت دارد تا بازیگری موفق بخصوص اینکه با ۲۲ سال سن فرصت زیادی پیش دارد.

«حاج محمد» در مورد خاطره‌ای از دوران ورزشی‌اش آنچه در زیر آمده است: تعریف کرد. خاطراتی که در آنها مسئله پیروزی و شکست و این قبیل در میان باشند زیاد داریم: بعنوان مثال کسب مدال برنز مسابقات جوانان آسیا و یا عنوان قهرمانی بازیهای جام باشگاههای آسیا با تاج. غیره ولی میخوام جدا از مسائل برد و باخت و مدال و قهرمانی چیزی را تعریف کنم که در سالهای اولی که عضویت تیم ملی جوانان در آندم برایم اتفاق افتاد این: شاید «خاطره» به آن متنی که همه تعریف میکنند نباشد ولی هر وقت به یاد آن می افتم دوران خوب گذشته بخاطرهم میآید.

جدید
مخصوص آقایان

عطرمام مخصوص آقایان
برای تمام بدن

MUM®
عطر
مام

عطرمام مخصوص آقایان ترکیبی است استثنائی از ادوکلن به صورت اسپری همه‌ا یادلودو رانت برای تمام بدن.

برتر و محبوب‌تر با عطرمام

یاماها ۳۵۰ تازه ترین پدیده التهاب موتور سواری

یاماها موتور سیکلت برتر

شماره چندین سال تجربه در سازندگی قویترین موتور سیکلت ها و حاصل آخرین بررسی ها و تفحصات و تحقیقات معروفترین مهندسان جهان



یاماها ۳۵۰ سریع، پر قدرت و محکم

- * جهش فوق العاده.
- * شش دنده با سرعت خیره کننده.
- * انعطاف ویژه برای مشکل ترین مانورها.
- * بی نظیرترین ترمز دیسک برای توقف سریع.

یاماها ۳۵۰

اطمینان بخش و لذت دهنده



53 1-8

شرکت سیکلت پارت - بلوار الزابت - کوچه سوم - تلفن ۵۲ تا ۶۳۹۵۵۰

